اشخاص و گروه ها در قرآن

(محورهای کاربردی در رسانه ملی)

فاطمه شریفی

بسم الله الرحمن الرحیم

اشخاص و گروه ها در قرآن (محورهای کاربردی در رسانه ملی)

نویسنده:

فاطمه شریفی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

اشخاص و گروه ها در قرآن (محورهای کاربردی در رسانه ملی)

مشخصات کتاب

سرشناسه : شریفی، فاطمه، ۱۳۴۷ -

عنوان و نام پدیدآور : اشخاص و گروه ها در قرآن (محورهای کاربردی در رسانه ملی)/ فاطمه شریفی.

مشخصات نشر : قم: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهشهای اسلامی، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری : ۳۰۲ ص.

فروست : مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما؛ کد ۱۸۹۵.

شابک : ۹۲۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۴-۲۷۲-۶ :

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : کتابنامه: ص. ۲۹۷ - ۳۰۲؛همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : قرآن-- بررسی و شناخت

موضوع : پیامبران در قرآن

موضوع : زنان مقدس مسلمان

موضوع : زنان در قرآن

موضوع : سنخ شناسی (دین)

شناسه افزوده : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره : BP۸۸/ش۶‏۳۸۶الف۵ ۱۳۹۲

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۵۶

شماره کتابشناسی ملی : ۳۰۹۵۳۱۰

ص: ۱

اشاره

ص: ۲

ص: ۳

ص: ۴

ص: ۵

ص: ۶

ص: ۷

دیباچه

دیباچه

قرآن کتاب هـدایت است. کتاب پنـد و انـدرز و عبرتگیری است. کتابی است که هیـچ باطل و گزافه و مبالغهای در آن راه نـدارد و همه از سوی خداوند حکیم نازل شده است.

قرآن برای هدایت و ارشاد مردم از روش معرفی الگو نیز بهره برده است. ازاین رو هم به بیان الگوهای مثبت پرداخته که باید آنها را سرلوحه زندگی قرار داد و هم به الگوهای منفی پرداخته که باید از آنها اجتناب و پرهیز داشت.

بنابراین برای پاسخ به نیاز جامعه به الگوهای سازنـده و واقعی و جلوگیری از رخنه الگوهای کاذب غربی که روح و قلب جوانان ما را هدف قرار دادهاند، جا دارد تا نهادهای فرهنگی از جمله رسانه ملی در ترویج این الگوها و شخصیتهای قرآنی گامهای اساسیتری بردارند.

بر این اساس تحقیق حاضـر بر آن است تا با بیان شخصـیتهای مثبت و منفی از مردان و زنان و بیان شناسـههای مختلف زنـدگی آنان چون، شناسه اسمی، شناسه رفتاری و اخلاقی، شناسه تبلیغی و... گامی در جهت معرفی آنها بردارد.

ص: ۸

در پایان از پژوهشگر ارجمند سرکار خانم فاطمه شریفی که در تألیف و تدوین این اثر زحمت کشیدند سپاسگزاری و قدردانی میشود. امید است این اثر مورد قبول برنامهسازان و مدیران ارشد رسانه ملی قرار گیرد.

و من الله التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما

ص: ۹

پیشگفتار

اشاره

پیشگفتار

علاقه و توجه مسلمانان به سرگذشت صالحان و اقوام گذشته، زمینه ای برای پژوهش های قرآنی و تاریخی فراهم کرده است که بخشی از آن به تفحص و تحقیق در زندگی انبیا مربوط می شود. از آنجا که انسان به الگوهای عینی نیازمند است تا راهنمای او در زندگی باشند، داستان های قرآن، به ویژه بخش های مربوط به پیامبران، تنها به منظور خواندن حکایت های شنیدنی و پندآموز نیست، بلکه واقعیت های تاریخی است که بر قابلیت الگو بودن قهرمانان اصلی این داستان ها می افزاید. برای نمونه، در قرآن، نوح علیه السلام در پایداری و مقاومت (عنکبوت: ۱۴)، ابراهیم علیه السلام ، در توحید و بت شکنی (انبیا: ۵۲)، موسی علیه السلام در رهبری و مبارزه با استکبار (ابراهیم: ۵)، عیسی علیه السلام در مهربانی (مائده: ۱۱۸) و محمد صلی الله علیه و آله در مکارم اخلاق (قلم: ۴) به عنوان اسوه معرفی شده اند. از آنجا که فهم درست مطالب به بررسی دقیق شخصیت ها و ویژگی آنها بستگی دارد، با گردآوردن مجموعه ای از شخصیت ها و ویژگی هایشان می توان تصاویری روشن تر از چهره های قرآنی آن گونه که شایسته است به تصویر کشید و با توجه به نیازهای جامعه، برنامه هایی را به مخاطبان رسانه عرضه کرد.

از آن جا که در آغاز هر پژوهش، تبیین دقیق موضوع، ضروری است، به دسته بندی اجمالی از انواع شخصیت ها در قرآن اشاره می کنیم.

ص: ۱۰

۱. دسته بندی شخصیت ها در قرآن

۱. دسته بندی شخصیت ها در قرآن

الف) انسان ها: شامل پیامبران الهی و دشمنان آنان (مردان و زنان) می شود.

ب) موجودات فرا ماده

یک ملائکه گاهی به صورت انسان بر برخی پیامبران ظاهر می شدند، نمونه آن در ماجرای ابراهیم علیه السلام است که برای بشارت تولد اسحاق و یعقوب آمده بودند. (هود: ۶۹ ۷۶) و (حجر: ۵۱ ۵۶) نمونه دیگر، هاروت و ماروت هستند؛ دو فرشته ای که ابطال سحر را به مردم می آموختند. (بقره: ۱۰۲) حضور ملائکه را در آگاه کردن لوط علیه السلام از عذاب قومش (هود: ۶۹ ۷۶) و (حجر: ۶۱ ۷۷) نیز می بینیم.

دو جن: نمونه برجسته آن، ابلیس است که در ماجرای خلقت انسان حضور داشت. (بقره: ۳۴ ۳۶)

ج) حیوانات: از قبیل مورچه و هدهد در داستان حضرت سلیمان علیه السلام . (نمل: ۱۹ ۲۷)

د) اشیا: مانند عصای حضرت موسی علیه السلام . (شعرا: ۳۰ ۳۲)

۲. دسته بندی شخصیت های انسانی در قرآن

اشاره

۲. دسته بندی شخصیت های انسانی در قرآن

از میان شخصیت های قرآنی در این پژوهش، فقط برخی از شخصیت های انسانی بررسی می شود.

الف) پیامبران

الف) پیامبران

اول پیامبرانی که نامشان به صورت صریح در قرآن ذکر شده است، مانند موسی علیه السلام (طه: ۷۷) و ابراهیم علیه السلام (بقره: ۱۳۲) و... .

دوم پیامبرانی که نامشان در قرآن ذکر نشده، ولی قرآن با آوردن صفت یا صفاتی از آنان یاد کرده است، مانند «فَوَجَدَا عَبْدًا مِّنْ عِبَادِنَا آتَیْنَاهُ...» (کهف: ۶۵) که در مورد حضرت خضر علیه السلام است.

ص: ۱۱

در این پژوهش تلاش شده است تنها شخصیت هایی (فردی و گروهی) که نامشان به طور صریح در قرآن آمده است، بررسی شوند. از پیامبرانی هم که نامشان صریحاً ذکر نشده است، تنها چند مورد مهم، برای آشنایی خوانندگان ذکر می شود، چون

۱. عموم انسان ها علاقه زیادی دارند با زندگی شخصیت هایی که نام آنها در قرآن آمده است، آشنا شوند و آنان را الگو و سرمشق خود در زندگی قرار دهند که حضرت نوح علیه السلام از آن جمله است.

۲. به برخی شخصیت های فرعی، مانند برادران حضرت یوسف علیه السلام در کنار شخصیت های اصلی (صریح) توجه می شود.

۳. ذکر اسامی غیرمصرّح شامل بیان شأن نزول ها هم می شود که پرداختن به آنها از گنجایش این کتاب خارج است.

ب) غیر پیامبران

اشاره

ب) غیر پیامبران

زیر فصل ها

اول مردان

دوم زنان

سوم گروهی

اول مردان

اول مردان

۱. مردانی که عملکرد مثبت داشته اند،(۱) مانند طالوت (بقره: ۲۴۲ ۲۵۲) و (لقمان: ۱۲) و... .

۲. مردانی که عملکرد منفی داشته اند، مانند قارون (قصص: ۷۶) و فرعون (یونس: ۸۳).

دوم زنان

دوم زنان

۱. زنانی که عملکرد مثبت داشته اند.

۲. زنانی که عملکرد منفی داشته اند.

در قرآن از بین زنان، تنها نام حضرت مریم علیها السلام به طور صریح ذکر شده و از دیگر شخصیت های زن در قرآن با تعبیرهای مختلف و به طور غیرمستقیم یاد شده است.

۱- نمونه بارز این مردان، معصومان و اهل بیت: هستند که چون نامشان به طور صریح در قرآن ذکر نشده است، از آوردن آن معذوریم. آیه تطهیر (احزاب: ۲۲) و آیه مباهله (آل عمران: ۶۱).

ص: ۱۲

سوم گروهی

سوم گروهی

در قرآن از این گروه ها با عنوان ها و صفات مختلفی یاد شده است که برخی مثبت و برخی دیگر منفی است.

الف) گاه با لفظ قوم مانند قوم عاد (اعراف: ۶۹) یا قوم سبأ (سبأ: ۱۹) و... .

ب) گاه با آوردن صفات از آنان یاد شده است:

یک گاه به صورت جمع سالم است، مانند: مسلمین (انعام: ۱۶۱ ۱۶۳)، منافقین (توبه: ۶۷)، سابقون (واقعه: ۱۱) و...؛

دو گاه به صورت جمع مکسر است، مانند: رُسُلْ (هود: ۷۷ ۸۳) و رسلنا (عنکبوت: ۳۲ ۳۵) و گاه با لفظ اصحاب آورده شده است.

سه گاه به صورت اسم جمع است، مانند: نساء (نسا: ۴ ۳۴) و ناس (ناس: ۱)؛

چهار گاه با عنوان «آل» به معنی پیروان آورده شده است، مانند: آل فرعون (غافر: ۴۵) و آل یعقوب (بقره: ۳۲)؛

از میان موارد بالا، گروه هایی را که با عنوان «آل» و «اصحاب» به صورت صریح در قرآن آمده است (مثبت و منفی)، به دلیل تأثیر بیشتر، ملموس و عینی بودن و آشنایی بیشتر مردم با نامشان، بررسی خواهیم کرد.

نمودار شخصیت های قرآنی

الف) انسان ها ب) موجودات فرامادە ج) حیواناتد) اشیا

فردی گروهی ملائکه جن

پیامبران غیرپیامبران

با ذکر نام بدون ذکر نام مردان زنان

با عملکرد مثبت با عملکرد منفی با عملکرد مثبت با عملکرد منفی

ص: ۱۳

۳. طرح و تبیین مسئله

۳. طرح و تبیین مسئله

قرآن کریم نسبت به ذکر شخصیت های خود، دو روش را انتخاب کرده است. در یک روش، از برخی شخصیت ها، مانند پیامبران به طور صریح یاد می کند و در روش دیگر، تنها به شخصیت داستان ها اشاره می کند و از آنها نام نمی برد؛ یعنی به معرفی افراد، مکان ها و اشیایی می پردازد که در نتیجه آن، شخصیت به صورت کنایه و اشاره مطرح می شود. در این پژوهش، شخصیت هایی (پیامبران و غیرپیامبران) را که نامشان در قرآن ذکر شده است، از جنبه های زیر، شناسایی و بررسی خواهیم کرد: (در صورت وجود و پرداختن قرآن به آنها)

شناسه فردی (اسمی) (نام، لقب و عنوان های مطرح شده در قرآن با معانی)؛

شناسه جسمی (شکل ظاهری فرد از نظر قد، قیافه، رنگ چهره، مو و...)؛

شناسه شغلی و خدماتی (شغلی که داشته و خدماتی که انجام داده است)؛

شناسه رفتاری و روانی (رفتارهای مثبت و منفی فرد)؛

شناسه فکری و عقیدتی(۱) (موحد، مشرک، کافر و اعتقادات در حد چند مورد)؛

شناسه تبلیغی (چند مورد از روش های تبلیغی که برای دعوت مردم به کار رفته است)؛(۲)

شناسه خانوادگی (نسب، پدر، مادر، خواهر، برادر، همسر، فرزند و...)

شناسه قومی (مشخصات مربوط به قوم)؛

شناسه حکومتی (حاکمان دوران مربوط به شخصیت به طور خلاصه)؛

۱- یادکرد برخی صفات (اخلاقی، عقیدتی) برای برخی پیامبران به معنای نفی آن صفت در پیامبران دیگر نیست، بلکه به دلیل یادکرد قرآن از آن ویژگی است. مثلاً یاد خدا بودن چنین نیست که فقط در حضرت سلیمان۷ بوده، و در پیامبران دیگر نبوده است.

۲- این عنوان بیشتر شامل انبیای الهی می شود.

ص: ۱۴

شناسه جغرافیایی (موقعیت جغرافیایی شخصیت)؛

شناسه فرهنگی و زبانی (زبان شخصیت، محیط و فرهنگ غالب بر آن).

۴. مفهوم شناسی

۴. مفهوم شناسی

مهم ترین واژه ای که در این پژوهش بررسی می شود، «شخصیت» است.

«شخصیت» در لغت به معنی شرافت، رفعت، بزرگواری، مرتبه و درجه است.(۱) در اصطلاح روان شناسی، شخصیت یا منش عبارت است از مجموع نفسانیات (احساسات، افکار، عواطف و...).(۲) به عبارت دیگر، شخصیت یعنی عنصر ثابت رفتار فرد، شیوه بودن او و به طور کلی، آنچه همواره با اوست و موجب تمایزش از دیگران می شود.(۳)

از دیدگاه علوم اجتماعی، شخصیت، مجموعه ویژگی هایی است که فردی را از فرد دیگر مشخص و متمایز می سازد. شخصیت، نظامی است که در جریان تداخل و تأثیر متقابل فرد و جامعه، در فرد به وجود می آید. همچنین شخصیت را محصول نقش و مقام هایی می دانند که فرد در گروه یا گروه هایی که عضو آنهاست، بر عهده می گیرد. (۴)

۵. پیشینه پژوهش

۵. پیشینه پژوهش

درباره زندگی پیامبران کتاب های زیادی نوشته شده است که به چند نمونه اشاره می کنیم:

الف) قصص الانبیا: در ۲۸ بخش به خصوصیات پیامبران، داستان زندگی پیامبران و اصحاب آنها پرداخته و در آخر، اطلاعاتی در مورد بنی اسراییل و گروهی از پادشاهان آورده است. نویسنده آن الجزایری است.

۱- علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۹، ص ۱۴۱۸۳.

۲- علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۹، ص ۱۴۱۸۳.

۳- روان شناسی عمومی، ص ۳۱۶.

۴- علیرضا سایان مهر، دایره المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، ص ۳۳۳.

ص: ۱۵

ب) قصه های قرآن: آیت الله ناصر مکارم شیرازی این اثر را در سه بخشِ سرگذشت پیامبران، دیگر داستان های قرآنی و داستان پیامبر اسلام با استفاده از تفسیر نمونه گردآورده است.

ج) حیوه القلوب یا تاریخ پیامبران: دو جلد آن مربوط به زندگی پیامبران است که در بیان تاریخ احوال، صفات و معجزه های پیامبران و برخی بندگان شایسته خداست. همچنین احوال برخی پادشاهان را در ۳۸ باب آورده است. این کتاب اثر علامه مجلسی است.

د) تاریخ انبیا (قصص القرآن): داستان زندگی ۲۵ تن از پیامبران مطرح را بیان کرده است. نویسنده آن، جعفر قدسی میرحیدری است.

ه) قصص الانبیا: جلد اول در مورد پیدایش عالم، آفرینش آدم، نبوت، اعجاز و وحی است و جلد دوم، تعداد پیامبران، زندگی، آیات مربوط و سال هبوط هر پیامبر را بیان کرده است. این کتاب اثر عماد الدین اصفهانی، مشهور به عمادزاده است.

و) داستان قرآن و پیامبران در المیزان: علامه سید محمدحسین طباطبایی بیان قصص خود، از روش تفسیر قرآن به قرآن استفاده و تلاش کرده است به آیات حاکی از یک قصه، ترتیب زمانی بدهد و از مجموع آیات مربوط، یک قصه کامل قرآنی فراهم آورد. در ذیل هر داستان، فصلی با عنوان بحث روایی آورده که ضمن نقل روایات از منابع تشیع و تسنن، آنها را نقد کرده است. از دیگر روش های او، بررسی تطبیقی قصص قرآن با تورات و انجیل بود تا از این طریق، خواننده به حقانیت قصص قرآن پی ببرد، علامه، داستان پیامبران را با رعایت تسلسل تاریخی بیان کرده است. گردآورنده این کتاب، حسین فعال عراقی است.

ز) داستان پیامبران در تورات، تلمود، انجیل و قرآن و بازتاب آن در ادبیات فارسی: شامل ۲۴ کتاب است. نویسنده در هر کتاب، ابتدا جایگاه هر پیامبر را در عهد عتیق و سپس در تلمود و قرآن بررسی می کند. در ادامه،

ص: ۱۶

روایات تورات و قرآن را با هم مقایسه و بازتاب داستان آن پیامبر را در ادبیات فارسی بیان می کند. این کتاب اثر محمد لاریجانی است.

ح) قصص الانبیا: شامل ۱۱۷ قصه است که از زندگی بعضی پیامبران، چند قصه نقل کرده است.

در پایان هر داستان، به استناد منابعی از تورات، انجیل و ترجمه تفسیر طبری اشاره شده است که موارد اختلاف و گوناگونی را بیان می کند. نویسنده این اثر، ابواسحاق ابراهیم نیشابوری است که این کتاب را با آشنایی و تسلط کامل بر قرآن و تفسیر طبری نوشته است.

وجه تمایز پژوهش پیش رو با موارد یادشده در آن است که در این نوشتار، شخصیت های انسانی شامل پیامبران و غیرپیامبران در حد گنجایش این تحقیق (شناسه فردی، ظاهری، شغلی، رفتاری، عقیدتی، قومی، فرهنگی) از ابعاد مختلف بررسی می شوند و سعی شده است در یادکرد شخصیت ها، سیر تاریخی در حدّ امکان رعایت شود.

۶. اهداف پژوهش

۶. اهداف پژوهش

الف) بیان کاربرد شخصیت های قرآن در زندگی فردی و اجتماعی؛

ب) آشنایی با زندگی و خصوصیات شخصیت های قرآنی و استفاده در برنامه ها به عنوان ابزاری تبلیغی برای تقویت جنبه های دینی و معنوی؛

ج) استفاده از الگوهای صحیح و مناسب، با توجه به شخصیت های مثبت و پند و عبرت گیری از سرنوشت شخصیت های منفی و عاقبت هر گروه در برنامه سازی؛

د) بررسی ویژگی هر یک از شخصیت ها، از ابعاد مختلف (فردی، اخلاقی، عقیدتی، تبلیغی و...) برای شناخت کامل آنها برای استفاده در برنامه سازی مستند از شخصیت ها.

ص: ۱۷

بخش اول: پیامبران

اشاره

بخش اول: پیامبران

زیر فصل ها

فصل اول: پیامبرانی که نامشان در قرآن ذکر شده است

فصل دوم: پیامبرانی که فقط وصفشان در قرآن آمده است

ص: ۱۸

ص: ۱۹

فصل اول: پیامبرانی که نامشان در قرآن ذکر شده است

اشاره

فصل اول: پیامبرانی که نامشان در قرآن ذکر شده است

زیر فصل ها

حضرت آدم علیه السلام

حضرت نوح علیه السلام

حضرت ادریس علیه السلام

حضرت هود علیه السلام

حضرت صالح علیه السلام

حضرت ابراهیم علیه السلام

حضرت اسماعیل علیه السلام

حضرت لوط علیه السلام

حضرت اسحاق علیه السلام

حضرت یعقوب علیه السلام

حضرت یوسف علیه السلام

حضرت ایوب علیه السلام

حضرت شعیب علیه السلام

حضرت موسی علیه السلام

حضرت هارون علیه السلام

حضرت الیاس علیه السلام

حضرت الیسع علیه السلام

حضرت ذی الکفل علیه السلام

حضرت داوود علیه السلام

حضرت سلیمان علیه السلام

حضرت یونس علیه السلام

عزیر علیه السلام

حضرت زکریا علیه السلام

حضرت یحیی علیه السلام

حضرت عیسی علیه السلام

حضرت آدم علیه السلام

اشاره

حضرت آدم علیه السلام

زیر فصل ها

۱. شناسه اسمی آدم علیه السلام

۲. شناسه رفتاری و روانی آدم علیه السلام

۳. شناسه تبلیغی حضرت آدم علیه السلام

۴. شناسه خانوادگی حضرت آدم علیه السلام

۵. شناسه جغرافیایی آدم علیه السلام

۶. شناسه زبانی آدم علیه السلام

۱. شناسه اسمی آدم علیه السلام

۱. شناسه اسمی آدم علیه السلام

حضرت آدم علیه السلام ، نخستین پیامبر الهی و پدر بشر است که قرآن ۲۵ بار از او یاد کرده و داستان خلقت و زندگانی وی را باز گفته است.

حضرت آدم علیه السلام به القابی چون ابوالبشر، خلیفه الله،(۱) صفی الله، ابوالوری، ابومحمد و معلم الأسما خوانده شده است.(۲)

در مورد علت نام گـذاری آدم گفته انـد: چون از خاک روی زمین آفریـده شده، آدم نام گرفته است.(۳) برخی نویسندگان، چهار دلیل برای نام گذاری آدم علیه السلام ذکر کرده اند:

۱. چون از خاک روی زمین آفریده شد؛

۲. به دلیل گندم گون بودن رنگ چهره؛

۳. از عناصر و نیروهای گوناگون آفریده شد؛

۴. چون روح خداوند در او دمیده شده، نیکو گردیده است.(۴)

۱- محمد فؤاد عبدالباقی، المعجم المفهرس، ص ۳۲، «آدم».

۲- به کوشش: احمد صدر، حاج سید ج وادی و کامران فانی، دایره المعارف تشیع، ج ۱، ص ۲۳.

۳- أبی علی الفضـل بن الحسن طبرسـی، مجمع البیـان، ج ۲۱، ص ۱۷۹؛ ابن ج ریر طبری، جـامع البیان، به کوشـش: صـدقی ج میل العطار، ج ۱، ص ۳۰۷.

۴- راغب اصفهانی، المفردات الالفاظ القرآن، به کوشش: صفوان عدنان داوودی، ص ۷۰، ذیل «آدم».

ص: ۲۰

برخی آورده اند که آدم ابتدا به اعتبار معنای وصفی درباره حضرت آدم علیه السلام به کار رفته و سپس به صورت عَلَم درآمده است.(۱)

۲. شناسه رفتاری و روانی آدم علیه السلام

اشاره

۲. شناسه رفتاری و روانی آدم علیه السلام

الف) دمیده شدن روح خدایی در او: این ویژگی از مهم ترین فضایل آدم علیه السلام است که دلیل کرامت و شرافت او به شمار می آید. همین امر سبب شده است که ملائکه بر او سجده کنند، چون این روح حامل تمام فضیلت ها بوده است: «وَ نَفَخْتُ فيهِ مِنْ رُوحی» (حجر: ۲۹)؛ (۲)

ب) برگزیده خدا بودن: «إِنَّ اللّهَ اصْطَفی آدَمَ...» (آل عمران: ۳۳)؛

ج) برخوردار بودن از استعدادهای فراوان برای یادگیری اسما و حقایق غیبی؛

قرآن می فرماید: «وَ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْماءَ كُلَّها» (بقره:۳۱). در ماهیت اسما که به برتری آدم انجامید و چگونگی آموزش آن گفته اند: خداوند معانی نام ها را به آدم آموخت؛ زیرا آموختن نام ها بدون معنا سودی ندارد و فضیلتی به شمار نمی آید.(۳) همچنین گفته شده: خداوند نام های آفریدگار و آفریدگان را به آدم علیه السلام آموخت و آدم با دانستن نام های آفریدگان، بر فرشتگان برتری یافت؛(۴)

د) موجودی برتر از ملائکه بودن: برخی گفته اند آدم علیه السلام در سه مرحله بر فرشتگان برتری یافت:

یک قدرت فکری و عقلی برای یادگیری اسما؛

دو قدرت تصرف و تدبیر برای آشکار کردن خواص در طبیعت؛

سه احاطه علمی بر اسما و صفات ملائکه؛(۵)

۱- سید حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص ۵۲، ذیل «آدم».

۲- سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۲۵.

۳- طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، به کوشش: حبیب العاملی، ج ۱، صص ۱۳۸ و ۱۳۹؛ مجمع البیان، ج ۱ ۲، ص ۱۸۰.

۴- محمدرشید رضا، المنار، ج ۱، ص ۲۶۳.

۵- سید محمود طالقانی، پرتوی از قرآن، ج ۱، ص ۱۲۱.

ص: ۲۱

ه) برخوردار شدن از مقام عصمت پس از هبوط به زمین و انتخابش به نبوت (آل عمران: ۳۳): «هبوط» در لغت به معنای فرود اجباری است(۱) و برخی آن را پایین آمدن سریع معنا کرده اند.(۲) همچنین گفته شده منظور از هبوط و نزول آدم به زمین، پایین آمدن از مقام ارجمند و بهشت به زمین است.(۳)

و) لغزش و نافرمانی آدم علیه السلام : در مورد لغزش و نافرمانی آدم علیه السلام گفته اند آدم علیه السلام هنگام ارتکاب به این لغزش، تکلیف نداشته، بلکه در حال آماده کردن خود برای استقرار در زمین بوده است. پس این نهی، فقط آزمایشی بوده(۴) و آنچه آدم مرتکب شده، ترک اولی بوده، نه گناه.(۵) همچنین گفته شده آدم هنگام ارتکاب آن نهی، هنوز به مقام نبوت نرسیده بود.(۶)

از دیگر رفتارهای آدم علیه السلام ، سرپیچی از فرمان خداوند بود که او را از نزدیک شدن به درخت ممنوعه بازداشت (طه: ۱۲۱). به فرموده امام رضا علیه السلام : «عصیان آدم پیش از نبوت او بوده است».(۷)

آثار عصیان آدم:

آثار عصیان آدم:

اول نمایان شدن زشتی ها(۸) (اعراف: ۱۹ ۲۲)؛

دوم دوری از مقام قرب الهی (اعراف: ۲۲)؛

سوم ستم به خود «فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ» (بقره: ۳۵).

۱- مفردات الالفاظ القرآن، ص ۸۳۲، ذیل واژه «هبط».

۲- التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۳۷۵.

۳- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۱۸۷.

۴- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۱۸۷.؛ المیزان، ج ۱، ص ۱۴۵.

۵- التبیان، ج ۱، ص ۱۶۲؛ المیزان، ج ۱، ص ۱۳۰.

۶- المنار، ج ۷، ص ۵۱۳.

۷- محمد بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، عیون أخبار الرضا۷، ج ۱، ص ۱۹۵.

۸- مراد از «سوءاتهما» توجه به شرمگاه طرفین بود که با ورق الجنه پوشانده شد.

ص: ۲۲

عوامل نفوذ شیطان و انجام دادن عصیان

عوامل نفوذ شیطان و انجام دادن عصیان

اول حرص و طمع (اعراف: ۲۰) و (طه: ۱۲۱ ۱۲۲)؛

دوم وسوسه و فریب شیطان (بقره: ۳۵ ۳۶)؛

سوم ضعف اراده (طه: ۱۱۵ ۱۲۱)؛

چهارم فراموش کردن پیمان با خدا (طه: ۱۱۵ ۱۲۰و۱۲۱)؛

پنجم گرایش به زندگی جاوید دنیوی (اعراف: ۲۰).(۱)

۳. شناسه تبلیغی حضرت آدم علیه السلام

۳. شناسه تبلیغی حضرت آدم علیه السلام

حضرت آدم علیه السلام نخستین پیامبر الهی است که خداوند او را جانشین خود در زمین قرار داد.(۲) چنان که قرآن می فرماید: «إِنِّی جَاعِلٌ فِی الأَرْضِ خَلِیفَهً» (بقره: ۳۰). در جای دیگری نیز فرمود: «إِنَّ اللّهَ اصْطَفَی آدَمَ...». (آل عمران: ۳۳).

برخی مفسران، سخن گفتن خداوند با حضرت آدم را نشانه پیامبری او دانسته اند.(۳)

از آنجا که حضرت آدم علیه السلام ، مانند دیگر پیامبران، دارای مقام نبوت و رسالت بود، خداوند با این مسئولیت، او را به سوی فرزندانش یا فرشتگان یا همسرش برانگیخت.(۴)

همچنین گفته شده آدم علیه السلام صاحب شریعت بوده است که در این شریعت, عبادت خدا مطرح بود و قرآن از وجود حلال و حرام و آموختن آنها به بندگان خدا و فرزندان خویش مانند قربانی کردن برای خدا خبر داده است. شریعت آدم علیه السلام تا زمان نوح (نزدیک به ۱۰ قرن پس از آدم) ادامه داشته و آنگاه اختلاف شرایع مطرح شده است.(۵)

۱- اکبر هاشمی رفسنجانی، فرهنگ قرآن، ج ۱، صص ، ۲۰۰ ۲۰۲.

۲- مجمع البیان، ج ۹ ۱۰، ص ۷۲۲؛ ابن الجمعه العروسی الهویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۶۲.

۳- المیزان، ج ۱، ص ۱۵۰.

۴- رشیدالدین ابوالفضل میبدی، تفسیر کشف الاسرار، ج ۱، ص ۱۳۸؛ مجمع البیان، ج ۱ ۲، صص ۱۸۱ ۱۸۶.

۵- المنار، ج ۷، ص ۶۰۲.

ص: ۲۳

۴. شناسه خانوادگی حضرت آدم علیه السلام

اشاره

۴. شناسه خانوادگی حضرت آدم علیه السلام

زیر فصل ها

الف) نام همسر آدم

ب) فرزندان آدم علیه السلام

ج) چگونگی ازدواج فرزندان آدم علیه السلام

الف) نام همسر آدم

الف) نام همسر آدم

نام او به صورت صریح در قرآن نیامده، ولی در تفاسیر و روایات او را «حوا» نامیده اند؛(۱) چون از موجود زنده و حی، خلق شده است.(۲) برخی معتقدند که خداوند، حوا را از جنس آدم یا از باقی مانده گلی که آدم را از آن پدید آورد، آفرید تا با او انس بگیرد.(۳) قرآن در این باره می فرماید: «خَلَقَکُمْ مِنْ نَفْسٍ واحِدَهٍ وَ خَلَقَ مِنْها زَوْجَها...؛ همه شما را از یک انسان آفرید؛ و همسر او را از جنس او خلق کرد...».(۴) (نساء: ۱)

ب) فرزندان آدم علیه السلام

ب) فرزندان آدم علیه السلام

بنابر روایات، حوا در بیست بار، چهل فرزند به دنیا آورد. هر بار یک پسر و یک دختر. فرزندان اول: «قابیل» و «اقلیها» و فرزندان دوم: «هابیل» و «لوذا» بودند. پروردگار، نسل آدم را با برکت و شمار آنان را فراوان کرد و به او عمر طولانی داد. آدم علیه السلام ، هابیل را جانشین خود کرد و این امر سبب کینه توزی و حسدورزی قابیل شد. در نتیجه، برادرش، هابیل، را کشت.(۵) خداوند، پسر دیگری به نام «هبه ال...» به آدم علیه السلام عطا کرد. آدم علیه السلام به طور محرمانه او را جانشین خود قرار داد و اسرار نبوت را به وی سپرد.(۶)

ج) چگونگی ازدواج فرزندان آدم علیه السلام

ج) چگونگی ازدواج فرزندان آدم علیه السلام

قرآن درباره ازدواج فرزندان آدم علیه السلام می فرماید: «... وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالاً كَثِيرًا وَنِسَاء...؛ و از آن دو، مردان و زنان فراوانی (در روی زمین) منتشر ساخت.» (نساء: ۱)

۱- مجمع البیان، ج ۱ ۲، ص ۱۹۴؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۶۳؛ محمود بن عمر زمخشری، الکشاف، ج ۱، صص ۱۲۸و۱۲۹.

۲- محمد بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، علل الشرایع، ص ۱۶.

۳- المیزان، ج ۴، ص ۱۳۶.

۴- نک: اعراف: ۱۸۹و زمر: ۶.

۵- برخی مفسران پـذیرفته شـدن قربانی هابیل و رد شدن نذر قابیل را، علت کینه توزی و حسدورزی قابیل و انگیزه او برای کشـتن هابیل می دانند (مجمع البیان، ج ۳ ۴، ص ۱۸۳).

۶- کشف الاسرار، ج ۳، صص ۹۲ و۹۳؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۲۵.

ص: ۲۴

علامه طباطبایی در این باره می گوید: فرزندان آدم و حوا با یکدیگر ازدواج کرده اند. او در مورد حرام بودن ازدواج محارم نیز گفته است: این حکم شرعی و تابع مفاسد و مصالح است، نه یک حکم تکوینی و تغییرناپذیر، که در آن زمان مانعی برای انجام دادن آن وجود نداشته، بلکه مصالح و ضرورت اقتضا می کرده است. علامه مجلسی نیز این نظر را می پذیرد و می گوید: «این کار در آن زمان، مشروع و مباح بوده و پس از آن حرام گشته است».(۱)

۵. شناسه جغرافیایی آدم علیه السلام

۵. شناسه جغرافیایی آدم علیه السلام

باستان شناسان معتقدند انسان اولیه، در شهرهای معروف بین النهرین ظهور کرده است. در شهر نیپ بور که در شمال شرقی بین النهرین واقع شده، سفالی کشف کرده اند که صورت آدم و حوا بر آن نقاشی شده است. خرابه های این شهر، نشاندهنده تمدن پیشرفته است. در وسط شهر، میدان وسیع بوده که معبد بزرگ و قلعه محکمی داشته است و شکل هندسی ساختمان ها و معابد، از ذوق و هنر سرشار آن عصر خبر می دهد.(۲)

برخی کوه «سرانديپ» (سیلان یا سری لان کا) در جنوب هندوستان را به عنوان هبوط و اقامت گاه اولیه آدم و جدّه را محل هبوط حوا می دانند.(۳)

بنابر روایتی از امام صادق علیه السلام : آدم به کوه صفا فرود آمده و علت نام گذاری این کوه به صفا، فرود آمدن «صفی الله» بر آن است. حوا بر کوه «مروه» فرود آمد و چون زن بر آن فرود آمد، آن را «مره» نامیدند.(۴)

امام علی علیه السلام در پاسخ مرد شامی که پرسید: با ارزش ترین مکان روی زمین کجاست؟

۱- المیزان، ج ۴، صص ۱۳۶و۱۳۷و۱۴۵؛ بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۲۲۵.

۲- مجله الهلال مصر، ج زء ۷، سال ۴۱، محرم ۱۳۵۲، صص ۹۶۳ ۹۶۶.

۳- کشف الاسرار، ج ۱، ص ۱۵۱.

۴- المیزان، ج ۱، صص ۱۳۹و۱۴۰.

ص: ۲۵

فرمود: مکانی به نام سراندیپ که آدم علیه السلام از آسمان به آنجا هبوط کرده است.(۱)

بر اساس برخی روایات، آدم علیه السلام در سرزمین «مکه» فرود آمده است.(۲) به نظر علامه طباطبایی، با جمع این روایات می توان نتیجه گرفت که نزول آدم علیه السلام اول به کوه سراندیپ و بعد هبوط او به مکه بوده است.(۳)

۱- بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۲۱۰.

۲- تفسیر نور الثقلین، ج ۱، صص ۶۵ ۶۶.

۳- المیزان، ج ۱، ص ۱۵۰.

ص: ۲۶

۶. شناسه زبانی آدم علیه السلام

۶. شناسه زبانی آدم علیه السلام

زبان حضرت آدم علیه السلام ، سریانی بوده است.(۱)

حضرت نوح علیه السلام

اشاره

حضرت نوح علیه السلام

زیر فصل ها

۱. شناسه اسمی حضرت نوح علیه السلام

۲. شناسه جسمی و ظاهری نوح علیه السلام

۳. شناسه شغلی و خدماتی نوح علیه السلام

۴. شناسه رفتاری و روانی نوح علیه السلام

۵. شناسه فکری و عقیدتی نوح علیه السلام

۶. شناسه تبلیغی نوح علیه السلام

۷. شناسه فامیلی نوح علیه السلام

۸. شناسه قومی حضرت نوح علیه السلام

۹. شناسه حکومتی نوح علیه السلام

۱۰. شناسه جغرافیایی نوح علیه السلام

۱۱. شناسه فرهنگی و زبانی

۱. شناسه اسمی حضرت نوح علیه السلام

۱. شناسه اسمی حضرت نوح علیه السلام

الف) حضرت نوح علیه السلام نخستین پیامبر «اولوالعزم» است. نام او ۴۳ بار در قرآن آمده و هفتادویکمین سوره قرآن به نام اوست.

نام اصلی او «عبدالغفار»، «عبدالملک» یا «عبدالاعلی» بوده است و به علت گریه زیاد وی بر حال قومش، او را نوح خواندند.(۲) همچنین وقتی مرد شامی درباره نام نوح از علی علیه السلام پرسید، حضرت فرمود: نامش «سَکَنْ» بود و چون ۹۵۰ سال بر گمراهی قومش گریست و اندوه خورد، نوح نامیده شد.(۳)ثعلبی در قصص الانبیا آورده که به آن حضرت «اکبر الانبیا» و «شیخ الانبیا» گفته اند؛ زیرا او از همه پیامبران بیشتر عمر کرده و خداوند، معجزه او را طولانی بودن عمرش قرار داده است.(۴)

ب) مدت عمر و محل دفن نوح(ع)

در مورد عمر آن حضرت نوشته اند: عمر او ۲۵۰۰ سال بوده که ۸۵۰ سال پیش از بعثت، ۹۵۰ سال در میان قوم که مردم را به خدای یگانه دعوت می کرد و

۱- ابن جریر طبری، تاریخ طبری، به کوشش و ترجمه: ابوالقاسم پاینده، ج ۱، ص ۱۱۴.

۲- بحارالانوار، ج ۱۱، صص ۲۸۶و۲۸۷.

۳- بحارالانوار، ج ۱۱، صص ۲۸۶و۲۸۷.

۴- ابو اسحاق احمد بن نیشابوری الثعلبی، قصص الانبیاء، ص ۵۲.

ص: ۲۷

دویست سال مشغول ساختن کشتی بود و پانصد سال هم بعد از بیرون آمدن از کشتی، زندگی می کرد(۱) و محل دفن او نجف اشرف در کشور عراق است. (۲)

۲. شناسه جسمی و ظاهری نوح علیه السلام

۲. شناسه جسمی و ظاهری نوح علیه السلام

در اوصاف آن حضرت آورده اند: مردی با قامت بلند و تنومند، گندمگون و با چهره ای باریک بود. سر بلند، چشمان درشت و ساق های باریک داشت و ریشش بلند و پهن بود.(۳)

۳. شناسه شغلی و خدماتی نوح علیه السلام

۳. شناسه شغلی و خدماتی نوح علیه السلام

شغل نوح علیه السلام نجاری بوده است.(۴) یعقوبی آورده که نوح علیه السلام ، بعد از ماجرای کشتی به تاک نشانی (کاشت درخت انگور) و آباد کردن زمین پرداخت.(۵)

۴. شناسه رفتاری و روانی نوح علیه السلام

۴. شناسه رفتاری و روانی نوح علیه السلام

الف) شکرگزاری همیشگی نوح علیه السلام : قرآن، نوح علیه السلام را به عنوان عبد شکور (بنده بسیار شکرگزار) معرفی می کند و می فرماید: «إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا.» (اسراء: ۳) خداوند، حضرت نوح علیه السلام را هم در عبودیت و هم در شکرگزاری تأیید کرده بود.

ب) نیکوکار: «إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِی الْمُحْسِنِینَ». (صافات: ۸۰)

ج) امین و درست کار: نوح علیه السلام خطاب به قومش که به او اعتماد نمی کردند، می فرماید: «إِنِّی لَكُمْ رَسُولٌ أَمِینٌ؛ من برای شما رسولی از سوی پروردگارتان و امینی بر رسالت او هستم.» (شعراء: ۱۰۷) پس به شما ابلاغ نمی کنم، مگر آنچه را پروردگارم مأمور کرده و از شما خواسته است، بنابراین مرا اطاعت کنید؛ زیرا اطاعت من، اطاعت خداست.(۶)

۱- بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۲۸۵.

۲- لسان الملک میرزا محمدتقی سپهر، ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۱۴۲.

۳- لسان الملک میرزا محمدتقی سپهر، ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۲۸۷.

۴- لسان الملک میرزا محمدتقی سپهر، ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۲۸۷.

۵- احمد بن وهب بن واضح یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ترجمه: محمدابراهیم آیتی، ج ۱، ص ۱۴.

۶- المیزان، ج ۱۵، ص ۲۹۶.

ص: ۲۸

د) نـام نیـک: «وَتَرَكْنَا عَلَيهِ فِي الْآخِرِينَ.» (صافات: ۷۸) منظـور این است که خداونـد، همت هـای نوح علیه السـلام در راه دعوت به سوی توحید را، بعد از او هم در میان بشر یاد آوری می کند.(۱)

ه) صبر و بردبـاری: «وَلَنَصْبِرَنَّ عَلَى مَا آذَيْتُمُونَا... .» (ابراهیم: ۱۲) روشن ترین دلیـل بر بردباری و صـبور بودن آن حضـرت، رسالت طولانی و طاقت فرسا و بی رغبتی مردم به دعوت اوست. قرآن می فرماید: «... فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ...». (عنکبوت: ۱۴)

نوح علیه السـلام قصـد داشت بـا بهره گیری از انواع روش هـا و ابزارهـا، در جهـادی طولانـی، با صبری عظیم که ۹۵۰ سـال به طول انجامید، دعوت خود را به گوش و دل قومش وارد کند.(۲)

۵. شناسه فکری و عقیدتی نوح علیه السلام

۵. شناسه فکری و عقیدتی نوح علیه السلام

قرآن از لحاظ عقیدتی، نوح علیه السلام را بنده مؤمن معرفی می کند:

«إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ؛ او از بندگان مؤمن ما بود». (صافات: ۸۱)

نوح علیه السلام با درک حقیقت بندگی، بندگی خدا را به جای آورد، یعنی به جز دستور خدا به چیزی عمل نکرد؛ چون از مؤمنان حقیقی بود.

در جای دیگر قرآن، محتوای دین آن حضـرت، پرسـتش خدای واحد، دعوت به سوی خدا، اعتقاد داشتن به روز قیامت و اطاعت از او به عنوان پیـامبر مرسل از جانب خـدا معرفی می شود.(۳) (اعراف: ۵۹ ۶۱) به این ترتیب، سه اصـل توحیـد، نبوت و معاد به عنوان اصول اعتقادی شریعت نوح شمرده شده است.(۴)

۱- المیزان، ج ۱۷، ص ۱۴۶.

۲- سید قطب، فی ظلال القرآن، ج ۵، ص ۳۵۱۵.

۳- نک: مؤمنون: ۲۳و۲۴؛ نوح: ۱ ۳.

۴- المیزان، ج ۸، صص ۱۷۴و۱۷۵.

ص: ۲۹

۶. شناسه تبلیغی نوح علیه السلام

اشاره

۶. شناسه تبلیغی نوح علیه السلام

یکی از آیـاتی که بر انتخـاب حضـرت نوح علیه السـلام از جـانب خداونـد برای انسـان ها دلالت دارد و نیز برتری و فضـیلت وی را نسبت بـه دیگر انسـان هـا می رسانـد، آیـه: «إِنَّ اللّهَ اصْطَفَی آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِیمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَی الْعَالَمِینَ» (آل عمران: ۳۳) است.(۱)

الف) صحف نوح علیه السلام

الف) صحف نوح علیه السلام

نوح علیه السلام نخستین پیامبر اولوالعزم و دارای کتاب آسمانی است:

«الَّذینَ آتَیناهُمُ الْکِتابَ وَ الْحُکْمَ وَ النُّبُوَّهَ.» (انعام: ۸۹) منظور از دادن کتاب و حکم به انبیا، فرستادن شرایع دین و حکم کردن بر طبق آنها، در میان مردم است.(۲)

علاوه بر داشتن کتاب، دارای رسالت بوده و از سوی خداوند به او وحی میشده است.(۳)

قرآن می فرماید:

«إِنّا أَوْحَینا إِلَیکَ کَما أَوْحَینا إِلی نُوحٍ وَ النَّبِیینَ مِنْ بَعْدِهِ...». (نساء: ۱۶۳)

«أُوحِی إِلی نُوحٍ أَنَّهُ لَنْ یؤْمِنَ...». (هود: ۳۶)

ب) سیره تبلیغی نوح علیه السلام

اشاره

ب) سیره تبلیغی نوح علیه السلام

قرآن داستان دعوت نوح علیه السلام را به عنوان نمونه دعوت الهی آورده و این امر، بیانگر اهمیت دعوت آن پیامبر بزرگوار است. چنان که قرآن در این باره می فرماید: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَی قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِیهِمْ أَلْفَ سَنَهٍ إِلَّا خَمْسِینَ عَامًا؛ و به راستی نوح را به سوی

قومش فرستادیم. پس در میان آنان ۹۵۰ سال درنگ کرد». (عنکبوت: ۱۴)

او در این مدت طولانی، روش های مختلفی را برای هدایت و راهنمایی قومش به کار برده است که عبارت اند از:

۱- نک: اعراف: ۵۹؛ مؤمنون: ۲۳؛ حدید: ۲۶؛ نوح: ۱.

۲- المیزان، ج ۷، ص ۲۵۰.

۳- المیزان، ج ۵، ص ۱۴۰.

ص: ۳۰

یک مداومت در تبلیغ

یک مداومت در تبلیغ

نوح علیه السلام همواره قومش را به سوی خدا و ارزش های الهی دعوت می کرد. نقل است:

گاه به سراغ مردم در خانه هایشان رفته و یا در کوچه و بازار به طور خصوصی و با لحنی محبت آمیز تبلیغ می کرد، گاه در مجالس عمومی با صدای بلند و آشکار فرمان خدا را بر آنان می خواند، اما همیشه با توهین و مسخره کردن و گاه ضرب و جرح روبه رو می شد، ولی باز دست از کار خود برنمی داشت.(۱)

دو استفاده از تمام فرصت ها

دو استفاده از تمام فرصت ها

نوح علیه السلام در زمینه تبلیغ هر راهی را رفته و از هر روش ممکن استفاده کرده است. سید قطب در این باره می گوید: «نوح علیه السلام گاهی با صدای بلند و به طور آشکار و گاهی در خفا [دعوت می کرد] و نیز گاهی بین دعوت پنهانی و علنی را جمع می کرد».(۲)

سه محبت و دلسوزی

سه محبت و دلسوزی

حضرت نوح علیه السلام در راه هدایت مردم دلسوزانه با آنان برخورد می کرد و هر چند هشدار دادن را محور دعوت خود قرار داده بود، هرگز لحن دلسوزانه را ترک نکرد و هشدارهای او همواره محبت آمیز بود تا از این طریق، دل مخاطبان را نرم سازد. قرآن از قول آن حضرت می فرماید: «إِنّی أَخافُ عَلَیکُمْ عَذابَ یوْمٍ عَظیمٍ.» (اعراف: ۵۹) این آیه در عین خبر دادن از وقوع عذاب، دلسوزی نوح را هم نشان می دهد. آن پیامبر در سخن دیگر، هدف از دعوت خود را آمرزش قوم معرفی می کند و می فرماید: «وَ إِنّی کُلَّما دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصابِعَهُمْ فی آذانِهِمْ؛ من هر بار که آنان را دعوت کردم تا ایشان را بیامرزی، انگشتانشان را در گوش هایشان کردند». (نوح: ۷)

۱- تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۶۶.

۲- فی ظلال القرآن، ج ۵، ص ۳۷۱۲؛ محسن فیض کاشانی، تفسیر الصافی، به کوشش: حسین اعلمی، ج ۷، ص ۳۰۲.

ص: ۳۱

در مقابل دعوت نوح، مردم با ستم و آزار رسانـدن پاسخ او را می دادند و گاه آنقدر گلویش را می فشردند تا آنکه بی هوش می شد و چون به هوش می آمد، می گفت: «اللهم اغفرلی و لقومی فَإِنَّهم لایعلمون؛ خدایا، من و قوم مرا بیامرز که اینان نمی دانند».(۱)

نوح علیه السلام در طول سالیان دراز و با استفاده از روش ها و ابزارهای مختلف تبلیغی، به ارشاد و هدایت مردم پرداخت، ولی در این مدت فقط هشتاد نفر به او ایمان آوردند.(۲) به همین دلیل، می توان از او به عنوان الگوی استقامت در تبلیغ نام برد.(۳)

۷. شناسه فامیلی نوح علیه السلام

اشاره

۷. شناسه فامیلی نوح علیه السلام

زیر فصل ها

الف) نَسَبْ نوح علیه السلام

ب) نام همسر نو ح علیه السلام

ج) فرزندان نوح

الف) نَسَبْ نوح علیه السلام

الف) نَسَبْ نوح علیه السلام

نوح فرزند لَمک، فرزند، متو شلخ، فرزند، اُخنُوخ، که او ادریس، پسر یردَ، پسر مهلاییل، پسر قینان، پسر انوش، پسر شیث، پسر آدم است.(۴)

نام پدر نوح علیه السلام ، لمک یا لامک(۵) و نام مادر ایشان قینوش، دختر براکیل بوده است.(۶)

ب) نام همسر نو ح علیه السلام

ب) نام همسر نو ح علیه السلام

همسر نوح عَمُوره (دختر ضمرانبن اخنوخ) بود که او اولین کسی است که به نوح علیه السلام ایمان آورد.(۷)

۱- عزالدین علی ابن اثیر، کامل، ترجمه: عباس خلیلی، ج ۱، ص ۲۵۴.

۲- تفسیر نور الثقلین، ج ۲، ص ۳۵۰.

۳- مصطفی عباسی مقدم، اسوه های قرآنی و شیوه های تبلیغی، ص ۱۵۵.

۴- بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۲۸۷.

۵- تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۹۱.

۶- تاریخ طبری، ج ۱، ص ۱۱۶.

۷- بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۳۴۱.

ص: ۳۲

حضرت نوح همسر دیگری داشت به نام والعه که کافر بود و به مردم می گفت: همسرم دیوانه ای بیش نیست و هنگامی که شخصی به نوح ایمان می آورد، بی درنگ حکمرانان را از موضوع آگاه می کرد.(۱)

ج) فرزندان نوح

ج) فرزندان نوح

سام، حام و یافث نام پسران نوح علیه السلام است.(۲)

حضرت نوح علیه السلام یک پسر دیگر به نام کنعان داشت(۳) که بت پرست بود و به عذاب الهی دچار شد. (هود: ۴۳ ۴۷)

۸. شناسه قومی حضرت نوح علیه السلام

۸. شناسه قومی حضرت نوح علیه السلام

الف) بت پرستی: قوم نوح علیه السلام از نظر اعتقادی بت پرست بودند و نام پنج بت از بت هایی که پرستش می کردند، به نام های ودّ، سواع، یغوث، یعسُوق و نَسر، در قرآن یاد شده است. (نوح: ۲۳)

ب) تکذیب فرستادگان خدا: قرآن در این باره می فرماید: «کَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِینَ.» (شعرا: ۱۰۵) پیش از نوح، پیامبری بر آنان فرستاده نشده بود، ولی چون همه انبیا مردم را به توحید دعوت می کردند، تکذیب یکی از پیامبران، در حقیقت تکذیب همه آنان است.(۴)

ج) ظالم و ستمگر: از نظر اخلاقی، قوم نوح ستمگر بودند، چنان که خداوند، حضرت نوح را از شفاعت آنان نهی کرده است و می فرماید: «وَ لا تُخاطِبْنِی فِی الَّذِینَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُغْرَقُونَ» (هود: ۳۷) و در جای دیگری، آنان را ظالم تر و طاغی تر از دو قوم عاد و ثمود معرفی می کند. (نجم: ۵۲)

د) متکبر: خودبزرگ بینی از دیگر ویژگی های قوم نوح بود، به گونه ای که اشراف قوم، با صراحت به قوم نوح علیه السلام میگفتند: «این]مرد[جز بشری چون

۱- محمد خزائلی، اعلام قرآن، ص ۶۴۴.

۲- کامل، ج ۱، ص ۲۷۳؛ ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۱۱۷.

۳- ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۱۱۷.

۴- المیزان، ج ۱۵، ص ۲۹۵.

ص: ۳۳

شما نیست. میخواهد بر شما برتری جوید.» (مؤمنون: ۲۴) تکبر و غرور ایشان به حدی بود که خداوند، آنان را فاسق معرفی می کند و می فرماید: «قَوْمَ نُوحٍ مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ کانُوا قَوْمًا فاسِقینَ» (ذاریات: ۴۶)

ه) اصرار بر اعتقادات باطل: این مورد از دیگر ویژگی های قوم نوح بوده است، چنان که حاضر بودند بمیرند، ولی از عقیده خود دست برندارند: «... وَأَصَرُّوا وَ اسْتَکْبَرُوا اسْتِکْبارًا». (نوح: ۷)

آنان دست فرزندان خود را می گرفتند و نوح علیه السلام را نشان می دادند و می گفتند: «از این مرد بترس، مبادا این مرد تو را گمراه کند».(۱) گاهی نیز به فرزندانشان سفارش می کردند که بعد از ما در صورت زنده ماندن، هرگز از این دیوانه پیروی نکنید.(۲)

۹. شناسه حکومتی نوح علیه السلام

۹. شناسه حکومتی نوح علیه السلام

گفته اند در زمان نوح علیه السلام ، بِیوُراسب حکومت می کرد. او نخستین کسی بود که گفتار صابئیان(۳) را آورد و قوم نوح، او را عبادت می کردند.(۴) عرب، او را ضحاکم نامند، ولی پارسیان گویند: بیوراسب، پسر اروند اَسب...، پسر کیومرث بود.(۵) او مردی ستمکار و جبار بود که مردم از او رنج بسیار دیدند. او کودکان را سر می برید. همچنین او نخستین فردی بود که دریافت مالیات و ضرب سکه های درهم را مرسوم ساخته، ساز و آواز را رواج داده، به بریدن بدن مردم و به دار زدنشان پرداخته است.(۶)

۱- مجمع البیان، ج ۹ ۱۰، ص ۵۴۲.

۲- بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۲۸۷.

۳- صابئه، جمع صابئی، به کسی گفته می شود که از دین خارج شود و به دین دیگری بگرود. (مفردات، ص ۴۷۵). در تفاسیر نیز آورده اند: صابئی ها قوم ج داگانه اند، نه مجوس اند نه یهود و نه نصاری و نه مسلمان. آنان ستارگان و کواکب را می پرستیدند (تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۵۲). علامه طباطبایی فرموده است: «صبئه مذهبی مرکّب از مجوس و یهودی تو حرائیت است» (المیزان، ج ۱، ص ۱۹۶).

۴- کامل، ج ۱، ص ۲۵۱؛ تاریخ طبری، ج ۱، ص ۱۲۱.

۵- تاریخ طبری، ج ۱، صص ۱۳۶ و ۱۳۷.

۶- کامل، ج ۱، صص ۲۶۴ و ۲۶.

ص: ۳۴

۱۰. شناسه جغرافیایی نوح علیه السلام

۱۰. شناسه جغرافیایی نوح علیه السلام

مرکز بعثت و دعوت نوح علیه السلام ، در شامات، فلسطین و عراق بوده است.(۱) قوم نوح علیه السلام نیز در جنوب عراق در اطراف محل کنونی شهر کوفه زندگی می کردند.(۲)

۱۱. شناسه فرهنگی و زبانی

اشاره

۱۱. شناسه فرهنگی و زبانی

زیر فصل ها

الف) شناسه فرهنگی

ب) شناسه زبانی

الف) شناسه فرهنگی

اشاره

الف) شناسه فرهنگی

زیر فصل ها

یک دور بودن از فرهنگ و صفات انسانی

دو حاکم بودن روح طبقاتی

سه نادانی و جهالت

چهار پیروی از فرهنگ گذشتگان

یک دور بودن از فرهنگ و صفات انسانی

یک دور بودن از فرهنگ و صفات انسانی

قوم نوح علیه السلام معیار سنجش ارزش ها را مال و ثروت، لباس و خانه و مرکب زیبا و گران قیمت قرار داده بودند، ولی از پاکی و تقوا و صفات عالی انسانی، که در طبقات کم درآمد دیده می شد، غافل بودند.

دو حاکم بودن روح طبقاتی

دو حاکم بودن روح طبقاتی

روح طبقاتی در بدترین شکل بر قوم نوح حاکم بود. افرادی که وضع مالی مناسب داشتند، از پایگاه اجتماعی و فرهنگ بالا برخوردار بودند و «ملاء» نامیده می شدند و مردم تهی دست و کم درآمد، پایگاه اجتماعی نداشتند و بدون فرهنگ بودند و «ارذلون» (پست و حقیر) نامیده می شدند: «فَقَالَ الْمَلأُ الَّذِينَ كَفَرُواْ مِن قِوْمِهِ مَا نَرَاكَ إِلاَّ بَشَرًا مِّثْلَنَا وَمَا نَرَاكَ اتَّبَعَكَ إِلاَّ الَّذِينَ هُمْ أَرَاذِلُنَا بَادِيَ الرَّأْيِ وَمَا نَرَى لَكُمْ عَلَيْنَا مِن فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ كَاذِبِينَ». (هود: ۲۷)

سه نادانی و جهالت

سه نادانی و جهالت

قوم نوح علیه السلام از روی نادانی و جهالت، گمان می کردند اگر طبقه ثروتمند لحظه ای به آنان توجه نکنند، نابود خواهند شد. این گروه از قدرت خداوند بی خبر بودند و نوح علیه السلام خطاب به آنان می فرمود: «... وَ لِكِنّی أَراكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ؛ ای قوم شما را قومی جاهل می بینیم». (هود: ۲۹)

۱- محمد محمدی اشتهاردی، قصه های قرآن، ص ۴۳.

۲- ابوخلیل شوقی، اطلس جغرافیایی، به کوشش: فاطمه وثوقی، ترجمه: زینت فتحی، ص ۲۱.

ص: ۳۵

چهار پیروی از فرهنگ گذشتگان

چهار پیروی از فرهنگ گذشتگان

قوم نوح علیه السلام بر عقاید و فرهنگ گذشتگان خود باقی ماندند. آنان ظرفیت پذیرش سخنان نو و عقاید تازه را در خود نمی یافتند.به جای تفکر و تدبر در سخنان پیامبر، تقلید را برگزیده بودند و در تمام امور از آنان تقلید می کردند. (مؤمنون: ۲۴)

ب) شناسه زبانی

ب) شناسه زبانی

زبان حضرت نوح علیه السلام سریانی بوده است.(۱)

۱- تاریخ طبری، ج ۱، ص ۱۱۴؛ کامل، ج ۱، ص ۲۳۹.

ص: ۳۶

حضرت ادریس علیه السلام

اشاره

حضرت ادریس علیه السلام

زیر فصل ها

۱. شناسه اسمی ادریس علیه السلام

۲. شناسه جسمی و ظاهری ادریس علیه السلام

۳. شناسه شغلی و خدماتی ادریس علیه السلام

۴. شناسه رفتاری و روانی ادریس علیه السلام

۵. شناسه تبلیغی ادریس علیه السلام

۶. شناسه خانوادگی ادریس علیه السلام

۷. شناسه قومی ادریس علیه السلام

۸. شناسه حکومتی ادریس علیه السلام

۹. شناسه جغرافیایی ادریس علیه السلام

۱۰. شناسه فرهنگی و زبانی

۱. شناسه اسمی ادریس علیه السلام

اشاره

۱. شناسه اسمی ادریس علیه السلام

زیر فصل ها

الف) نام حضرت ادریس علیه السلام

ب) زمان و محل ولادت و مدت عمر حضرت ادریس علیه السلام

الف) نام حضرت ادریس علیه السلام

الف) نام حضرت ادریس علیه السلام

نام ادریس علیه السلام دو بار در قرآن آمده است: (مریم: ۵۶) و (انبیاء: ۸۵)

«ادریس» واژه ای عربی است که از «درس» گرفته شده و به معنای «دانش فراوان» است.

علت نام گذاری ایشان به «ادریس» را کثرت دانش و تمرین و پشتکار او بر آموزش دانسته اند.(۱) همچنین گفته شده است چون وی در احکام الهی و آداب اسلامی بسیار مطالعه می کرد، «ادریس» نامیده شد.(۲) نام «ادریس» به زبان یونانی «طرمیس» و به زبان عبری «خنوع» و به زبان عربی «اخنوع» است و خداوند، او را در قرآن «ادریس» نامیده است.(۳)

گاهی او را «مثلث النَّعیم» یا «مثلث الحکمه»، یعنی دارای نعمت شاهی، حکمت و نبوت می خوانند. همچنین به او «هریس» و «اورای سوم» لقب داده اند.(۴)

۱- مجمع البیان، ج ۵و۶، ص ۸۰۲؛ ابن منظور، لسان العرب، به کوشش: علی شیری، ج ۴، ص ۳۲۹.

۲- بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۲۷۰.

۳- المیزان، ج ۱۴، ص ۷۱.

۴- ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۱۰۲؛ عبدالحسین شبستری، اعلام القرآن, ص۱۰۵.

ص: ۳۷

ب) زمان و محل ولادت و مدت عمر حضرت ادریس علیه السلام

ب) زمان و محل ولادت و مدت عمر حضرت ادریس علیه السلام

ادریس پیامبری میان عصر آدم و نوح علیه السلام بوده است. او ۸۳۰ سال بعد از هبوط آدم علیه السلام به دنیا آمد.(۱) محل تولدش در کشور مصر، شهر منف بوده است و عمر او را ۳۶۵، ۳۰۰ یا ۱۶۵ سال نقل کرده اند.(۲)

۲. شناسه جسمی و ظاهری ادریس علیه السلام

۲. شناسه جسمی و ظاهری ادریس علیه السلام

حضرت ادریس، فربه (چاق) و گشاده سینه بود. موهای بدنش کم و موی سرش بسیار بود. وی همواره آهسته سخن می گفت و هنگام راه رفتن، گام ها را نزدیک به هم برمی داشت.(۳)

۳. شناسه شغلی و خدماتی ادریس علیه السلام

۳. شناسه شغلی و خدماتی ادریس علیه السلام

ادریس علیه السلام افزون بر نوشتن خط و تدریس و آموختن علم به مردم، اولین کسی بود که جامه دوخت. مردم قبل از آن برای پوشش خود از پوست حیوانات استفاده می کردند.(۴)

همچنین وی آداب نقشه کشی و ساختمان سازی را به مردم آموخت و با کمک شاگردانش، شهرهای زیادی را بنا کرد.(۵)

۴. شناسه رفتاری و روانی ادریس علیه السلام

۴. شناسه رفتاری و روانی ادریس علیه السلام

الف) صابر بودن: قرآن حضرت ادریس علیه السلام را از «صابران» می خواند و می فرماید: «وَإِسْمَاعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ كُلٌّ مِّنَ الصَّابِرِينَ». (انبیاء: ۸۵)

آن حضرت به دلیل شکیبایی در بلاهای الهی و تحمل سختی ها در رسالت صابر نامیده شده است.(۶)

۱- ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۱۰۲.

۲- تاریخ طبری، ج ۱، ص ۱۱۵؛ بحارالانوار، ج ۹۲، صص ۴۵۲ و ۴۵۳.

۳- محمدباقر مجلسی، حیوه القلوب، به کوشش: سید علی امامیان، ج ۱، ص ۲۲۷.

۴- المیزان، ج ۱۴، ص ۷۲.

۵- المیزان، ج ۱۴، ص ۷۲.

۶- مجمع البیان، ج ۹ و ۱۰، ص ۷۲۲؛ التبیان، ج ۷، ص ۲۷۲.

ص: ۳۸

ب) صدیق بودن: از «ادریس» علیه السلام به عنوان پیامبر بسیار راست گو و درست کار، که خداوند او را به جایگاهی والا برده، یاد شده است: «وَاذْکُرْ فِی الْکِتَابِ إِدْرِیسَ إِنَّهُ کَانَ صِدِّیقًا نَّبِیا وَرَفَعْنَاهُ مَکَانًا عَلِیا.» (مریم: ۵۶ و۵۷)

«صدیق» کسی است که در راستی مبالغه می کند و میان گفتار و کردار او تناقضی نیست؛ یعنی این پیامبر با زبان و رفتار خویش حق را تصدیق می کرد.(۱)

علامه طباطبایی درباره «مکان علی» می فرماید: «منظور، رسیدن به مقام و منزلتی معنوی است که ادریس علیه السلام با نبوت به آن دست یافت نه ارتفاع مکانی؛ چون ارتفاع مکانی مزیت به شمار نمی آید.(۲)

۵. شناسه تبلیغی ادریس علیه السلام

اشاره

۵. شناسه تبلیغی ادریس علیه السلام

زیر فصل ها

الف) صحف ادریس علیه السلام

ب) سیره تبلیغی ادریس علیه السلام

الف) صحف ادریس علیه السلام

الف) صحف ادریس علیه السلام

تعداد صحف ادریس علیه السلام را سی یا پنجاه صحیفه گفته اند. علامه مجلسی نیز بیست صحیفه را از ایشان برشمرد که از سریانی به عربی ترجمه شده است.(۳) عده ای مراد از «صحف الاولی» در آیه ۱۸ سوره اعلی را صحف ادریس و شیث می دانند.(۴)

ب) سیره تبلیغی ادریس علیه السلام

ب) سیره تبلیغی ادریس علیه السلام

ادریس علیه السلام پس از دعوت مردم به توحید و خداپرستی، مانند دیگر انبیا، به دنبال اصلاح جامعه و از بین بردن مشکلات

مردم بوده و همواره در اجتماع حضور فعال داشته و آنان را یاری و راهنمایی می کرده است. برای نمونه، هنگامی که ادریس علیه السلام در مصر اقامت داشت، مردم را به معروف و اطاعت خداوند و دوری از منکرات فرا می خواند و چون بر زبان های متعدد تسلط

۱- المیزان، ج ۱۴، ص ۵۶.

۲- المیزان، ج ۱۴، ص ۶۴.

۳- بحارالانوار، ج ۹۲، صص ۴۵۲ و ۴۵۳.

۴- مجمع البیان، ج ۸۷، ص ۷۲۲؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۶۰.

ص: ۳۹

داشت، آنها را در مسیر دعوت به کار می برد و با مردم هر سرزمین با زبان خودشان سخن می گفت. همچنین به آنان سیاست آموخت و برای هر امت، در هر سرزمینی، آداب شایسته آنان را برپاداشت.(۱) در زیارت ناحیه مقدسه، بعد از آدم و شیث علیه السلام به ادریس علیه السلام در جایگاه پیامبری که با دلیل برای خدا قیام کرد، درود فرستاده شده است.(۲)

۶. شناسه خانوادگی ادریس علیه السلام

اشاره

۶. شناسه خانوادگی ادریس علیه السلام

زیر فصل ها

الف) نسب ادریس علیه السلام

ب) نام همسر و فرزند

الف) نسب ادریس علیه السلام

الف) نسب ادریس علیه السلام

ادریس، همان اخنوخ، فرزند یرد (یارد، یارید)، فرزند مهلاییل، فرزند قینان، فرزند أنوش، فرزند شیث و فرزند آدم است.(۳)

نام پدر ادریس علیه السلام یرد یا (یارد)(۴) و نام مادر او بَرِه است.(۵)

ب) نام همسر و فرزند

ب) نام همسر و فرزند

ادریس علیه السلام در ۶۵ سالگی با «هدانه» (ادانه) دختر باویل بن محویل... ازدواج کرد و از وی دارای فرزندانی شد که مشهورترین آنها، متوشالح (مَتوشَلَخ) بود.(۶)

۷. شناسه قومی ادریس علیه السلام

۷. شناسه قومی ادریس علیه السلام

قوم ادریس علیه السلام بت پرست بودند. وقتی ادریس علیه السلام به پیامبری رسید، با کوشش او، بت پرستی تا حدی از بین رفت و برخی از بت ها نابود شدند.(۷) از

۱- المیزان، ج ۱۴، ص ۷۲.

۲- بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۲۳۴.

۳- تاریخ طبری، ج ۱، ص ۱۰۶؛ المیزان، ج ۱۴، ص ۷۲.

۴- المیزان، ج ۱۴، ص ۷۲.

۵- ابوالحسن علی بن الحسین مسعودی، اثبات الوصیه لعلی بن ابی طالب، به کوشش: محمدجواد نجفی، ص ۱۶۷.

۶- تاریخ طبری، ج ۱، ص ۱۱۵؛ کامل، ج ۱، ص ۲۴۳.

۷- تاریخ طبری، ج ۱، ص ۱۱۵.

ص: ۴۰

سوی دیگر، این قوم چون سخنان پیامبرشان را نپذیرفتند، گرفتار خشم خداوند شدند و فقط شمار کمی از آنان ایمان آوردند.(۱)

۸. شناسه حکومتی ادریس علیه السلام

۸. شناسه حکومتی ادریس علیه السلام

پادشاه زمان ادریس علیه السلام حاکمی ستمگر بود، چنان که با دیدن سرزمین های سرسبز دیگران تلاش می کرد آنها را به ملک خویش درآورد، ولی وقتی مالک راضی نمی شد، حاکم می کوشید با شهادت دروغین، فرد را مخالف شاه قلمداد و او را محکوم به مرگ کند. برای نمونه، یک بار خداوند، ادریس را به سوی حاکم فرستاد و گفت: اگر توبه نکنی، به زودی عذاب الهی تو را گرفتار خواهد کرد. پس همسر شاه مخفیانه چهل نفر را مأمور کشتن ادریس کرد. ادریس علیه السلام از جریان آگاه شد و به محلی دیگر رفت و بعد از مدتی عذاب قحطی، کشور شاه را فرا گرفت. شاه و همسرش هلاک شدند و بلای قحطی بیست سال طول کشید و سرانجام، آنها که مانده بودند، به ادریس ایمان آوردند.(۲)

۹. شناسه جغرافیایی ادریس علیه السلام

۹. شناسه جغرافیایی ادریس علیه السلام

ادریس علیه السلام در کشور مصر، در شهر منف به دنیا آمد.(۳) مصر، از نظر لغوی به معنی شهر بزرگ، ناحیه، فاصله، میان دو چیز، و همچنین به هر بلد محصور (محدود) گفته می شود.(۴) برخی نیز مصر را نام شهر و جایگاهی میدانند که در آنجا ساکن بوده و نماز می خوانده است می دانند که همان اسکندریه و مصر فرعون است.(۵)

۱- تاریخ طبری، ج ۱، ص ۱۱۵.

۲- المیزان، ج ۱۴، صص ۶۶ و۶۷؛ بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۲۷۶.

۳- بحارالانوار، ج ۹۲، صص ۴۵۲ و ۴۵۳.

۴- مفردات الالفاظ القرآن، صص ۷۶۹ و ۷۷۰.

۵- کشف الاسرار، به کوشش: علی اصغر حکمته، ج ۴، ص ۳۲۸.

ص: ۴۱

موقعیت جغرافیایی مصر: این سرزمین که در شمال شرقی قاره افریقا واقع شده است، شامل شبه جزیره سیناست و از جنوب غربی با آسیا، از شمال با فلسطین، از غرب با لیبی و از جنوب با سودان همسایه است. رود نیل، این سرزمین را به دو بیابان غربی و شرقی تقسیم می کند. بخش شمالی را «مصر علیا» و بخش جنوبی را «مصر سفلی» می نامند. تاریخ مصر را به شش دوره تقسیم می کنند: دوره اول، دوره فراعنه است که ۲۶ فرعون در مصر حکومت می کردند. اولین فرعون مصر را منیس یا منس ذکر می کنند که پایتخت خود را شهر منفیس نام نهاد. مصر از نواحی مهم و ولایت های معتبر است، چنان که از همه رودهای دنیا تنها رود مصر را که بزرگ و دریا مانند است، دریا خوانده اند.(۱) صاحب معجم البلدان، مصر را از اقلیم سوم و مملکتی مستقل در زمان اسلام می داند که دارای هوای گرم است و آبش که از رود نیل تأمین می شود، شیرین و گواراست. محصولاتش را غله، پنبه، میوه، نیشکر تشکیل می دهد و از بزرگ ترین بلاد مغرب « جزیره العرب» است.(۲)

۱۰. شناسه فرهنگی و زبانی

اشاره

۱۰. شناسه فرهنگی و زبانی

زیر فصل ها

الف) شناسه فرهنگی

ب) شناسه زبانی

الف) شناسه فرهنگی

الف) شناسه فرهنگی

دوران ادریس علیه السلام زمانه ای به دور از دانش و فرهنگ بود. او از جانب خداوند مأمور پایه گذاری علوم و فنون و تعلیم دانش های مختلف می شود، چنان که می گویند: او نخستین کسی بود که از حرکت ستارگان و اجرام آسمانی سخن به میان آورد و پزشکی را بنیاد نهاد.(۳) همچنین اولین کسی بود که با قلم نوشت و اولین فردی بود که حکمت را استخراج کرد و علم نجوم را یاد داد.(۴)

۱- ابوالحسن علی بن الحسین مسعودی، مروج الذهب، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، ج ۱، ص ۳۳۲.

۲- ابو عبدالله یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۵، ص ۱۳۸.

۳- المیزان، ج ۱۴، ص ۷۲.

۴- المیزان، ج ۱۴، ص ۷۲.

ص: ۴۲

جاوید و با عظمت ماندن نام ادریس به عنوان مظهر علم و نوآوری در دانش ها و اینکه اهل قلم او را محترم می شمارند و اصول هر علمی را به او منتهی می دانند، نشان می دهد که وی از قدیمی ترین پیشوایان علم بوده و افکار بشر را با علوم مختلف و معارف دقیق و استدلالی آشنا کرده است.(۱)

ب) شناسه زبانی

ب) شناسه زبانی

حضرت ادریس علیه السلام (اخنوخ) «سریانی» بود و به زبان سریانی صحبت می کرد.(۲) همچنین وی در دوران دعوتش در مصر و دیگر مکان ها با ۷۲ زبان سخن می گفت و خداوند، منطق و زبان گفت وگو با آنان را به وی آموخته بود.(۳)

۱- المیزان، ج ۱۴، ص ۷۲.

۲- تاریخ طبری، ج ۱، ص ۱۱۴.

۳- المیزان، ج ۱۴، ص ۷۲.

ص: ۴۳

حضرت هود علیه السلام

اشاره

حضرت هود علیه السلام

زیر فصل ها

۱. شناسه اسمی حضرت هود علیه السلام

اشاره

۱. شناسه اسمی حضرت هود علیه السلام

زیر فصل ها

الف) نام حضرت هود علیه السلام

الف) نام حضرت هود علیه السلام

حضـرت هود علیه السـلام دومین پیامبر بعـد از نوح علیه السلام است که در برابر بت و بت پرستی قیام کرد.(۱) نامش هفت بار در قران آمده و یازدهمین سوره قرآن به نام اوست و حدود ۵۸ آیه نیز درباره حیات و دعوتش نازل شده است.

واژه «هود» به معنای بازگشت یا رفق و مداراست که در اصل، جمع «هائد» به معنی توبه کننده است.(۲)

ب) زمان و محل ولادت و وفات

ب) زمان و محل ولادت و وفات

حضرت هود علیه السلام ۲۶۴۸ سال بعد از هبوط آدم علیه السـلام به دنیا آمده است.(۳) آن حضرت، ۳۱۱۲ سال بعد از هبوط آدم علیه السلام درگذشت.(۴) محل دفن او را غاری در حضرموت گفته اند و برخی، از حضرت علی علیه السلام روایت کرده اند که بر تل سرخی در حضرموت، دفن شده و مدت عمر آن حضرت ۴۶۴ سال است.(۵)

۱- المیزان، ج ۱۰، ص ۲۹۸.
۲- مفردات الالفاظ القرآن، صص ۸۴۶ و ۸۴۷.
۳- ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۱۴۳.
۴- ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۱۷۰.
۵- بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۳۶۰؛ ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۱۷۰؛ محمد بن خاوندشاه میرخواند، تاریخ روضه الصفا، به کوشش: ج مشید کیان فر، ج ۱، ص ۹۴.

ص: ۴۴

۲. شناسه جسمی و ظاهری حضرت هود علیه السلام

۲. شناسه جسمی و ظاهری حضرت هود علیه السلام

هود علیه السلام در قیافه و قامت، هم شکل حضرت آدم علیه السلام بود؛ چنان که گفته شده قدی بلند و سر و صورتی پرمو و چهره ای زیبا داشته است.(۱)

۳. شناسه شغلی و خدماتی حضرت هود علیه السلام

۳. شناسه شغلی و خدماتی حضرت هود علیه السلام

حضرت هود علیه السلام زراعت و کشاورزی می کرد(۲) و گاه گاهی به شغل بازرگانی می پرداخت.(۳)

۴. شناسه رفتاری و روانی حضرت هود علیه السلام

۴. شناسه رفتاری و روانی حضرت هود علیه السلام

الف) خیرخواه امین: از آنجا که خیرخواهی از صفات و روش مشترک پیامبران است، حضرت هود علیه السلام در برخورد با مردم، آن را رعایت می کرده است، همان گونه که قرآن از ایشان نقل می کند که خطاب به مردم می فرمود: «وَ أَنَا لَکُمْ ناصِحٌ أَمینٌ؛ و من خیرخواه امینی برای شما هستم». (اعراف: ۶۸)

ب) رعایت ادب و احترام: حضرت هود علیه السلام در برخورد با مردم حرمت اشخاص را در هر شرایط نگه می داشت. حتی هنگامی که به او تهمت می زدند، به جای تندخویی و برخورد مشابه با آنان، فقط اتهامی را که به او زده بودند، نفی می کرد، به گونه ای که در برابر سخنان قومش که او را سفیه خوانده بودند، گفت: «ای قوم من، در من سفاهتی نیست، ولی من فرستادهای از جانب پروردگار جهانیانم. پیامهای پروردگارم را به شما میرسانم و برای شما خیرخواهی امینم». (اعراف: ۶۶ ۶۸)

۱- بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۳۶۰؛ تاریخ روضه الصفا، ج ۱، ص ۹۳.

۲- حیوه القلوب، ج ۱، ص ۲۸۴.

۳- تاریخ روضه الصفا، ج ۱، ص ۹۴.

ص: ۴۵

۵. شناسه فکری و عقیدتی حضرت هود علیه السلام

۵. شناسه فکری و عقیدتی حضرت هود علیه السلام

الـف) موحـد و خـداپرست: هـود علیه السـلام از معتقـدان به توحیـد بـوده، چنـان که ضـمن دعوت قومش به یکتـاپرستی، به معرفی خداوند می پردازد و به آنان درس خداشناسی می دهد. (هود: ۵۶ ۵۷)

ب) اعتقـاد به معاد و روز رسـتاخیز: یکی دیگر از اصول اعتقادی هود علیه السـلام اعتقاد به معاد و روز رسـتاخیر است. قرآن در این باره می فرماید:

وَاذْکُرْ أَخَا عَادٍ إِذْ أَنـذَرَ قَوْمَهُ بِالْأَحْقَافِ وَقَدْ خَلَتْ النُّذُرُ مِن بَینِ یدَیهِ وَمِنْ خَلْفِهِ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّی أَخَافُ عَلَیکُمْ عَذَابَ یوْمٍ عَظِیمٍ. (احقاف: ۲۱)

(سرگذشت هود) برادر قوم عاد را یاد کن، آن زمان که قومش را در سرزمین احقاف بیم داد، درحالی که پیامبران زیادی قبل از او درگذشته های دور و نزدیک آمده بودند که: جز خدای یگانه را نپرستید (و گفت) من بر شما از عذاب روزی بزرگ می ترسم.

در این آیه، حضرت هود علیه السـلام ضـمن دعوت به توحیـد، قومش را از عـذاب رسـتاخیز و معاد، به خاطر عبادت نکردن خدا و شرک ورزیدن به او انذار می کند.

ج) توکل بر خـدا: حضـرت هود علیه السـلام هنگامی که از سوی قوم و بت هایشان تهدیـد شد، بیزاری خود از آنان را اعلام کرد و گفت:

آنان عاجز و ناتوان هسـتند، توکل من بر خـداست، او می تواند مرا در برابر تهدید های جبارانه شـما و قدرت خالی بت هایتان حفظ کند؛ زیرا او تغییرناپذیر است. پس به زودی دین خود را حفظ و مرا از شرّ شما حفظ می کند.(۱) (هود: ۵۶)

د) اخلاـص در عمـل و نیت: اعلام بی نیازی پیامبر از پاداش و اجر دنیوی، از مهم ترین نشانه های اخلاص است. حضـرت هود علیه السلام به این منظور، اعلام

۱- المیزان، ج ۱۰، ص ۳۰۳.

ص: ۴۶

می کنـد که تمـام کـار و زحمـات دعوتش برای خـدا بوده و هیـچ اجر و مزدی در قبـال زحمت هـایش از کسـی توقع نـدارد: «وَ مَا أسأَلُکُم عَلَیهِ من أجرٍ إن أجرِی إلّا عَلی ربِّ العالمینَ؛ من در برابر این دعوت، هیچ اجر و پاداشی از شما نمی طلبم؛ اجر و پاداش من تنها بر پروردگار عالمیان است». (شعراء: ۱۲۷) و (هود: ۵۱)

۶. شناسه تبلیغی حضرت هود علیه السلام

اشاره

۶. شناسه تبلیغی حضرت هود علیه السلام

حضرت هود علیه السلام از سوی خداوند مأمور به ابلاغ رسالت های الهی بود. در قرآن نیز آمده است:

«أُبَلِّغُکُمْ رِسالاتِ رَبّی... أ وَ عَجِبْتُمْ أَنْ جاءَکُمْ ذِکْرٌ مِنْ رَبِّکُمْ عَلی رَجُلٍ مِنْکُمْ لِیُنْذِرَکُمْ... .»(۱) (اعراف: ۶۸ ۶۹) هود علیه السلام می فرماید: من فرسـتاده خدا به سوی شما هستم و کاری جز تبلیغ پیام های پروردگار ندارم و از آن چیزهایی که شما درباره ام فکر می کنید، منزه هستم و تعجب شما از اینکه فردی در میان قومتان چنین مأموریتی یافته، بی مورد است.(۲)

سیره تبلیغی حضرت هود علیه السلام

سیره تبلیغی حضرت هود علیه السلام

الف) دعوت به توحید: از مهم ترین پیام های تبلیغی هود علیه السـلام ، دعوت به توحید و پرسـتش خداست؛ چرا که با پذیرش آن، راه رسـیدن به فضایل اخلاقی و رفتاری گشوده می شود. قرآن در این باره می فرمایـد: «وَ إِلی عادٍ أَخاهُمْ هُودًا قالَ یا قَوْمِ اعْبُدُوا اللّهَ ما لَکُمْ مِنْ إِلهٍ غَیرُهُ أ فَلا تَتَّقُونَ». (اعراف: ۶۵)

ب) صراحت بیان در تبلیغ: از آنجا که قوم حضرت هود علیه السلام کافر بودند و حاضر نمی شدند از اعتقادات خود دست بردارند، حضـرت هـود علیه السـلام روش خود را بر صـراحت بیـان در تبلیغ بنـا نهـاد. برای نمونه، هنگـامی که هود علیه السـلام قومش را به عبادت خدای یگانه و نفی بتان دعوت می کرد، آنان را دروغگو

۱- نک: آیات: هود: ۵۰؛ اعراف: ۶۵؛ شعراء: ۱۲۴ و ۱۲۵.

۲- المیزان، ج ۸، ص ۱۷۸.

ص: ۴۷

خوانـد و گفت: «... یا قَوْمِ اعْبُـدُوا اللّهَ ما لَکُمْ مِنْ إِلهٍ غَیرُهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلاّ مُفْتَرُونَ؛ ای قوم من! خـدا را پرسـتش کنیـد، که معبودی جز او برای شـما نیست؛ شـما فقط تهمت می زنید.» (هود: ۵۰) البته وی این صـراحت لهجه را فقـط به منظور قـاطع بودن در دعوت داشـته است.

۷. شناسه خانوادگی هود علیه السلام

اشاره

۷. شناسه خانوادگی هود علیه السلام

زیر فصل ها

الف) نسب حضرت هود علیه السلام

ب) فرزندان حضرت هود علیه السلام

الف) نسب حضرت هود علیه السلام

الف) نسب حضرت هود علیه السلام

هود، فرزنـد عبـدالله، فرزند رباح، فرزند جلود، فرزند عاد، فرزند عَوض است.(۱) برخی نسبشـناسان گفتهاند: هود فرزند عابر، فرزند شالخ، فرزند ارنخشد فرزند سام فرزند نوح بوده است.(۲)

نام مادر هود علیه السلام نیز «بکیه» بوده است.(۳)

ب) فرزندان حضرت هود علیه السلام

ب) فرزندان حضرت هود علیه السلام

حضـرت هود علیه السـلام سه پسـر به نـام های قالع، قحطان، یقطان داشت. قالع که جانشـین حضـرت هود بود، وقتی به بلوغ رسـید، زمین را میان قبیله ها تقسـیم کرد تا هر کس حـد خود را به انـدازه حفظ کنـد. به همین دلیل، او را «قالع» نامیدند؛ چون قالع به معنی قاسم است. وی همچنین مردم را به راه راست هدایت می کرد.(۴)

۸. شناسه قومی حضرت هود علیه السلام

۸. شناسه قومی حضرت هود علیه السلام

حـدود هفتصد سال پیش از میلاد مسـیح، قومی زندگی می کردند که به آنها قوم «عاد»(۵) می گفتند؛ چون جدشان شخصی به نام عادبن عوض بود. هود علیه السلام

۱- کامل، ج ۱، ص ۲۸۴.

۲- تاریخ طبری، ج ۱، ص ۱۵۶.

۳- غیاث الدین بن حمام الدین الحسینی، حبیب السیر، به کوشش: محمددبیر ساقی، صص ۳۲ و ۳۳.

۴- عمادالدین حسین اصفهانی، قصص الأنبیاء از آدم تا خاتم، ج ۱، ص ۲۴۷.

۵- قبل از آنها نیز قومی به نام «قوم عاد اول» وجود داشته از آن که در آیه ۵۰ سوره نجم به نام (عاداً الاولی) یاد شده است.

ص: ۴۸

نیز از این قبیله بود. قوم عاد، مردمی بلند قامت چون درخت خرما (قمر: ۲۰) و بسیار فربه و درشت هیکل و مردمی نیرومند و قهرمان بودند (سجده: ۱۵) و (شعرا: ۱۳). از دیگر خصوصیات آنان عبارت اند از:

الف) جاهل و نادان: قوم هود علیه السلام به دلیل جهالت و نادانی می پنداشتند که هدف از رسالت آن حضرت، این است که آنان را از سرمایه هایشان جدا کند یا از آنچه پدرانشان می پرستیدند، دور سازد.

ب) پیروی از استکبار: قوم عاد از قدرت خود برای ستم، استفاده و نیز از طاغوت ها و مستکبران سرکش پیروی می کردند. (شعرا: ۱۳۰)

ج) کافر و بت پرست: قوم عاد از نظر اعتقادی کافر بودند.(۱) «أَلا إِنَّ عاداً کَفَرُوا رَبَّهُمْ أَلا بُعْداً لِعادٍ قَوْمِ هُودٍ.» (هود: ۶۰) و آیات خدا را انکار می کردند: «وَ تِلْکَ عادٌ جَحَدُوا بِآیاتِ رَبِّهِمْ...». (هود: ۵۹)

د) دنیادوست: دوستی و محبت دنیا از دیگر ویژگی قوم عاد بود، به گونه ای که هر محل مرتفعی می دیدند، از روی هوا و هوس در آنجا قصرها و قلعه های محکم و زیبا می ساختند، چون فکر می کردند همیشه در دنیا جاودانه می مانند. (شعراء: ۱۲۸ و ۱۲۹)

ه) متکبر و خودبزرگ بین: قوم عاد با اینکه هیچ نشانه ای از بزرگی نداشتند، خودبزرگ بین بودند و فخرفروشی می کردند، چنان که قرآن می فرماید: «فَأَمّا عادٌ فَاسْتَکْبَرُوا فِی الْأَرْضِ بِغَیرِ...». (فصلت: ۱۵)

و) لجوج: لجاجت و خودسری همه وجود این قوم را گرفته و مانع حق پذیری آنان شده بود. به همین علت، اندرزهای پیامبرشان را بی اثر می دانستند و می گفتند: «برای ما فرقی نمی کند، چه ما را اندرز کنی یا نکنی!» (شعراء: ۱۳۶)

۱- نام سه بتی که قوم هود پرستش می کردند، «ضرا، ضمورروهبا» است (کامل، ج ۱، ص ۲۸۵).

ص: ۴۹

۹. شناسه حکومتی حضرت هود علیه السلام

۹. شناسه حکومتی حضرت هود علیه السلام

عاد که حضرت هود علیه السلام مأمور هدایت قوم او بود، دو پسر به نام های شدّاد و شدید داشت. وقتی عاد از دنیا رفت، این دو پسر با قلدری به فتح شهرها پرداختند و با زور و ظلم و غارت بر همه جا تسلط یافتند. در این میان، شدید از دنیا رفت و شدّاد، تنها شاه کشور شد. تکبر و غرور، او را فراگرفت و موجب شد نه تنها دعوت هود علیه السلام را نپذیرد، بلکه تصمیم گرفت، همانند بهشتی را که او (هود علیه السلام) توصیف کرده بود، بسازد. در مدتی طولانی، شهر (ارم) و هزاران قصر باشکوه در اطراف آن ساخت. وقتی شدّاد با همراهان به دیدن آن شهر حرکت کردند، یک روز قبل از رسیدن، صاعقه ای از آسمان به سوی آنان آمد وهمه را به زمین کوبید و همه آنها متلاشی و نابود شدند.(۱)

۱۰. شناسه جغرافیایی حضرت هود علیه السلام

اشاره

۱۰. شناسه جغرافیایی حضرت هود علیه السلام

در مورد شناسه جغرافیایی هود علیه السلام دو واژه در قرآن به کار رفته است که هر کدام را جداگانه و خلاصه وار توضیح می دهیم:

الف) احقاف: (احقاف: ۲۱)

الف) احقاف: (احقاف: ۲۱)

احقاف محل سکونت قوم عاد و سرزمین پیامبری حضرت هود علیه السلام بوده و به همین دلیل سوره ای به این نام در قرآن شهرت یافته است.(۲) احقاف از نظر لغوی، به معنای خمیدگی هلال ماه است.(۳)

موقعیت جغرافیایی احقاف: منطقه ای از یمن در جنوب عربستان است که تنها شهر آن حضرموت است. هوای گرمی دارد و از دیار عمان

۱- مجمع البیان، ج ۹ و ۱۰، ص ۷۳۸؛ کشف الاسرار، ج ۱۰، صص ۴۸۲ و ۴۸۳.

۲- ج رجی زیدان، مؤلفات ج رجی زیدان، ج ۱، ص ۱۳۱.

۳- مفردات، ص ۲۴۸.

ص: ۵۰

خوانده می شود. از مشرق به دریا، از مغرب به بادیه العرب، از جنوب به یمن و از شمال به عمان محدود می شود که شامل بلاد قدیمی و نواحی بزرگ است. مردمانش هم از قوم عرب و بیشترشان شافعی و تعدادی از پیروان خوارج بودند.(۱)

بنابر گزار ش های قرآن، این سرزمین در جزیره العرب یا منطقه ای نزدیک به آن قرار دارد، همان گونه که قرآن می فرماید: «وَ لَقَدْ أَهْلَكْنا ما حَوْلَكُمْ مِنَ الْقُرى». (احقاف: ۲۷)

وعده حضرت هود علیه السلام به نزول باران در صورت توبه و استغفار (هود: ۵۲)، می تواند دلیلی بر این باشد که آنان در سرزمین خشک یا خشک سالی بودند.(۲)

ب) ارم ذات العماد: (فجر، ۷)

ب) ارم ذات العماد: (فجر، ۷)

«ارم» در لغت، به معنای نشانه ای از سنگ و مانند آن است که در گذشته برای راهنمای رهگذران، در بیابان نصب می شده است.(۳)

«ارم»، بین حضرموت و صنعا قرار دارد و همان شهری است که شدّاد بن عاد با جمع آوری جواهرات و سنگ های قیمتی در طول سیصد سال با مشکلات فراوان بنایش کرد، ولی از آن بهره ای نبرد.(۴) «ذات العماد»، بنابر قول ابن عباس، از عمود به معنای ستون سیار گرفته شده است؛ زیرا قوم عاد به سبب کوچ نشینی دارای چادرهایی بودند که در بهار به سوی صحراها و مناطق گیاه خیز کوچ می کردند و هنگامی که گیاهان خشک می شدند، به خانه هایشان بازمی گشتند.(۵)

۱- معجم البلدان، ج ۱، ص ۱۱۵.

۲- المیزان، ج ۱۰، ص ۳۰.

۳- مفردات الالفاظ القرآن، ص ۷۴.

۴- معجم البلدان، ج ۱، ص ۱۵۵.

۵- مجمع البیان، ج ۹ و ۱۰، ص ۷۳۸.

ص: ۵۱

۱۱. شناسه فرهنگی و زبانی حضرت هود علیه السلام

اشاره

۱۱. شناسه فرهنگی و زبانی حضرت هود علیه السلام

زیر فصل ها

الف) شناسه فرهنگی

ب) شناسه زبانی

الف) شناسه فرهنگی

الف) شناسه فرهنگی

قوم عـاد قومی بودنـد که فرهنگ و پیشـرفت را در خودخواهی و مقام پرستی و خودنمایی می دیدنـد.(۱) قرآن در وصف آنـان می فرمایـد: «أَ لَمْ تَرَ کَیفَ فَعَلَ رَبُّکَ بِعـادٍ، إِرَمَ ذاتِ الْعِمـادِ؛ آیا ندیـدی پروردگارت با قوم عاد چه کرد و با آن شـهر، ارم با عظمت؟» (فجر: ۶ و ۷)

این آیه نشـان دهنـده وجود فرهنگ و تمـدنی است که در آن عمران و آبادانی و رونق کشاورزی بالا بوده است و مردم از امکانات رفاهی خوب برخوردار بودند، اما هنگامی که مردم امور معنوی را فراموش کردند، به بت پرستی روی آوردند. پس در جاهای بلند، نشـانه و علامـت برپا کردنـد و برای جاودانه مانـدن، ساختمان های آبرومنـد ساختنـد و از این طریق، زمینه های سـقوط تمـدن و بی فرهنگی فراهم شد.(۲)

ب) شناسه زبانی

ب) شناسه زبانی

حضرت هود علیه السلام یکی از پیامبرانی است که به زبان عربی صحبت می کرد.(۳)

۱- تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۳۰۶.

۲- المیزان، ج ۲۰، ص ۲۸۰.

۳- حیوه القلوب، ج ۱، ص ۴۳.

ص: ۵۲

حضرت صالح علیه السلام

اشاره

حضرت صالح علیه السلام

زیر فصل ها

۱. شناسه اسمی حضرت صالح علیه السلام

اشاره

۱. شناسه اسمی حضرت صالح علیه السلام

زیر فصل ها

ب) زمان و محل ولادت و وفات

الف) نام حضرت صالح علیه السلام

الف) نام حضرت صالح علیه السلام

حضرت صالح علیه السـلام از پیامبران الهی است که از میان قوم ثمود برانگیخته شده است. نام او ۹ بار در قرآن ذکر شده و حدود هفتاد آیه در مورد دعوت و زنـدگی اوست. حضـرت صالـح علیه السـلام سومین پیامبری است که بعـد از نوح و هود علیهما السـلام ضد بت پرستی طاغوت های زمانش قیام کرد.(۱)

ب) زمان و محل ولادت و وفات

ب) زمان و محل ولادت و وفات

حضرت صالح علیه السلام ، ۲۹۷۳ سال بعد از هبوط آدم علیه السلام ،(۲) در نجف اشرف واقع در کشور عراق به دنیا آمد.

همچنین آن حضرت، ۳۲۵۳ سال بعد از هبوط آدم علیه السلام (۳) درگذشت و محل دفن او نیز نجف اشرف، در جوار امیرالمؤمنین علیه السلام بوده(۴) و حدود ۲۸۰ سال عمر کرده است.(۵)

۱- المیزان، ج ۸، ص ۱۸۱.
۲- ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۱۵۶.
۳- ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۱۷۷.
۴- بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۳۷۹.
۵- ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۱۷۷.

ص: ۵۳

۲. شناسه جسمی و ظاهری صالح علیه السلام

۲. شناسه جسمی و ظاهری صالح علیه السلام

حضرت صالح علیه السلام فردی تنومند با قدی بلند بود که موی او سیاه و رخسارش سرخ و سفید بوده و از فصاحت و بلاغت در زبان برخوردار بوده است.(۱)

۳. شناسه رفتاری و روانی حضرت صالح علیه السلام

۳. شناسه رفتاری و روانی حضرت صالح علیه السلام

خیرخواهی و دلسوزی:(۲) یکی از ویژگی های رفتاری حضرت صالح علیه السلام خیرخواهی بود، آن گونه که با وجود گستاخی بیش از حد قوم (بعد از کشتن ناقه) وقتی عذاب الهی را آماده نازل شدن بر آنان می بیند، از روی دلسوزی به ایشان می فرماید: «یا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُکُمْ رِسالَهَ رَبّی وَ نَصَحْتُ لَکُمْ وَ لکِنْ لا تُحِبُّونَ النّاصِحینَ؛ ای قوم، من رسالت پروردگارم را به شما ابلاغ کردم و شرط خیرخواهی را انجام دادم، ولی شما خیرخواهان را دوست ندارید». (اعراف: ۷)

۴. شناسه فکری و عقیدتی صالح علیه السلام

۴. شناسه فکری و عقیدتی صالح علیه السلام

الف) اعتقاد به توحید و یکتاپرستی: توحید و پرستش خدای یگانه، از اعتقادات قلبی صالح علیه السلام بود، چنان که نخستین و مهم ترین پیام او به قوم خویش، دعوت به پرستش خدای یگانه و از بین بردن شرک و چندگانه پرستی بوده است.(۳) آن حضرت خطاب به قوم خود می فرماید: «...یا قَومِ اعبُدوالله ما لَکم مِن اِلهٍ غیره...؛ ای قوم من، (تنها) خدا را بپرستید که جز او معبودی برای شما نیست؟» (اعراف: ۷۳)

ب) امیدوار به رحمت الهی:(۴) صالح علیه السلام همواره به رحمت و بخشش الهی امیدوار بود و برای برخورداری قوم خود از رحمت الهی و دور ماندن از عذاب الهی تلاش می کرد. قرآن در این باره می فرماید: «... لَوْ لا تَسْتَغْفِرُونَ اللّهَ لَعَلَّکُمْ تُرْحَمُونَ؛ چرا از خداوند تقاضای آمرزش نمی کنید تا شاید مشمول رحمت او شوید». (نمل: ۴۶)

۱- تاریخ روضه الصفاء، ج ۱، ص ۱۰۷.

۲- فرهنگ قرآن، ج ۱۸، ص ۲۰۰.

۳- المیزان، ج ۸، ص ۱۸۱.

۴- فرهنگ قرآن، ج ۱۸، ص ۲۰۰.

ص: ۵۴

۵. شناسه تبلیغی صالح علیه السلام

اشاره

۵. شناسه تبلیغی صالح علیه السلام

حضرت صالح علیه السلام در شانزده سالگی(۱) پس از هلاکت قوم نوح (مؤمنون: ۳۱ و ۳۲) و قوم عاد (اعراف: ۷۳ و ۷۴) به پیامبری برانگیخته شد. از دلایلی که نشان دهنده نبوت و رسالت صالح علیه السلام باشد، این است که خداوند در قرآن می فرماید: «وَ إِلی ثَمُودَ أَخاهُمْ صالِحًا». (اعراف: ۷۳)(۲)

چون صالح علیه السلام ، هادی و راهنمایی مهربان همچون برادر بوده و برتری جوی و منافع مادی را در نظر نداشته، به همین دلیل از او به «أخاهم» تعبیر شده است.(۳)

سیره تبلیغی صالح علیه السلام

سیره تبلیغی صالح علیه السلام

الف) یادآوری نعمت های الهی: یکی از راه های تربیت و تبلیغ، یادآوری آثار عظمت و نعمت های بی کرانی است که خداوند در اختیار انسان قرار داده است تا از این طریق، مانع آنان از گناه و فساد در زمین شود. برای نمونه، صالح علیه السلام خطاب به قومش می فرماید: «... فَاذْکُرُوا آلاءَ اللّهِ وَ لا تَعْثَوْا فِی الْأَرْضِ مُفْسِدِینَ». (اعراف: ۷۴)

«تعثوا» از ماده «عثی» هم به معنای فساد و هم به معنی اضطراب و مبالغه تفسیر شده است.

راغب در مفردات می گوید: «[دو واژه] «عیث» و «عثی» با اینکه دو ماده هستند، از جهت معنا به هم نزدیک می باشند، «عیث» در فسادهای مالی که محسوس است به کار می رود، برخلاف «عثی» که در فسادهای معنوی و غیرمحسوس به کار می رود».(۴)

۱- تفسیر نور الثقلین، ج ۲، ص ۴۷.

۲- نک: آیات: اعراف: ۷۹؛ هود: ۶۱؛ مؤمنون: ۳۲؛ شعراء: ۱۴۳؛ نمل: ۴۵۰؛ شمس: ۱۱ ۱۳.

۳- تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۳۰۴.

۴- المیزان، ج ۸، ص ۱۸۲؛ مفردات الالفاظ القرآن، ص ۳۳۰، ذیل واژه «عثی».

ص: ۵۵

ب) دوری از اسرافکاران: سیره تبلیغی دیگر از صالح علیه السلام این بود که از قومش می خواست تا از اسراف کاران و دنیا پرستان پیروی نکنند: «وَ لا تُطیعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفینَ». (شعرا: ۱۵۱)

مراد از اطاعت امر آنان، تقلید و پیروی کورکورانه ایشان در کارها و روش زندگی است؛ روشی که آنان سلوکش را دوست دارند و مراد از «مسرفین» اشراف و بزرگان هستند.(۱)

ج) دوری از خوشی های زودگذر: دعوت به خداپرستی و بیرون آمدن از زندان خودپرستی و عیش و نوش و خوش گذرانی، از دیگر سیره های تبلیغی صالح علیه السلام بود، چنان که خطاب به قومش می فرماید:

أَ تُتْرَکُونَ فی ما هاهُنا آمِنینَ فی جَنّاتٍ وَ عُیونٍ وَ زُرُوعٍ وَ نَخْلٍ طَلْعُها هَضیمٌ وَ تَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبالِ بُیوتًا فارِهینَ؛ آیا شما تصور می کنید همیشه در نهایت امنیت در نعمت هایی که در اینجا هست می مانید... و از کوه ها، خانه ها می تراشید و در آن به عیش و نوش می پردازید؟ (شعراء: ۱۴۶ ۱۴۹)

«فَرِه» در این آیه، صفت مشبه به معنای «شهوت پرست» است و «فارهین» یعنی شهوت پرستان.(۲)

د) دوری از عذاب الهی: از آنجا که قوم «صالح» علیه السلام قبل از رحمت الهی که سبب نازل شدن آن، ایمان و استغفار است، به درخواست عذاب مبادرت می کردند،(۳) حضرت صالح علیه السلام خطاب به آنان فرمود: «لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّیئَهِ قَبْلَ الْحَسَنَهِ.» (نمل: ۴۶) مفهوم سخن این است که برای انجام دادن کارهای بد، قبل از نیکی شتاب نکنید و به جای شتافتن به سوی رحمت، به سوی عذاب

۱- المیزان، ج ۱۵، صص ۳۵و۳۵۱.

۲- مفردات الالفاظ القرآن، ص ۶۳۶، ذیل واژه «فَرِه».

۳- المیزان، ج ۱۵، ص ۳۷۳.

ص: ۵۶

الهی حرکت نکنید.(۱) بـا اینکه حضـرت صالـح علیه السـلام در دعوت خود نهایت دلسوزی را نمود، قومش گسـتاخانه در برابر او ایستادند و مخالفت کردند و عذاب خواستند و فقط گروه اندکی بعد از دیدن (ناقه) ایمان آوردند.

ابتدا هفتاد نفر به دین ایشان ایمان آوردند، ولی آنها نیز پس از مدتی مرتد شدند تا آنجا که تنها شـش نفر ماند که یکی از آنها هم در شک و تردید بود و سرانجام از مخالفان شد و فقط پنج نفر در ایمان خود باقی ماندند.(۲)

۶. شناسه خانوادگی صالح علیه السلام

۶. شناسه خانوادگی صالح علیه السلام

نسب صالح علیه السلام : صالح پسر ثمود، پسر عاد، پسر ارم، پسر سام، پسر نوح علیه السلام بود.(۳)

۷. شناسه قومی صالح علیه السلام

۷. شناسه قومی صالح علیه السلام

الف) بت پرستی: قوم ثمود، دارای هفتاد بت بودنـد و چندین بتکده داشـتند. نام بت های بزرگ آنها، چنین بود: لات، عزّی، منوت (منـات)، هُبَـل و قیس. این بت هـا را قوم صالـح به شـدّت احترام می گذاشـتند، به گونه ای که شب و روز آنهـا را می پرستیدنـد و بتکـده را به نام آنها نام گذاری کرده بودند و هیچ کس حق تصـرف آن بتکده ها را نداشت و اگر کسـی از این امر سـر می پیچید، مشمول لعن هبل و منوت دو بت بزرگ می شد.(۴)

ب) انکار معاد: از دیگر ویژگی های قوم صالح علیه السلام اینکه معاد را باور نداشتند و دیدار آخرت را تکذیب می کردند: «الَّذِینَ کَفَرُوا وَکَذَّبُوا بِلِقَاء الْآخِرَهِ». (مؤمنون: ۳۳)

ج) تکـذیب پیـامبر: قوم صالـح (اصـحاب حجر) پیامبرشان را تکـذیب می کردنـد.(۵) قرآن در این بـاره می فرمایـد: «وَلَقَـدْ کَذَّبَ أَصْحَابُ الحِجْرِ الْمُرْسَلِینَ». (حجر: ۸۰)

۱- بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۳۷۴؛ علی بن ابراهیم القمی، تفسیر قمی، به کوشش: موسوی ج زایری، ج ۲، ص ۱۰۸.
۲- تفسیر نور الثقلین، ج ۲، ص ۴۹.
۳- بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۳۷۷.
۴- تفسیر المنار، ج ۸، ص ۵۰۷.
۵- فرهنگ قرآن، ج ۱۸، ص ۱۹۰.

ص: ۵۷

در واقع، ثمودیان با تکذیب صالح، همه انبیا و رسولان را تکذیب می کردند.(۱)

د) تهمت بدبینی و شومی به پیامبر: مردم به صالح علیه السلام خطاب می کردند ما به تو «تطیر» می زنیم و به هر کسی که با توست. منظور آنها این بود که تو و یارانت را شوم می دانیم؛ چون می بینیم از روزی که تو قیام کردی، ما گرفتار محنت ها و بلاها شده ایم. پس هرگز به تو ایمان نمی آوریم. حضرت صالح علیه السلام نیز در جوابشان گفت: «طائِرُکُمْ عِنْدَ اللّهِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ؛ فال (نیک و بد) شما نزد خداست؛ بلکه شما گروهی فریب خورده هستید...». (نمل: ۴۷)

خیر و شر نزد خداست و آن، نامه اعمال شماست. من و آنهایی که با من هستند، اثری در شما ندارند، بلکه شما خود در بوته آزمایش قرار گرفته اید و با این امور امتحان می شوید تا مؤمنان از کافران و مطیعان از عاصیان متمایز شوند.(۲)

ه) فساد در زمین: قوم ثمود، امتی از عرب و متشکل از قبایل مختلف بودند و در زمین فساد می کردند و به فکر اصلاح خویش نبودند. قرآن کریم در این باره می فرماید: «وَکَانَ فِی الْمَدِینَهِ تِسْعَهُ رَهْطٍ یفْسِدُونَ فِی الْأَرْضِ وَلَا یصْلِحُونَ؛ و در آن شهر نه گروهک بودند که در زمین فساد می کردند و اصلاح نمی کردند». (نمل: ۴۸)

مقصود از مدینه، شهر حجر است.(۳) «رهط» نیز در این آیه به معنی جمعیتی کمتر از ۱۰ یا کمتر از چهل نفر است(۴) که در یک امر مشترک اند و آن، فساد در زمین و به هم ریختن نظام اجتماعی و مبادی اخلاقی و اعتقادی است.(۵)

۸. شناسه حکومتی حضرت صالح علیه السلام

۸. شناسه حکومتی حضرت صالح علیه السلام

پادشاه اول قوم «ثمود»، عابر بن ارم بن ثمود بود که حدود دویست سال حکمرانی کرد. بعد از او جندع بن عمرو بن ذبیل بن ارم بن ثمود، پادشاه شد

۱- مجمع البیان، ج ۵ و ۶، ص ۵۲۸.

۲- المیزان، ج ۱۵، ص ۳۷۳.

۳- مجمع البیان، ج ۷ ۸، ص ۳۵۴.

۴- مفردات الالفاظ القرآن، ص ۳۶۷، ذیل واژه «رهط».

۵- تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۴۹۵.

ص: ۵۸

و ۳۲۷ سال حکومت کرد. پادشاهی و حکومت، در زمان حضرت صالح علیه السلام به دست جندع بن عمرو بود.(۱)

۹. شناسه جغرافیایی حضرت صالح علیه السلام

۹. شناسه جغرافیایی حضرت صالح علیه السلام

شهری که حضرت صالح علیه السلام و قومش در آن زندگی می کردند، حجر نام داشت. منطقه حجر، میان حجاز و شام در جنوب شرقی سرزمین مدین و در شرق خلیج عقبه قرار دارد. حجر، دارای کوه هایی به نام انالب بوده که ثمود «درون آن کوه ها خانه هایی از سنگ می ساختند»،(۲) به گونه ای که قرآن نیز می فرمایـد: «وَثَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ؛ و قوم ثمود که صخره های عظیم را از (کناره) دره می بریدند (و از آن خانه و کاخ می ساختند)». (فجر: ۹)

حضرت صالح علیه السلام و کسانی که به او ایمان آورده بودند، بعد از نابودی قوم به منطقه ای به نام رصله فلسطین رسیدند، اهالی حضرموت معتقدند قوم ثمود به حضرموت رفتند و در آنجا ساکن شدند. و پس از جنگ هایی که با قوم عاد داشته اند، به شمال حجاز و منطقه وادی القری میان مدینه منوره و شام مهاجرت کردند.(۳)

۱۰. شناسه زبانی

۱۰. شناسه زبانی

حضرت صالح علیه السلام عرب زبان بود و به زبان عربی فصیح صحبت می کرده است.

۱- مروج الذهب، صص ۴۰۴ و ۴۰۵.

۲- معجم البلدان، ج ۲، صص ۲۲۱ ۲۲۳.

۳- اطلس جغرافیایی، ص ۲۹.

ص: ۵۹

حضرت ابراهیم علیه السلام

اشاره

حضرت ابراهیم علیه السلام

زیر فصل ها

۱. شناسه اسمی حضرت ابراهیم علیه السلام

اشاره

۱. شناسه اسمی حضرت ابراهیم علیه السلام

زیر فصل ها

الف) نام حضرت ابراهیم علیه السلام

ب) زمان و محل ولادت و وفات

الف) نام حضرت ابراهیم علیه السلام

الف) نام حضرت ابراهیم علیه السلام

حضرت ابراهیم علیه السلام دومین پیامبر اُولوالعزم است که نام ایشان ۶۹ بار در قرآن آمده و چهاردهمین سوره به نام اوست.

از القاب آن حضرت، «خلیل» یا «خلیل الرحمن» است، چنان که قرآن در این باره می فرماید: «اتَّخَذَ اللّهُ إِبْراهیمَ خَلیلًا...؛ و خدا ابراهیم را دوست گرفت». (نساء: ۱۲۵)

«خلیل» از ریشه «خ ل ل» به معنی دوستی است که در مُوَدَّت و دوستی او خللی نباشد.(۱) علت اینکه خداوند، حضرت ابراهیم علیه السلام را به عنوان خلیل برگزید، آن است که حضرت به طور کامل در مسیر الهی گام برمی داشته است و خداوند برای گرامی داشتن بنده خود، هر نامی را که بخواهد، بر او می گذارد و چون ابراهیم علیه السلام خالص و مخلص بوده، او را به این نام نامیده است.(۲)

۱- مجمع البیان، ج ۳ و ۴، ص ۱۷۸؛ تفسیر کشف الاسرار، ج ۲، ص ۷۱۰.
۲- تفسیر المنار، ج ۵، ص ۴۳۹.

ص: ۶۰

همچنین گفته شده «خلیل بودن» ابراهیم علیه السلام از این جهت است که او امانت دار اسرار الهی و برگزیده او، و برخوردار از الهام های غیبی و معارف الهی به طور کامل بوده است.(۱)

بنابر روایات، علل رسیدن حضرت ابراهیم علیه السلام به مقام «خلیل اللهی»، کثرت صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد، درخواست نکردن از غیر خدا، پاسخ مثبت دادن به درخواست دیگران و خواندن نماز شب بوده است.(۲)

ب) زمان و محل ولادت و وفات

ب) زمان و محل ولادت و وفات

ولادت: حضرت ابراهیم علیه السلام ۳۳۲۳ سال بعد از هبوط آدم علیه السلام ،(۳)در روز اول ماه ذی الحجه،(۴) در حرّان که یکی از شهرهای کشور بابل بود، به دنیا آمد(۵) و برخی محل تولد او را «قریه کوثی ربی» ذکر کرده اند.(۶)

وفات: ۳۵۰۸ سال بعد از هبوط آدم علیه السلام ، در روز پنج شنبه، نهم محرّم حضرت ابراهیم علیه السلام فوت کرده و محل دفنش را در قدس خلیل که همان حبرون است، در «غار مکفیله» کنار همسرش ساره می دانند.(۷)

۲. شناسه جسمی و ظاهری ابراهیم علیه السلام

۲. شناسه جسمی و ظاهری ابراهیم علیه السلام

حضرت ابراهیم علیه السلام تمام قامت و فراخ سینه بود. چشم هایش شهلایی (میشی) بود و اندامی بسیار زیبا داشت.(۸) همچنین از امام حسن علیه السلام نقل شده که

۱- التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۳، ص ۱۱۵.
۲- بحارالانوار، ج ۱۲، صص ۱۳ و ۱۴.
۳- ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۱۸۲.
۴- بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۳۱.
۵- تاریخ طبری، ج ۱، ص ۱۷۲؛ ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه: احمد آرام و دیگران، ج ۲، ص ۲۱۱.
۶- بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۲۶.
۷- ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۲۳۶.
۸- ناسخ التواریخ، ج ۱، صص ۲۳۸ و ۲۳۹.

ص: ۶۱

حضرت ابراهیم علیه السلام سینه اش پهن و پیشانی ش بلند بود.(۱) در حدیثی از امام حسن و امام حسین علیهما السلام آورده اند که ابراهیم علیه السلام از نظر جسمی دارای صورتی سفید و نورانی، پیشانی بلند، ابروان باریک و کشیده، دهانی نه بسیار کوچک و نه بسیار بزرگ، دندان های سفید و براق، اعضای بدن همه معتدل و قوی اندام و خوش نما و سینه میان دو کتفش پهن بود که نشانه شجاعت بود. هنگام راه رفتن، قدم ها را به روش متکبران بر زمین نمی کشید، بلکه از زمین بلند می کرد و دوباره می گذاشت و سر به زیر و باوقار راه می رفت.(۲)

۳. شناسه شغلی و خدماتی ابراهیم علیه السلام

۳. شناسه شغلی و خدماتی ابراهیم علیه السلام

شغل ابراهیم علیه السلام زراعت بوده و همواره دهقانی می کرده است. همچنین در ساختن خانه و تعمیر آنها جدی بود و در زمان او شهرهای زیادی ساخته و آباد شد.(۳)

۴. شناسه رفتاری و روانی حضرت ابراهیم علیه السلام

۴. شناسه رفتاری و روانی حضرت ابراهیم علیه السلام

آیات زیادی از قرآن به ستایش و تمجید از رفتار و شخصیت حضرت ابراهیم علیه السلام پرداخته و بر الگو و اسوه بودنش تأکید کرده است.(۴) برای نمونه در قرآن آمده است: «قَدْ کانَتْ لَکُمْ أُسْوَهٌ حَسَنَهٌ فی إِبْراهیمَ وَ الَّذینَ مَعَهُ...». (ممتحنه: ۴)

برخی از ویژگی های رفتاری آن حضرت عبارت اند از:

الف) بسیار راست گو و صادق: قرآن در این باره می فرماید: «وَ اذْکُرْ فِی الْکِتابِ إِبْراهیمَ إِنَّهُ کانَ صِدِّیقًا نَبِیا». (مریم: ۴۱)

۱- تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۲۸.

۲- حیوه القلوب، ج ۳، صص ۲۷۹و ۲۸۰.

۳- تاریخ روضه الصفا، ج ۱، ص ۱۶۷.

۴- اسوه های قرآنی، ص ۱۷۷.

ص: ۶۲

«صدیق» کسی است که در اخبار و گفته های او هرگز دروغ نیست(۱) و عمل و گفتارش بر هم منطبق و یکی است.(۲)

ب) حلیم و بردبار: ابراهیم علیه السلام ، بردبار، نرم دل و بازگشت کننده به سوی خدا بود. قرآن می فرماید: «إِنَّ إِبْراهِیمَ لَحَلیمٌ أَوّاهٌ مُنیبٌ؛ زیرا ابراهیم، بردبار و نرم دل و بازگشت کننده [به سوی خدا] بود». (هود: ۷۵)

«إِنَّ إِبْراهِیمَ لَأَوّاهٌ حَلیمٌ؛ راستی که ابراهیم، دلسوزی بردبار بود». (توبه: ۱۱۴)

«حلیم» کسی است که در انتقام گیری و مجازات بدکاران شتاب نمی کند(۳) و از خطای دیگران می گذرد و بر اذیت آنان صبر می کند.(۴) از آنجا که ابراهیم علیه السلام حلیم بوده، جفای آزر را تحمل کرد و در برابر، به او وعده نیکی داد و برای او طلب مغفرت کرد.(۵) (توبه: ۱۱۴)

در روایتی از امام باقر علیه السلام ، «اوّاه» به کسی گفته شده که در نماز و خلوت خویش در پیش گاه خداوند تضرع می کند.(۶) توصیف ابراهیم علیه السلام به «اوّاه» را به دلیل ناراحتی فراوان او از گمراهی مردم(۷) و آه کشیدن بسیار او از سر امید و ترس از خداوند سبحان دانسته اند.(۸)

ج) رسیدن به مقام احسان: به دلیل نیکوکاری حضرت ابراهیم علیه السلام ، خداوند، او را در گروه محسنین می شمارد و می فرماید: «وَکَذلِکَ نَجْزِی الْمُحْسِنِینَ». (صافات: ۱۱۰)

۱- مفردات الالفاظ القرآن، ص ۴۷۹.

۲- المیزان، ج ۱۴، ص ۵۶.

۳- المیزان، ج ۱۰، ص ۳۲۶؛ تفسیر الصافی، ج ۲، ص ۴۶۱.

۴- ابی عبدالله محمد بن احمد الانصاری قرطبی، تفسیر قرطبی، ج ۸، ص ۱۷۵.

۵- المیزان، ج ۹، ص ۳۹۸.

۶- تفسیر القمی، ج ۱، ص ۳۳۵؛ تفسیر الصافی، ج ۲، ص ۳۸۳.

۷- المیزان، ج ۱۰، ص ۳۲۶.

۸- المیزان، ج ۹، ص ۳۹۸.

ص: ۶۳

همچنین به خاطر کار خیر فراوان جزو «اخیار» قرار گرفته است: «وَإِنَّهُمْ عِندَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَينَ الْأَخْيارِ». (ص: ۴۷)

د) دریافت تحیت از سوی خداوند: «سَلَامٌ عَلَى إِبْرَاهِيمَ». (صافات: ۱۰۹)

سلام در این آیه، تحیت خداوند بر ابراهیم است و برای بزرگداشت او لفظ «سلام»، نکره آمده است.(۱) از دیگر رفتارهای ابراهیم علیه السلام دعاهای عمیق و پرمحتوای او درباره خانواده و فرزندان خود به درگاه خداوند است.(۲) افزون بر قرآن، در روایات نیز طهارت های ده گانه ای که با عنوان «حنفیت» از آنها یاد می شود، نخستین بار در آیین ابراهیم علیه السلام تشریع و در اسلام امضا شده اند که عبارت اند از: کوتاه کردن شارب؛ باقی گذاردن محاسن؛ اصلاح موی سر؛ مسواک زدن؛ خلال کردن؛ ستردن موی بدن؛ ختنه؛ چیدن ناخن ها؛ غسل جنابت، تحصیل طهارت به وسیله آب (وضو؛ غسل).(۳)

۵. شناسه فکری و عقیدتی ابراهیم علیه السلام

۵. شناسه فکری و عقیدتی ابراهیم علیه السلام

الف) امت بودن: حضرت ابراهیم علیه السلام در عصر خود، نخست تنها یگانه پرستِ روی زمین به شمار می آمد، به همین دلیل او را «أمه» نامیدند.(۴) قرآن در این باره می فرماید: «إنَّ إبراهيمَ كانَ اُمَّه...». (نحل: ۱۲۰)

«اُمَّه» به معنی جماعت است و حضرت ابراهیم علیه السلام چون در زمینه عبادت خداوند به تنهایی قائم مقام جماعتی بوده، خداوند او را «امت» نامیده است.(۵)

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که چون حضرت ابراهیم علیه السلام پیش از دریافت وحی موحد بوده و برنامه دینی پروردگار را از نظر عقلی و فکری انجام می داده، قرآن از او با تعبیر «اُمه» یاد کرده است.(۶)

۱- المیزان، ج ۱۷، ص ۱۵۳.

۲- نک: ابراهیم: ۳۵ ۳۷ ۴۰ و ۴۱.

۳- بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۷وج۷۶، ص ۶۸.

۴- بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۳۳.

۵- مفردات الالفاظ القرآن، ص ۸۶ ذیل واژه «اُم».

۶- ۳.عبدالله ج وادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۶، ص ۳۷۴.

ص: ۶۴

همچنین برخی مفسران در این باره گفته اند: چون ایشان همه ویژگی های نیکی را که در امت می تواند پراکنده باشد، در خود داشته است، به همین دلیل به تنهایی، «امت» به شمار می آمد.(۱)

ب). تسلیم خدا بودن: ابراهیم علیه السلام همواره در برابر خداوند و دستورهای او تسلیم بوده است. قرآن می فرماید: «إِذْ قالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمْ قالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعالَمینَ». (بقره: ۱۳۱)

بنابر این آیه، ابراهیم علیه السلام به اسلام فرمان یافته و آن را به اختیار پذیرفته است.(۲)

ج) حنیف بودن: «حنیف» به معنای متمایل به راه مستقیم است.(۳) قرآن ابراهیم علیه السلام را حنیف می خواند و می فرماید: «... کانَ حَنِیفًا مُّسْلِمًا». (آل عمران: ۶۷)

«حنیف کسی است که از باطل روی گرداند و به حق رو می کند».(۴)

د) عبادت و اطاعت کردن خدا: ابراهیم علیه السلام تنها فردی بوده که خدا را عبادت می کرده است، چنانکه قرآن می فرماید: «إِنَّ إِبْراهِیمَ کانَ أُمَّةً قانِتًا لِلّهِ...». (نحل: ۱۲۰)

قنوت در این آیه به معنای دوام عبادت و اطاعت است.(۵)

ه) شیعه نوح بودن: «وَ إِنَّ مِنْ شیعَتِهِ لَإِبْراهیمَ.» (صافات: ۸۳) نوح علیه السلام نخستین پیامبری بود که شریعت داشته(۶) و در قرآن از منادیان توحید به شمار آمده است.(۷)

بنابراین، ابراهیم علیه السلام از آن جهت که پیرو دین توحیدی بوده، شیعه نوح نامیده شده است.

۱- تفسیر کشف الاسرار، ج ۶، ص ۵۴۸.

۲- المیزان، ج ۱، صص ۳۰۳ ۳۰۵.

۳- مفردات الالفاظ القرآن، ص ۲۶۰.

۴- التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۲، ص ۲۹۴؛ المیزان، ج ۷، ص ۱۹۱.

۵- مجمع البیان، ج ۵ ۶، ص ۶۰۳؛ المیزان، ج ۱۲، ص ۳۶۸.

۶- المیزان، ج ۲، ص ۱۲۸.

۷- المیزان، ج ۱۰، ص ۱۹۸.

ص: ۶۵

و) به مقام یقین رسیدن: برخورداری از قلب مطمئن و سلیم و رسیدن به مقام یقین، از دیگر اعتقادات ابراهیم علیه السلام است: «إِذْ جَاء رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِیمٍ». (صافات: ۸۴)

«سلامت»، یعنی دور بودن از آفات آشکار و پنهان(۱) و منظور از سلامت قلب، دوری از هر چیزی است که به تصدیق و ایمان به خداوند، زیان رساند و توجه او را مختل سازد.(۲)

ز) یاد آخرت بودن: «إِنّا أَخْلَصْناهُمْ بِخالِصَهٍ ذِکْرَی الدّارِ.» (ص: ۴۶) بنابراین، به صورت خالص یاد آخرت و سرای دیگر را در آنان پدید آوردیم. به این معنا که یاد آخرت در آنان آمیخته به یاد دنیا نبوده است.(۳)

از دیگر ویژگی های عقیدتی ابراهیم علیه السلام این است که او نخستین بت شکن بود(۴) و در راه خدا جنگید.(۵) مواردی از مناسک و فروع شریعت ابراهیم علیه السلام عبارت اند از: نماز (ابراهیم: ۳۷)، زکات (انبیاء: ۷۳)، رکوع و سجده (حج: ۷۷)، وفای به نذر (حج: ۲۹) و... .

۶. شناسه تبلیغی ابراهیم علیه السلام

اشاره

۶. شناسه تبلیغی ابراهیم علیه السلام

در یکی از آیاتی که بر نبوت و رسالت ابراهیم علیه السلام دلالت می کند، آمده است:

«وَ اذْکُرْ فِی الْکِتابِ إِبْراهِیمَ إِنَّهُ کانَ صِدِّیقًا نَبِیا». (مریم: ۴۱)

خداوند در این آیه ضمن صدیق خواندن ابراهیم، وی را «نبی» معرفی می کند. منظور از «نبی» کسی است که از غیب خبر می دهد و همچنین «نبی» به معنی «رفیع و بلندمرتبه» است.(۶) از دیگر دلایل نبوت و رسالت ابراهیم علیه السلام

۱- مفردات الالفاظ القرآن، ص ۴۲، ذیل واژه «سلم».
۲- المیزان، ج ۱۷، ص ۱۴۷.
۳- مجمع البیان، ج ۷ ۸، ص ۷۵۰؛ تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۳۰۹.
۴- بحارالانوار، ج ۳۸، ص ۸۴.
۵- بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۱۰ و ج ۱۰۰، ص ۵۱.
۶- المیزان، ج ۱۴، ص ۷۴.

ص: ۶۶

این است که از طرف خداونـد بر او وحی نازل می شـده است.(۱) قرآن می فرمایـد: «إِنّـا أَوْحَینا إِلَیکَ کَما... أَوْحَینا إِلی إِبْراهیمَ...». (نساء: ۱۶۳)

الف) صحف ابراهیم علیه السلام

الف) صحف ابراهیم علیه السلام

قرآن دوبار از «صـحف» ابراهیم علیه السلام یاد کرده و بخشی از مطالب آن را نیز آورده است. (نجم: ۳۶ ۳۷)؛ (اعلی: ۱۴ ۱۹). تعبیر «صـحف» با لفظ جمع، نشان می دهد که کتاب آسـمانی حضرت ابراهیم علیه السلام دارای بخش هایی(۲) (براساس بعضی روایات ۱۰ صحیفه)(۳) بوده و این «صحف» در نخستین شب ماه رمضان نازل شده است.(۴)

ب) سیره تبلیغی

ب) سیره تبلیغی

زنـد گی ابراهیم علیه السـلام شامـل نکـات و روش هـای تبلیغی بسـیار بوده است. مهم ترین سـیره تبلیغی او، بیزاری از شـرک و بت پرستی و معتقد نبودن به تعدد خدایان است.

مبارزه ابراهیم علیه السلام با بت پرستان زمان خود از قبیل عمویش آذر، نمرود، قوم خود و اشراف، روشن ترین نوع مناظره در طول تاریخ بشر بود. این مناظره ها در مراحل مختلف شامل نکات مهم تربیتی و تبلیغی است. این مراحل نیز عبارت اند از:

یک مرحله گفت وگو و مناظره با آزر: ابراهیم علیه السـلام در گفت وگو با آزر با نـدای «یا أَبتِ» که نشانه دلسوزی فراوان نسبت به اوست، او را خطاب قرار می دهد. (مریم: ۴۲ ۴۵)

۱- المیزان، ج ۵، صص ۱۴۵ و ۱۴۶.

۲- المیزان، ج ۱۹، ص ۴۵.

۳- المیزان، ج ۲۰، ص ۲۷۲.

۴- بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۵۷.

ص: ۶۷

هنگامی که عمویش او را تهدید می کند، بزرگوارانه به او سلام و وعده استغفار می دهد (مریم: ۴۶ و ۴۷) و با اینکه آزر او را می راند و فرمان هجران می دهد، پاسخ ابراهیم علیه السلام بسی نرم تر و ملایم تر است. (مریم: ۴۸) به این ترتیب، دلسوزانه و با رعایت ادب، پیام های توحید را به دل و اندیشه آزر عرضه کرد.

دو مرحله مناظره و جدال احسن: در مناظره با قوم ستاره پرست، با استفاده از عقاید مردم به مقابله با اعتقاداتشان پرداخت و با برخوردی منطقی، آنان را به حقیقت رهنمون کرد. چنان که شب هنگام وقتی ستار گان را در آسمان دید، گفت: این پروردگار من است و هنگامی که غروب کرد، گفت: غروب کنندگان را دوست ندارم. (انعام: ۷۵ و۷۶)

در مباحثه و مناظره ابراهیم علیه السلام با نمرود (بقره: ۲۵۸)، ابراهیم مخالفت و نفرت رسمی خود را از بت پرستی اعلام می کند و خطاب به آنان می فرماید: «أُفٍّ لَکُمْ وَ لِما تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللّهِ أ فَلا تَعْقِلُونَ؛ اف بر شما و بر آنچه جز خدای می پرستید! آیا اندیشه نمی کنید؟ (عقل ندارید!)» (انبیاء: ۶۷)

سه مرحله بت شکنی و اقدام عملی: (۱) مرحله دیگر، مرحله مبارزاتی بود. وقتی دید عمویش آزر و قوم او به هیچ ندایی پاسخ مثبت نمی دهند، تصمیم به مبارزه جدی با آنان و تلاش برای نابودی مظاهر شرک گرفت. آن گاه در فرصت مناسب اقدام به شکستن بت ها کرد.(۲)

چهار مرحله نزول عذاب الهی بر قوم لوط: لوط علیه السلام شاگرد بزرگ ابراهیم علیه السلام بود که به عنوان نماینده ابراهیم علیه السلام به سوی قومی گنهکار فرستاده شد و پس از سال ها تلاش نتوانست آنها را از این عمل زشت (عمل شنیع) بازدارد. به همین دلیل، عذاب بر قوم لوط علیه السلام حتمی شد و فرشتگان عذاب،

۱- سه مرحله برگرفته شده از اسوه های قرآنی، صص ۱۸۵ ۱۹۰ (با خلاصه).

۲- نک: انبیاء: ۵۷ و ۵۸؛ صافات: ۹۳.

ص: ۶۸

نخست خـدمت ابراهیم علیه السـلام آمدنـد. ابراهیم علیه السـلام پس از آگـاهی از مأموریتشـان، بـا آنهـا دربـاره قوم لوط به مجادله پرداخت. مقصود از این مجـادله، رفع عـذاب از قوم لوط به امیـد بـازگشت آنـان(۱) (هود: ۷۴) یا پرسـش ابراهیم از فرشـتگان برای آگاهی از این بوده که آیا عـذاب همه آنها را در برمی گیرد یا نه.(۲) قرآن با مدح ابراهیم علیه السـلام علت مجادله را تأخیر عذاب از قوم لوط اعلاـم کرده است: (۳) «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُّنِيبٌ.» (هـود: ۷۵) رجوع مکرر ابراهیم علیه السـلام به خداونـد نیز تلاش برای رهایی گمراهان بوده است.(۴)

۷. شناسه خانوادگی ابراهیم علیه السلام

اشاره

۷. شناسه خانوادگی ابراهیم علیه السلام

زیر فصل ها

الف) نسب ابراهیم علیه السلام

ب) همسران حضرت ابراهیم علیه السلام

ج) فرزندان حضرت ابراهیم علیه السلام

الف) نسب ابراهیم علیه السلام

الف) نسب ابراهیم علیه السلام

ابراهیم فرزند تارخ، فرزند ناحوره، فرزند ساروغ، فرزند ارغو، فرزند عابِر، فرزند شالِح، فرزند سام، فرزند نوح است.(۵)

پـدر ابراهیم علیه السـلام : تارخ نام داشت که فردی موحـد و خـداپرست بوده است.(۶) در قرآن از آزر به عنـوان پـدر ابراهیم علیه السـلام یاد شـده است: «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لأَبِيهِ آزَرَ...». کلمه «أب» در اصل به معنی پدر است، ولی به معنای عمو، جد مادری و مربی هم به کار می رود، چنانکه در قرآن، اسـماعیل علیه السـلام و ابراهیم علیه السـلام را پدران یعقوب دانسـته اند (بقره: ۱۳۳)، درحالی که اسـماعیل علیه السلام ، عمو و ابراهیم علیه السلام ، جد یعقوب هستند. بر همین اساس است که قرآن از آزر به عنوان پدر ابراهیم علیه السلام یاد می کند، درحالی که وی عموی ابراهیم علیه السلام است(۷)

۱- المیزان، ج ۱۰، ص ۳۲۶.

۲- شریف مرتضی، تنزیه الانبیاء، ص ۶۰.

۳- المیزان، ج ۱۰، صص ۳۲۰ ۳۲۸.

۴- المیزان، ج ۱۰، صص ۳۲۶ و ۳۲۷.

۵- تاریخ یعقوبی، ج ۱، صص ۲۵ و ۲۶؛ اعلام القران، ص ۲۲.

۶- بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۴۲ و ج ۱۵، ص ۳۶.

۷- بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۴۰.

ص: ۶۹

و در جای دیگر نیز آزر، پدرِ مادر ابراهیم ذکر شده است.(۱) نام مادر ابراهیم علیه السلام : را أمیله یا یونی یا عَوسا ذکر کرده اند.(۲)

ب) همسران حضرت ابراهیم علیه السلام

ب) همسران حضرت ابراهیم علیه السلام

ساره اولین همسر حضرت ابراهیم علیه السلام و دختر خاله او(۳) و نیز دختر یکی از پیامبران الهی به نام لاحج بود.(۴) ساره از زیبایی خاصی برخوردار بود.(۵) وی در زمره ثروتمندانی قرار داشت که گله های فراوان و زمین های کشاورزی زیادی داشت که تمام اموالش را به ابراهیم علیه السلام بخشید.(۶)

هاجر دومین همسر ابراهیم علیه السلام است که در هجرت به فلسطین، فرعون آن زمان، هاجر را به ساره بخشید.(۷) ساره به دلیل نازایی از ابراهیم علیه السلام خواست تا با او ازدواج کند. قَنطُورا(۸) و حَجونی(۹) نام دو همسر دیگر حضرت هستند که بعد از مرگ ساره، با آنان ازدواج کرد.

ج) فرزندان حضرت ابراهیم علیه السلام

ج) فرزندان حضرت ابراهیم علیه السلام

نخستین فرزند ابراهیم علیه السلام اسماعیل بود که مادرش هاجر نام داشت. «فَبَشَّرْناهُ بِغُلامٍ حَلیمٍ» (صافات: ۱۰۱) فرزند دیگر او «اسحاق» است که نام مادرش ساره بود.(۱۰) «قالُوا لا تَخَفْ وَ بَشَّرُوهُ بِغُلامٍ عَلیمٍ». (ذاریات: ۲۸)

۱- بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۱۴۵.

۲- دائره المعارف تشیع، ج ۱، ص ۲۶۴.

۳- بحارالانوار، ج ۳۸، ص ۵۵.

۴- محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ترجمه: سید ج واد مصطفوی، ج ۸، ص ۳۷۰.

۵- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۳۴.

۶- اصول کافی، ج ۸، ص ۳۷۰.

۷- بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۱۵۵.

۸- ابن سعد، الطبقات ابن سعد، به کوشش: محمد عبدالقادر عطا، ج ۱، ص ۴۰.

۹- ابن سعد، الطبقات ابن سعد، به کوشش: محمد عبدالقادر عطا، ج ۱، ص ۴۰.

۱۰- بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۱۴۹.

ص: ۷۰

حاصل ازدواج با قنطورا شش فرزند به نام های زِمران، یقشَن، مَدَن، مَدین، شیباق و شُوخ بوده است.(۱)

حاصل ازدواج با حَجونی هفت فرزند به نام های نافَس، مدین، کیشان شروخ، أَمیم، لوط و یقشَان است.(۲)

۸. شناسه قومی ابراهیم علیه السلام

۸. شناسه قومی ابراهیم علیه السلام

قوم ابراهیم علیه السلام گروه های مختلفی همچون ستاره پرست، خورشیدپرست و ماه پرست را شامل می شد که همگی مشرک بودند و به بت پرستی خویش افتخار می کردند.(۳)

«صابِئون» که اجرام آسمانی را می پرستیدند، دینشان در آن زمان از ادیان مشهور جهان به شمار می رفت. آنان همچنین بت پرست بودند و معبدهایی را برای عبادت غیرکواکب می ساختند و آنها را عبادت می کردند.(۴) بت پرستان قوم، به وجود خداوند اعتقاد داشتند، ولی به نظر آنان، پرستش او بدون واسطه، ناممکن بود. (عنکبوت: ۲۹)

قوم ابراهیم علیه السلام چنان دچار ضعف فکری بودند(۵) که وقتی حضرت ابراهیم علیه السلام در مجادله با نمرود، با آنکه سعی کرد برهان خود را به صورت ساده مطرح کند (زنده کردن و میراندن)، نمرود توانست آنها را به دام مغالطه خویش گرفتار کند:

هنگامی که ابراهیم علیه السلام با نمرود به احتجاج پرداخت، ابراهیم علیه السلام گفت: پروردگار من کسی است که زنده می کند و می میراند. نمرود گفت: من هم زنده می کنم و می میرانم (و برای اثبات این کار، دستور داد، دو زندانی

۱- الطبقات ابن سعد، ج ۱، ص ۴۰.

۲- الطبقات ابن سعد، ج ۱، ص ۴۰.

۳- نک: شعراء: ۷۱؛ انعام: ۷۶ ۷۹.

۴- المیزان، ج ۷، ص ۲۳۶.

۵- المیزان، ج ۲، ص ۳۵۴.

ص: ۷۱

را حاضـر کردند و فرمان آزادی یکی و قتل دیگری را داد). ابراهیم علیه السـلام پاسخ داد: خداوند خورشـید را از مشـرق بیرون می آورد، تو آن را از مغرب بیرون آور. در این هنگـام، نمرود مبهوت مانـد و در مقابـل حجت و اسـتدلال ابراهیم علیه السـلام سـکوت کرد. (بقره: ۲۵۸)

۹. شناسه حکومت زمان ابراهیم علیه السلام

۹. شناسه حکومت زمان ابراهیم علیه السلام

نام شاه زمان ابراهیم علیه السـلام ، نمرود بن کنعان بن کوش بود.(۱) وی حکمرانی کافر و جبار(۲) و نخستین فردی بود که تاج بر سر گذاشت. همچنین نسل کشی نمرود برای دفع خطر ابراهیم، بارزترین سند در زمینه استبداد و تکبر او است.(۳)

وقتی ابراهیم علیه السـلام بابـل را ترک گفت، نمرود بخش نـامه ای به همه جهان صادر کرد تا مانع سـکونت ابراهیم در مناطق آباد شود.(۴) بنـابراین، حکـومت نمرود، حکـومت جهـانی بـود که این مطلب، نشـان دهنـده نفـوذ حکـومت بین النهرین به صورت یک قدرت برتر بر دیگر حکومت هاست؛ چرا که از نمرود به عنوان «ملک الدنیا» یاد شده است.(۵)

دربـاره چگـونگی عـذاب نمرود در این دنیـا آمـده است که خداونـد پشه ای را بر نمرود مسـلط سـاخت و همـان موجب مرگ وی شد.(۶) همچنیـن نمرود در شـمار هفـت نفر از کسـانی قرار گرفته است که در قیـامت به شدیـدترین عـذاب از سـوی خداونـد کیفر خواهند دید.(۷)

۱- مجمع البیان، ج ۱و۲، ص ۶۳۵ ؛ تاریخ طبری، ج ۱، ص ۱۷۲.

۲- بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۸۷.

۳- اثبات الوصیه، ص ۴۱.

۴- بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۱۵۴.

۵- بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۲۴۱.

۶- بحارالانوار، ج ۱۰، صص ۸۱ ۱۷۳.

۷- بحارالانوار، ج ۸، ص ۳۱۳.

ص: ۷۲

۱۰. شناسه جغرافیایی ابراهیم علیه السلام

۱۰. شناسه جغرافیایی ابراهیم علیه السلام

بیشتر مفسران حضرت ابراهیم علیه السلام را ساکن بابل و معاصر نمرود شمرده اند.(۱) شهر بابل، در سرزمینی به فاصله پنج میل از محل کنونی شهر دجله در کرانه فرات قرار گرفته که از مهم ترین و ثروتمندترین و بزرگ ترین شهرهای آسیا بوده است. مورخان، آن را جزو عجایب هفت گانه جهان آورده اند و عظمت این شهر به قدری بود که نام آن را بر تمام مملکت اطلاق کرده اند.(۲) مشهورترین بنای شهر بابل، برج معروف و قصر سلطنتی و باغ های معلق و چند طبقه رصدخانه بزرگ است. درباره برج بابل گفته شده که این برج، دارای هفت طبقه به هفت رنگ بود که هر یک از آنها به یکی از اجرام آسمانی تعلق دارد.(۳)

بابل، اولین شهری بود که بعد از طوفان نوح ساخته شد و از نوح علیه السلام به عنوان بنیان گذار بابل نام برده اند. این شهر میان نویسندگان مسلمان به «سحر» شهرت دارد(۴) و مردمش در علم نجوم و هیئت و حساب و خسوف و کسوف مهارت داشته اند.(۵)

۱۱. شناسه فرهنگی و زبانی حضرت ابراهیم علیه السلام

اشاره

۱۱. شناسه فرهنگی و زبانی حضرت ابراهیم علیه السلام

زیر فصل ها

الف) شناسه فرهنگی

الف) شناسه فرهنگی

الف) شناسه فرهنگی

قوم ابراهیم علیه السلام در عصر خویش از تمدن پیشرفته ای برخوردار بودند، چنانکه ضرب سکه های طلا و نقره، نخستین بار به وسیله نمرود انجام شده است.(۶) آنان پیشرفت هایی نیز در علم نجوم داشته اند و از محاسبه های فلکی برای

۱- ۱جامع البیان، ج ۳، ص ۳۴؛ تفسیر القرطبی، ج ۲، ص ۱۸۴.

۲- صدرالدین بلاغی، فرهنگ قصص قرآن، ص ۳۲۵.

۳- صدرالدین بلاغی، فرهنگ قصص قرآن، ص ۳۲۵.

۴- معجم البلدان، ج ۱، ص ۳۰۹.

۵- اعلام قرآن، صص ۲۴۳و۲۴۴.

۶- بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۸.

ص: ۷۳

تعیین اموری مانند خسوف و کسوف به منظور پیش بینی حوادث آینده استفاده می کردند.(۱)

بخشی از جایگاه رفیع آزر در حکومت نمرود، به دلیل مهارت وی در علم نجوم بوده است. اقداماتی که نمرود در پی پیش بینی آزر برای زنده بودن ابراهیم به عمل آورد، شاهد توجه فراوان به این علم در آن عصر است. کاهنان بابل در زمینه انواع علوم از قبیل علم امداد، حروف و حبل و نجات، به اطلاعات زیادی دست یافته بودند. همچنین در فن تعبیر خواب مهارت داشته اند و از مطالعه اعضا و احشای قربانی ها، مطالبی را استخراج می کردند.(۲)

ب) شناسه زبانی:

زبان عصر مردم ابراهیم علیه السلام سریانی بوده است.(۳)

۱- فرهنگ قصص قرآن، ص ۳۲۶.

۲- فرهنگ قصص قرآن، ص ۳۲۶.

۳- حیوه القلوب، ج ۱، ص ۱۴.

ص: ۷۴

حضرت اسماعیل علیه السلام

اشاره

حضرت اسماعیل علیه السلام

زیر فصل ها

۱. شناسه حضرت اسماعیل علیه السلام

۲. شناسه جسمی و ظاهری اسماعیل علیه السلام

۳. شناسه شغلی و خدماتی اسماعیل علیه السلام

۴. شناسه رفتاری و روانی حضرت اسماعیل علیه السلام

۵. شناسه فکری و عقیدتی اسماعیل علیه السلام

۶. شناسه تبلیغی اسماعیل علیه السلام

۷. شناسه خانوادگی اسماعیل علیه السلام

۸. شناسه جغرافیایی حضرت اسماعیل علیه السلام

۱. شناسه حضرت اسماعیل علیه السلام

اشاره

۱. شناسه حضرت اسماعیل علیه السلام

زیر فصل ها

الف) نام اسماعیل علیه السلام

ب) زمان ولادت و محل وفات

الف) نام اسماعیل علیه السلام

الف) نام اسماعیل علیه السلام

نام اسماعیل علیه السلام دوازده بار در قرآن ذکر شده و از القاب ایشان، صادق الوعد است که بنابر نظر برخی مفسران، او پسر حضرت ابراهیم علیه السلام است.(۱)

و برخی معتقدند او «اسماعیل بن حزقیل» است که به مقام نبوت نائل شده و خداوند او را به سوی قومش فرستاده است.(۲)

قرآن نیز در این باره می فرماید: «وَاذْکُرْ فِی الْکِتَابِ إِسْمَاعِیلَ إِنَّهُ کَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَکَانَ رَسُولًا نَّبِیا». (مریم: ۵۴)

«ذبیحالله» از دیگر لقب های اسماعیل علیه السلام است که در قرآن، داستان ذبح او بیان شده است.(۳) (صافات: ۱۰۱ ۱۰۷)

ب) زمان ولادت و محل وفات

ب) زمان ولادت و محل وفات

ولادت: حضرت اسماعیل علیه السلام ۳۴۱۸ سال بعد از هبوط آدم علیه السلام متولد شد.(۴)

۱- مجمع البیان، ج ۵ ۶، ص ۸۰۰؛ جامع البیان، ج ۹، ص ۱۲۰.

۲- مجمع البیان، ج ۵ ۶، ص ۸۰۰؛ تفسیر الصافی، ج ۳، ص ۲۸۵.

۳- تفسیر الصافی، ج ۷ و ۸، ص ۷۰۷.

۴- ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۱۹۳.

ص: ۷۵

وفات: سال وفات آن حضرت را ۳۵۴۸ سال بعد از هبوط آدم علیه السلام می دانند و محل دفن او، در حجر اسماعیل، نزدیک قبر مادرش هاجر است.(۱)

۲. شناسه جسمی و ظاهری اسماعیل علیه السلام

۲. شناسه جسمی و ظاهری اسماعیل علیه السلام

اسماعیل علیه السلام دارای شانه های پهن، قامتی بلند، انگشتانی نیرومند و بینی کشیده ای بوده است.(۲)

۳. شناسه شغلی و خدماتی اسماعیل علیه السلام

۳. شناسه شغلی و خدماتی اسماعیل علیه السلام

یکی از خدماتی که حضرت اسماعیل انجام داد، تجدید و ساختن خانه کعبه بود. چنانکه اسماعیل علیه السلام سنگ می آورد و حضرت ابراهیم علیه السلام ، خانه را بنا می کرد.(۳)

از خدمات دیگر اسماعیل علیه السلام ، آموزش مناسک حج بود، به گونه ای که پدرش ابراهیم علیه السلام از او خواست تا به مردم حج و مناسک آن را بیاموزد.(۴) همچنین گفته اند: «اسماعیل علیه السلام اولین کسی بود که به کعبه، پرده آویخت، عمامه به سر کرد و حاجیان را طعام داد».(۵)

از نظر شغلی، بیشتر وقت خود را به شکار کردن می گذراند و به این کار رغبت زیادی داشت و در تیر تراشیدن و تیر انداختن بسیار ماهر بود.(۶)

۴. شناسه رفتاری و روانی حضرت اسماعیل علیه السلام

۴. شناسه رفتاری و روانی حضرت اسماعیل علیه السلام

الف) صبر و استقامت: سکونت اسماعیل علیه السلام در سرزمین «تهامه» و ساخت بنای کعبه و تشریع اعمال حج و ماجرای قربانی، نشان دهنده صبر و استقامت اسماعیل علیه السلام در راه خداست.(۷) (انبیاء: ۸۵)

۱- ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۲۴۱.

۲- حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، به کوشش: مصطفی عبدالقادر عطا، ج ۲، ص ۵۵۳.

۳- مجمع البیان، ج ۱ ۲، ص ۳۸۹؛ جامع البیان، ج ۱، ص ۷۶۵.

۴- تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۸.

۵- اثبات الوصیه، ص ۶۶.

۶- ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۲۴۱؛ تاریخ روضه الصفا، ج ۱، ص ۱۷۲.

۷- المیزان، ج ۷، ص ۲۳۱.

ص: ۷۶

ب) وفای به عهد: یکی از صفات اخلاقی که موجب جلب اعتماد می شود، انجام دادن تعهدات، وفای به عهد و عمل کردن به وعده هاست: « وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَّبِيا». (مریم: ۵۴)

ج) نیکوکاری: شتاب اسماعیل علیه السلام در انجام دادن کار خیر، نمونه برجسته نیکوکاری است. قرآن در این باره می فرماید: «إِنَّهُمْ كَانُوا يسَارِعُونَ فِي الْخَيرَاتِ» (انبیاء: ۹۰) و در جای دیگری می خوانیم که اسماعیل علیه السلام طبعی کریم و خلقی نیکو داشت.(۱)

د) خشوع و خضوع: خشوع اسماعیل علیه السلام به درگاه خداوند، چنان بود که هرگاه آیات خدا برای او خوانده می شد، لرزان و اشک ریزان به سجده می افتاد. (مریم: ۵۴ ۵۸)

ه) بردباری: حلم و بردباری، تنها ویژگی رفتاری است که قرآن از میان پیامبران، ابراهیم علیه السلام و فرزندش اسماعیل علیه السلام را به آن ستوده است: (۲) «فَبَشَّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ». (صافات: ۱۰۱)

و) صالح بودن: اسماعیل علیه السلام از پیامبران صالح و شایسته خداوند است. (انبیاء: ۸۵ ۸۶)

ز) تقوا: از دیگر اعتقادات اسماعیل علیه السلام اینکه به عنوان پیامبر با تقوا، در قرآن از او یاد شده است: «وَاذْكُرْ إِسْمَاعِيلَ وَالْيسَعَ وَذَا الْكِفْلِ وَكُلٌّ مِّنْ الْأَخْيارِ هَذَا ذِكْرٌ وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لَحُسْنَ مَآبٍ؛ و به خاطر آور اسماعیل و الیسع و ذوالکفل را که همه از نیکان بودند. این یک یادآوری است و برای پرهیزکاران فرجام نیکویی است». (ص: ۴۸ و ۴۹)

ح) اطاعت محض از فرمان خدا: اطاعت بی چون و چرا از فرمان الهی و اطاعت محض از رسول زمان خود، نشاندهنده اوج ایمان و اعتقاد اسماعیل علیه السلام به خداوند است. ازاین رو، می توان او را اسوه اطاعت محض از

۱- کشف الاسرار، ج ۱، ص ۳۰۰.

۲- المیزان، ج ۱۷، ص ۱۵۱.

ص: ۷۷

فرمان الهی دانست: (۱) «فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْی... قَالَ یا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِی إِن شَاء اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِینَ». (صافات: ۱۰۲)

۵. شناسه فکری و عقیدتی اسماعیل علیه السلام

۵. شناسه فکری و عقیدتی اسماعیل علیه السلام

خداپرستی: از بارزترین ویژگی های اعتقادی حضرت اسماعیل علیه السلام خداپرستی است.(۲) قرآن می فرماید:

... مَا تَعْبُدُونَ مِن بَعْدِی قَالُواْ نَعْبُدُ إِلَهَکَ وَإِلَهَ آبَائِکَ إِبْرَاهِیمَ وَإِسْمَاعِیلَ وَإِسْحَقَ... (بقره: ۱۳۳).

هنگامی که مرگ یعقوب علیه السلام فرا رسید، به فرزندان خود) گفت: پس از من چه چیزی را می پرستید؟ گفتند: خدای تو و خدای پدرانت ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و... .

در جای دیگری نیز قرآن، او را از موحدان و معتقدان به ربوبیت خدا معرفی کرده است.(۳) (بقره: ۱۲۷ ۱۲۹)

۶. شناسه تبلیغی اسماعیل علیه السلام

اشاره

۶. شناسه تبلیغی اسماعیل علیه السلام

زیر فصل ها

الف) صحف اسماعیل علیه السلام

ب) سیره تبلیغی اسماعیل علیه السلام

الف) صحف اسماعیل علیه السلام

الف) صحف اسماعیل علیه السلام

حضرت اسماعیل علیه السلام در زمره پیامبرانی است که خداوند به ایشان نبوت و کتاب آسمانی عطا کرده است: «... وَإِسْمَاعِیلَ... أُوْلَئِکَ الَّذِینَ آتَینَاهُمُ الْکِتَابَ وَالْحُکْمَ وَالنُّبُوَّةَ». (انعام: ۸۶ و ۸۹)

ب) سیره تبلیغی اسماعیل علیه السلام

ب) سیره تبلیغی اسماعیل علیه السلام

اسـماعیل علیه السـلام از پیامبران برگزیده الهی است که وظیفه تبلیغ و ارشاد پیام الهی در میان مردم را به عهده داشت. از مهم ترین سیره تبلیغی اسماعیل علیه السلام این است که به دلیل رسالت آسمانی، همواره به ارشاد و هدایت مردم

۱- اسوه های قرآنی وشیوه های تبلیغی، ص ۲۷۸.

۲- فرهنگ قرآن، ج ۳، ص ۳۳۲.

۳- فرهنگ قرآن، ج ۳، ص ۳۳۲.

ص: ۷۸

می پرداخت و به آنان نماز و مناسک حج آموزش می داد. قرآن می فرماید: «... وَعَهِدْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ... وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا...». (بقره: ۱۲۵ ۱۲۸)

بنابر روایات نیز خداوند هنگام وفات ابراهیم علیه السلام ، به او فرمان داد که میراث پیامبری (نبوت) را به اسماعیل بسپارد و او را جانشین خود گرداند.(۱)

۷. شناسه خانوادگی اسماعیل علیه السلام

اشاره

۷. شناسه خانوادگی اسماعیل علیه السلام

زیر فصل ها

الف) نسب اسماعیل علیه السلام

ب) همسر اسماعیل علیه السلام

الف) نسب اسماعیل علیه السلام

الف) نسب اسماعیل علیه السلام

اسماعیل، پسر ابراهیم خلیل الرحمن است. گفته اند حضرت نوح علیه السلام ، جد نهم اسماعیل علیه السلام است.(۲)

نام پدر اسماعیل علیه السلام ، ابراهیم علیه السلام ، و نام مادر او هاجر بود. هاجر، بانویی مصری و کنیز ساره، همسر دیگر ابراهیم علیه السلام بود. چون ساره نازا بود، هاجر را به ابراهیم علیه السلام بخشید و ابراهیم علیه السلام با او ازدواج کرد(۳) نام برادر اسماعیل علیه السلام ، اسحاق بود. (ابراهیم: ۳۹)

ب) همسر اسماعیل علیه السلام

ب) همسر اسماعیل علیه السلام

حضرت اسماعیل علیه السلام ابتدا با دختری از قبیله جُرهم ازدواج کرد و پس از مدتی وی به سفارش پدرش ابراهیم علیه السلام که رفتار او را نپسندیده بود همسرش را طلاق داد و دختر مضامِن جرهمی را به ازدواج خود درآورد که از او دارای دوازده فرزند

شد.(۴)

نام فرزندان اسماعیل علیه السلام ثابت، قِیدر، أدبیل، مَبشا، مسمَغ، دَما، ماس، أدَد، طور، نفیس، طَما و قیدَمان است.

۱- بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۹۶.

۲- ابن هشام، السیره النبویه، به کوشش: مصطفی السقاء و دیگران، ج ۱، ص ۴.

۳- تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۵؛ مجمع البیان، ج ۵ ۶، ص ۴۹۱.

۴- مجمع البیان، ج ۵ ۶، ص ۲۶؛ تاریخ طبری، ج ۱، ص ۲۳۵.

ص: ۷۹

۸. شناسه جغرافیایی حضرت اسماعیل علیه السلام

۸. شناسه جغرافیایی حضرت اسماعیل علیه السلام

مکه نـام شـهری است که حضـرت ابراهیم علیه السـلام به فرمـان خداونـد، اسـماعیل و مـادرش هاجر را با راهنمایی جبرئیل در آنجا ساکن کرد.(۱) نـام دیگر مکه، بکه است. (آل عمران: ۹۶) چون هنگام مراسم حـج، مردم از اطراف، دور آن جمع می شوند، چنین نامیده شده است.(۲) علامـه طباطبـایی می فرمایـد: «مراد از بکه، زمین کعبه است که به واسـطه ازدحام جمعیت، چنین نامیـده شـده است».(۳)

دربـاره موقعیت جغرافیایی مکه می توان گفت کشور عربسـتان دارای شـش منطقه است: حجاز شـمالی، ربع الخالی، شـرقی، عسـیر، نجـد و منطقه حجاز که ماننـد دیگر نواحی، خشک و کم آب است. مهم ترین و مقدس ترین منطقه حجاز، مکه است. مکه در میان کوه های بزرگی مانند ابوقبیس، قعیقعان، صفا، حرا و ... واقع شده(۴) نام دیگر مکه، اُمّ القری است. (انعام: ۹۲)

راغب می گویـد: به مکه، ام القری گفته می شود؛ زیرا خداوند زمین را از زیر مکه گسترش داده است. همچنین چون نخستینِ نقطه ای کـه از زیر آب سـربرآورد (بیرون آمـد) کعبه بـود و سـپس خشـکی هـای دیگر، بنـابراین از آن زمـان به عنـوان «دَحـوُ الأَرض» (گسترش زمین) یاد شده است.(۵)

۱- تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۵؛ تفسیر القمی، ج ۱، ص ۸۷.

۲- مفردات الالفاظ القرآن، صص ۱۳۹و ۱۴۰، ذیل واژه «بکه».

۳- المیزان، ج ۳، ص ۳۵۰.

۴- معجم البلدان، ص ۹۴.

۵- مفردات الالفاظ القرآن، ص ۸۵ ذیل واژه «ام».

ص: ۸۰

حضرت لوط علیه السلام

اشاره

حضرت لوط علیه السلام

زیر فصل ها

۱. شناسه اسمی لوط علیه السلام

اشاره

۱. شناسه اسمی لوط علیه السلام

زیر فصل ها

ب) مدت عمر و محل دفن

الف) نام حضرت لوط علیه السلام

الف) نام حضرت لوط علیه السلام

حضرت لوط علیه السلام یکی از پیامبران الهی است که معاصر حضرت ابراهیم علیه السلام و از پیروان او بود. نامش ۲۷ بار در قرآن آمده و در حدود ۸۲ آیه داستان زندگی او بیان شده است.

واژه «لوط» از «لاطَ، یلوطُ، لُوط» گرفته شده است که معنی وابستگی دل و جان می دهد و منظور از «لوط» بازدارنده و نهیکننده بود، نه انجام دهنده آن کردار و عمل ناپسند.(۱) برخی می گویند: «لوط» از «لاطَ، یلوطُ» گرفته شده به معنی ارتباط قلبی، و چون وی، ارتباط قلبی محکمی با خدا داشت، لوط خوانده شده است.

ب) مدت عمر و محل دفن

ب) مدت عمر و محل دفن

مدت عمر او هشتاد سال و محل دفن وی قریه کفربریک در یک فرسخی مسجدالخلیل در فلسطین کنار مرقد شصت نفر از پیامبران بوده است.(۲)

۱- مفردات الالفاظ القرآن، ص ۷۵۰ و ۷۵۱، ذیل واژه «لوط».

۲- بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۱۵۸؛ مروج الذهب، ص ۳۸.

ص: ۸۱

۲. شناسه جسمی و ظاهری حضرت لوط علیه السلام

۲. شناسه جسمی و ظاهری حضرت لوط علیه السلام

او مردی سبزچهره، میانه بالا، سیاه چشم، تنومند، بلندساعد و نیرومند بود.(۱)

۳. شناسه شغلی و خدماتی حضرت لوط علیه السلام

۳. شناسه شغلی و خدماتی حضرت لوط علیه السلام

شغل حضرت لوط علیه السلام کشاورزی و زراعت بود.(۲)

۴. شناسه رفتاری و روانی حضرت لوط علیه السلام

۴. شناسه رفتاری و روانی حضرت لوط علیه السلام

الف) میهمان نوازی: یکی از ویژگی های رفتار حضرت لوط علیه السلام میهمان نوازی و ارزش دادن به میهمان است، چنان که وقتی رسولان الهی، در قالب جوانان زیباروی به سراغ لوط علیه السلام آمدند و میهمان او شدند، آن حضرت از سوءقصد قوم خود به میهمانان نگران شد و فرمود: «هَذَا یوْمٌ عَصِیبٌ؛ امروز، روز سختی است». (هود: ۷۷)

ب) ایثار و گذشت: از دیگر فضایل رفتاری حضرت لوط علیه السلام ، ایثار و گذشت است، به گونه ای که وقتی فرشتگان (جوانان) را دید، با توجه به قوم منحرف و زشت کارش که قصد سوء به جوانان داشتند، پیش از موعظه کردن قومش، سخن از ازدواج به میان آورد و فرمود: «اینها دختران من اند و برای شما پاکیزه ترند (با آنها ازدواج کنید و از زشت کاری بپرهیزید)». (هود: ۷۸)

علت اینکه لوط علیه السلام پیش از موعظه، چنین پیشنهادی کرد، این بود که فسق و فحشا در دل قومش چنان رسوخ کرده بود که دیگر هیچ چیز را نمی پذیرفتند، به همین علت در اولین کلام، دخترانش را به آنان عرضه کرد.(۳) بنابراین برای هدایت و تربیت جامعه، موعظه به تنهایی کافی نیست، در مواردی باید ایثار کرد.

۱- قصص القرآن، ص ۳۱۰؛ ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۲۰۲.

۲- حیوه القلوب، ج ۱، صص ۴۳۰ و۴۳۴.

۳- المیزان، ج ۱۰، ص ۳۳۸.

ص: ۸۲

ج) گفتار نرم و دلسوزانه: برای نفوذ کلام در دل مردم، گفتار باید صمیمی و از روی دوستی و دلسوزی باشد. لوط علیه السلام نیز از آغاز دعوت، تا زمانی که اندک امیدی برای هدایت مخاطبان داشت، با نرم خویی، دلسوزی و خیرخواهی برخورد می کرد و خطاب به قومش می فرمود: «إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ لُوطٌ أَلَا تَتَّقُونَ إِنِّی لَکُمْ رَسُولٌ أَمِینٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِیعُونِ؛ آیا تقوا پیشه نمی کنید؟! من برای شما پیامبری امین هستم، پس تقوا پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید». (شعرا: ۱۶۱ ۱۶۳)

۵. شناسه فکری و عقیدتی حضرت لوط علیه السلام

۵. شناسه فکری و عقیدتی حضرت لوط علیه السلام

هنگامی که حضرت ابراهیم علیه السلام در سرزمین بابل (عراق کنونی) مردم را به یکتاپرستی دعوت کرد، لوط علیه السلام نخستین مردی بود که در آن شرایط سخت به ابراهیم علیه السلام ایمان آورد و یگانه یار و یاور ابراهیم علیه السلام در مبارزه های او با نمرود به شمار می آمده است.(۱)

۶. شناسه تبلیغی لوط علیه السلام

اشاره

۶. شناسه تبلیغی لوط علیه السلام

حضرت لوط علیه السلام پس از اعتقاد یافتن به حقانیت آیین ابراهیم علیه السلام ، در شمار مبلّغان و مدافعان این آیین درآمد و در این مسیر به مقام نبوت و رسالت نیز رسید، چنان که خداوند در این باره می فرماید: «وَإِنَّ لُوطًا لَّمِنَ الْمُرْسَلِینَ؛ لوط از رسولان ماست». (صافات: ۱۳۳)

سیره تبلیغی حضرت لوط علیه السلام

اشاره

سیره تبلیغی حضرت لوط علیه السلام

زیر فصل ها

الف) مبارزه مستقیم و نهی از عادت های زشت

ب) ارائه راه کار برای مقابله با این گناه (ازدواج با دختران)

ج) دعوت به تقوای الهی

الف) مبارزه مستقیم و نهی از عادت های زشت

الف) مبارزه مستقیم و نهی از عادت های زشت

لوط علیه السلام برای هدایت و رساندن پیام الهی به قومش، از روش های مختلفی استفاده می کرده که مهم ترین آنها، مبارزه با انحراف های اخلاقی و عادت های زشت قوم بوده است، چنان که در قرآن هر جا سخن از لوط علیه السلام به میان آمده،

۱- المیزان، ج ۱۰، ص ۳۵۲؛ شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۲، ص ۵۱۶.

ص: ۸۳

روش های مبارزه با این آفت اخلاقی و اجتماعی خطرناک نیز به چشم می خورد. قرآن در این باره می فرماید:

و (به خاطر آورید) لوط را هنگامی که به قوم خود گفت: آیا عمل بسیار زشت انجام می دهید که هیچ یک از جهانیان پیش از شما انجام نداده اند؟ آیا شما از روی شهوت به سراغ مردان می روید نه زنان؛ شما گروه اسراف کاران (منحرفی) هستید! (اعراف: ۸۰ و ۸۱)

ب) ارائه راه کار برای مقابله با این گناه (ازدواج با دختران)

ب) ارائه راه کار برای مقابله با این گناه (ازدواج با دختران)

یکی دیگر از ویژگی های سیره تبلیغی لوط علیه السلام این است که وی پس از بازداشتن قوم خود از زشتی های اخلاقی (هجوم قوم به میهمانان)، به ایشان گفت: «یا قَوْمِ هَؤُلاء بَنَاتِی هُنَّ أَطْهَرُ لَکُمْ فَاتَّقُواْ اللّهَ وَلاَ تُخْزُونِ فِی ضَیفِی؛ اینها دختران من اند، پس برای شما پاکیزه ترند (با آنان ازدواج کنید) از خدا بترسید و مرا در مورد میهمانان رسوا مکنید». (هود: ۷۸)

بنابراین، هنگامی که حضرت، مانع از انجام دادن عادت های زشت و ناپسند قوم خود شد، در کنار آن، نشان دادن عادت ها و صفات نیکو را ضروری دید تا از این طریق، کام تشنه آنان را سیراب سازد.

ج) دعوت به تقوای الهی

ج) دعوت به تقوای الهی

از دیگر سیره های تبلیغی حضرت لوط علیه السلام دعوت به تقوای الهی است، چنان که خطاب به قوم می فرماید: «فَاتَّقُواْ اللّهَ...». (هود: ۷۸)

حضرت لوط علیه السلام مدت سی سال قومش را به سوی خدا می خواند و از عذاب الهی برحذر می داشت،(۱) ولی آنان از پذیرش دعوت لوط، سرباز زدند و دچار عذاب الهی شدند، به گونه ای که صبح، هنگام طلوع فجر، صیحه ای آسمانی، آن قوم را فرا گرفت و سنگ هایی از گل نشاندار (سجّیل) بر آنان بارید و شهرهایشان

۱- بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۱۴۸.

ص: ۸۴

زیر و رو شـد و زمین آنـان را در خود فرو برد و فقط مؤمنان (خانواده لوط غیر از همسـر کافرش) از آن شـهر خارج شدنـد و نجات یافتند.(۱) (هود: ۸۱ ۸۳)

«سجّیل» در اینجا یعنی سنگ و گل به هم آمیخته، که اصل آن فارسی بوده و بعدها عربی شده است.(۲)

۷. شناسه خانوادگی لوط علیه السلام

اشاره

۷. شناسه خانوادگی لوط علیه السلام

زیر فصل ها

الف) نَسَب لوط علیه السلام

ب) نام همسر حضرت لوط علیه السلام

ج) فرزندان حضرت لوط علیه السلام

الف) نَسَب لوط علیه السلام

الف) نَسَب لوط علیه السلام

حضرت لوط، پسر هاران، پسر تارخ، پسر ناحور، برادرزاده حضرت ابراهیم علیه السلام است.(۳)

مادر او نیز ورقه(۴) (دختر لاحج) نام داشت.

ب) نام همسر حضرت لوط علیه السلام

ب) نام همسر حضرت لوط علیه السلام

همسـر حضـرت لوط علیه السلام به نام والهه یا واهله بود.(۵) خیـانت او این بود که با دشـمنان آن پیامبر همکاری می کرد و اسـرار خانه او را به دشمن می سپرد.

ج) فرزندان حضرت لوط علیه السلام

ج) فرزندان حضرت لوط علیه السلام

حضرت لوط علیه السلام دو دختر داشت که نام دختر بزرگ تر، ریثا و نام دختر کوچک رَعر بود.(۶) برخی نیز نام آن دو را رعورا و ریتا یا رتیا ذکر کرده اند.(۷) برخی هم گفته اند حضرت بیش از دو دختر داشته؛ چرا که قرآن واژه «بنات» به کار برده است.(۸) (حجر: ۷۱)

۱- المیزان، ج ۱۰، ص ۳۵۴.

۲- مفردات الالفاظ القرآن، ص ۳۹۸، ماده «سجیل».

۳- تاریخ طبری، ج ۱، ص ۲۲۰.

۴- ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۱۹۷.

۵- تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۳۰۱.

۶- تاریخ طبری، ج ۱، ص ۲۲۶.

۷- مجمع البیان، ج ۵ و۶، ص ۲۸۰.

۸- المیزان، ج ۱۰، ص ۳۵۹.

ص: ۸۵

۸. شناسه قومی حضرت لوط علیه السلام

۸. شناسه قومی حضرت لوط علیه السلام

کارهای قوم لوط به قـدری زشت و زننـده بود که در میان هیچ قومی سابقه نداشت، تا جایی که لوط خطاب به آنان می فرماید: «... إِنَّکُمْ لَتَأْتُونَ الْفَاحِشَهَ مَا سَبَقَکُم بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِّنَ الْعَالَمِینَ؛ شـما عمل بسیار زشتی انجام می دهید که هیچ یک از مردم جهان پیش از شما آن را انجام نداده است». (عنکبوت: ۲۸)

برخی از کارهای قوم لوط عبارت اند از:

گلوله پرانی با کمان و هسته انـداختن به یکـدیگر (حتی گاهی شـرط بندی می کردند که هسته به هر که بخورد، با او عمل زشـت انجام دهند) آدامس جویدن در معابر عمومی (برای جذب افراد به خاطر شهوت رانی)، پوشیدن لباس های فاخر و بلند (لباس رقاصه ها)، باز گذاشتن دکمه های کت و پیراهن،(۱) انجام دادن منکرات به صورت آشـکار و در معرض دید مردم و انجام دادن کارهای رکیـک و زشت در ملاء عام،(۲) برخی از کارهـای قوم لوط است، چنـان که قرآن در این بـاره می فرمایـد: «... وَتَـأْتُونَ فِی نَادِیکُمُ الْمُنکَرَ...؛ آیا شـما به سـراغ مردان می روید و راه (تداوم نسل انسان) را قطع می کنید و در مجلسـتان اعمال ناپسند انجام می دهید!» (عنکبوت: ۲۹)

ویژگی های دیگر قوم لوط عبارت اند از:

انجام ندادن طهارت و غسل جنابت؛

بخیل بودن، چنان که هرگز کسـی را به غـذا دعوت نمی کردنـد.(۳) گفته شـده یکی از عوامل اصـلی آلودگی آنان به گناه زشـت لواط، وجود آنها بر سر راه کاروان های شام بود. آن قوم با انجام دادن این عمل با رهگذران و

۱- بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۱۵۱.

۲- سفینه البحار، ج ۱، ص ۵۹۷.

۳- سفینه البحار، ج ۱، ص ۵۱۶.

ص: ۸۶

کاروان ها می کوشیدند آنان را از شهر خود دور کنند، ولی کم کم این عمل زشت، در میان خودشان هم رایج شد.(۱)

دادن دشنام های رکیک و زشت به یکدیگر؛

قماربازی کردن؛

سر و کار داشتن با انواع آلات موسیقی؛

سنگ پرانی و متلک گفتن، که جزو کارهای معمول و رایج آنان بود؛

لجاجت، سرکشی و تجاوزگری قوم لوط، به حدی که به جای پذیرش راهنمایی های لوط علیه السلام ، او را تهدید و تبعید کردند. (شعراء: ۱۶۰ ۱۷۵)

۹. شناسه حکومتی حضرت لوط علیه السلام

۹. شناسه حکومتی حضرت لوط علیه السلام

شاه زمان حضرت لوط علیه السلام ، سَندُوم نام داشت.(۲)

۱۰. شناسه جغرافیایی حضرت لوط علیه السلام

۱۰. شناسه جغرافیایی حضرت لوط علیه السلام

مؤتفکات: شهر بزرگی نزدیک سلمیه در شام(۳) که دارای آب فراوان و زمین های خرم و آباد بود و چهار شهر به نام های سدّوم، عامورا، دوما و صبرایم داشت که شهر سدّوم، بزرگ تر از همه بود و حضرت لوط علیه السلام و قومش در آنجا زندگی می کردند. سدوم درختان و چشمه های بسیاری داشت که مقلوب شده بود و در زمین آن گیاه و زراعت رشد نمی کرد و زمینش سنگ های سیاه داشت. گفته اند: «اینها سنگ هایی بودند که بر قوم لوط باریده شده بود. شهر سدّوم اکنون أشدّم نامیده می شود».(۴)

۱- تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۲۵۴.
۲- حیوه القلوب، ج ۱، ص ۴۵.
۳- معجم البلدان، ج ۵، ص ۲۱۹.
۴- معجم البلدان، ج ۵، ص ۴۵.

ص: ۸۷

حضرت اسحاق علیه السلام

اشاره

حضرت اسحاق علیه السلام

زیر فصل ها

۱. شناسه اسمی اسحاق علیه السلام

۲. شناسه جسمی و ظاهری اسحاق علیه السلام

۳. شناسه رفتاری و روانی حضرت اسحاق علیه السلام

۴. شناسه فکری و عقیدتی اسحاق علیه السلام

۵. شناسه تبلیغی اسحاق علیه السلام

۶. شناسه خانوادگی اسحاق علیه السلام

۱. شناسه اسمی اسحاق علیه السلام

اشاره

۱. شناسه اسمی اسحاق علیه السلام

زیر فصل ها

الف) نام حضرت اسحاق علیه السلام

ب) زمان و محل ولادت و وفات

الف) نام حضرت اسحاق علیه السلام

الف) نام حضرت اسحاق علیه السلام

نام این پیامبر هفده بار در قرآن ذکر شده و در ردیف پیامبران بزرگ قرار گرفته است. اسحاق واژه ای عبری است که از «یصحاق»

به معنای «می خندد» گرفته شده است.(۱) چون وعده تولد اسحاق در زمان پیری حضرت ابراهیم علیه السلام داده شد و این خبر موجب خوش حالی او و همسرش «ساره» گردید، نام او را اسحاق یعنی «خنده» گذاشتند.(۲) در آن زمان، ابراهیم ۱۱۲ سال و همسرش ساره ۹۸ ساله بود.(۳)

ب) زمان و محل ولادت و وفات

ب) زمان و محل ولادت و وفات

ولادت اسحاق علیه السلام ۳۴۲۳ سال بعد از هبوط آدم علیه السلام .(۴) یعنی پنج سال بعد از تولد برادرش اسماعیل علیه السلام ،(۵) در شب دهم محرّم و در سرزمین شام بوده است.(۶)

۱- التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص ۸۲، «اسحاق»؛ ابن منظور، لسان العرب، به کوشش: علی شیری، ج ۶، ص ۱۹۵، «سحق».

۲- اعلام القرآن، ص ۱۱۴.

۳- اعلام القرآن، ص ۱۱۴.

۴- ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۲۰۲.

۵- مجمع البیان، ج ۸۷، ص ۷۱۰.

۶- اعلام القرآن، ص ۸۶.

ص: ۸۸

آن حضرت، ۳۶۰۳ سال بعد از هبوط حضرت آدم علیه السلام فوت کرد و در حبرون که اکنون به قدس شریف معروف است، دفن شد و عمرش ۱۸۰ سال بوده است.(۱)

۲. شناسه جسمی و ظاهری اسحاق علیه السلام

۲. شناسه جسمی و ظاهری اسحاق علیه السلام

در تاریخ آمده که اسحاق علیه السلام از هر کسی به ابراهیم علیه السلام شبیه تر بوده است.(۲) همچنین گفته اند او قدی بلند، با گونه های مایل به سبز و چشمانی سیاه داشت.(۳)

۳. شناسه رفتاری و روانی حضرت اسحاق علیه السلام

۳. شناسه رفتاری و روانی حضرت اسحاق علیه السلام

الف) بلندآوازگی در میان امت ها: اسحاق علیه السلام دارای نام نیکو و آوازه ای بلند در میان امت ها بود، چنان که قرآن می فرماید: «وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِیا». (مریم: ۵۰)

برخی «لسان صدق» را به معنی باقی ماندن نام نیک در میان امت پیامبر اسلام و جاودانگی آن تا قیامت تفسیر کرده اند.(۴)

ب) بصیر و آگاه: او شخصیتی بصیر و آگاه بود: (۵) «وَاذْکُرْ عِبَادَنَا إِبْرَاهِیمَ وَإِسْحَقَ وَیعْقُوبَ أُوْلِی الْأَیدِی وَالْأَبْصَارِ؛ و به یاد بیاور بندگان ما، ابراهیم و اسحاق و یعقوب، صاحبان دست ها]ی نیرومند[و چشم ها]ی بینا[». (ص: ۴۵)

منظور از أَیدی و أبصار، توانایی در عبادت و پرستش خدا و رسیدن به خیر و دیدن راه حق برای انتخاب صحیح است.(۶)

ج) برتری: قرآن پس از ذکر نام چند پیامبر می فرماید: «... وَکُلاًّ فضَّلْنَا عَلَی الْعَالَمِینَ.» (انعام: ۸۶) برخی مفسران منظور از «العالمین» را برتری هر پیامبر در زمان خود دانسته اند.(۷)

۱- ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۲۸۱؛ تاریخ روضه الصفا، ج ۱، ص ۱۷۸.

۲- تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۶.

۳- ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۲۸۱؛ تاریخ روضه الصفا، ج ۱، ص ۱۷۸.

۴- مجمع البیان، ج ۵ و ۶، ص ۷۹۹.

۵- فرهنگ قرآن، ج ۳، ص ۲۶۲.

۶- المیزان، ج ۱۷، ص ۲۱۱.

۷- جامع البیان، ج ۷، ص ۳۴۲؛ التبیان، ج ۴، ص ۱۹۷.

ص: ۸۹

د) صالح و شایسته: اسحاق علیه السلام از پیامبران صالح و شایسته خداوند بوده است: «وَبَشَّرْنَاهُ بِإِسْحَقَ نَبِيا مِّنَ الصَّالِحِينَ». (صافات: ۱۱۲)

۴. شناسه فکری و عقیدتی اسحاق علیه السلام

۴. شناسه فکری و عقیدتی اسحاق علیه السلام

الف) یکتاپرستی: اسحاق علیه السلام همواره خدا را پرستش می کرد و در همه حال تسلیم او بود، چنان که وقتی یعقوب هنگام مرگ از فرزندانش پرسید: پس از او چه چیزی را میپرستند، آنان گفتند خدای تو و خدای پدرانت را: «... مَا تَعْبُدُونَ مِن بَعْدِی قَالُواْ نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَقَ إِلَهًا وَاحِدًا...». (بقره: ۱۳۳)

ب) اعتقاد به جهان آخرت: از دیگر ویژگی های اعتقادی اسحاق علیه السلام ، اعتقاد به جهان آخرت است. قرآن می فرماید: «إِنَّا أَخْلَصْنَاهُم بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ.» (ص: ۴۶) مفسران مراد از «دار» را سرای آخرت دانسته و گفته اند: آنان همواره به یاد آخرت بودند و مردم را نیز با یادآوری آن، به سوی خدا می خواندند.(۱)

ج) اخلاص: اخلاص در توحید و پرهیز از هرگونه شرک، محور آیین اسحاق علیه السلام است.(۲) قرآن می فرماید: «ذَلِكَ هُدَى اللّهِ يهْدِی بِهِ مَن يشَاء مِنْ عِبَادِهِ وَلَوْ أَشْرَكُواْ لَحَبِطَ عَنْهُم مَّا كَانُواْ يعْمَلُونَ». (انعام: ۸۸)

۵. شناسه تبلیغی اسحاق علیه السلام

اشاره

۵. شناسه تبلیغی اسحاق علیه السلام

اسحاق علیه السلام از بندگان برگزیده خداوند است که دارای حکمت و کتاب و نبوت بوده است.(۳)

«وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَقَ وَيعْقُوبَ كُلاًّ هَدَينَا... أُوْلَئِكَ الَّذِينَ آتَينَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ...». (انعام: ۸۴ و ۸۸ و ۸۹)

۱- مجمع البیان، ج ۷ ۸، ص ۷۵۰.
۲- فرهنگ قرآن، ج ۳، ص ۲۶۳.
۳- فرهنگ قرآن، ج ۳، صص ۲۶۰ و ۲۶۱.

ص: ۹۰

همچنین اسحاق علیه السلام از سوی خداوند دریافت کننده وحی بود و مردم را بشارت و انذار می کرده است.(۱)

«إِنَّا أَوْحَينَا إِلَيكَ كَمَا أَوْحَينَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيينَ مِن بَعْدِهِ وَأَوْحَينَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإْسْحَقَ وَيعْقُوبَ وَالأَسْبَاطِ وَعِيسَى وَأَيوبَ وَ...، رُّسُلاً مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ...». (نساء: ۱۶۳ و ۱۶۵)

اسحاق علیه السلام دارای آیات الهی و بینات بود و بر اساس آن، مردم را به توحید دعوت می کرد:(۲)

«وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَقَ وَيعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِی ذُرِّيتِهِ النُّبُوَّهَ و...». (عنکبوت: ۲۷)

همچنین اسحاق علیه السلام از سوی خداوند، دریافت کننده وحی بوده است: «قُولُواْ آمَنَّا بِاللّهِ وَمَآ أُنزِلَ إِلَينَا وَمَا أُنزِلَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَقَ...». (بقره: ۱۳۶)

الف) صحف اسحاق علیه السلام

الف) صحف اسحاق علیه السلام

اسحاق علیه السلام ، یکی از پیامبران صاحب کتاب آسمانی و حکومت و قضاوت بوده است: «أُوْلَئِكَ الَّذِينَ آتَينَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّهَ...». (انعام: ۸۹)

ب) سیره تبلیغی اسحاق علیه السلام

ب) سیره تبلیغی اسحاق علیه السلام

یک سفارش به کارهای نیک: بارزترین سیره تبلیغی اسحاق علیه السلام ، سفارش به کارهای نیک بوده است. قرآن می فرماید:

«وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّهً يهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَينَا إِلَيهِمْ فِعْلَ الْخَيرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاهِ وَإِيتَاء الزَّكَاهِ... (انبیاء: ۷۳).

و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما، مردم را هدایت می کردند و انجام دادن کارهای نیک، به پا داشتن نماز و ادای زکات را به آنها وحی کردیم.

گفته اند که منظور از کارهای خیر، شرایع نبوت است.(۳)

۱- فرهنگ قرآن، ج ۳، ص ۲۶۴.

۲- فرهنگ قرآن، ج ۳، ص ۲۲۶.

۳- مجمع البیان، ج ۷ ۸، ص ۸۹.

ص: ۹۱

۶. شناسه خانوادگی اسحاق علیه السلام

اشاره

۶. شناسه خانوادگی اسحاق علیه السلام

زیر فصل ها

الف) نسب اسحاق علیه السلام

ب) نام همسر اسحاق علیه السلام

ج) نام فرزندان

الف) نسب اسحاق علیه السلام

الف) نسب اسحاق علیه السلام

اسحاق پسر ابراهیم خلیل الرحمن علیه السلام است. خداوند، اسحاق را در ۱۱۲ سالگی به ابراهیم عطا کرد.(۱) نام مادرش، ساره است. هنگام تولد اسحاق، ساره ۹۸ سال داشت(۲) و با شنیدن خبر فرزنددار شدنش تعجب کرد.(۳)

نام برادر اسحاق، اسماعیل است که پنج سال بزرگ تر از اسحاق بود.(۴)

ب) نام همسر اسحاق علیه السلام

ب) نام همسر اسحاق علیه السلام

اسحاق علیه السلام در چهل سالگی با رفقه، دختر بتوئیل بن الیاس، ازدواج کرد.(۵)

ج) نام فرزندان

ج) نام فرزندان

اسحاق علیه السلام صاحب دو فرزند هم زاد به نام های عیص یا عیسو و یعقوب بود.(۶)

۱- مجمع البیان، ج ۶، ص ۴۹۱.

۲- مجمع البیان، ج ۵، ص ۲۷۳.

۳- نک: هود: ۷۲.

۴- مجمع البیان، ج ۸، ص ۷۱۰.

۵- کامل، ج ۲، ص ۸۲؛ تاریخ طبری، ج ۱، ص ۲۳۷.

۶- کامل، ج ۲، ص ۸۲؛ مروج الذهب، ج ۱، ص ۴۳.

ص: ۹۲

حضرت یعقوب علیه السلام

اشاره

حضرت یعقوب علیه السلام

زیر فصل ها

۱. شناسه اسمی یعقوب علیه السلام

۲. شناسه جسمی و ظاهری یعقوب علیه السلام

۳. شناسه شغلی و خدماتی یعقوب

۴. شناسه رفتاری و روانی یعقوب

۵. شناسه فکری و عقیدتی یعقوب علیه السلام

۶. شناسه تبلیغی یعقوب علیه السلام

۷. شناسه خانوادگی

۸. شناسه جغرافیایی یعقوب علیه السلام

۱. شناسه اسمی یعقوب علیه السلام

اشاره

۱. شناسه اسمی یعقوب علیه السلام

زیر فصل ها

الف) نام یعقوب علیه السلام

ب) زمان و محل ولادت و وفات

الف) نام یعقوب علیه السلام

الف) نام یعقوب علیه السلام

حضـرت یعقوب علیه السـلام یکی از پیـامبران الهی است که نـام او شـانزده بار در قرآن ذکر شـده است. نام دیگر یعقوب، اسـرائیل است؛ واژه ای عـبری به معنـای عبـدالله (بنـده خـدا)، و منظـور از «بنی اسـرائیل»، فرزنـدان و نوادگـان حضـرت یعقـوب علیه السـلام هستند.(۱)

ب) زمان و محل ولادت و وفات

ب) زمان و محل ولادت و وفات

ولادت یعقوب علیه السلام ۳۴۸۳ سال بعد از هبوط آدم علیه السـلام (۲) و ۲۲۰۶ سال پیش از میلاد مسیح علیه السلام در سرزمین شام (کنعان) بود.(۳)

وفات آن حضرت نیز ۳۶۳۰ سال بعـد از هبوط آدم علیه السـلام بود و محل دفن او مزرعه «مکفیلیه»، واقع در قـدس خلیل الرحمن و در جوار حضرت ابراهیم و اسحاق علیه السلام است.(۴) آن حضرت حدود ۱۴۷ سال عمر کرد.(۵)

۱- مجمع البیان، ج ۱ ۲، ص ۲۰۶؛ تاریخ طبری، ج ۱، ص ۲۳۷.

۲- ناسخ التواریخ، ج ۱، صص ۲۳۱و۲۳۲.

۳- سید مصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف، ج ۱، صص ۵۹۶ و۵۹۷.

۴- ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۳۰۷.

۵- معارف ومعاریف، ج ۱۰، ص ۵۹۷.

ص: ۹۳

۲. شناسه جسمی و ظاهری یعقوب علیه السلام

۲. شناسه جسمی و ظاهری یعقوب علیه السلام

یعقوب علیه السلام شبیه به پدرش اسحاق علیه السلام بوده و خال سیاه بر چهره مبارک داشته و رخسار و چهره اش نورانی بوده و اندامی بلندقامت و لاغری داشته است.(۱)

۳. شناسه شغلی و خدماتی یعقوب

۳. شناسه شغلی و خدماتی یعقوب

شغل آن حضرت، چوپانی بوده است.(۲)

۴. شناسه رفتاری و روانی یعقوب

۴. شناسه رفتاری و روانی یعقوب

الف) صبر و بردباری برای خدا: در طول زندگی یعقوب علیه السلام حوادث تلخی پیش آمد که کمتر کسی تحمل آن را داشت، برای نمونه: فراق چندین ساله یوسف علیه السلام و حضرت یعقوب علیه السلام ، با توجه به اینکه بر اساس علم الهی از ارزش و مقام والای یوسف علیه السلام باخبر بود، پس از شنیدن خبر مرگ یوسف گفت: «...فَصَبْرٌ جَمِیلٌ وَاللّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَی مَا تَصِفُونَ؛... من صبر جمیل خواهم داشت و در برابر آنچه می گویید، از خداوند یاری می جویم». (یوسف: ۱۸)

با اینکه از دست دادن یوسف علیه السلام برایش سخت و تحمل نکردنی بود، صبر و بردباری را پیشه خود ساخت و لحظه ای از ذکر و سپاس خداوند غافل نشد و در گرفتاری ها به او توکل کرد و از او کمک خواست، و تنها حکم او را حق دانست که این، کمال بندگی را می رساند.(۳)

ب) گذشت و آمرزش خواهی: یعقوب علیه السلام در برابر فرزندان خطاکار و حسودش که با خیانت دچار معصیت شده بودند، گذشت کرد و از خداوند برای آنان عفو و بخشش خواست که این، نشانه بزرگواری اوست. قرآن از زبان یعقوب علیه السلام می فرماید: «قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَکُمْ رَبِّی إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ؛ گفت به زودی برای شما از پروردگارم آمرزش می طلبم، که او آمرزنده و مهربان است». (یوسف: ۹۸)

۱- تاریخ روضه الصفا، ج ۱، ص ۲۶۱؛ ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۳۰۸.
۲- تاریخ روضه الصفا، ج ۱، ص ۲۶۱؛ تاریخ طبری، ج ۱، ص ۲۳۷.
۳- المیزان، ج ۱۱، ص ۱۰۶.

ص: ۹۴

ج) مهمان نوازی: دیگر ویژگی اخلاقی یعقوب علیه السلام مهمان نوازی بوده، چنان که گفته شده حضرت یعقوب علیه السلام یک منادی داشت که هر روز صبح اعلام می کرد هر کس خواهان طعام است، به خانه یعقوب آید و هنگام عصر اعلام می کرد هر کسی غذای شب می خواهد، به خانه یعقوب آید.(۱)

۵. شناسه فکری و عقیدتی یعقوب علیه السلام

۵. شناسه فکری و عقیدتی یعقوب علیه السلام

الف) مسلمان بودن: از مهم ترین ویژگی های عقیدتی یعقوب علیه السلام این است که قرآن، دین آن حضرت را اسلام معرفی می کند و می فرماید:

وَوَصَّی بِهَا إِبْرَاهِیمُ بَنِیهِ وَیعْقُوبُ یا بَنِی إِنَّ اللّهَ اصْطَفَی لَکُمُ الدِّینَ فَلاَ تَمُوتُنَّ إَلاَّ وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ (بقره: ۱۳۲) و ابراهیم و یعقوب، فرزندان خود را به این آیین وصیت کردند و گفتند: فرزندان من! خداوند، این آیین پاک را برای شما برگزیده و شما جز بر آیین اسلام، از دنیا نروید.

آن حضرت همچنین هنگام رحلتش، از فرزندان خود بر توحید و یگانه پرستی اعتراف گرفت و فرمود:

مَا تَعْبُدُونَ مِن بَعْدِی قَالُواْ نَعْبُدُ إِلَ هَکَ وَإِلَ هَ آبَائِکَ إِبْرَاهِیمَ وَإِسْمَاعِیلَ وَإِسْحَقَ إِلَ هًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ. (بقره: ۱۳۳) پس از من چه چیز را می پرستید؟ گفتند: خدای تو و خدای پدرانت، ابراهیم، اسماعیل و اسحاق، خداوند یکتا را، و ما در برابر او تسلیم هستیم.

ب) یاد آخرت بودن: حضرت یعقوب علیه السلام همواره به یاد قیامت و آخرت بوده است، به گونه ای که خداوند او، ابراهیم و اسحاق را به خاطر یادآوری عمیق آخرت، می ستاید و می فرماید: «إِنَّا أَخْلَصْنَاهُم بِخَالِصَهٍ ذِکْرَی الدَّارِ؛ ما آنها را با خلوص ویژه ای خالص کردیم و آن، یادآوری سرای آخرت بود». (ص: ۴۶)

۱- بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۲۸۴.

ص: ۹۵

همچنین گفته شده یعقوب علیه السـلام خادم بیت المقدس و مسجدالاقصـی و نخستین کسـی بوده که وارد مسجد می شد و آخرین فردی بوده که بیرون می آمده است.(۱)

۶. شناسه تبلیغی یعقوب علیه السلام

۶. شناسه تبلیغی یعقوب علیه السلام

از دعوت عمومی یعقوب علیه السلام در قرآن سخنی به میان نیامده، اما با توجه به آغاز دعوت از خانواده و نیز رسالت کلی پیامبران می توان گفت، آن حضرت دعوت عمومی داشته و مهم ترین آنها دعوت به توحید و خداپرستی بوده است.(۲)

۷. شناسه خانوادگی

اشاره

۷. شناسه خانوادگی

زیر فصل ها

الف) نسب حضرت یعقوب علیه السلام

ب) همسران یعقوب علیه السلام

ج) فرزندان یعقوب علیه السلام

الف) نسب حضرت یعقوب علیه السلام

الف) نسب حضرت یعقوب علیه السلام

یعقوب، پسر اسحاق علیه السلام ، پسر ابراهیم خلیل الرحمن(۳) است که مادرش رُفقا دختر بتوئیل پسر الیاس بود.(۴)

ب) همسران یعقوب علیه السلام

ب) همسران یعقوب علیه السلام

لابـان، دایی یعقوب علیه السـلام دو دختر به نـام های لیا و راحیل داشت. با اینکه یعقوب راحیل را می خواست، لابان ابتـدا لیا را که

بزرگ تر بود، و بعـدها راحیل را به ازدواج او درآورد. همچنین لابان به هر یک از دخترانش یک کنیز داده بود، نام کنیز لیا، زُلفا و نام کنیز راحیل، بلها یا کهفا بود که بعدها هر دو کنیزان را به یعقوب علیه السلام بخشیدند.(۵)

۱- علل الشرایع، ص ۴۴.

۲- نک: بقره: ۱۳۲و۱۳۳.

۳- الاعلام القرآن، ص ۱۰۵۵؛ تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۳.

۴- تاریخ طبری، ج ۱، ص ۲۳۶.

۵- تاریخ طبری، ج ۱، ص ۲۳۷.

ص: ۹۶

ج) فرزندان یعقوب علیه السلام

ج) فرزندان یعقوب علیه السلام

فرزندان یعقوب از همسرش لیا به نام های روبیل، شمعون، لاوِی، یهُودا، زبالون، یسحر یا یشحَر و دختری به نام دینه بودند.

نام فرزندان حضرت یعقوب علیه السلام از راحیل نیز، یوسف و بنیامین بود.

وی از دو کنیز خود هم چهار فرزند به نام های دان و نَفْتالِی از زُلفا؛ جاء و أَشْرو از کهفا داشت.(۱)

۱- تاریخ طبری، ج ۱، ص ۲۳۷.

ص: ۹۷

۸. شناسه جغرافیایی یعقوب علیه السلام

۸. شناسه جغرافیایی یعقوب علیه السلام

زادگاه اصلی یعقوب علیه السلام و فرزندانش در منطقه فلسطین بود که بعدها به سوی فدان آرام، واقع در شمال عراق رفتند و سپس به فلسطین بازگشتند.(۱) بعد از پیدا شدن یوسف علیه السلام به مصر مهاجرت کردند. ابتدا برای گرفتن غلات و به دلیل خشک سالی، ولی بعدها به علت درخواست یوسف علیه السلام از پدر و برادران،(۲) که آنان را در سرزمین جاسان یا جاشان سکونت داد.(۳)

حضرت یوسف علیه السلام

اشاره

حضرت یوسف علیه السلام

زیر فصل ها

۱. شناسه اسمی یوسف علیه السلام

اشاره

۱. شناسه اسمی یوسف علیه السلام

زیر فصل ها

الف) نام حضرت یوسف علیه السلام

ب) زمان و محل ولادت و وفات

الف) نام حضرت یوسف علیه السلام

الف) نام حضرت یوسف علیه السلام

حضرت یوسف علیه السلام از پیامبران بنی اسرائیل است که نام او را ۲۷ بار در قرآن و بیشتر در سوره یوسف می بینیم. حدود صد آیه قرآن به زندگانی و دعوت او مربوط می شود. زیباترین داستان یا به تعبیر خود قرآن «أحسن القصص» مربوط به اوست و تنها پیامبری است که یک سوره کامل به قصه زندگانی و دعوت او اختصاص می یابد.

ب) زمان و محل ولادت و وفات

ب) زمان و محل ولادت و وفات

ولادت: ۳۵۵۶ سال بعد از هبوط آدم علیه السلام (۴) در فدان آرام.(۵)

وفات: ۳۶۶۶ سال بعد از هبوط آدم علیه السلام .(۶)

۲. شناسه جسمی و ظاهری یوسف علیه السلام

۲. شناسه جسمی و ظاهری یوسف علیه السلام

حضرت یوسف علیه السلام از نظر شکلی شباهت زیادی به آدم علیه السلام داشته است. هنگام سخن گفتن نیز گویی نور از دهانش روشن می شد و دندان های

۱- اطلس جغرافیایی، ص ۵۰.

۲- تاریخ طبری، ج ۱، ص ۲۷۱.

۳- اطلس جغرافیایی، ص ۵۴.

۴- ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۲۴۵.

۵- فرهنگ قصص قرآن، ص ۸۵.

۶- ناسخ التواریخ، ج ۱، صص ۳۱۰ و ۳۱۱.

ص: ۹۸

مبارکش هنگام خنده از سفیدی می درخشید.(۱) رنگ پوستش سفید بود و قدی میانه با چشم های درشت و موهای مجعد (پیچیده) داشته است.(۲)

یوسف علیه السلام از زیبایی خیره کننده و فوق العاده ای برخوردار بوده، به گونه ای که وقتی زلیخا (طبق نقشه ای) زنان (بزرگان و اشراف زادگان) را به کاخ دعوت کرد و دست هر کدام کاردی برای بریدن میوه داد، هنگامی که یوسف علیه السلام وارد مجلس شد، زنان چنان محو تماشای او شدند که عوض بریدن میوه، دستشان را بریدند و گفتند: «حَاشَ لِلّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا إِلاَّ مَلَكٌ كَرِيمٌ؛ منزه است خدا، این بشر نیست؛ این یک فرشته بزرگوار خداست». (یوسف: ۳۱)

۳. شناسه شغلی و خدماتی یوسف علیه السلام

۳. شناسه شغلی و خدماتی یوسف علیه السلام

حضرت یوسف علیه السلام ابتدا به بازرگانی مشغول بود و هنگامی که از سوی شاه، عزیز مصر شد، تمام خزانه های مصر را به دست او سپردند و او را خزانه دار و حاکم مصر کردند.(۳)

۴. شناسه رفتاری و روانی

اشاره

۴. شناسه رفتاری و روانی

زیر فصل ها

الف) گذشت و بزرگواری:

الف) گذشت و بزرگواری:

الف) گذشت و بزرگواری:

عفو و گذشت در اوج عزت و قدرت، از روش اولیا و انبیای الهی است. حضرت یوسف علیه السلام در موارد مختلف، گذشت را بر انتقام ترجیح می دهد و برای مثال، خطاب به برادران خود می فرماید: «امروز ملامت و توبیخی بر شما نیست، خداوند، شما را می بخشد و او مهربان ترین مهربانان است». (یوسف: ۹۲)

اگر یوسف علیه السلام در آن روز برادران را نکوهش نکرد، برای این بود که عظمت و گذشت خود را به برادران ثابت کند.(۴) همچنین بعد از اعتراف

۱- ناسخ التواریخ، ج ۱، صص ۳۱۰ و ۳۱۱.

۲- تاریخ روضه الصفا، ج ۱، ص ۲۶۶.

۳- تاریخ روضه الصفا، ج ۱، ص ۲۶۶؛ تاریخ طبری، ج ۱، ص ۲۶۰؛ کامل، ج ۲، ص ۱۲۹.

۴- المیزان، ج ۱۱، ص ۲۳۷.

ص: ۹۹

برادران به خطا و خیانت، بدون قدرت نمایی، آنان را به بخشش و رحمت الهی دعوت می کند.(۱)

ب) تواضع و احترام به والدین: حضرت یوسف علیه السلام با داشتن جایگاه مناسب حکومتی و اجتماعی، در احترام گذاردن به پدر و مادرش، هیچ گونه کوتاهی نکرد؛ چرا که وقتی وارد مصر شدند، آنان را در آغوش کشید و در کنار خویش گرفت و گفت: «... ادْخُلُواْ مِصْرَ إِن شَاء اللّهُ آمِنِينَ؛ ... همگی داخل مصر شوید که ان شاءالله در امن و امان خواهید بود». (یوسف: ۹۹)

علامه می فرماید این نشانه تواضع و احترام او در برابر پدر و مادر است. همچنین حضرت یوسف علیه السلام در این جمله، ادبی را رعایت کرده که بی سابقه بوده است؛ چون هم به پدر و خاندانش امنیت می دهد و هم به سنت و روش شاهان، حکم صادر می کند.(۲)

۵. شناسه فکری و عقیدتی یوسف علیه السلام

۵. شناسه فکری و عقیدتی یوسف علیه السلام

الف) توحید و یکتاپرستی: از آنجا که اصالت خانوادگی، در ساختار شخصیت افراد مؤثر است، در دعوت و جذب مردم نیز اثر دارد. بنابراین، یوسف علیه السلام برای روشن ساختن افکار و عقایدش در مصر، خود و نسب خود را معرفی کرد و فرمود:

وَاتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبَآئِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَقَ وَيَعْقُوبَ مَا كَانَ لَنَا أَن نُّشْرِكَ بِاللّهِ مِن شَيْءٍ... . (یوسف: ۳۸)

من از آیین پدرانم، ابراهیم و اسحاق و یعقوب پیروی کردم، برای ما شایسته نبود چیزی را همتای خدا قرار دهیم.

حضرت یوسف علیه السلام با این بیان، توحید و یکتاپرستی خود را بیان کرده است.(۳)

۱- نک: یوسف: ۹۲.

۲- المیزان، ج ۱۱، ص ۲۴۶.

۳- المیزان، ج ۱۱، ص ۲۴۶.

ص: ۱۰۰

ب) اخلاص: حضرت یوسف علیه السلام به دلیل برخورداری از محبت الهی، در دلش جایی برای غیرخدا نگذاشته بود. چنان که خداوند او را از بندگان مخلص خود می خواند و می فرماید: «إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ.» (یوسف: ۲۴) رد کردن درخواست نامشروع زلیخا، روی نیاوردن به عیش و نوش و هوس رانی با وجود برخورداری از امکانات، همگی گویای اخلاص حضرت یوسف علیه السلام است.(۱)

۶. شناسه تبلیغی یوسف علیه السلام

۶. شناسه تبلیغی یوسف علیه السلام

حضرت یوسف علیه السلام ، از سوی خداوند به پیامبری برگزیده شد و دارای حکم و نبوت بود. قرآن در این باره می فرماید: «وَيوسُفَ وَمُوسَى وَهَارُونَ وَ ... أُوْلَئِكَ الَّذِينَ آتَينَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ...». (انعام: ۸۴ و ۸۹)

الف) استفاده از فرصت ها برای تبلیغ: حضرت یوسف علیه السلام از همه زمان ها و مکان ها برای تبلیغ بهره می گرفت. در سیره وی می بینیم وقتی دو رفیق زندانی از او تعبیر خواب پرسیدند، قبل از تعبیر خواب هنگامی که زمینه را مناسب دید، به بیان توحید و یکتاپرستی پرداخت.(۲) اگر بعد از تعبیر چنین می کرد، ممکن بود فرصت از دست برود با توجه به اینکه تعبیر خواب یکی از آن دو ناخوشایند بود.

ب) استفاده از فرصت ها برای اثبات بی گناهی: چون وجود نقاط ضعف و تهمت ها، چه بجا و چه نابجا، در روند تبلیغ ایجاد اخلال می کند و مانع نفوذ در دل مخاطبان می شود، یوسف علیه السلام برای اینکه شایعات و تبلیغات علیه خود را در میان مردم و درباریان از بین ببرد، از شاه خواست تا قضیه زنان مصر را روشن کند.(۳) بدین ترتیب، به فرستاده شاه گفت: وقتی پیش شاه رفتی، قضیه زنان مصر

۱- المیزان، ج ۱۱، صص ۱۲۷و۱۲۸.

۲- نک: یوسف: ۳۹.

۳- اسوه های قرآنی، ص ۲۹۹.

ص: ۱۰۱

(بریدن دست ها) را از او بپرس، شاه نیز زنان را جمع کرد و جریان را پرسید و آنان به بی گناهی یوسف اعتراف کردند و همسر عزیز مصر نیز آن را تأیید کرد.(۱) آنگاه شاه به او گفت: امروز تو نزد ما دارای مکان و منزلتی بالا و نزد ما امین هستی. هر حاجتی داری بگو.(۲) به این وسیله، هم بی گناهی یوسف بر شاه و درباریان روشن شد و هم به صبر و عزم آهنین و طاقت فرسای او در راه حق و البته علم فراوان و حکم قاطع و محکم او پی بردند.(۳)

۷. شناسه خانوادگی حضرت یوسف علیه السلام

اشاره

۷. شناسه خانوادگی حضرت یوسف علیه السلام

زیر فصل ها

الف) نسب یوسف علیه السلام

ب) همسر حضرت یوسف علیه السلام

ج) نام فرزندان

د) برادران یوسف

الف) نسب یوسف علیه السلام

الف) نسب یوسف علیه السلام

یوسف پسر یعقوب علیه السلام ، پسر اسحاق علیه السلام ، پسر ابراهیم خلیل الرحمن است.(۴)

نام مادر او راحیل است.(۵)

ب) همسر حضرت یوسف علیه السلام

ب) همسر حضرت یوسف علیه السلام

نام همسر: آسنات، دختر (فوطی فارع).(۶)

نـام همسـر دیگر او راعیـل، همـان زلیخـا همسـر عزیز مصـر است که بسـیار زیبـا بـوده و در سن پیری به ازدواج یوسف علیه السـلام درآمد.(۷)

ج) نام فرزندان

ج) نام فرزندان

أفرائیم و منشاء نام های فرزندان یوسف علیه السلام است.(۸)

۱- نک: یوسف: ۱۲، ۵۰و۵۱.

۲- سید هاشم حسین البحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۷۳؛ تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۰۳.

۳- المیزان، ج ۱۱، ص ۱۹۵.

۴- تاریخ طبری، ج ۱، ص ۲۳۷.

۵- تاریخ طبری، ج ۱، ص ۲۴۸.

۶- ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۲۷۸.

۷- مجمع البیان، ج ۵ ۶، ص ۳۳۸؛ تاریخ طبری، ج ۱، ص ۲۶۰. (در قرآن با واژه های «أهل»، «إمرأته»و«امرأت العزیزه» از او نام برده شده است: یوسف: ۱۲، ۲۵و۵۱).

۸- تاریخ طبری، ج ۱، ص ۲۷۶؛ ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۲۷۸؛ نام فرزندان را منسی (فراموشی) وأفرائیم ذکر کرده است.

ص: ۱۰۲

د) برادران یوسف

د) برادران یوسف

یوسف یـازده برادر و یـک خواهر داشت که تنهـا با یکی از برادرانش به نام بنیامین از یک مادر بودنـد. یوسف علیه السـلام از همه برادران جز بنیامین کوچک تر بود و یعقوب علیه السلام بیشتر از دیگران به او علاقه داشت.(۱)

نام برادران یوسف، روبیل، شمعون، لاوی، یهودا، زبالون، یسحَر یا یشْحَر، دان، نَفْتالی، جاء، أشْرو و بنیامین بود.(۲)

نام خواهر یوسف علیه السلام دینه بود.(۳)

۸. شناسه حکومتی یوسف علیه السلام

۸. شناسه حکومتی یوسف علیه السلام

در زمان حضـرت یوسف علیه السـلام ، ریان بن ولید، شاه مصر بود. او به خدا ایمان آورد و یوسف علیه السلام را عزیز مصر کرد و در امور کشوری از او کمـک می گرفت و او را حمـایت می کرد. پس از او قاموس بن مصـعب بن معاویه به شاهی رسـید. او فردی کافر بود و با اینکه یوسف علیه السلام او را به اسلام دعوت کرد، ولی نپذیرفت.

عزیز مصر، در زمان شاهی ریان، شخصی به نام قَطْفیره بود که نام قبطی او فوطیفار است.(۴) تمام خزانه های مصر به دست وی بود. او یوسف را به عنوان برده خرید و از او نگه داری کرد.(۵)

۹. شناسه جغرافیایی

۹. شناسه جغرافیایی

گفته شـده یوسف علیه السـلام را در سـرزمین بیت المقدس به چاه انداختند. سـپس او را به مصـر بردند و فروختند و بعد از زندگی سختی، خداوند در مصر به او مقام و منزلت عطا کرد.(۶)

۱- تفسیر نور الثقلین، ج ۲، ص ۴۱۰.

۲- تاریخ طبری، ج ۱، ص ۲۳۷؛ تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۳۱، با کمی تفاوت نام برادران یوسف۷ شده است.

۳- تاریخ طبری، ج ۱، ص ۲۳۷؛ تاریخ التواریخ، ج ۱، ص ۲۵۱.

۴- اعلام القرآن، ص ۶۷۳.

۵- تاریخ طبری، ج ۱، ص ۲۵۱؛ کامل، ج ۲، ص ۱۲۵.

۶- اطلس جغرافیایی، ص ۵۴؛ برای اطلاع بیشتر، نک: شناسه جغرافیایی ادریس۷ (کشور مصر).

ص: ۱۰۳

حضرت ایوب علیه السلام

اشاره

حضرت ایوب علیه السلام

زیر فصل ها

۱. شناسه اسمی حضرت ایوب علیه السلام

۲. شناسه جسمی و ظاهری ایوب علیه السلام

۳. شناسه شغلی و خدماتی ایوب علیه السلام

۴. شناسه رفتاری و روانی

۵. شناسه فکری و عقیدتی ایوب علیه السلام

۶. شناسه تبلیغی ایوب علیه السلام

۷. شناسه خانوادگی ایوب علیه السلام

۸. شناسه جغرافیایی ایوب علیه السلام

۱. شناسه اسمی حضرت ایوب علیه السلام

اشاره

۱. شناسه اسمی حضرت ایوب علیه السلام

زیر فصل ها

الف) نام حضرت ایوب

ب) زمان و محل تولد و وفات

الف) نام حضرت ایوب

الف) نام حضرت ایوب

نام حضرت ایوب چهار بار در قرآن آمده است.(۱) ایوب از ریشه «ایبوب» به معنای گریه و یا از «ایبت» به معنای «نـدبه» گرفته شده است.(۲)

برخی ایوب را از پیامبرانی می دانند که افزون بر نبوت، مقام شاهی نیز داشته است و آمدن نام وی در کنار حضرت داوود و سلیمان را دلیل آن دانسته اند.(۳) (انعام: ۸۴)

ب) زمان و محل تولد و وفات

ب) زمان و محل تولد و وفات

ولادت: ۳۶۴۲ سال بعد از هبوط آدم علیه السلام در ارمن جابیه، محلی در فلسطین میان رمله و دمشق به دنیا آمد.(۴)

وفات: او ۳۸۶۸ سال بعد از هبوط آدم علیه السلام بوده و جسد وی در حوران دفن شده است. بنابراین ایشان به مدت ۲۲۶ سال عمر کرده است.(۵)

۱- نک: انبیاء: ۸۳؛ نساء: ۱۶۳؛ انعام: ۸۴ ۹۰؛ ص: ۴۱.

۲- التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص ۲۰۰، ذیل واژه «ایوب».

۳- تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۳۲۹؛ ابوالفتوح رازی، روض الجنان، ج ۷، ص ۳۶۳.

۴- ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۳۰۹.

۵- ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۱۶.

ص: ۱۰۴

۲. شناسه جسمی و ظاهری ایوب علیه السلام

۲. شناسه جسمی و ظاهری ایوب علیه السلام

ایوب علیه السلام مردی بلندبالا، با مویی پیچیده، چشمانی سیاه، ساق و ساعد ستبر و کلفت و چهره اش به سبزی مایل بوده است.(۱)

۳. شناسه شغلی و خدماتی ایوب علیه السلام

۳. شناسه شغلی و خدماتی ایوب علیه السلام

شغل ایوب علیه السلام زراعت و کشاورزی بود. همچنین او آب و زمین های کشاورزی زیادی داشته است.

۴. شناسه رفتاری و روانی

۴. شناسه رفتاری و روانی

الف) نیکوکاری و خدمت به مردم: ایوب علیه السلام با بیچارگان و مستمندان مهربانی و یتیمان را سرپرستی و حمایت می کرد. مهمان را گرامی می داشت و درراه ماندگان را به مقصد می رساند.(۲) از آن حضرت نقل شده که می گفت: «به خدا سوگند هرگز طعامی نخورده ام، مگر آنکه یتیمی یا بیچاره ای در کنار سفره ام بوده باشد».(۳)

ب) شکرگزار نعمت های الهی: ایوب همواره خدا را به خاطر نعمت هایش سپاسگزاری می کرد. حتی هنگامی که غرق در محنت و بلا بود و نعمت ها یکی پس از دیگری از ایوب گرفته می شد، با سپاس و شکر دائم، خداباوری را ترویج می داد. به همین دلیل از او به عنوان شکرگزار نعمت های خدا و اداکننده حقوق الهی یاد شده است.(۴)

ج) صبر بر مصیبت ها: بلاها و مصیبت های وارده بر ایوب به حدی بود که امکان داشت هر انسانی را از راه ایمان بیرون ببرد و به کفر وادارد، اما استقامت و بردباری بی نظیر او موجب تعالی شخصیت او شد و به همین

۱- ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۱۶.

۲- بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۲۵۶.

۳- بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۲۵۶؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۳، صص ۴۴۷و۴۴۸.

۴- بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۲۵۶.

ص: ۱۰۵

دلیل، قرآن او را اسوه و الگوی بازگشت به خدا معرفی کرد و به همین دلیل مشمول ستایش خداوند شده است. (ص: ۴۴)

۵. شناسه فکری و عقیدتی ایوب علیه السلام

۵. شناسه فکری و عقیدتی ایوب علیه السلام

عبودیت: نـدای ایوب به درگاه خداونـد نشان دهنـده عبودیت و اعتقادات اوست. قرآن می فرمایـد: «وَاذْكُرْ عَبْدَنَا أَيوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِي الشَّيطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ؛ و به خاطر بیاور بنده ما ایوب را هنگامی که پروردگارش را خواند]و گفت[شیطان مرا به رنج و عذاب افکنده است.» (ص: ۴۱)

ایوب با اینکه تمام فرزندان و دارایی خود را از دست داده بود، ولی هیچ گاه یاد خدا و تضرع به درگاه او را فراموش نکرد، به گونه ای که وقتی همسـرش به او گفت: هنوز بر ایمـان خود بـاقی هستی؟ ایوب گفت: چنان که نیکی ها و رحمت های او را پـذیرفته ام، باید سـختی ها و بلاهای او را نیز به جان بپذیرم.(۱) و اگر خداونـد، او را عبـد نامیده و یا عبد خود قرار داده، به دلیل صابر بودن او در سختی ها بوده است.(۲) (ص: ۴۱ و ۴۴)

۶. شناسه تبلیغی ایوب علیه السلام

اشاره

۶. شناسه تبلیغی ایوب علیه السلام

ایوب علیه السلام جزو پیامبرانی است که از سوی خداوند، صاحب شـریعت و کتاب آسمانی بوده است، چنان که قرآن می فرماید: «أُوْلَئِكَ الَّذِينَ آتَينَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ...». (انعام: ۸۹)

همچنین از جانب خداوند به او وحی می شده است: «انّا أَوْحَينَا إِلَيكَ كَمَا أَوْحَينَا إِلَى نُوحٍ ... وَأَيوبَ...». (نساء: ۱۶۳)

سیره تبلیغی

سیره تبلیغی

ایوب علیه السـلام بنابر آنچه قرآن میفرمایـد: از سوی خداونـد مأمور تبلیغ رسالت بوده و مردم را هدایت می کرده «...رُّسُـلاً مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يكُونَ لِلنَّاسِ

۱- اعلام القرآن، ص ۲۳۴.

۲- المیزان، ج ۱۷، ص ۲۱۱.

ص: ۱۰۶

عَلَی اللّهِ حُجَّهٌ بَعْدَ الرُّسُلِ...؛ پیامبرانی که بشارت دهنده و بیم دهنده بودند تا بعد از این پیامبران، حجتی برای مردم بر خدا باقی نماند». (نساء: ۱۶۵)

۷. شناسه خانوادگی ایوب علیه السلام

اشاره

۷. شناسه خانوادگی ایوب علیه السلام

زیر فصل ها

الف) نسب ایوب علیه السلام

ب) همسر ایوب علیه السلام

ج) فرزندان ایوب

الف) نسب ایوب علیه السلام

الف) نسب ایوب علیه السلام

ایوب، پسر آموص، پسر رازح، پسر عیص یا (عیسو)، پسر اسحاق، پسر ابراهیم علیه السلام است.(۱)

ب) همسر ایوب علیه السلام

اشاره

ب) همسر ایوب علیه السلام

نام همسر ایوب علیه السلام رُحَمه یا رحمت (دختر افرائیم بن یوسف بن یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم) بود. او تنها کسی بود که ایوب علیه السلام را در مدت بیماری ترک نکرد و در تمام سختی ها و درد و رنج، همراه همسرش صبر و بردباری کرده،(۲) به گونه ای که گفته شده همسر ایوب علیه السلام از مردم صدقه می گرفت و نزد ایوب می آورد و از این راه، از او پرستاری و پذیرایی می کرده است.(۳)

علت سوگند ایوب علیه السلام به تنبیه همسر

علت سوگند ایوب علیه السلام به تنبیه همسر

شیطان در آستانه بهبودی ایوب، بر همسر او آشکار شد و گفت: من همسر تو را درمان می کنم، به شرطی که وقتی درمان یافت، به من بگوید: تنها عامل سلامتی من تو بوده ای. همسر ایوب که از بیماری او سخت ناراحت بود، پذیرفت و پیشنهاد را با ایوب علیه السلام در میان گذاشت. ایوب که متوجه دام شیطان شده بود، بسیار ناراحت شد و سوگند یاد کرد که بعد از سلامتی، صد تازیانه به همسرش بزند و او را تنبیه کند. ایوب علیه السلام بعد از سلامتی تصمیم گرفت همسرش را به دلیل خدمت ها و وفاداری اش ببخشد، ولی برای اینکه

۱- تاریخ طبری، ج ۱، ص ۲۴۲.

۲- کامل، ج ، ص ۸۸؛ المیزان، ج ۱۷، ص ۲۱۳؛ بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۳۵۴.

۳- المیزان، ج ۱۷، ص ۲۱۳.

ص: ۱۰۷

به سوگندش عمل کند، به دستور خدا یک بسته از گندم را که دارای صد شاخه بود، به دست گرفت و به همسرش زد و سوگندش را ادا نمود.(۱)

ج) فرزندان ایوب

ج) فرزندان ایوب

بعد از اینکه خداوند، ایوب را شـفا داد و تمام نعمت هایی را که گرفته بود، به او برگرداند (همسر، فرزند)، خداوند هفت پسر و سه دختر زیبا به او داد که نام هایشان ذکر نشده است.(۲)

۸. شناسه جغرافیایی ایوب علیه السلام

اشاره

۸. شناسه جغرافیایی ایوب علیه السلام

هنگامی که کلدانیان قصد تاخت و تاز به فلسـطین را داشـتند، آن حضـرت به طرف شـرق فلسـطین، «قریه بطنا»، نزدیک شـهر تسلط مهاجرت کرد و در آنجا اقامت گزید. برخی سرزمین اصلی ایوب را، عوص ذکر کرده اند. عوص شامل فلسطین، غزه، ادم، موآب و عمّان پایتخت اردن است. عوص در جنوب غربی بحرالمیت، در شمال خلیج عقبه قرار دارد.(۳)

غار ایوب

غار ایوب

در شـهر اورنا، غاری است که گفته اند ایوب در مدت بیماری، در آن به سر می برد و خداوند به پاداش صبر طولانی، او را شفا داد. نزدیک این غار، مسجدی هم وجود دارد.(۴)

یاقوت حموی نیز محل سکونت ایوب را در بثنیه، میان دو شهر دمشق و اذرعات یا در حومه شهر دمشق تعیین کرده است.(۵)

۱- مجمع البیان، ج ۷ ۸، ص ۷۴۶.

۲- تفسیر نور الثقلین، ج ۳، صص ۴۴۵ و ۴۴۶؛ ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۳۳۱.

۳- باستان شناسی قصص قرآن، صص ۱۵۳ ۱۷۶.

۴- باستان شناسی قصص قرآن، ص ۱۵۵.

۵- معجم البلدان، ج ۱، ص ۳۳۸.

ص: ۱۰۸

حضرت شعیب علیه السلام

اشاره

حضرت شعیب علیه السلام

زیر فصل ها

۱. شناسه اسمی شعیب علیه السلام

اشاره

۱. شناسه اسمی شعیب علیه السلام

زیر فصل ها

الف) نام حضرت شعیب علیه السلام

الف) نام حضرت شعیب علیه السلام

حضرت شعیب علیه السلام از پیامبران الهی است که نام او ۱۱ مرتبه در قرآن آمده و حدود ۴۱ آیه، داستان زندگی و دعوت او را بیان کرده است. نام حضرت شعیب علیه السلام «یترون» و لقب او «خطیب الانبیا» است.(۱)

ب) زمان و محل ولادت و وفات

ب) زمان و محل ولادت و وفات

ولادت: ۳۶۱۶ سال بعد از هبوط آدم علیه السلام (۲).

وفات: ۳۸۳۶ سال بعد از هبوط آدم علیه السلام . محل دفن او میان «رکن» و «مقام» است و حدود ۲۲۰ سال عمر کرده است.(۳)

۲. شناسه جسمی و ظاهری

۲. شناسه جسمی و ظاهری

حضرت شعیب علیه السلام چهر ه ای گندم گون و قامتی به اندازه داشت. او در اواخر عمر بینایی خود را از دست داد.(۴)

۱- تاریخ طبری، ج ۱، صص ۲۴۵و۲۴۶.

۲- ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۳۰۳.

۳- ناسخ التواریخ، ج ۲، ص ۲. مدت عمر شعیب۷ را برخی ۲۴۲ سال ذکر کرده اند. (بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۳۸۷)

۴- ناسخ التواریخ، ج ۲، ص ۲

ص: ۱۰۹

۳. شناسه شغلی و خدماتی

۳. شناسه شغلی و خدماتی

شغل حضرت شعیب علیه السلام دامداری بوده است.(۱)

۴. شناسه فکری و عقیدتی شعیب علیه السلام

اشاره

۴. شناسه فکری و عقیدتی شعیب علیه السلام

زیر فصل ها

پیش قدم بودن در انجام دستورات الهی

پیش قدم بودن در انجام دستورات الهی

پیش قدم بودن در انجام دستورات الهی

کسی که امر به معروف و نهی از منکر می کند، باید قبل از دیگران خودش اهل عمل باشد؛ انبیا بهترین مصادیق عمل بودند. شعیب علیه السلام برای اثبات صداقت خود و حقانیت دستورهای الهی به مردم اعلام می کند که من هم تابع همان دستوراتی هستم که برای شما گفته ام و از این نظر بین من و شما تفاوتی نیست. (هود: ۸۸) در همین زمینه، روایتی از امام سجاد علیه السلام بر پیش قدم بودن شعیب علیه السلام در عمل به احکام الهی و ایجاد اصلاحات اقتصادی آمده که می فرماید: «نخستین کسی که پیمانه و ترازو به کار برد، حضرت شعیب علیه السلام بود».(۲)

۵. شناسه تبلیغی حضرت شعیب علیه السلام

اشاره

۵. شناسه تبلیغی حضرت شعیب علیه السلام

شعیب علیه السلام از جمله پیامبرانی است که از جانب خداوند به مقام نبوت و پیامبری برگزیده شد. قرآن می فرماید: «قَالَ یا قَوْمِ أَرَأَیتُمْ إِن کُنتُ عَلَی بَینَه مِّن رَّبِّی وَرَزَقَنِی مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا.» (هود: ۸۸) «رِزْقًا حَسَنًا» به معنای نبوت تفسیر شده است.(۳)

در جای دیگری قرآن می گوید: خداوند شعیب علیه السلام را بر اهل مدین و اصحاب أیکه فرستاد. «وَإِلَی مَدْینَ أَخَاهُمْ شُعَیبًا». (هود: ۸۴)

الف) دعوت به توحید و یکتاپرستی

الف) دعوت به توحید و یکتاپرستی

اعتقاد به توحید و یکتاپرستی، ضامن سعادت انسان در دنیا و آخرت است. شعیب علیه السلام نیز در آغاز دعوت خود، مردم را به توحید دعوت کرد و فرمود:

۱- فرهنگ قرآن، ج ۱۷، ص ۲۹۰.

۲- المیزان، ج ۱۰، ص ۳۶۷.

۳- بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۳۸۵.

ص: ۱۱۰

«یـا قَوْمِ اعْبُـدُواْ اللّهَ مَا لَکُم مِّنْ إِلَهٍ غَیرُهُ...» (اعراف: ۸۵) در روایات هم به دعوت توحیدی شـعیب علیه السـلام اشاره شده است. امام علی علیه السلام می فرماید:

شعیب علیه السـلام قوم خود را به سوی خـدا دعوت کرد تا پیر شد و اسـتخوان هایش سـست گشت. مدتی به فرمان خدا غایب شد. سپس به حـال جوانی به نزد قوم آمـد تا آنان را به توحیـد دعوت کنـد. آنان گفتنـد: ما تو را وقتی شـیخ و بزرگ سال بودی اجابت نکردیم، چگونه در حال جوانی تو را اجابت کنیم و به تو ایمان آوریم».(۱)

ب) فرستادن نمایندگانی برای تبلیغ

ب) فرستادن نمایندگانی برای تبلیغ

شعیب برای گسـترش دعوتش از مبلغـانی کمـک می گرفت. او افرادی ماننـد: «شـعیب بن صالـح»، «حِسـان بن سـنان» و «حـارث بن شیعب غَسانی» را برای تبلیغ به سوی قومش فرستاد، ولی آنان نمایندگان آن حضرت را به طرز مظلومانه ای به شهادت رساندند.(۲)

ج) اصلاح ناهنجاری های اقتصادی

ج) اصلاح ناهنجاری های اقتصادی

حضرت شـعیب علیه السـلام قومش را از هرگونه کم فروشـی و فسـاد نهی می کرد و آن را به خیر و صـلاح خودشان می دانست و خطـاب به آنـان می فرمـود: «ذَلِکُمْ خَیرٌ لَّکُمْ إِن کُنتُم مُّؤْمِنِینَ» (اعراف: ۸۵) چرا که کم فروشـی و فریب در معامله به تدریـج، امنیت عمومی جامعه را از بین می برد و زیان آن متوجه همه افراد، حتی خود کم فروشان و فریب کاران می شود.(۳)

در جای دیگری خطاب به مردم می فرماید: «یا قَوْمِ أَوْفُواْ الْمِکْیالَ وَالْمِیزَانَ بِالْقِسْطِ...» (هود: ۸۵)

در این آیه، شـعیب مردم را به رعایت دقت در سـنجش با ترازو و عـدم کم فروشـی امر می کنـد و سود عادلانه و مشـروع را بهتر از ثروت حاصل از

۱- بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۳۸۵.

۲- بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۳۸۳.

۳- المیزان، ج ۸، ص ۱۸۷.

ص: ۱۱۱

کم فروشی می داند.(۱) ازاین رو، حضرت شعیب علیه السلام را می توان الگوی اصلاح اقتصادی و مبارزه با انحرافات و نابسامانی های اقتصادی دانست.(۲)

۶. شناسه خانوادگی شعیب علیه السلام

۶. شناسه خانوادگی شعیب علیه السلام

نسب شعیب علیه السلام : براساس یک روایت شعیب پسر «میکیل»، پسر «یشجب» است و در روایت دیگر، «شعیب» پسر «نویت»، پسر «رَعویل»، پسر «قره»، پسر «عنقا»، پسر «مدین»، پسر «ابراهیم بن خلیل علیه السلام » است.(۳)

مادر: مادر او، دختر حضرت لوط علیه السلام است.(۴)

نام دختران شعیب علیه السلام : یکی صفوره و دیگری لیاء بوده است. نام دختر بزرگ را صفرا و برخی صفیرا نیز ذکر کرده اند.(۵)

از دختران شعیب در قرآن به عنوان الگوی حیا و وقار یاد شده است. این یادکرد در سوره قصص صورت گرفته است:

موسی علیه السلام دید مردم گوسفندان خود را سیراب می کنند، ولی دختران شعیب کنار ایستاده اند. به آنان گفت: چرا گوسفندان را آب نمی دهید؟ گفتند: ما آنها را آب نمی دهیم تا چوپان ها همه خارج شوند. علامه طبرسی می فرماید: حضرت موسی علیه السلام از گفتارشان متوجه شد علت کناره گیری آنان به خاطر نوعی تعفف و تحجب (عفت و حیاء) است.(۶)

در ادامه، خداوند مستقیماً به این ویژگی اشاره می کند: «فَجَاءتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاء...، پس یکی از آن دو زن درحالی که به آزرم گام برمی داشت نزد وی آمد...» (قصص: ۲۵)

۱- مجمع البیان، ج ۵و۶، ص ۲۸۶؛ جامع البیان، ج ۱۲، صص ۱۳۲و۱۳۳.

۲- اسوه های قرآنی، ص ۳۱۰.

۳- اعلام القرآن، ص ۴۸۸.

۴- اعلام القرآن، ص ۴۸۸.

۵- مجمع البیان، ج ۷ و ۸، ص ۳۹۰.

۶- مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۵.

ص: ۱۱۲

۷. شناسه قومی شعیب علیه السلام

اشاره

۷. شناسه قومی شعیب علیه السلام

قوم حضرت شعیب علیه السلام از نظر اعتقادی، اجتماعی و اخلاقی منحرف بودند. به چند نمونه اشاره می کنیم:

الف) شرک و بت پرستی

الف) شرک و بت پرستی

دعوت پیوسته شعیب به توحید و نفی خدایان دیگر، نشانه شرک و بت پرستی قومش است.(۱) آنان به معاد نیز اعتقاد نداشتند: (۲) «فَقَالَ یا قَوْمِ... وَارْجُوا الْیوْمَ الْآخِرَ». (عنکبوت: ۳۶)

ب) فساد اقتصادی

ب) فساد اقتصادی

قوم شعیب علیه السلام از نعمت های الهی مانند رفاه، فراوانی نعمت و رونق اقتصادی برخوردار بودند، اما به دلیل خودخواهی و زیاده طلبی، کم فروشی می کردند و قوانین این معامله صحیح را زیر پا می گذاشتند. قرآن از قول شعیب علیه السلام می فرماید:

أَوْفُوا الْکَیلَ وَلا تَکُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِینَ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِیمِ وَ لا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْیاءهُمْ وَلَا تَعْثَوْا فِی الْأَرْضِ مُفْسِدِینَ؛ حق پیمانه را ادا کنید (کم فروشی نکنید) و دیگران را به خسارت نیفکنید و با ترازوی صحیح وزن کنید و حق مردم را کم نگذارید و در زمین برای فساد تلاش نکنید». (شعراء: ۲۶؛ ۱۸۱ ۱۸۲ و ۱۸۳)

علت اینکه از میان همه گناهان این قوم، کم فروشی و نقص در میزان نام برده شده، دلالت بر این دارد که این گناه در بین آنان شیوع بیشتری داشته و در آن افراط می کردند، به حدی که فساد آن چشم گیر بوده است.(۳)

۱- نک، هود: ۸۴، عنکبوت: ۳۶، اعراف: ۸۵.

۲- المیزان، ج ۱۶، ص ۱۲۷.

۳- المیزان، ج ۲، ص ۳۶۲.

ص: ۱۱۳

برخی منظور از فساد در زمین را شامل همه گناهان، مانند ستمگری، حرام کردن حلالِ خداوند و برعکس دانسته اند.(۱) برخی دیگر مراد از آن را مفاسد و ناهنجاری هایی چون، راهزنی، غارت اموال، هتک حرمت زنان و کشتن انسان ها می دانند.(۲)

ج) لجاجت و گستاخی

ج) لجاجت و گستاخی

لجاجت و گستاخی، یکی دیگر از انحرافات اخلاقی قوم شعیب علیه السلام بود. آنان در برابر دعوت منطقی شعیب علیه السلام ایستاده و او را جاهل، سفیه و کم عقل می خواندند و با صراحت به او می گفتند: «إِنَّکَ لأنتَ السفِیهُ الجَاهِلُ؛ تو قطعاً کم عقل و نادان هستی».(۳)

د) استهزاء و مسخره کردن

د) استهزاء و مسخره کردن

شعیب علیه السلام بسیار نماز می خواند و کافران او را مسخره می کردند می گفتند: «آیا نمازت به تو فرمان می دهد که ما خدای نیاکان خویش را رها کرده، از تصرف دلخواه در اموالمان خودداری کنیم؛ چنین سخن سفیهانه از انسان حلیم چون تو دور است».(۴)

علامه طباطبایی نیز می فرماید: «اینکه قوم شعیب علیه السلام امر و نهی او را از نماز می دانستند، اساسش بر تمسخر و استهزاء بوده است».(۵)

ح) تکبر

ح) تکبر

قوم شعیب علیه السلام به دلیل غرور و تکبر فراوان، خود را نیرومند، و پیامبرشان را ضعیف الجثه و ناتوان دیده و او را تهدید به سنگسار می کردند:

قَالُواْ یا شُعَیبُ مَا نَفْقَهُ کَثِیرًا مِّمَّا تَقُولُ وَإِنَّا لَنَرَاکَ فِینَا ضَعِیفًا وَلَوْلاَ رَهْطُکَ لَرَجَمْنَاکَ وَمَا أَنتَ عَلَینَا بِعَزِیزٍ. (هود: ۹۱)

۱- مجمع البیان، ج ۳و۴، ص ۶۸۸؛ کشف الاسرار، ج ۳، ص ۶۷۵.
۲- المیزان، ج ۱۰، ص ۳۶۳؛ الکشاف، ج ۲، ص ۱۲۷.

۳- تفسیر نور الثقلین، ج ۲، ص ۳۹۲.

۴- مجمع البیان، ج ۵و۶، ص ۲۸۶؛ المیزان، ج ۱۰، صص ۳۶۵و۳۶۶.

۵- المیزان، ج ۱۰، صص ۳۶۵و۳۶۶.

ص: ۱۱۴

ای شعیب بسیاری از آنچه را می گویی ما نمی فهمیم، و ما تو را در میان خود ضعیف می یابیم و اگر (به خاطر) قبیله کوچکت نبود، تو را سنگسار می کردیم و تو در برابر ما قدرتی نداری.

«رهط» در این آیه اشاره به کمی جمعیت قوم شعیب علیه السلام بود و «رجم» به معنی «سنگ باران» کردن است.(۱)

اینکه قوم شعیب علیه السلام فقط به دلیل احترام و حرمت قبیله، مانع از کشتن او می شدند، نوعی توهین و تحقیر برای آن حضرت است.(۲)

ط) تکذیب پیامبر

به توحید و نهی آنان از فساد و کم فروشی، او را جادوگر و دروغگو خواندند و به دلیل این گستاخی و جسارت به عذاب الهی گرفتار شدند. قرآن در این باره می فرماید: «فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمْ عَذَابُ يَوْمِ الظُّلَّةِ إِنَّهُ كَانَ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ.» (شعراء: ۱۸۹) منظور از عذاب «یوم الظُّلّه» حرارت و بادهای مسموم و گرم است.(۳) درباره چگونگی عذاب آنان گفته شده خداوند هفت شبانه روز گرمای شدیدی را بر آنان مسلط کرد(۴) و باد را ساکن گردانید، طوری که نفس کشیدن بر آنان دشوار شد و آرامش را از آنان گرفت. پناه بردن به درون خانه ها و استفاده از آب و سایه نیز برای خنک شدن بر آنان فایده نداشت. بعد از این هفت روز خداوند ابری (ظلّه) به سوی آنان فرستاد. اصحاب أیکه به سوی سایه آن ابر رفتند و ناگهان از آن ابر آتش بارید (صاعقه) و همه آنان را نابود کرد.(۵)

۱- المیزان، ج ۱۱، ص ۳۷۴.

۲- مجمع البیان، ج ۵و۶، ص ۲۸۸؛ المیزان، ج ۱۰، صص ۳۷۵و۳۷۶.

۳- تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۰۱؛ المیزان، ج ۱۵، ص ۳۱۳.

۴- مجمع البیان، ج ۷و۸، ص ۳۱۷.

۵- المیزان، ج ۱۵، ص ۳۱۳؛ روض الجنان، ج ۱۴، ص ۳۵۲.

ص: ۱۱۵

۸. شناسه جغرافیایی شعیب علیه السلام

۸. شناسه جغرافیایی شعیب علیه السلام

شعیب علیه السلام از طرف خداوند به سوی دو قوم «مدین» و «أیکه» فرستاده شد که هر کدام را جداگانه و به اختصار توضیح می دهیم.

مدین: این واژه ده بار در قرآن آمده و در سه مورد، به عنوان شهری که شعیب علیه السلام به سوی آن مبعوث گردیده، یاد شده است.(۱) (طه: ۲۰ و ۴۰)

«مدین» واژه ای عربی است و از «مَدَن بالمکان» به معنای (در جای معینی ساکن شده)، گرفته شده و نام قبیله ای در اقلیم سوم و نام شهر قوم شعیب است.(۲)

معنای لغوی مَدن؛ مدینه بر وزن قبیله، به معنای شهر است و جمع آن مَدَن است.(۳)

نام کنونی مدین را «معان» و موقعیت جغرافیایی آن را میان مدینه و شام، مقابل سرزمین تبوک، در ساحل دریای سرخ (قُلزُم) گفته اند. برخی امتداد آن را از شرق خلیج عقبه تا جنوب شرقی سینا دانسته اند.(۴)

أیکه: به معنای درخت و جمع آن «أیک» به معنای انبوه درختان است.(۵) چون آن قوم در منطقه ای پر از آب و درخت با میوه فراوان زندگی می کردند، «أیکه» خوانده شده اند.(۶)

علامه طباطبایی می گوید: «أیکه» میان مدینه و شام قرار دارد، که نزدیک «مدین» است.(۷)

۱- معجم البلدان، ج ۵، ص ۷۷؛ المیزان، ج ۱۰، ص ۳۶۱.

۲- المیزان، ج ۱۰، ص ۳۶۱.

۳- مفردات الالفاظ القرآن، ص ۷۶۳.

۴- معجم البلدان، ج ۵، ص ۷۷.

۵- ۵.احمد بن فارس، مقائیس اللغه، ج ۱، ص ۱۶۵.

۶- جامع البیان، ج ۱۴، ص ۶۴.

۷- المیزان، ج ۱۵، ص ۳۱۲.

ص: ۱۱۶

یـاقوت حموی گفته است: به اعتقـاد اهل تبوک، «أیکه» همان تبوک است که آخرین غزوه پیامبر در آنجا واقع شـده است، ولی این نظریه در تفاسیر نیامده است. بنابراین، «أیکه» باید همان «مدین» باشد که مجاور «تبوک» است.(۱)

۹. شناسه زبانی شعیب علیه السلام

۹. شناسه زبانی شعیب علیه السلام

حضرت شعیب علیه السلام اصالتاً عرب بود و به زبان عربی صحبت می کرد.(۲)

۱- مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۹۱.

۲- بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۳۸۵.

ص: ۱۱۷

حضرت موسی علیه السلام

اشاره

حضرت موسی علیه السلام

زیر فصل ها

۱. شناسه اسمی حضرت موسی علیه السلام

اشاره

۱. شناسه اسمی حضرت موسی علیه السلام

زیر فصل ها

الف) نام حضرت موسی علیه السلام

ب) زمان و محل ولادت و وفات

الف) نام حضرت موسی علیه السلام

الف) نام حضرت موسی علیه السلام

نام حضـرت موسی علیه السلام ۱۳۶ مرتبه در قرآن آمـده و داسـتان زنـدگی و دعوتش در ۳۴ سوره و در قـالب ۴۲۰ آیه بیان شده است. ازاین رو، می توان گفت قرآن به زندگی موسـی علیه السـلام توجه ویژه ای داشـته است. موسـی از پیامبران اولوالعزم بوده که دارای شریعت، کتاب مستقل و دعوت جهانی است.

نام او در عربی «موسی» و در عبری «موشه» است. در مورد علت نامگذاری او گفته اند چون او را در میان آب و درخت یافته بودند، «موسی» نامیدند؛ چرا که در زبان قبطی آب را «مو» و درخت را «شا» می گفتند.(۱)

از القاب آن حضـرت «کلیم الله» یعنی هم سـخن شدن با خداوند است و دلیل رسیدن حضرت موسی علیه السلام به این مقام این بود که خداوند در میان بندگانش کسی را متواضع تر و فروتن تر از او ندیده بود.(۲)

۱- تاریخ طبری، ج ۱، ص ۲۹۹؛ کامل، ج ۲ ، ص ۱۹۵.

۲- بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۸؛ اصول کافی، ج ۳، ص ۱۸۷.

ص: ۱۱۸

ب) زمان و محل ولادت و وفات

ب) زمان و محل ولادت و وفات

ولادت: آن حضرت ۳۷۴۸ سال بعد از هبوط آدم علیه السلام (۱) و در «بیت المقدس» بود.(۲)

همچنین گفته اند حضرت موسی علیه السلام پانصد سال بعد از حضرت ابراهیم علیه السلام ظهور کرده است.(۳)

حضرت موسی علیه السلام ۱۲۰ سال عمر کرد(۴) و در بیابان «تیه» از دنیا رفت و ملک الموت او را دفن کرد.(۵) طبق برخی روایات، محل دفن حضرت موسی علیه السلام در کوه طور (واقع در نجف اشرف یا سرزمین سینا) است.(۶)

۲. شناسه جسمی و ظاهری موسی علیه السلام

۲. شناسه جسمی و ظاهری موسی علیه السلام

حضرت موسی علیه السلام دارای چهره ای گندم گون، قامتی بلند و موهای مجعد بوده و در چهره اش خال داشت.(۷) همچنین پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در توصیف موسی علیه السلام می فرماید: «موسی علیه السلام مردی است با قامت بلند و شبیه مردم هند».(۸)

۳. شناسه شغلی و خدماتی موسی علیه السلام

۳. شناسه شغلی و خدماتی موسی علیه السلام

حضرت موسی علیه السلام ابتدا منصب ایالت قبطیان و بنی اسرائیل را بر عهده داشت و هنگامی که به خدمت شعیب علیه السلام درآمد، چوپانی می کرد و بعد از رسیدن به مقام رسالت، به تبلیغ و هدایت مردم پرداخت.(۹)

۱- ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۳۳۴.

۲- تاریخ طبری، ج ۱، ص ۲۹۷؛ کامل، ج ۲، ص ۱۸۹.

۳- معارف و معاریف، ج ۹، ص ۶۷۸؛ بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۶.

۴- کشف الاسرار، ج ۶، ص ۸۰؛ کامل، ج ۲، ص ۱۸۸.

۵- تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۷۳.

۶- بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۲۵۳.

۷- تاریخ روضه الصفا، ج ۱، ص ۳۵۴.

۸- بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۱۱.

۹- تاریخ روضهالصفا، ج ۱، ص ۳۵۵.

ص: ۱۱۹

۴. شناسه رفتاری و روانی حضرت موسی علیه السلام

۴. شناسه رفتاری و روانی حضرت موسی علیه السلام

فروتنی: هنگامی که حضرت موسی علیه السلام در پیشگاه خدا نماز می خواند، گونه و چهره اش را روی خاک می گذاشت و در واقع به عالی ترین وجه خدا را عبادت می کرد، به طوری که خداوند به او وحی کرد که در میان بندگانم هیچ کس را متواضع تر و فروتن تر از تو ندیدم.(۱)

۵. شناسه فکری و عقیدتی موسی علیه السلام

۵. شناسه فکری و عقیدتی موسی علیه السلام

همواره به یاد خدا بودن: حضرت موسی علیه السلام در همه حال، با یاد و نام خدا کارهایش را انجام می داد و تنها از او کمک و راهنمایی می خواست، به طوری که وقتی از طرف خداوند به دعوت فرعون مأمور شد، رو به خدا کرد و فرمود: «رَبِّ اشْرَحْ لِی صَدْرِی وَیسِّرْ لِی أَمْرِی وَاحْلُلْ عُقْدَهً مِّن لِّسَانِی یفْقَهُوا قَوْلِی؛ پروردگارا، سینه ام را گشاده کن و کارم را برایم آسان گردان و گره از زبانم بگشا تا سخنان مرا بفهمند.» (طه: ۲۵ ۲۸) و در جای دیگری هنگام فرار به مدین (بعد از درگیری با فرد قبطی) گفت: «قَالَ رَبِّ نَجِّنِی مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِینَ؛ پروردگارا مرا از این قوم استکبار رهایی بخش.» (قصص: ۲۱) و وقتی در مدین دختران شعیب و کار و حیای آنها را دید، گفت: «فَقَالَ رَبِّ إِنِّی لِمَا أَنزَلْتَ إِلَی مِنْ خَیرٍ فَقِیرٌ؛ پروردگارا هر خیر و نیکی که بر من فرستی، به آن نیازمندم».(قصص: ۲۴)

و در جای دیگری، وقتی دو سپاه موسی علیه السلام و فرعون همدیگر را دیدند یاران موسی علیه السلام گفتند: ما قطعاً گرفتار خواهیم شد. موسی علیه السلام گفت: «کَلَّا إِنَّ مَعِی رَبّی سَیهدینِ؛ چنین نیست! یقیناً پروردگارم با من است، به زودی مرا هدایت خواهد کرد». (شعرا: ۶۲)

۶. شناسه تبلیغی حضرت موسی علیه السلام

اشاره

۶. شناسه تبلیغی حضرت موسی علیه السلام

حضرت موسی علیه السلام از جانب خداوند به رسالت و پیامبری مبعوث شد. قرآن می فرماید: «وَإِذْ نَادَی رَبُّکَ مُوسَی أنِ انْتِ الْقَوْمَ الظَّالِمِینَ؛ (به خاطر بیاور) هنگامی

۱- کشف الاسرار، ج ۶، ص ۶۳؛ اصول کافی، ج ۲، ص ۱۲۳.

ص: ۱۲۰

را که پروردگارت موسی را ندا داد که به سراغ قوم ستمگر برو». (شعراء: ۱۰) منظور از قوم ستمگر، فرعونیان هستند.

الف) صُحف موسی علیه السلام

الف) صُحف موسی علیه السلام

حضرت موسی علیه السلام از جانب خداوند صاحب کتاب آسمانی بوده است. قرآن می فرماید: «أَمْ لَمْ یُنَبَّأْ بِمَا فِی صُحُفِ مُوسَی.» (نجم: ۳۶) و در جای دیگری می فرماید: «صُحُفِ إِبْرَاهِیمَ وَمُوسَی.» (اعلی: ۱۹) منظور از صُحُف در این آیات «تورات» است.(۱)

ب) قاطع بودن در بیان عقیده

ب) قاطع بودن در بیان عقیده

حضرت موسی علیه السلام در آغاز برخورد با فرعون و اطرافیانش، با قاطعیت رسالت خود را اعلام و خدای واقعی را به آنان معرفی کرد: «إِنَّمَا إِلَهُکُمُ اللَّهُ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَسِعَ کُلَّ شَیءٍ عِلْمًا؛ معبود شما تنها خداوندی است که جز او معبودی نیست و علم او همه چیز را فراگرفته است.» (طه: ۹۸) و در جای دیگر وقتی فرعون از او و هارون می پرسد، پروردگار شما کیست؟ موسی علیه السلام پروردگارش را با بیانی قاطع و زیبا معرفی کرده و می فرماید: «رَبُّنَا الَّذِی أَعْطَی کُلَّ شَیءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَی؛ پروردگار ما، همان کسی است که به هر موجودی آنچه را لازمه آفرینش او بوده داده، سپس هدایت کرده است.» (طه: ۵۰)

ج) مبارزه با خرافات

ج) مبارزه با خرافات

بنی اسرائیل سال های زیادی زیر سلطه مصریان بودند و اعتقادات مصریان بر آنان اثر گذاشته بود. از جمله اینکه آنان گاو را مقدس می دانستند و احترام زیادی به این حیوان قائل بودند، تا حدی که اکثر آنان اعتقادات توحیدی نیاکان خود را فراموش کرده و به پرستش گوساله روی آورده بودند.(۲) در فاصله ای که موسی علیه السلام برای عبادت به طور سینا رفت، مردم فریب سامری را

۱- المیزان، ج ۱۹، ص ۴۵.

۲- بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۲۱۳.

ص: ۱۲۱

خوردند و گوساله پرست شدند. هارون مانع آنان شد، ولی آنان گفتند: «ما دور گوساله می گردیم تا موسی آید.»(۱) حضرت بعد از بازگشت بسیار خشمگین شد و آنان را به توحید و یکتاپرستی دعوت کرد.(۲)

د) یادآوری نعمت های الهی

د) یادآوری نعمت های الهی

حضرت موسی علیه السلام در فرصت های مختلف، نعمت های بی شمار خداوند به بنی اسرائیل را یادآوری می کرد، تا علاوه بر هدایت مردم به سوی توحید، قلب و روح آنان را نسبت به خدا خاشع تر سازد.

یا قَوْمِ اذْکُرُواْ نِعْمَهَ اللّهِ عَلَیکُمْ إِذْ جَعَلَ فِیکُمْ انبیا وَجَعَلَکُم مُّلُوکًا وَآتَاکُم مَّا لَمْ یؤْتِ أَحَدًا مِّن الْعَالَمِینَ؛ ای قوم نعمت خدا را بر خود متذکر شوید، هنگامی که در میان شما پیامبرانی قرار داد. (و زنجیر بندگی و اسارت فرعونی را شکست) و شما را حاکم و صاحب اختیار خود قرار داد؛ و به شما چیزهایی بخشید که به هیچ یک از جهانیان نداده بود. (مائده: ۲۰)

با توجه به جمله «وَآتَاکُم مَّا لَمْ یؤْتِ أَحَدًا مِّن الْعَالَمِینَ» معلوم می شود قبل از داخل شدن بنی اسرائیل به سرزمین مقدس معجزاتی از قبیل مَنّ و سَلوی، انفجار چشمه های دوازده گانه از یک سنگ، سایه افکندن ابر بر سر آنان و ... رخ داده بوده و این یادآوری ها به دلیل آن است که این قوم با شکرگزاری و نشاط بیشتر اوامر خداوند را بپذیرند.(۳)

ه) تعاون و همکاری در تبلیغ

ه) تعاون و همکاری در تبلیغ

یاری گرفتن از افراد دیگر، در تبلیغ نتیجه بهتر و مفیدتری می دهد، بنابراین وقتی موسی علیه السلام دعوت از فرعون را بر خود سنگین می بیند، از خداوند می خواهد تا برادرش هارون را به کمک او بفرستد.(۴) قرآن از زبان او می فرماید:

۱- تفسیر القمی، ج ۲، صص ۳۵ و۳۶.

۲- نک: طه: ۸۵و۹۸.

۳- المیزان، ج ۵، ص ۲۸۷.

۴- المیزان، ج ۱۴، ص ۱۴۷.

ص: ۱۲۲

«وَاجْعَل لِّی وَزِیرًا مِّنْ أَهْلِی هَارُونَ أَخِی اشْدُدْ بِهِ أَزْرِی وَأَشْرِکْهُ فِی أَمْرِی؛ و وزیری از خاندانم برای من قرار ده، برادرم هارون را، با او پشتم را محکم کن و او را در کارم شریک ساز.» (طه: ۲۹ ۳۰) منظور از «أَشْرِکْهُ فِی أَمْرِی»؛ شرکت در اصل نبوت و دعوت است، چون شرکت در تبلیغ دین وظیفه همه عالمان است و موسی علیه السلام به تنهایی از عهده آن برمی آید.(۱)

۷. شناسه خانوادگی حضرت موسی علیه السلام

اشاره

۷. شناسه خانوادگی حضرت موسی علیه السلام

زیر فصل ها

الف) نسب موسی علیه السلام

ب) نام همسر حضرت موسی علیه السلام

ج) نام فرزندان

الف) نسب موسی علیه السلام

الف) نسب موسی علیه السلام

موسی علیه السلام پسر «عمران»، پسر «یصهَر»، پسر «قاهَت»، پسر «لاوی»، پسر «یعقوب»، پسر «اسحاق» پسر «ابراهیم علیه السلام » است.(۲)

نام مادر: «یوخابد(۳)». «برخی نَخیب»، «قاحیه» و مشهور به «یوخائید»(۴) آورده اند. برخی دیگر، نام او را «یوکابد» دختر اثموئیل که از فرزندان ابراهیم علیه السلام بوده ذکر کرده اند.(۵)

مادر موسی علیه السلام از جمله زنانی است که قرآن از او یاد کرده و او را شایسته دریافت وحی الهی دانسته است.(۶)

«وَأَوْحَینَا إِلَی أُمِّ مُوسَی...» (قصص: ۷) و در جای دیگر هنگامی که او نگران جان فرزندش است؛ خداوند خطاب به او می فرماید: «وَلاَ تَخَافِی وَلَا تَحْزَنِی إِنَّا رَادُّوهُ إِلَیکِ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِینَ؛ نترس و غمگین مباش، که ما او را به تو باز می گردانیم و او را از رسولان قرار می دهیم». (قصص: ۷)

۱- المیزان، ج ۱۴، صص ۱۴۵و۱۴۶.

۲- تاریخ طبری، ج ۱، ص ۲۹۴؛ کامل، ج ۲، ص ۱۸۶.

۳- کامل، ج ۲، ص ۱۸۶.

۴- معارف و معاریف، ج ۹، ص ۶۷۸.

۵- اعلام القرآن، ص ۱۶۰.

۶- مجمع البیان، ج ۷ ۸، ص ۳۷۸ (البته نوع وحی بـا وحی پیامبران متفاوت بوده و در واقع نوعی الهام و به قلب افکنـدن چیزی بوده است).

ص: ۱۲۳

ب) نام همسر حضرت موسی علیه السلام

ب) نام همسر حضرت موسی علیه السلام

«صفورا» دختر حضرت شعیب علیه السلام همسر حضرت موسی علیه السلام می باشد.(۱)

ج) نام فرزندان

ج) نام فرزندان

«جَرشون» و «ایلیعاز»(۲)

نام برادر: «هارون»(۳)

نام خواهر موسی علیه السلام : برخی نام او را «مریم» و برخی «کلثم» یا «کلثمه» دانسته اند.(۴) او خواهر دو پیامبر بزرگ بوده و نیز گفته شده او همسر «قارون» بوده است. وقتی قارون مرتد شد و زمین او را در خود فرو برد، ام کلثوم همسر دیگری اختیار نکرد تا از دنیا رفت.(۵) او از جمله زنان نمونه در قرآن است که شخصیت مثبت از خود به نمایش گذاشته و در قرآن با واژه «لِاُختِهِ» از او یاد شده است. (قصص: ۱۱)

همچنین او دو نقش مهم برای حفظ جان موسی علیه السلام ایفا کرد: اول: آگاه کردن مادر از ورود جاسوسان. هنگامی که دستگاه فرعون برنامه وسیعی برای کشتن نوزادان پسر ترتیب داده بود، خواهر موسی علیه السلام با زیرکی تمام پیش از رسیدن جاسوسان، مادر را آگاه کرد و مادر، موسی علیه السلام را درون پارچه پیچید و در تنور انداخت، و از این طریق موسی نجات یافت.(۶) دوم: پی گیری وضع برادر؛ مادر موسی علیه السلام بعد از افکندن او به دریا، از خواهر موسی علیه السلام (۷) می خواهد تا وضعیت او را پی گیری کند، او نیز از دور ماجرا را مشاهده می کرد. (قصص: ۱۲)

در شرایطی که فرعون تمام امکانات خود را برای کشتن نوزادان پسر بسیج کرده است، دنبال کردن صندوقی که پسری در آن نهاده شده و پیشنهاد

۱- ۱تفسیر مجمع البیان، ذیل آیات ۲۱ تا ۲۸ سوره قصص.

۲- تاریخ طبری، ج ۱، ص ۲۹۵؛ کامل، ج ۲، ص ۱۸۷.

۳- کامل، ج ۲، ص ۱۹۱.

۴- مجمع البیان، ج ۷و۸، ص ۳۸۰؛ تفسیر قرطبی، ج ۱۳، ص ۱۷۰.

۵- شیخ ذبیح الله محلاتی، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۷۳.

۶- مجمع البیان، ج ۷و۸، ص ۳۷۷.

۷- برخی به ج ای خواهر موسی۷ گفته اند، خاله موسی پی گیر ماجرای موسی۷ بوده است. (تاریخ طبری، ج ۱، ص ۲۹۸)

ص: ۱۲۴

کردن زنی که بتواند موسی را درون کاخ فرعون شیر دهد، کار عظیم و دشوار و در واقع روبه رو شدن با مرگ است، ازاین رو پیامبر صلی الله علیه و آله خواهر موسی را از جمله زنان اهل بهشت معرفی کرده است.(۱)

۸. شناسه قومی حضرت موسی علیه السلام

اشاره

۸. شناسه قومی حضرت موسی علیه السلام

زیر فصل ها

الف) بهانه تراشی و توقع بیجا

ب) سستی در جهاد

الف) بهانه تراشی و توقع بیجا

الف) بهانه تراشی و توقع بیجا

به طور کلی بنی اسرائیل مردمی بهانه جو و پرتوقع بودند. یکی از مصادیق این صفت، درخواست نعمت های بیشتر و متنوع تر بود؛ درحالی که از نعمت های زیادی برخوردار بودند. به طوری که در زمان چهل سال سرگردانی در «سینا» به غذاهای آسمانی آماده از قبیل «مَنّ و سَلوی»، شیره درخت و گوشت پرندگان اکتفا نمی کردند و غذاهای پست تر، طلب کرده و می گفتند: «ما به یک نوع خوراک اکتفا نمی کنیم از خدا بخواه تا آنچه از زمین می رویاند (سبزی، سیر، پیاز و...) بر ما بیرون آورد».(۲)

ب) سستی در جهاد

ب) سستی در جهاد

زمانی که موسی علیه السلام در بیابان سینا از بنی اسرائیل خواست تا وارد سرزمین مقدس شوند، آنان گفتند: در آن سرزمین جمعیتی ستمگر (یعنی عمالقه که مردمی جبار و یاغی بودند) هستند. ما هرگز وارد آن نمی شویم. این پاسخ بنی اسرائیل بیان گر ضعف و سستی آنان در جهاد بود. استعمار فرعون چنان آنان را ذلیل و زبون کرده بود که حاضر نبودند، برای حفظ عزت خود با یاغیان بجنگند و خود را به رنج و زحمت اندازند. ازاین رو، چهل سال در بیابان سرگردان ماندند. (مائده: ۲۱ و ۲۲)

۹. شناسه حکومتی حضرت موسی علیه السلام

۹. شناسه حکومتی حضرت موسی علیه السلام

حکومت در زمان موسـی علیه السلام به دست «ولید بن مصعب» بود. او فرعون زمان موسی علیه السلام بوده که «منفتاح» نام داشت. از نظر اخلاقی این فرعون از همه فرعونیان، گردن کش تر و نسبت به خدا نافرمان تر و از همه بدزبان تر بود.

۱- اعلام القرآن، ص ۸۹۶؛ تفسیر قرطبی، ج ۱۳، ص ۱۷۰.

۲- تفسیر القمی، ج ۱، ص ۵۸و۵۹، ذیل آیه ۶۱ سوره بقره.

ص: ۱۲۵

او فرزندان بنی اسرائیل را به بدترین گونه آزار می داد. آنان را به بردگی می کشید و سخت ترین شکنجه ها را در حق آنان روا می داشت و(۱) از مردم مالیات های سنگین می گرفت.(۲) خصوصاً هنگامی که در خواب دید آتشی از بیت المقدس برخاسته و مصر را فراگرفته، قبطی ها را سوزاند. وقتی متوجه تعبیر آن شد، دستور داد نوزادان پسر را بکشند و نوزادان دختر را به کنیزی بگیرند.(۳)

هنگام تولد موسی علیه السلام ، مادرش بسیار نگران بود. خداوند به او الهام کرد که به فرزندت شیر ده و او را به دریا افکن. امواج نیل موسی علیه السلام را به کاخ فرعون برد. وقتی صندوقچه را به دستور فرعون به کاخ آوردند، آسیه در آن را گشود. چشمش به نوزاد افتاد و محبت او در قلب آسیه جای گرفت، ولی فرعون خشمگین شد و گفت: چرا این پسر کشته نشده؟ آسیه گفت: این پسر از بچه های این سال نیست. او را نکشید. شاید او نور چشم ما شود.(قصص:۹) آسیه با به کار بردن انواع شیوه ها مانع از کشتن موسی علیه السلام شد و این نوزاد در درون کاخ فرعون مهم ترین کانون خطر پرورش یافت.(۴)

۱۰. شناسه جغرافیایی موسی علیه السلام

اشاره

۱۰. شناسه جغرافیایی موسی علیه السلام

در قرآن به محدوده جغرافیایی دعوت حضرت موسی علیه السلام چند بار اشاره شده است که به طور مختصر توضیح می دهیم: قرآن می فرماید: «یا قَوْمِ ادْخُلُوا الأَرْضَ المُقَدَّسَهَ الَّتِی کَتَبَ اللّهُ لَکُمْ... .» (مائده: ۲۱) برخی منظور از «الارض المقدس» را زمین «قدس» و «فلسطین» و «اریها» می دانند.(۵) قتاده می گوید: منظور «شام» است. «شام» و «بیت المقدس» مسکن انبیای پیشین بوده است.(۶) بنابراین، می توان گفت منظور از «ارض مقدسه» همان بیت المقدس، اولین قبله مسلمانان و فلسطین و شام است.

۱- کامل، ج ۱، ص ۱۸۸.

۲- تاریخ حبیب السیر، ج ۱، ص ۸۱.

۳- کامل، ج ۱، ص ۱۸۹؛ تاریخ طبری، ج ۱، ص ۲۹۶.

۴- بحارالانوار، ج ۱۳، صص ۵۴ و ۵۵.

۵- کشف الاسرار، ج ۱، ص ۲۵۱.

۶- المناره، ج ۶، ص ۳۲۸.

ص: ۱۲۶

الف) «طور»

الف) «طور»

طور یازده بار در قرآن آمده و در همه موارد دلالت بر «طور سینای» حضرت موسی علیه السلام دارد. از جمله اینکه قرآن می فرماید: «وَالتِّينِ وَالزَّيْتُونِ وَطُورِ سِينِينَ وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ» (تین: ۱۳)

یاقوت می گوید: «طور سینا، نزدیک رأس العین»، نزدیک پل خاور است که بر فراز آن درخت زیتون است که از آب باران می خورد. به همین جهت، آن را طور «زیتا» نامیدند و «طور» در عربی به معنی کوه است.(۱)

ب) «طوی»

ب) «طوی»

قرآن می فرماید: «إِنِّی أَنَا رَبُّکَ فَاخْلَعْ نَعْلَیکَ إِنَّکَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى.» (طه: ۱۲) «طوی» نام سرزمینی در سینا یا شام است. نام دیگر آن «وادی ایمن» یا «ارض مقدس» است. همچنین «طوی» نام محلی میان مکه و طائف است. «ذی طوی» جایی نزدیک باب مکه است که مردم قبل از ورود به شهر، در آن غسل می کنند. همچنین گفته شده مکانی نزدیک کوه «طور» است.(۲)

ج) مصر

ج) مصر

پایتخت حکومت «رامسیس دوم» و پسرش منفتاح (فرعون های زمان موسی) شهر «منفیس» بوده که در مصر قرار داشته است. بنابراین، منظور از مصر آیات ۵۱ سوره زخرف و ۶۱ سوره بقره، کشور مصر یا پایتخت آن «منفیس» است.

دهخدا آورده است: «منفیس» شهری در کنار رود نیل و دلتای آن. این شهر در دوره فراعنه، پایتخت بوده است. خرابه های باشکوه این شهر نزدیک عین الشمس در جنوب «قاهره» قرار دارد.(۳)

به طور خلاصه می توان گفت حضرت موسی علیه السلام از مصر، پایتخت فرعون، و عبور از «سینا» به «مدین» رفته و در هنگام بازگشت، خداوند در

۱- معجم البلدان، ج ۴، صص ۱۲۸ و ۱۲۹.

۲- معجم البلدان، ج ۴، ص ۴۴.

۳- لغت نامه دهخدا، ج ۱۴، ص ۲۱۶۴۸.

ص: ۱۲۷

کوه «طور» بـا او سـخن گفته، سـپس راهش را به سوی «مصـر» جـایی که «فرعون» (منفتاح)، حکومت می کرد، ادامه داد. عبور او از شمال خلیج سوئز یا از دریاچه های مَره بوده و در همین جا فرعون غرق شده است.(۱)

۱۱. شناسه فرهنگی موسی علیه السلام

۱۱. شناسه فرهنگی موسی علیه السلام

در زمان موسی علیه السلام مردم از نظر فرهنگی در سطح پایین بودند؛ چرا که حکومت های فاسد و جبار برای دوام حکومت خود، مردم را از نظر علمی و فرهنگی در سـطح پایین نگه می داشتند و با روش های گوناگون آنها را تحمیق می کردند. آنان مردم را در بی خبری از واقعیت ها نگه می داشـتند و ارزش های دروغین را جانشـین ارزش های راستین می کردنـد و پیوسـته بر جماعتشان می افزودند.(۲)

برای نمونه، فرعونیان عقیده داشـتند رؤسا باید از دست بند و گردن بند طلا برای زینت خود استفاده کنند و چون موسی علیه السلام چنین زینت هایی را نداشت و به جای آن لباس پشـمینه چوپانی به تن می کرد، شـگفت زده می شدند و می گفتند: «فَلَوْلَا أُلْقِیَ عَلَیهِ أَسْوِرَةٌ مِّن ذَهَبٍ أَوْ جَاء مَعَهُ الْمَلَائِکهُ مُقْتَرِنِینَ؛ (اگر راست می گویـد) چرا دست بنـدهای طلا به او داده نشده یا اینکه چرا فرشـتگان دوشادوش او نیامده ا ند [تا گفتارش را تأیید کنند؟)]»(زخرف: ۵۳)

در واقع، چون بیدار شدن مردم و بالا رفتن سطح فرهنگی آنان بزرگ ترین دشمن حکومت های شیطانی بود، (فرعونیان) با تمام قوا با آن مبارزه می کردند.(۳)

۱- اطلس جغرافیایی، ص ۶۳.

۲- تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۸۸.

۳- تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۸۸.

ص: ۱۲۸

حضرت هارون علیه السلام

اشاره

حضرت هارون علیه السلام

زیر فصل ها

۱. شناسه اسمی حضرت هارون علیه السلام

اشاره

۱. شناسه اسمی حضرت هارون علیه السلام

زیر فصل ها

الف) نام هارون علیه السلام

الف) نام هارون علیه السلام

«هـارون» یکی از پیـامبران الهی است که نامش ۲۰ بار در قرآن آمـده است. بیشتر زنـدگی او همراه موسـی علیه السـلام بوده است. «هارون» در زبان عبری به معنی «کوه نشین» است.(۱)

ب) زمان و محل ولادت و وفات

ب) زمان و محل ولادت و وفات

ولادت: ۳۷۴۵ سال بعد از هبوط آدم علیه السلام .(۲)

وفات: ۳۸۶۸ سال بعد از هبوط آدم علیه السلام ، هارون در بیابان «تیه»، قبل از رسیدن به سرزمین مقدس از دنیا رفت.(۳)

۲. شناسه جسمی و ظاهری

۲. شناسه جسمی و ظاهری

قد هارون از حضرت موسی علیه السلام کشیده تر و بلندتر بود و رنگ صورتش سفید و ضخیم البدن (تنومند) بود.(۴)

۱- اعلام قرآن، ص ۶۵۷.

۲- ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۳۳۳.

۳- ناسخ التواریخ، ج ۲، ص ۵.

۴- تاریخ روضه الصفاء، ج ۱، ص ۳۵۴.

ص: ۱۲۹

۳. شناسه شغلی و خدماتی

۳. شناسه شغلی و خدماتی

حضرت هارون علیه السلام ابتدا «تاجر» بود، بعدها وزیر حضرت موسی علیه السلام شد.(۱)

۴. شناسه رفتاری و روانی

۴. شناسه رفتاری و روانی

از جمله فضایل رفتاری هارون علیه السلام داشتن بیانی فصیح و گویا بود، به طوری که قرآن از زبان برادرش موسی علیه السلام می فرماید: «وَأَخِی هَارُونُ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّی لِسَانًا فَأَرْسِلْهُ مَعِی رِدْءًا یصَدِّقُنِی إِنِّی أَخَافُ أن یکَذِّبُونِ؛ و برادرم هارون، زبانش از من فصیح تر است، او را همراه من بفرست تا یاور من باشد و مرا تصدیق کند، می ترسم مرا تکذیب کنند». (قصص: ۳۴)

علامه طباطبایی می فرماید:

منظور این نیست که اگر هارون همراه او باشد، دیگر او را تکذیب نمی کنند، بلکه چون موسی علیه السلام لکنت زبان داشته، می ترسیده نتواند حجت را به خوبی بیان کند. در نتیجه، او را تکذیب کنند.(۲)

«أَفصَح» از ماده «فصیح» در اصل به معنای خالص بودن چیزی از زوائد است و به سخنی که کوتاه و خالی از حشو و زوائد باشد، «فصیح» می گویند.(۳) بنابراین یک رهبر موفق کسی است که علاوه بر سعه صدر و قدرت روح، دارای بیانی گویا و خالی از ابهام باشد.(۴)

علاوه بر این هارون علیه السلام فردی صبور و بردبار بوده است.(۵)

۵. شناسه فکری و عقیدتی هارون علیه السلام

اشاره

۵. شناسه فکری و عقیدتی هارون علیه السلام

زیر فصل ها

مبارزه با شرک

مبارزه با شرک

مبارزه با شرک

هـارون مردم را به یکتـاپرستی دعوت می کرد، به طوری که در زمـان غیبت موسـی علیه السـلام هنگام رفتن به میقات وقتی مردم به گوساله پرستی روی

۱- تاریخ روضه الصفاء، ج ۱، ص ۳۵۵.

۲- المیزان، ج ۱۶، ص ۳۴.

۳- مفردات الالفاظ القرآن، ص ۶۳۷.

۴- تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۱۸۸، ذیل ماده «اَفضح».

۵- تاریخ روضه الصفا، ج ۱، ص ۳۵۴.

ص: ۱۳۰

آوردنـد، به شـدت با آنان مخالفت کرد، تا جایی او را به کشـتن تهدید کردند. بنابراین، وقتی موسـی پس از بازگشت او را مؤاخذه کرد، گفت:

ای فرزنـد مـادرم، این گروه مرا در فشـار نداشـتند و نـاتوان کردنـد، و نزدیـک بـود مرا بکشـند. پس کـاری نکن که دشـمنانت، مرا شماتت کنند و مرا با گروه ستمکاران قرار مده. (اعراف: ۱۵۰)

۶. شناسه تبلیغی هارون علیه السلام

اشاره

۶. شناسه تبلیغی هارون علیه السلام

چنـان که گفتیم هارون علیه السـلام از پیامبران الهی بود، که به همراه موسـی علیه السـلام شـریعت او را تبلیغ می کرد. قرآن در این باره می فرماید: «ثُمَّ أَرْسَلْنَا مُوسَی وَأَخَاهُ هَارُونَ بِآیاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِینٍ؛ و سپس موسی و برادرش هارون را با آیات خود و دلیلی روشن فرستادیم.» (مؤمنون: ۴۵) طبق این آیه، هارون از پیامبران مرسل و صاحب دلایل آشکاری از سوی خداوند بوده است.(۱)

همچنین حـدیث مشـهور «منزلت» در شـأن علی علیه السـلام که مسـلمانان بر آن اتفاق نظر دارنـد، گواه نبوت «هارون» است. در این حدیث پیامبر می فرماید: «نسبت علی علیه السـلام به من همانند نسبت «هارون» به «موسی» است، با این تفاوت که هارون پیامبر بود، ولی علی علیه السلام پیامبر نیست».(۲)

الف) صحف هارون علیه السلام

الف) صحف هارون علیه السلام

حضرت هارون علیه السلام کتاب مستقلی نداشته منظور از «فرقان» در آیه ذیل همان تورات حضرت موسی علیه السلام است:

«وَلَقَدْ آتَینَا مُوسَی وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ وَضِیاء وَذِکْرًا لِّلْمُتَّقِینَ؛ ما به موسـی و هارون «فرقان» [وسـیله تشخیص حق از باطل] و نور و آنچه مایه یادآوری برای پرهیزکاران است، دادیم.» (انبیاء: ۴۸)

۱- تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۱۸۸.

۲- اعلام قرآن، ص ۶۵۷.

ص: ۱۳۱

ب) سیره تبلیغی هارون علیه السلام

ب) سیره تبلیغی هارون علیه السلام

از جمله روش تبلیغی هارون علیه السلام ، همکاری و همراهی در امر تبلیغ بوده است، قرآن از زبان موسی علیه السلام می فرماید: «وَاجْعَل لِّی وَزِیرًا مِّنْ أَهْلِی هَارُونَ أَخِی اشْدُدْ بِهِ أَزْرِی وَأَشْرِكْهُ فِی أَمْرِی؛ و وزیری از خاندانم برای من قرار ده، برادرم هارون را، با او پشتم را محکم کن و او را در کارم شریک ساز». (طه: ۲۹ ۳۲)

حضرت هارون علیه السلام ، خالصانه همراه و یاور موسی علیه السلام شد و برخی مأموریت های دعوت را به دوش کشیده.(۱)

۷. شناسه خانوادگی هارون علیه السلام

اشاره

۷. شناسه خانوادگی هارون علیه السلام

زیر فصل ها

الف) نَسَب هارون علیه السلام

ب) نام فرزندان

الف) نَسَب هارون علیه السلام

الف) نَسَب هارون علیه السلام

هارون پسر «عمران»، پسر «یصهَر»، پسر «قاهَت»، پسر «لاوی»، پسر «یعقوب علیه السلام »، پسر «اسحاق علیه السلام »، پسر «ابراهیم علیه السلام ».(۲)

نام مادر: «یوخابد»(۳) و برخی «یوکابد»(۴) گفته اند.

ب) نام فرزندان

ب) نام فرزندان

هارون چهار فرزند به نام های «ماذَاب»، «ابیهُو»، «العاذار»، «اِیستامار»(۵) داشته است. برخی آورده اند او دو پسر به نام های «شُبَّر» و «شُبیر» داشته که معادل عربی آن «حسن» و «حسین» است.(۶)

نام برادر: «حضرت موسی علیه السلام ».(۷)

نام خواهر: «مریم».(۸)

۱- کامل، ج ۲، ص ۱۸۷.

۲- تاریخ طبری، ج ۱، ص ۲۹۴؛ کامل، ج ۲، ص ۱۸۶.

۳- معارف و معاریف، ج ۹، ص ۳۳۵.

۴- ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۳۳۵.

۵- تاریخ طبری، ج ۱، ص ۲۹۵؛ کامل، ج ۲، ص ۱۸۶.

۶- بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۱.

۷- کامل، ج ۲، ص ۱۹۱.

۸- کامل، ج ۲، ص ۱۹۲.

ص: ۱۳۲

حضرت الیاس علیه السلام

اشاره

حضرت الیاس علیه السلام

زیر فصل ها

۱. شناسه اسمی حضرت الیاس علیه السلام

۲. شناسه رفتاری و روانی الیاس علیه السلام

۳. شناسه فکری و عقیدتی الیاس علیه السلام

۴. شناسه تبلیغی الیاس علیه السلام

۵. شناسه خانوادگی الیاس علیه السلام

۶. شناسه قومی الیاس علیه السلام

۷. شناسه حکومتی الیاس علیه السلام

۸. شناسه جغرافیایی الیاس علیه السلام

۱. شناسه اسمی حضرت الیاس علیه السلام

اشاره

۱. شناسه اسمی حضرت الیاس علیه السلام

زیر فصل ها

الف) نام حضرت الیاس علیه السلام

الف) نام حضرت الیاس علیه السلام

الف) نام حضرت الیاس علیه السلام

نام «الیاس» دو بار در قرآن ذکر شده است(۱) و طبق نظر کسانی که «اِل یاسین» را الیاس می دانند،(۲) سه بار که شامل (صافات: ۳۷؛ ۱۳۰) نیز است. اینان «یاسین» را نام پدر الیاس دانسته و گفته اند: «آل» به معنای خاندان است و شامل فرزند نیز می شود.(۳) برخی دیگر «یاسین» را یکی از نام های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دانسته و «آل یاسین» را به خاندان و اهل بیت او نسبت داده اند.(۴)

«الیاس» کلمه ای غیرعربی است، برخی آن را همان «ایلیا»ی عبری به معنی «یهُوه» «خدای من است»، دانسته و گفته اند: این واژه یونانی بوده و به آخر آن حرف «س» اضافه شده، مانند «هرمس».(۵)

۱- انعام: ۸۵؛ صافات: ۱۲۳.

۲- التبیان، ج ۸، ص ۵۲۳؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص ۱۲۹؛ الکشاف، ج ۴، ص ۶۰.

۳- التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص ۱۲۹.

۴- التبیان، ج ۸، ص ۵۲۵؛ المیزان، ج ۱۷، ص ۱۵۹.

۵- التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص ۱۲۸.

ص: ۱۳۳

۲. شناسه رفتاری و روانی الیاس علیه السلام

اشاره

۲. شناسه رفتاری و روانی الیاس علیه السلام

زیر فصل ها

الف) نیکوکار

ب) صالح

ج) برتری بر جهانیان

الف) نیکوکار

الف) نیکوکار

قرآن «الیاس» را جزو بندگان نیکوکار آورده، به او درود و سلام فرستاده: «سَلَامٌ عَلَی إِلْ یاسِینَ اِنَّا کَذَلِکَ نَجزِی الْمُحْسِنِینَ». (صافات: ۱۳۰ و ۱۳۱)

ب) صالح

ب) صالح

نام «الیاس» علیه السلام در شمار پیامبرانی که همه از صالحان هستند ذکر شده است: «وَزَکَرِیا وَیحْیی وَعِیسَی وَإِلْیاسَ کُلٌّ مِنْ الصَّالِحِینَ» (انعام: ۸۵)

ج) برتری بر جهانیان

ج) برتری بر جهانیان

الیاس علیه السلام از جمله پیامبران برتری یافته بر تمام عصر خویش و مردم جهان ذکر شده: «...وَکُلًّا فَضَّلْنَا عَلَی الْعَالَمِینَ.» (انعام: ۸۶) منظور از «العالمین» ممکن است مردم عصر این پیامبر و یا تمام انسان های جهان باشد.(۱)

۳. شناسه فکری و عقیدتی الیاس علیه السلام

اشاره

۳. شناسه فکری و عقیدتی الیاس علیه السلام

زیر فصل ها

الف) دور بودن از شرک و بت پرستی

ب) جزء مؤمنین بودن

ج) مورد ستایش خداوند

الف) دور بودن از شرک و بت پرستی

الف) دور بودن از شرک و بت پرستی

از جمله اعتقادات الیاس علیه السلام ، دوری از شرک و بت پرستی بوده قرآن می فرماید: «ذَلِکَ هُدَی اللَّهِ یهْدِی بِهِ مَنْ یشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَلَوْ أَشْرَکُوا لَحَبِطَ عَنْهُمْ مَا کَانُوا یعْمَلُونَ.» (انعام: ۸۸) وجود حرف شرط «لو» در این آیه، شرک ورزیدن را از الیاس و دیگر پیامبران دور می کند.(۲)

ب) جزء مؤمنین بودن

ب) جزء مؤمنین بودن

الیاس علیه السلام از بندگان مؤمن خداوند بود: «إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِینَ». (صافات: ۱۳۲)

۱- فرهنگ قرآن، ج ۴، ص ۲۱۲.

۲- فرهنگ قرآن، ج ۴، ص ۲۱۱.

ص: ۱۳۴

ج) مورد ستایش خداوند

ج) مورد ستایش خداوند

الیاس علیه السلام به دلیل ایمان و عبادتش مورد ستایش خداوند قرار گرفته و از درود و سلام خداوند برخوردار گشته است.(۱) قرآن می فرماید: «سَلَامٌ عَلَی إِلْ یاسِینَ، إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِینَ». (صافات: ۱۳۰ ۱۳۲)

۴. شناسه تبلیغی الیاس علیه السلام

اشاره

۴. شناسه تبلیغی الیاس علیه السلام

حضرت الیاس علیه السلام از جانب خداوند دارای مقام نبوت و کتاب الهی و مقام داوری و قضاوت بوده است: «وَزَکَرِیا وَیحْیی وَعِیسَی وَإِلْیاسَ کُلٌّ مِنْ الصَّالِحِینَ... أُوْلَئِکَ الَّذِینَ آتَینَاهُمْ الْکِتَابَ... .» (انعام: ۸۵ و ۸۹) برخی گفته اند «کُلٌّ مِنْ الصَّالِحِینَ» یعنی همه آنها از انبیا و رسولان هستند.(۲)

الف) دعوت به توحید و پرستش خداا

الف) دعوت به توحید و پرستش خدا(۳)

الیاس علیه السلام در راه ترویج توحید و نفی شرک و بت پرستی قیام کرد و قوم خود را به پرهیزکاری و پرستش خدا، دعوت کرد، ولی قوم او جز افراد کمی سخنانش را نادیده گرفته و به او ایمان نیاوردند:

«إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَلَا تَتَّقُونَ أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِینَ اللَّهَ رَبَّکُمْ وَرَبَّ آبَائِکُمْ الْأَوَّلِینَ» (صافات: ۱۲۴ ۱۲۶)

ب) تحمل رنج و سختی در راه تبلیغ

ب) تحمل رنج و سختی در راه تبلیغ

الیاس علیه السلام در راه تبلیغ و ترویج توحید، پشتکار بسیار به عمل آورد و در برابر آزار و اذیت های مشرکان صبر کرد، تا دعوتش را به گوش تمام مردم جامعه خود برساند. او با وجود تکذیب و اهانت ها و لجاجت ها به دعوت خویش ادامه داد تا زمانی که ناگزیر شد، سر به کوه و بیابان گذارد و در این هنگام

۱- فرهنگ قرآن، ج ۴، ص ۲۱۰.

۲- مجمع البیان، ج ۳ ۴، ص ۵۱۰.

۳- فرهنگ قرآن، ج ۴، ص ۲۱۱.

ص: ۱۳۵

«الیسع» را جانشین خود در میان بنی اسرائیل قرار داد.(۱) به همین دلیل او را اسوه پشتکار و تحمل سختی در راه دعوت معرفی کرده اند.(۲)

۵. شناسه خانوادگی الیاس علیه السلام

۵. شناسه خانوادگی الیاس علیه السلام

نَسَب الیاس علیه السلام

الیاس پسر یاسین، پسر فَتحاص، پسر العیز، پسر هارون، پسر عمران است.(۳)

او از نوادگان «هارون» و از پیامبران بنی اسرائیل است.(۴)

۶. شناسه قومی الیاس علیه السلام

اشاره

۶. شناسه قومی الیاس علیه السلام

زیر فصل ها

الف) شرک و بت پرستی

ب) تکذیب پیامبران

الف) شرک و بت پرستی

الف) شرک و بت پرستی

قوم الیاس علیه السلام بت پرست بودند و بتی به نام «بَعل» را می پرستیدند. به همین دلیل، الیاس علیه السلام با آنان، مبارزه و خدای واقعی را به آنان معرفی کرد: «إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَلَا تَتَّقُونَ أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ» (صافات: ۱۲۴ و ۱۲۵) برخی «بعل» را به معنای «ربّ» معنا کرده اند این بت به رنگ طلایی و دراز بوده و چهارصد خدمتکار داشته است. بعد در بی اثر کردن دعوت الیاس به توحید بسیار تأثیرگذار بوده است گویا عبارت «بعل» از زمان حضرت موسی علیه السلام در میان این قوم مورد توجه بوده است.(۵)

ب) تکذیب پیامبران

ب) تکذیب پیامبران

قوم حضرت الیاس علیه السلام به جز تعداد اندکی از آنان، علاوه بر بت پرستی به تکذیب پیامبرشان پرداختند. به طوری که قرآن می فرماید: «فَکَذَّبُوهُ فَإِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِینَ». (صافات: ۱۲۷ و ۱۲۸)

۱- بحارالانوار، ج ۳، صص ۳۹۴ ۳۹۷.

۲- اسوه های قرآنی و شیوه های تبلیغی آنان، ص ۳۳۲.

۳- مجمع البیان، ج ۳ و ۴، ص ۵۱۰؛ کامل، ج ۱، ص ۱۶۱.

۴- کامل، ج ۱، ص ۱۶۱.

۵- تاریخ تمدن، ج ۱، صص ۳۹۶ و ۳۶۷.

ص: ۱۳۶

۷. شناسه حکومتی الیاس علیه السلام

۷. شناسه حکومتی الیاس علیه السلام

در زمـان الیاس علیه السـلام حاکمی فاسـد و جبار به نام «آحاب»(۱) حکـومت می کرد. او مردم را به پرسـتش بت «بعـل» وادار می کرد. وقتی خداوند الیاس را به سوی پادشاه فرسـتاد، ابتدا دعوت او را پذیرفت، ولی همسر شاه که «ازابل»(۲) نام داشت (و در غیاب شاه قضاوت می کرد و مرتکب حق کشی و خیانت می شد) پادشاه را به مخالفت با الیاس واداشت.(۳)

«آحاب» علاوه بر اینکه مانع فعالیت های ارشادی الیاس شد، درصدد کشـتن او برآمد، ازاین رو الیاس علیه السلام به کوه ها و بیابان ها گریخت و بنابر قولی دیگر، الیاس، الیسع را به جانشینی خود انتخاب کرد و خداوند او را به آسمان ها برد.(۴)

۸. شناسه جغرافیایی الیاس علیه السلام

۸. شناسه جغرافیایی الیاس علیه السلام

الیاس علیه السـلام در سرزمین «بَعَلَبَک» که اکنون یکی از شهرهای لبنان است، سکونت نمود و به هدایت مردم پرداخت.(۵) نام این شهر، برگرفته از نام همان بت (بعل) است.(۶)

۱- تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۷۴.
۲- تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۷۴. (برخی «اَربَل» گفته اند)؛ جامع البیان، ج ۲۳، ص ۱۱۱.
۳- بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۳۹۴.
۴- بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۳۹۷؛ المیزان، ج ۱۷، ص ۱۶۰؛ مجمع البیان، ج ۷ ۸، ص ۷۱۳.
۵- اطلس جغرافیایی، ص ۶۸؛ مجمع البیان، ج ۷ ۸، ص ۷۱۳.
۶- معجم البلدان، ج ۱، ص ۴۵۵.

ص: ۱۳۷

حضرت الیسع علیه السلام

اشاره

حضرت الیسع علیه السلام

زیر فصل ها

۱. شناسه اسمی الیسع علیه السلام

۲. شناسه رفتاری و روانی الیسع علیه السلام

۳. شناسه فکری و عقیدتی الیسع علیه السلام

۴. شناسه تبلیغی الیسع علیه السلام

۵. شناسه خانوادگی الیسع علیه السلام

۶. شناسه قومی الیسع

۷. شناسه جغرافیایی الیسع علیه السلام

۱. شناسه اسمی الیسع علیه السلام

۱. شناسه اسمی الیسع علیه السلام

«الیسع» از پیامبران الهی است که پس از الیاس ظهور کرد و نامش دو بار در قرآن ذکر شده است. (ص: ۴۸ و انعام: ۸۶)

«الیسع» واژه ای عبری است که اصل آن «الیسع» یا «الیساع» به معنای «خـدا می بینـد» یا «خـدا نجات می دهد» است؛ چرا که در زبان عبری «إل» به معنای «خدا» و «یسع» به معنای «نجات دادن» یا «دیدن» است.(۱)

۲. شناسه رفتاری و روانی الیسع علیه السلام

اشاره

۲. شناسه رفتاری و روانی الیسع علیه السلام

زیر فصل ها

الف) نیکوکاری

ب) برتری بر عالمیان

الف) نیکوکاری

الف) نیکوکاری

خداوند الیسع را جزء «اخیار» آورده و از او به نیکی یاد کرده است: «وَاذْکُرْ إِسْمَاعِیلَ وَالْیَسَعَ وَذَا الْکِفْلِ وَکُلٌّ مِنْ الْأَخْیارِ» (ص: ۴۸)

ب) برتری بر عالمیان

ب) برتری بر عالمیان

خداوند الیسع را در شمار پیامبرانی که بر عالمیان برتری دارند، آورده است: «وَإِسْمَاعِیلَ وَالْیَسَعَ وَیونُسَ وَلُوطًا وَکلاًّ فضَّلْنَا عَلَی الْعَالَمِینَ.» (انعام: ۸۶) منظور

۱- مجمع البیان، ج ۳ و ۴، ص ۵۱۰.

ص: ۱۳۸

این است که خداوند او را بر افراد روزگار خود برتری داده، چون پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیه السلام بر آنان برتری دارند.(۱)

۳. شناسه فکری و عقیدتی الیسع علیه السلام

اشاره

۳. شناسه فکری و عقیدتی الیسع علیه السلام

زیر فصل ها

الف) دوری از شرک

ب) پرهیزکاری

الف) دوری از شرک

الف) دوری از شرک

از نظر اعتقادی «الیسع» از هرگونه شرک و بت پرستی مبرّا (پاک) بوده است:

«وَلَوْ أَشْرَکُوا لَحَبِطَ عَنْهُمْ مَا کَانُوا یعْمَلُونَ» (انعام: ۸۸)

ب) پرهیزکاری

ب) پرهیزکاری

«الیسع» جزء انسان های پرهیزکار معرفی شده است که جز خدا را عبادت نمی کرد. قرآن می فرماید: «وَاذْکُرْ إِسْمَاعِیلَ وَالْیسَعَ...» وَإِنَّ لِلْمُتَّقِینَ لَحُسْنَ مَآبٍ... .» (ص: ۴۸ و ۴۹) و از هدایت خداوند بهره مند بوده است: «أُوْلَئِکَ الَّذِینَ هَدَی اللَّهُ...». (انعام:۹۰)

۴. شناسه تبلیغی الیسع علیه السلام

اشاره

۴. شناسه تبلیغی الیسع علیه السلام

«الیسع علیه السلام » از جانب خداوند دارای مقام نبوت، برخوردار از آموزه های کتاب آسمانی و حکمت و قضاوت بوده است: «أُوْلَئِکَ الَّذِینَ آتَینَاهُمْ الْکِتَابَ وَالْحُکْمَ وَالنُّبُوَّهَ...». (انعام: ۸۹)

الف) سیره تبلیغی الیسع علیه السلام

الف) سیره تبلیغی الیسع علیه السلام

الیسع علیه السلام در شرایط خفقان و فشار بدون آنکه بین او و الیاس نسبت خویشاوندی باشد، با الیاس همراهی کرده است و پس از او جانشینی او را به عهده گرفت. در این باره چنین آمده است:

الیاس هنگام فرار از چنگ جبار زمانه، به خانه زنی از بنی اسرائیل وارد شد که پسری بیمار به نام «الیسع» داشت. آن زن الیاس را پناه داد و ورودش را پنهان کرد. الیاس در عوض این خدمت برای فرزند او دعا

۱- مجمع البیان، ج ۳ و ۴، ص ۵۱۰.

ص: ۱۳۹

کرد. «الیسع» چون بر اثر دعـای او بهبود یـافت، بـا دیـدن این معجزه به او ایمـان آورد و او را همراهی کرد. تـا اینکه الیاس به فرمان خداوند «الیسع» را برای رهبری و هدایت بنی اسرائیل برانگیخت.(۱)

ب) معجزات

ب) معجزات

روایتی از امام رضا علیه السلام نقل شده است که فرمودند:

الیسع نیز ماننـد «عیسـی» علیه السـلام بر روی آب راه می رفت، مرده را زنـده می کرد و کور مادرزاد و جزامیان را شـفا می داد. جز خداوند متعال هیچ کسی را عبادت نکرد و امتش نیز او را نپرستیدند.(۲)

۵. شناسه خانوادگی الیسع علیه السلام

۵. شناسه خانوادگی الیسع علیه السلام

نَسَب الیسع: «الیسع»، پسر «أَخطُوب»، پسر «عَجوز» ذکر شده است.(۳)

نام پدر الیسع: «أُخطوب» بود.(۴)

۶. شناسه قومی الیسع

۶. شناسه قومی الیسع

طبق روایات، «الیسع» پس از مقام پیامبری، به سوی قوم الیاس فرسـتاده شـده و مردم آنجا را به سوی توحیـد دعوت کرد و عموم بنی اسرائیل به او ایمان آوردند و از او اطاعت کردند.(۵)

۷. شناسه جغرافیایی الیسع علیه السلام

۷. شناسه جغرافیایی الیسع علیه السلام

الیسع در شهر بعلبک (هلیوپولیس: سرزمین خورشید) زندگی و فوت کردند.(۶)

۱- تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۷۳؛ بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۳۹۶.
۲- بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۳۰۱؛ عیون اخبار رضا۷، ج ۱، صص ۳۲۲ و ۳۲۳.
۳- تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۷۴؛ مجمع البیان، ج ۴، ص ۵۱۰.

۴- مجمع البیان، ج ۴، ص ۵۱۰.

۵- بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۳۹۷.

۶- اطلس جغرافیایی، ص ۶۸.

ص: ۱۴۰

حضرت ذی الکفل علیه السلام

اشاره

حضرت ذی الکفل علیه السلام

زیر فصل ها

۱. شناسه اسمی ذی الکفل علیه السلام

۲. شناسه رفتاری و روانی ذی الکفل

۳. شناسه فکری و عقیدتی ذی الکفل

۴. شناسه قومی ذی الکفل

۱. شناسه اسمی ذی الکفل علیه السلام

۱. شناسه اسمی ذی الکفل علیه السلام

درباره «ذی الکفل» اختلاف نظر است. برخی او را فردی صالح و مؤمن شمرده و به نظر برخی دیگر او از پیامبران است؛(۱) چرا که نام او دو بار در قرآن و در کنار پیامبران دیگر از قبیل اسماعیل و ادریس علیه السلام و [چند پیامبر دیگر] ذکر شده است.(۲) در روایتی از امام جواد علیه السلام آمده که او از «مرسلین» بوده و پس از سلیمان بن داود علیه السلام به رسالت رسیده و قضاوت می کرده است.

نام او «غویدیا» یا « عدویا بن اَدارین» است.(۳) همچنین برخی گفته اند او از فرزندان «ایوب علیه السلام » بود و نام اصلیش «بشر بن ایوب» یا «بشیر» بود. در شام می زیست(۴) و ۹۵۰ سال عمر کرد. نام فرزند او «عبدان» بود که او را وصی خود قرار داد.(۵)

۱- مجمع البیان، ج ۷ و ۸، صص ۹۴ و ۹۵؛ نهج الصادقین، ج ۶، ص ۱۰۶.

۲- تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۴۸۳.

۳- بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۴۰۵؛ مجمع البیان، ج ۷ ۸، ص ۹۵.

۴- کامل، ج ۲، ص ۱۰۵.

۵- بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۳۷۴.

ص: ۱۴۱

۲. شناسه رفتاری و روانی ذی الکفل

اشاره

۲. شناسه رفتاری و روانی ذی الکفل

زیر فصل ها

الف) صبر و بردباری

ب) صالح و شایسته

ج) جزو نیکان بوده

الف) صبر و بردباری

الف) صبر و بردباری

حضرت «ذی الکفل» از جمله پیامبرانی است که در طول عمر خود همواره در برابر دشمنان و مشکلات طاقت فرسای زندگی صبر و مقاومت داشت و خداوند در برابر این صبر و بردباری، آنان را در رحمت خود داخل کرد. قرآن می فرماید:

وَإِسْمَاعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ كُلٌّ مِنْ الصَّابِرِينَ وَأَدْخَلْنَاهُمْ فِى رَحْمَتِنَا إِنَّهُمْ مِنْ الصَّالِحِينَ. (انبیاء: ۸۵ و ۸۶)

و اسماعیل و ادریس و ذوالکفل را [به یاد آور] که همه از صابران بودند و ما آنان را در رحمت خود وارد ساختیم، چرا که آنها از صالحان بودند.

ب) صالح و شایسته

ب) صالح و شایسته

صالح بودن و شایستگی حضرت ذی الکفل، عامل بهره مندی او از رحمت الهی است.(۱)

ج) جزو نیکان بوده

ج) جزو نیکان بوده

خداوند ذی الکفل را جزء نیکان شمرده و می فرماید:

وَاذْكُرْ إِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَذَا الْكِفْلِ وَكُلٌّ مِنْ الْأَخْيارِ.(۲) (ص: ۴۸)

و به خاطر بیاور اسماعیل و یسع و ذوالکفل را به یاد آور [که] همه از نیکان اند.

۳. شناسه فکری و عقیدتی ذی الکفل

۳. شناسه فکری و عقیدتی ذی الکفل

بارزترین ویژگی عقیدتی ذی الکفل آن است که به خداوند او را دلیل پرهیزکاری فراوان، از تقوا پیشگان معرفی کرده و می فرماید:

«... وَاذْكُرْ... وَذَا الْكِفْلِ... هَـٰذَا ذِكْرٌ وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لَحُسْنَ مَآبٍ؛ و به خاطر بیاور ...و ذوالکفل را ... این یک یادآوری است. و برای پرهیز کاران فرجام نیکویی است». (ص: ۴۸ و ۴۹)

۱- فرهنگ قرآن، ج ۱۷، ص ۳۱۷.

۲- مجمع البیان، ج ۷ و ۸، ص ۷۵۰.

ص: ۱۴۲

همچنین سه خصلت در زنـدگی ذی الکفـل بـاعث انتخاب او به مقام پیامبری شـد. در این باره روایت شـده «الیسع» هنگامی که می خواست برای خود جانشین انتخاب کند، مردم را جمع کرد و به آنان گفت:

هر کسی که انجام سه خصلت را به عهده بگیرد، او را جانشین خود بعد از مرگم می کنم. آن سه خصلت عبارت است از: ۱. روزها روزه بگیرد؛ ۲. شب ها عبادت کند؛ ۳. خشـمگین نشود. الیسع سه بار این شرایط ها را تکرار کرد و هر سه بار جوانی که ذی الکفل نام داشت داوطلب شد.(۱)

۴. شناسه قومی ذی الکفل

۴. شناسه قومی ذی الکفل

قوم «ذی الکفل» به او ایمان آوردنـد، او را تصدیق کردند و همواره از او پیروی می کردند، فقط هنگامی که از سوی خداوند فرمان جهاد صادر شـد، به دلیل ترس از مرگ، سـستی و تقاضای عمر طولانی کردنـد. در نتیجه، افزایش طول عمر و ازدیاد جمعیت باعث شد به فشار و سـختی بیفتند، سـرانجام از خداوند خواسـتند تا هر کسی طبق اجل تعیین شده بمیرد. خداوند خطاب به آنان فرمود آیا نمی دانیـد آنچه خدا برای شـما برگزیده است بهتر است. آنگاه طول عمر آنان را مطابق معمول اجلشان قرار داد و همه متوجه شدند که مرگ در حقیقت نعمت است.(۲)

۱- مجمع البیـان، ج ۷ و ۸، ص ۹۴؛ مولا فتـح الله کاشانی، منهج الصادقین، به کوشـش: مرتضوی غفاری، ج ۶، صص ۱۰۴ و ۱۰۵؛ بحارالانوار، ج ۱۳، صص ۴۰۴ و ۴۰۵.

۲- بحارالانوار، ج ۱۳، صص ۴۰۶ و ۴۰۷.

ص: ۱۴۳

حضرت داوود علیه السلام

اشاره

حضرت داوود علیه السلام

زیر فصل ها

۱. شناسه اسمی حضرت داوود علیه السلام

۲. شناسه جسمی و ظاهری داوود علیه السلام

۳. شناسه شغلی و خدماتی داوود علیه السلام

۴. شناسه رفتاری و روانی داوود علیه السلام

۵. شناسه فکری و عقیدتی داوود علیه السلام

۶. شناسه تبلیغی داوود علیه السلام

۷. شناسه خانوادگی داوود علیه السلام

۸. شناسه حکومتی داوود علیه السلام

۱. شناسه اسمی حضرت داوود علیه السلام

اشاره

۱. شناسه اسمی حضرت داوود علیه السلام

زیر فصل ها

الف) نام داوود علیه السلام

ب) زمان و محل ولادت و وفات

الف) نام داوود علیه السلام

الف) نام داوود علیه السلام

حضرت داوود علیه السلام از پیامبران بنی اسرائیل است که علاوه بر قدرت معنوی و سِمَت نبوت دارای حکومت گسترده نیز بوده است. (بقره: ۲۵۱) نام او پانزده بار در قرآن ذکر شده و داستان زندگی و دعوتش در حدود دوازده آیه آمده است.

ب) زمان و محل ولادت و وفات

ب) زمان و محل ولادت و وفات

ولادت: آن حضرت ۴۳۳۳ سال بعد از هبوط آدم علیه السلام (۱) در بیت اللَّحم به دنیا آمد.(۲)

وفات: داوود ۴۴۰۳ سال بعد از هبوط آدم علیه السلام فوت کرد. جسد آن حضرت را در «بیت المقدس» در قریه داود دفن کردند.(۳) مدت عمر او صد سال بود(۴) که حدود چهل سال از آن را به سلطنت و حکومت مشغول بوده است.(۵)

۱- ناسخ التواریخ، ج ۲، ص ۱۳۲.
۲- معارف و معاریف، ج ۵، ص ۳۵۱.
۳- ناسخ التواریخ، ج ۱، صص ۲۳۷ ۲۴۰.
۴- تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۰۱.
۵- کامل، ج ۳، ص ۳۷؛ ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۲۴۰.

ص: ۱۴۴

۲. شناسه جسمی و ظاهری داوود علیه السلام

۲. شناسه جسمی و ظاهری داوود علیه السلام

حضرت داوود علیه السلام ، دارای قدی تقریباً کوتاه، با موهای کم و سرخ رنگ بوده، همچنین آورده اند که او صدای بسیار زیبایی داشته به طوری که وقتی با خدا مناجات می کرده، پرندگان به سوی او می آمدند، و حیوانات وحشی گردن می کشیدند تا صدای او را بشنوند.(۱) حضرت علی علیه السلام در یکی از خطبه هایش درباره او می فرماید: «او صاحب «مزامیر» (صدای خوش) و خواننده بهشت است».(۲)

۳. شناسه شغلی و خدماتی داوود علیه السلام

۳. شناسه شغلی و خدماتی داوود علیه السلام

اول کسی که «زره» ساخت، داوود علیه السلام بود. قبل از او صفحه های آهن را به خود می بستند و به دلیل سنگینی نمی توانستند بجنگند. خداوند آهن را مانند شمع در دستان آن حضرت نرم کرد، به طوری که بتواند به راحتی از آن زره بسازد.(۳) همچنین علی علیه السلام می فرماید: «حضرت داوود علیه السلام » زنبیل هایی دستباف از لیف خرما می ساخت و با بهای آن نان جو می خرید و مصرف می کرد.(۴)

حضرت داود علیه السلام در قبل و حین حکومت، برای رفع نیازهای مردم و معاش خانواده همواره مشغول فعالیت های فنی، هنری، صنعتی بوده است، ازاین رو، او را اسوه کار و تلاش و صنعت می دانند.(۵) از خدمات ارزنده آن حضرت، اینکه «بیت المقدس» را بنا کرد.(۶)

۱- بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۱۴.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰، ص ۱۶۱.

۳- تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۷۴؛ کامل، ج ۳، ص ۲۴؛ حیوه القلوب، ج ۲، ص ۹۰۰.

۴- نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰، ص ۱۶۱.

۵- اسوه های قرآنی، ص ۳۳۹.

۶- اثبات الوصیه، صص ۱۲۱ و ۱۲۲.

ص: ۱۴۵

۴. شناسه رفتاری و روانی داوود علیه السلام

اشاره

۴. شناسه رفتاری و روانی داوود علیه السلام

زیر فصل ها

الف) صبر و استقامت

ب) نظم و وقت شناسی

ج) شجاعت در راه خدا

د) ساده زیستی

الف) صبر و استقامت

الف) صبر و استقامت

رعایت این فضیلت اخلاقی در حضرت داود علیه السلام به قدری بود که خداوند به پیامبر اسلام سفارش کردند که در برابر گزند مخالفان و بدخواهان مانند داود علیه السلام صبر و مقاومت داشته باشند «اصْبِرْ عَلَی مَا یقُولُونَ وَاذْکُرْ عَبْدَنَا دَاوُودَ ذَا الْأَیدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ؛ در برابر آنچه می گویند صبر کن، و داوود، بنده ما را که دارای امکانات [متعدّد] بود به یاد آور ;آری، او بسیار بازگشت کننده [به سوی خدا] بود». (ص: ۱۷)

ب) نظم و وقت شناسی

ب) نظم و وقت شناسی

در حکومت داوود علیه السلام نظم و انضباط جایگاه مهمی داشت. داوود علیه السلام روزهای خود را چهار قسمت کرده بود، روزی برای خانواده اش، روزی برای عبادت، روزی برای رسیدگی به امور مسلمانان و یک روز را برای رسیدگی به کارهای بنی اسرائیل اختصاص داده بود.(۱)

ج) شجاعت در راه خدا

ج) شجاعت در راه خدا

حضرت داوود علیه السلام جنگجویی شجاع و باصلابت بود. او هرگز از صحنه نبرد نگریخت و با دشمن سازش نکرد.(۲) داوود علیه السلام یکی از سربازان سپاه طالوت، در نبرد با «جالوت» (جبار زمانه) بود که به خوبی با آنان جنگید تا سرانجام جالوت را به هلاکت رساند. (بقره: ۲۵۱ و ۲۵۲)

د) ساده زیستی

د) ساده زیستی

با اینکه داوود علیه السلام دارای حکومت و امکانات وسیع بود، همواره ساده زندگی می کرد و حاضر نمی شد از اموال عمومی استفاده کند، بلکه تنها از حاصل دسترنج خود استفاده می کرد. (زره بافی، زنبیل بافی) قرآن در این باره می فرماید: «أَنْ اعْمَلْ سَابِغَاتٍ وَقَدِّرْ فِی السَّرْدِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا...؛ و به او گفتیم، زره های کامل

۱- تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۹۷؛ قصص الانبیاء، ثعلبی، ص ۲۴۹.

۲- قصص الانبیا ثعلبی، ص ۲۴۷.

ص: ۱۴۶

و فراخ بساز و حلقه ها را به انـدازه متناسب کن و عمل صالح به جا آورید...». (سـبأ: ۱۱) «سابغـات» به معنای زره هاست و مفرد آن «سبغه» به معنی «زره» است و از «و قدّر فی السر» منظور بافتن زره است.(۱)

۵. شناسه فکری و عقیدتی داوود علیه السلام

۵. شناسه فکری و عقیدتی داوود علیه السلام

حضـرت داوود علیه السـلام همواره و در همه حال به خـدا توجه داشت و در حال تسبیح و عبادت بود؛ چرا که معتقد بود بازگشـت همه به سوی اوست، به همین دلیل خداوند او را «اوّاب» نامیده، چون آنان کاری را بدون رجوع إلی الله انجام نمی دادند. (ص: ۱۷)

۶. شناسه تبلیغی داوود علیه السلام

اشاره

۶. شناسه تبلیغی داوود علیه السلام

حضرت داوود علیه السلام از سوی خداوند به پیامبری برگزیده و دارای مقام نبوت شد. (انعام: ۸۹)

الف) صُحف حضرت داوود علیه السلام

الف) صُحف حضرت داوود علیه السلام

کتاب آسـمانی حضرت داوود علیه السلام «زبور» نام دارد(۲) که آن را «مزامیر»(۳) داوود می گفتنـد. این کتاب شامل حمد و ثنای پروردگـار و خالی از هرگونه امر و نهی و دسـتور الهی است.(۴) از امام صادق علیه السـلام نقل شـده که «زبور» حضـرت داود علیه السلام در شب هجدهم رمضان نازل شده است.(۵)

ب) قضاوت و داوری عادلانه

ب) قضاوت و داوری عادلانه

حضـرت داوود علیه السـلام در میـان مردم قضـاوت می کرد و با داوری عادلانه درصـدد گرفتن حقوق مظلومان بوده است. از جمله رسیدگی به شکایت دو نفر، که از داوود علیه السلام خواستند تا داوری آنان را به عهده بگیرد، گفتند:

۱- المیزان، ج ۱۶، ص ۳۶۲.

۲- نک: نساء: ۱۶۳، اسراء: ۵۵، انبیاء: ۱۰۵.

۳- مزامیر دعاها و سرودهایی بود که حضرت داوود۷ آنها را می خواند.

۴- منهج الصادقین، ج ۳، ص ۱۵۸.

۵- بحارالانوار، ج ۱۴، صص ۳۲ و ۳۳.

ص: ۱۴۷

«...فَاحْکُمْ بَیْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ وَاهْدِنَا إِلَی سَوَاءِ الصِّرَاطِ؛ اکنون در میان ما به حق داوری کن و ستم روا مدار و ما را به راه راست هدایت کن.» (ص: ۲۲) «تشطط» به معنای «جور» است و منظور آنها این بوده که بین ما به حق حکم کن و در قضاوت خود جور مکن و ما را به راه وسط راهنمایی کن.(۱) در جای دیگری، قرآن در این باره می فرماید: «وَآتَیْنَاهُ الْحِکْمَهَ وَفَصْلَ الْخِطَابِ؛ (هم) دانش به او دادیم و (هم) داوری عادلانه». (ص: ۲۰)

کلمه «حکمت» به معنای حکم است و منظور از آن معارف حقی است که به انسان سود می بخشد و او را به کمال می رساند. «فصل الخطاب» به معنای آن است که انسان قدرت تجزیه و تحلیل یک کلام را داشته باشد و بتواند حق را از باطلش جدا کند.(۲)

بنابراین، داود علیه السلام دارای منطقی نیرومند و گفتاری مؤثر بوده و قدرت داوری کردن به او ارزانی شده بود.(۳)

ج) پند و اندرز

ج) پند و اندرز

حضرت داوود علیه السلام به دلیل دانش فراوان، همواره مردم را نصیحت می کرد. گاهی بخش هایی از زبور را می خواند و گاهی خود به ارشاد و نصیحت آنان می پرداخت. وی می گفت: «بر عاقل و دانشمند است که روزگار خویش را خوب شناخته، با آمادگی به سوی امور خویش رود و نگهبان زبان خود باشد.»(۴) و در جای دیگری خطاب به فرزندش سلیمان می فرماید:

ای پسرم از خنده بسیار پرهیز کن، زیرا بنده را در قیامت حقیر می گرداند. ای فرزندم بر تو باد سکوت طولانی، مگر بر گفتار نیکو، چرا که یک بار

۱- المیزان، ج ۱۷، ص ۱۹۲.

۲- المیزان، ج ۱۷، ص ۱۹۰.

۳- تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۲۴۲.

۴- بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۳۹.

ص: ۱۴۸

پشـیمانی بر سـکوت طولانی، بهتر از بارها پشـیمانی بر سخن بسیار است. ای پسرم، اگر سخن گفتن نقره باشد، سکوت از طلاست.(۱)

۷. شناسه خانوادگی داوود علیه السلام

اشاره

۷. شناسه خانوادگی داوود علیه السلام

زیر فصل ها

الف) نَسَب داوود علیه السلام

ب) نام فرزندان داوود علیه السلام

الف) نَسَب داوود علیه السلام

الف) نَسَب داوود علیه السلام

حضرت داوود علیه السلام از نواده های یعقوب علیه السلام است و با نُه واسطه به یکی از فرزندان یعقوب علیه السلام می رسد(۲) و نَسَب او را چنین ذکر کرده اند: «داوود علیه السلام » پسر «إِیسی»، پسر «عُوبَد»، پسر «باعو»، پسر «سَلمون»، پسر «نَحشُون»، پسر «عمی نَادِب»، پسر «رام»، پسر «حَضرون»، پسر «فارص»، پسر «یعقوب علیه السلام »، پسر «اسحاق علیه السلام »، پسر «ابراهیم علیه السلام ».(۳)

نام پدر داوود را (علاوه بر إیسی) برخی «ایسا» نیز گفته اند.(۴)

ب) نام فرزندان داوود علیه السلام

ب) نام فرزندان داوود علیه السلام

حضرت داوود علیه السلام ۱۹ پسر داشت که از میان آنها حضرت سلیمان علیه السلام به پیامبری مبعوث شد.(۵)

۸. شناسه حکومتی داوود علیه السلام

۸. شناسه حکومتی داوود علیه السلام

زمانی که «اسـموئیل» از سوی خداوند به پیامبری بنی اسـرائیل برگزیده شده بود، مردم به او گفتند: از خدا بخواه تا برای ما پادشاهی بگمارد، که به اذن خدا باشد و به ریاست او با مردم فلسـطین جنگ کنیم. خداوند «طالوت» را به پادشاهی آنان برانگیخت تا با رهبر فلسطینیان که «جالوت» نام داشت

۱- بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۳۵.

۲- کامل، ج ۳، ص ۳۸.

۳- کامل، ص ۲۳(با کمی تغییر)؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۹۱.

۴- کامل، ج ۳، ص ۳۷؛ بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۱۵.

۵- بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۱۵.

ص: ۱۴۹

مبارزه کند. «طالوت» که نام او «شائول»(۱) بود، فردی بلندقامت، تنومند، خوش اندام و نیرومند بود، ولی شهرتی نداشت و با پدرش در روستا زندگی می کرد و به کار کشاورزی مشغول بود. «اسموئیل» پیامبر به «طالوت» گفت: خداوند از من خواسته تا تو را پادشاه بنی اسرائیل گردانم تا از عمالیق(۲) انتقام بگیری. هنگامی که ستاره پرستان زمان «طالوت» آماده جنگ شدند، «جالوت» پادشاه آنان بود (و به او «غلیاث» می گفتند) و فرماندهی را به عهده داشت. او فردی را برای مبارزه با خود طلبید، « داوود علیه السلام » به عنوان جوان ناشناس در میان لشکر بنی اسرائیل شروع به جنگ با «جالوت» کرد و او را به هلاکت رساند. بعد ازاین رویداد، فرماندهی سپاهیان بنی اسرائیل به داوود واگذار شد و سرانجام بعد از مرگ «طالوت (شائول) از سوی بنی اسرائیل به پادشاهی برگزیده شد و حکومت را در دست گرفت.(۳)

۱- شائول، اولین پادشان بنی اسرائیل بود که نَسَب او شائول بن قیس از بسط بنیامین است (اعلام قرآن، ص ۴۲۳)

۲- عمالیق: طایفه ای صاحب اقتدار که داوود۷ آنان را شکست داد و مملکت آنان بین کنعان و مصر در دشت سینا بود.

۳- تاریخ یعقوبی، ج ۱، صص ۵۴ و ۵۵؛ تاریخ طبری، ج ۲، صص ۳۸۵ و ۳۸۶.

ص: ۱۵۰

حضرت سلیمان علیه السلام

اشاره

حضرت سلیمان علیه السلام

زیر فصل ها

۱. شناسه اسمی حضرت سلیمان علیه السلام

۲. شناسه جسمی و ظاهری سلیمان علیه السلام

۳. شناسه شغلی و خدماتی سلیمان علیه السلام

۴. شناسه رفتاری و روانی سلیمان علیه السلام

۵. شناسه فکری و عقیدتی حضرت سلیمان علیه السلام

۶. شناسه تبلیغی حضرت سلیمان علیه السلام

۷. شناسه خانوادگی سلیمان علیه السلام

۸. شناسه حکومتی سلیمان علیه السلام

۹. شناسه جغرافیایی سلیمان علیه السلام

۱۰. شناسه فرهنگی

۱۱. شناسه زبانی حضرت سلیمان علیه السلام

۱. شناسه اسمی حضرت سلیمان علیه السلام

اشاره

۱. شناسه اسمی حضرت سلیمان علیه السلام

زیر فصل ها

الف) نام حضرت سلیمان علیه السلام

ب) زمان و محل ولادت و وفات سلیمان علیه السلام

الف) نام حضرت سلیمان علیه السلام

الف) نام حضرت سلیمان علیه السلام

حضرت سلیمان علیه السلام از پیامبران بزرگ است که نام او هفده بار در قرآن آمده است و حدود پنجاه آیه درباره زندگانی و حکومت او صحبت کرده است. آن حضرت حکومت و پادشاهی بنی اسرائیل را در سن سیزده سالگی به دست گرفت و خداوند مقام نبوت را به وی عنایت کرد. سلیمان از خداوند خواست، آن چنان قدرت و حکومتی به وی دهد که برای هیچ کسی پیش و پس از وی نداده باشد. خداوند دعای او را مستجاب کرد و جن و انس و پرندگان و باد را به تسخیر او در آورد.(۱) (ص: ۳۵ ۳۸)

«سلیمان» به عبری یعنی «پر از سلامتی». یکی از لقب های سلیمان «منطق الطیر» به معنای فهم زبان پرندگان باشد.(۲) (نمل: ۱۶)

۱- کامل، ج ۳، ص ۳۸؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۰۲.

۲- بهاء الدین خرمشاهی، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ج ۲، ص ۱۲۱۴.

ص: ۱۵۱

ب) زمان و محل ولادت و وفات سلیمان علیه السلام

ب) زمان و محل ولادت و وفات سلیمان علیه السلام

ولادت: ۴۳۹۱ سال بعد از هبوط آدم علیه السلام (۱) در بیت المقدس.(۲)

وفات: ۴۴۴۲ سال بعد از هبوط آدم علیه السلام .(۳) جسد مبارک آن حضرت در جوار پدر در «بیت المقدس» دفن شد. مدت عمر آن حضرت ۵۱ سال بوده است.(۴)

۲. شناسه جسمی و ظاهری سلیمان علیه السلام

۲. شناسه جسمی و ظاهری سلیمان علیه السلام

حضرت سلیمان علیه السلام سفیدپوست، فربه، تنومند، نکومنظر (زیبا) و پرموی بود و همواره جامه سفید می پوشید.(۵)

۳. شناسه شغلی و خدماتی سلیمان علیه السلام

۳. شناسه شغلی و خدماتی سلیمان علیه السلام

شغل حضرت سلیمان علیه السلام در نوجوانی چوپانی بوده است.(۶)

۴. شناسه رفتاری و روانی سلیمان علیه السلام

۴. شناسه رفتاری و روانی سلیمان علیه السلام

با اینکه حضرت سلیمان علیه السلام دارای مقام پادشاهی و حکومت بود، هرگز مغرور نشد و زندگی بسیار ساده ای داشت. از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرموده است:

حضرت سلیمان علیه السلام غذایی از گوشت و نانِ نرم، گرفته شده از آرد سفید را در اختیار میهمانان می گذاشت و اهل و عیالش نان زِبر خشک می خوردند و خودش نان جوی سبوس نگرفته می خورد.(۷)

۱- ناسخ التواریخ، ج ۲، ص ۲۰۸.

۲- قصص القرآن، ص ۶۱۰.

۳- ناسخ التواریخ، ج ۲، ص ۲۹۲.

۴- بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۷۳.

۵- کامل، ج ۳، ص ۳۹؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۰۲.

۶- تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۷۵.

۷- بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۷.

ص: ۱۵۲

۵. شناسه فکری و عقیدتی حضرت سلیمان علیه السلام

اشاره

۵. شناسه فکری و عقیدتی حضرت سلیمان علیه السلام

زیر فصل ها

الف) یاد خدا و شکرگزاری

ب) تسلیم در برابر خدا

الف) یاد خدا و شکرگزاری۱

الف) یاد خدا و شکرگزاری(۱)

یاد خـدا در دل سـلیمان علیه السـلام به گونه ای بود که هیـچ عاملی نمی توانست او را از شـکر نعمت های الهی غافل کند، بلکه او نعمت های الهی را پلی برای نزدیکی بیشتر به خدا می دانست. او وقتی تخت بلقیس را در یک چشم به هم زدن آماده دید، گفت:

هَذَا مِن فَضْلِ رَبِّی لِیبْلُوَنِی أَأَشْکرُ أَمْ أَکفُرُ وَمَن شَکرَ فَإِنَّمَا یشْکرُ؛ این از فضل پروردگار من است تا مرا آزمایش کند که آیا شکر او را به جا می آورم یا کفران می کنم. (نمل: ۴۰)

در جای دیگری به دلیل دانشـی که از جانب خداونـد به آنان عطا شـده بود، فرمود: «وَقَالَا الْحَمْـدُ لِلَّهِ الَّذِی فَضَّلَنَا عَلَی کَثِیرٍ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِینَ؛ ستایش از آن خداوندی است که ما را بر بسیاری از بندگان مؤمنش برتری بخشید». (نمل: ۱۵)

ب) تسلیم در برابر خدا

ب) تسلیم در برابر خدا

حضـرت سـلیمان علیه السلام همواره و در همه حال در برابر خداوند تسلیم بود،(۲) به طوری که در قرآن از زبـان ملکه سـبأ در این باره می فرماید: «...قَالَتْ رَبِّ إِنِّی ظَلَمْتُ نَفْسِـی وَأَسْـلَمْتُ مَعَ سُلَیمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ؛ پروردگارا من به خود ستم [کردم] و اینک به وسـیله سلیمان به خداوندی که پروردگار جهانیان است، اسلام آوردم» (نمل: ۴۴) «مع» به معنی همراهی و در این آیه تبعیت را می رساند، یعنی تسلیم و اسلام من همراه با تسلیم و اسلام سلیمان است و به برکت وجود اوست.(۳)

۱- فرهنگ قرآن، ج ۱۶، صص ۳۰۴ و ۳۰۵.

۲- فرهنگ قرآن، ج ۱۶.

۳- تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۷، ص ۲۸۴.

ص: ۱۵۳

۶. شناسه تبلیغی حضرت سلیمان علیه السلام

اشاره

۶. شناسه تبلیغی حضرت سلیمان علیه السلام

نشانه ای که دلالت بر نبوت و رسالت حضرت سلیمان علیه السلام دارد، وحی خداوند به اوست.(۱) قرآن در این باره می فرماید:

«إِنَّا أَوْحَینَا إِلَیکَ کَمَا أَوْحَینَا إِلَی نُوحٍ وَالنَّبِیینَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَوْحَینَا إِلَی إِبْرَاهِیمَ وَإِسْمَاعِیلَ وَإِسْحَاقَ وَیعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَعِیسَی وَأَیوبَ وَیونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَیمَانَ وَآتَینَا دَاوُودَ زَبُورًا؛ ما به تو وحی فرستادیم همان گونه که به نوح و پیامبران بعد از او فرستادیم...(و نیز) به هارون و سلیمان وحی نمودیم و به داود زبور دادیم».(نساء: ۱۶۳)

الف) صُحف حضرت سلیمان علیه السلام

الف) صُحف حضرت سلیمان علیه السلام

حضرت سلیمان علیه السلام علاوه بر دریافت وحی از سوی خداوند دارای کتاب آسمانی بوده است. چنان که قرآن می فرماید:

«...وَمِنْ ذُرِّیتِهِ دَاوُودَ وَسُلَیمَانَ...أُوْلَئِکَ الَّذِینَ آتَینَاهُمْ الْکِتَابَ...» (انعام: ۸۴ و ۸۹)

ب) سیره تبلیغی سلیمان علیه السلام

ب) سیره تبلیغی سلیمان علیه السلام

دعوت به توحید و مبارزه با شرک، محور و اساس تبلیغ سلیمان علیه السلام بوده است. حضرت سلیمان علیه السلام همواره درصدد ایجاد زمینه هایی برای گسترش دعوت و از بردن بدن شرک و کفر بود، به طوری که وقتی از طریق هدهد باخبر شد که در یمن ملکه ای حکومت می کند، که او و ملتش، برای غیرخدا سجده می کنند، نامه ای به ملکه «سبأ» نوشت. ملکه پس از دریافت نامه، بزرگان را جمع کرد:

قَالَتْ یا أَیهَا المَلَأُ إِنِّی أُلْقِی إِلَی کِتَابٌ کَرِیمٌ إِنَّهُ مِنْ سُلَیمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَانِ الرَّحِیمِ أَلَّا تَعْلُوا عَلَی وَأْتُونِی مُسْلِمِینَ؛ ای اشراف نامه پرارزشی به سوی من افکنده شده. این نامه از سلیمان است

۱- المیزان، ج ۵، ص ۱۴۶.

ص: ۱۵۴

و چنین نوشته شده: به نام خداوند بخشنده مهربان، توصیه من این است که بر من برتری جویی نکنید و به سوی من آیید، درحالی که تسلیم حق هستید.» (نمل: ۲۹ و ۳۰)

منظور از «کتابٌ کریم» نامه ای مُهر و موم شده است و «الّا تعلوا علّی»، یعنی در مقابل من تکبر نورزید.(۱) همچنین احترام و ادب بلقیس در برابر سلیمان به خاطر آن بوده که نامه سلیمان با نام خدا آغاز شده بود؛ چرا که بلقیس اگرچه خورشیدپرست بوده، ولی خدا را «ربّ الارباب» می دانست. به همین جهت به نامه سلیمان احترام گذاشته است.(۲)

و در جای دیگر هنگامی که سلیمان علیه السلام از آمدن «بلقیس» و همراهان به شهر اطلاع یافت از حاضران خواست تا تخت بلقیس را آماده کنند بلقیس وقتی دریافت که تخت او پیش از ورودش به آنجا، از طریق معجزه آورده شده، تسلیم حق شد و آیین سلیمان را پذیرفت و به نقلی با او ازدواج کرد و هر دو در ارشاد مردم به سوی یکتاپرستی کوشیدند.(۳)

نمونه دیگر، زمینه سازی برای دعوت به توحید، قبل از ورود ملکه سبأ به قصر بود. حضرت سلیمان علیه السلام دستور داده بود، صحن یکی از قصرها را از بلور بسازند و از زیر بلورها، آب جاری کنند، به طوری که وقتی ملکه و همراهان وارد قصر شدند، ملکه گمان کرد سراسر صحن را آب فرا گرفته است، اما به زودی حضرت او را از حیرت بیرون آورده و به او گفت: «إِنَّهُ صَرْحٌ مُمَرَّدٌ مِنْ قَوَارِيرَ؛ قصری است از بلور صاف». (نمل: ۴۴) «ملکه سبأ» با دیدن این منظره و نشانه های دیگر به حقانیت دعوت سلیمان پی برده و به صالحان پیوست.(۴)

۱- تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۰۳.

۲- المیزان، ج ۱۵، ص ۳۵۸.

۳- بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۱۱۲.

۴- تفسیر القمی، ج ۳، صص ۴۱۱ و ۴۱۲.

ص: ۱۵۵

ج) آشنایی با زبان های مختلف

ج) آشنایی با زبان های مختلف

آشنایی مبلغ با زبان های مختلف، باعث گسترش دعوت می شود و از این طریق تعداد مخاطبان او افزایش می یابد. حضرت سلیمان علیه السلام علاوه بر فضایل و دانش فراوان از این خصوصیت بهره مند بود و در دعوت مردم از آن استفاده می کرد.(۱) قرآن می فرماید:

«...وَقَالَ یا أَیهَا النَّاسُ عُلِّمْنَا مَنطِقَ الطَّیرِ وَأُوتِینَا مِنْ کُلِّ شَیِ...؛ و گفت: ای مردم زبان پرندگان به ما تعلیم شده و از هر چیزی به ما عطا گردیده». (نمل: ۱۶)

منظور از «علمنا» علم به قضاوت و داوری بین خلق و علم به نطق پرندگان و حیوانات است.(۲)

د) استفاده از نامه و پیک

د) استفاده از نامه و پیک

از دیگر روش های تبلیغی حضرت سلیمان علیه السلام استفاده از نامه و پیک، برای رساندن پیام به صورت صریح بود که از طریق هدهد، انجام می گرفت.(۳) برای نمونه، وقتی سلیمان نامه ای به ملکه سبأ نوشت، خطاب به هدهد گفت: «اذْهَب بِکِتَابِی هَذَا فَأَلْقِهِ إِلَیهِمْ ثُمَّ تَوَلَّ عَنْهُمْ فَانظُرْ مَاذَا یرْجِعُونَ؛ این نامه مرا ببر و بر آنان بیفکن و سپس برگرد [و در گوشه ای توقف کن] ببین آنها چه عکس العملی نشان می دهند». (نمل: ۲۸)

۷. شناسه خانوادگی سلیمان علیه السلام

۷. شناسه خانوادگی سلیمان علیه السلام

«سلیمان» پسر داود علیه السلام ، پسر «ایسی»، پسر «عُوید»، پسر «سَلمُون»، پسر «نَحسون»، پسر «عمی نادب»، پسر «رام»، پسر «حَضرون»، پسر «فارض»، پسر «یهود»، پسر «اسحاق علیه السلام »، پسر «ابراهیم علیه السلام ».(۴)

۱- اسوه های قرآنی، ص ۳۵۷ (با خلاصه).

۲- مجمع البیان، ج ۷ و ۸، ص ۳۴۴.

۳- فرهنگ قرآن، ج ۱۶، ص ۲۹۰.

۴- کامل، ج ۳، ص ۲۳.

ص: ۱۵۶

۸. شناسه حکومتی سلیمان علیه السلام

۸. شناسه حکومتی سلیمان علیه السلام

حضرت سلیمان علیه السلام از جمله پیامبرانی بوده که هم دارای مقام نبوت و هم دارای حکومت بی نظیر بوده و بر سراسر زمین فرمان روایی می کرده است. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

چهار نفر بر سراسر زمین فرمان روایی می کرده اند که دو نفر از مؤمنان بودند و دو نفر از کافران. مؤمنان عبارت از «سلیمان» و «ذوالقرنین» و کافران عبارت بودند از «بخت النصر» و «نمرود».(۱)

بنابراین، حکومت و سلطنت در زمان سلیمان علیه السلام به عهده خودشان بوده است.

۹. شناسه جغرافیایی سلیمان علیه السلام

۹. شناسه جغرافیایی سلیمان علیه السلام

مرکز دولت سلیمان علیه السلام شهر «قدس» یا «بیت المقدس» بوده است. این شهر امروزه مرکز فلسطین است و قدس نامیده می شود و در کتاب های مذهبی به آن «بیت المقدس» و به زبان عبری «اورشلیم» گویند.(۲)

«بیت المقدس» در جنوب شرقی بیت اللّحم است و «مسجدالأقصی» که به دست حضرت داود علیه السلام و سلیمان علیه السلام ساخته در آنجا واقع شده است. همچنین گفته شده بیت المقدس نام شهر مذهبی و قدیمی در فلسطین است که از نظر جغرافیایی نزدیک سلسله کوه هایی در سواحل دریای مدیترانه قرار گرفته و حدود ۳۲ میل از دریا فاصله دارد.

«بیت المقدس» در هیچ یک از دوره های تاریخ، شهر مهم تجارتی نبوده و به دلیل کوهستانی و کم آب بودن، کشاورزی خوبی نداشته است. با وجود این، همواره در معرض هجوم و فتنه دشمنان قرار داشته است.

۱- سفینه البحار، ج ۱، ص ۶۰، ذیل «بخت».

۲- مسالک و ممالک، صص ۶۰ و ۶۱.

ص: ۱۵۷

«بیت المقدس» در طول تاریخ هجده بار خراب و باز تجدید بنا شده، ولی همواره دارای عزت و اعتبار بوده است، چون از قدیم شهر مذهبی بوده و از طرف دین های بزرگ جهان مورد تجلیل و احترام قرار گرفته است.(۱)

۱۰. شناسه فرهنگی

۱۰. شناسه فرهنگی

عصر حضرت سلیمان علیه السلام از فرهنگ پیشرفته ای برخوردار بوده است. ساخته شدن قصر آن حضرت، از آبگینه های آب نما و مجلل بودن آن، نشانه تمدن آن دوران بوده است. قرآن نیز در این باره می فرماید:

«قِیلَ لَهَا ادْخُلِی الصَّرْحَ...؛ به او گفته شد داخل حیاط قصر شو... .» (نمل: ۴۴) برخی «صرح» را به ساختمان های مرتفع و قصر معنا کرده(۲) و برخی برای جایی که سقف ندارد، به کار برده اند.(۳)

همچنین دوران سلیمان علیه السلام از نظر صنعت هم پیشرفت های چشم گیری داشته که عبارت اند از:

الف) ذوب فلزات؛ فراهم بودن امکانات ذوب مس برای سلیمان علیه السلام از جانب خداوند؛ (سبأ: ۱۲)

ب) ساخت ظروف؛ ساختن ظروف و دیگ های بزرگ به وسیله جنیان؛ (سبأ:۱۳)

ج) ساختمان سازی؛ صنعت ساختمان سازی در دوران سلیمان علیه السلام به وسیله جنیان؛ (سبأ: ۱۳)

د) شیشه گری؛ رواج صنعت شیشه گری در زمان سلیمان علیه السلام ؛ (نمل: ۴۴)

ه) ساختن مجسمه؛ مجسمه سازی (سبأ: ۱۳) و رواج سحر و جادو در زمان سلیمان علیه السلام ؛(۴) (بقره: ۱۰۲)

۱- فرهنگ قصص قرآن، ص ۳۳۹.

۲- التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۶، ص ۲۲۲، ماده «صرح».

۳- مجمع البیان، ج ۷ ۸، ص ۳۵۱.

۴- فرهنگ قرآن، ج ۱۶، صص ۳۰۰ و ۳۰۱.

ص: ۱۵۸

و) ساختن محراب و مسجد در زمان سلیمان علیه السلام از جانب جنیان؛ (سبأ: ۱۳) «لَهُ ما یشاءُ مِن محاریبَ وَ تَماثیل»

برخی منظور از محاریب را خانه های مقدس و شریف مانند عبادتگاه و مسجد می دانند.(۱)همچنین گفته شده آسیای آبی، از اختراعات حضرت سلیمان علیه السلام است.(۲)

۱۱. شناسه زبانی حضرت سلیمان علیه السلام

۱۱. شناسه زبانی حضرت سلیمان علیه السلام

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده:

علاوه بر دانش فراوان، به سلیمان علیه السلام توانایی سخن گفتن به هر زبانی، از جمله زبان پرندگان، چهارپایان و درندگان اعطا شد. او چون در جنگ حاضر می شد، به «فارسی» تکلّم می کرد و چون نزد کارگران و سربازان و هم وطنان می نشست به زبان «رومی» سخن می گفت و چون با خانواده اش خلوت می کرد، به سریانی و نبطی تکلّم می نمود. زبان مناجات و عبادتش در محراب، عربی بود و در مذاکره با هیئت های خارجی و فرستادگان دولت ها به «عبرانی» سخن می گفت.(۳)

۱- مجمع البیان، ج ۷ ۸، ص ۵۹۸.

۲- ناسخ التواریخ، ج ۲، ص ۴۰۲.

۳- تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۷۷؛ البرهان، ج ۴، ص ۲۰۷

ص: ۱۵۹

حضرت یونس علیه السلام

اشاره

حضرت یونس علیه السلام

زیر فصل ها

۱. شناسه اسمی حضرت یونس علیه السلام

۲. شناسه رفتاری و روانی یونس علیه السلام

۳. شناسه فکری و عقیدتی حضرت یونس علیه السلام

۴. شناسه تبلیغی یونس علیه السلام

۵. شناسه خانوادگی یونس علیه السلام

۶. شناسه قومی یونس علیه السلام

۷. شناسه جغرافیایی یونس علیه السلام

۱. شناسه اسمی حضرت یونس علیه السلام

اشاره

۱. شناسه اسمی حضرت یونس علیه السلام

زیر فصل ها

الف) نام حضرت یونس علیه السلام

ب) زمان و محل ولادت و وفات

الف) نام حضرت یونس علیه السلام

الف) نام حضرت یونس علیه السلام

حضرت یونس علیه السلام یکی از پیامبران و رسولان خداست که نام مبارکش چهار بار در قرآن آمده و سوره دهم قرآن به نام آن حضرت است.

«یونس» در لفظ «یونانی» به معنای «کبوتر» است.(۱) از القـاب آن حضـرت «ذوالنون» است، که به دلیل قرار گرفتن در شـکم ماهی ایـن لقب به او داده شـده است. (انبیـاء: ۸۷) همچنین «صـاحب الحـوت» از القـاب دیگر اوست، یعنی کسـی که همراه مـاهی بـود نه صاحب و مالک ماهی.(۲) (قلم: ۴۸)

ب) زمان و محل ولادت و وفات

ب) زمان و محل ولادت و وفات

ولادت: ۴۷۲۸ سال بعد از هبوط آدم علیه السلام .(۳)

محل دفن حضرت یونس علیه السلام در «کوفه» است.(۴)

۱- اعلام قرآن، ص ۶۸۷.
۲- تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۷، ص ۱۲.
۳- ناسخ التواریخ، ج ۳، ص ۱۲.
۴- تاریخ حبیب السیر، ج ۱، ص ۱۳۰.

ص: ۱۶۰

۲. شناسه رفتاری و روانی یونس علیه السلام

اشاره

۲. شناسه رفتاری و روانی یونس علیه السلام

زیر فصل ها

نیکوکار و برگزیده

نیکوکار و برگزیده

نیکوکار و برگزیده

حضرت یونس علیه السلام از بندگان صالح و شایسته خداوند بود. خداوند در قرآن می فرماید: «فَاجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَجَعَلَهُ مِنَ الصّالِحینَ؛ پروردگارش او را برگزید و از صالحان قرار داد.» (قلم: ۵۰) و در جای دیگر، خداوند او را در شمار پیامبرانی که بر عالمیان برتری دارند آورده است و می فرماید: «وَإِسْمَاعِیلَ وَالْیسَعَ وَیونُسَ وَلُوطًا وَکُلاًّ فَضَّلْنَا عَلَی الْعَالَمِینَ.» (انعام:۸۶) منظور این است که خداوند او را بر افراد روزگار خود برتری داده است.(۱)

۳. شناسه فکری و عقیدتی حضرت یونس علیه السلام

اشاره

۳. شناسه فکری و عقیدتی حضرت یونس علیه السلام

زیر فصل ها

الف) ذکر و ستایش الهی

ب) برخوردار از محبت الهی

الف) ذکر و ستایش الهی

الف) ذکر و ستایش الهی

حضـرت یونس علیه السـلام ، چه در سختی و چه در راحتی، همواره ذکر و ستایش خداوند را به جا می آورد. قرآن در این باره می فرماید: « فَلَوْلَا أَنَّهُ کَانَ مِنْ الْمُسَبِّحِینَ، لَلَبِثَ فِی بَطْنِهِ إِلَی یوْمِ یبْعَثُونَ؛ و اگر او از تسبیح کنندگان نبود، تا روز قیامت، در شکم ماهی می ماند». (صافات: ۱۴۳ و ۱۴۴)

علامه طباطبایی می فرماید:

«مُسَبِّح» به کسـی گفته می شود که همواره و به طور دائم تسبیح می گوید، به طوری که این عمل صـفت وی شده باشد. بنابراین او به طور طولانی کارش تسبیح و سـتایش خدا بوده است.(۲) همچنین گفته انـد: ذکر یونس علیه السـلام این عبارت بوده است: «... لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَکَ إِنِّی کُنتُ مِنْ الظَّالِمِینَ؛ ... خداوندا جز تو معبودی نیست،

۱- مجمع البیان، ج ۴۳، ص ۵۱۰.

۲- المیزان، ج ۱۷، ص ۱۶۳.

ص: ۱۶۱

منزّهی تو، من از ستمکاران بودم» (انبیاء: ۸۷)(۱).تنها دلیل نجات یونس علیه السلام نیز همین تسبیح و ستایش خداوند بوده است.(۲)

ب) برخوردار از محبت الهی

ب) برخوردار از محبت الهی

خداوند یونس را بسیار دوست می داشته و به دلیل همین محبت نسبت به قوم او هم احسان مخصوصی داشته که نسبت به اقوام دیگر چنین محبتی نداشته است.(۳)

۴. شناسه تبلیغی یونس علیه السلام

اشاره

۴. شناسه تبلیغی یونس علیه السلام

حضرت یونس علیه السلام از پیامبران الهی است. خداوند درباره مقام رسالت او می فرماید: «وَإِنَّ یونُسَ لَمِنْ الْمُرْسَلِینَ؛ و یونس علیه السلام از رسولان ماست». (صافات: ۱۳۹)

الف) پشتکار در دعوت

الف) پشتکار در دعوت

حضرت یونس علیه السلام سالیان زیادی به هدایت قومش پرداخت، ولی آنان به کفر و شرک خود ادامه دادند، با این حال دعوت و تبلیغ یونس علیه السلام باعث نجات آنان از عذاب الهی شد، به طوری که وقتی نشانه های عذاب الهی ظاهر شد، بلافاصله قوم به او ایمان آوردند. قرآن می فرماید: «فَلَوْلَا کَانَتْ قَرْیهٌ آمَنَتْ فَنَفَعَهَا إِیمَانُهَا إِلَّا قَوْمَ یونُسَ لَمَّا آمَنُوا کَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْی فِی الْحَیاهِ الدُّنْیا وَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَی حِینٍ؛ چرا هیچ یک از شهرها و آبادی ها ایمان نیاوردند تا ایمانشان سبب نجاتشان شود؟ مگر قوم یونس، هنگامی که ایمان آوردند، عذاب رسوا کننده را در زندگی دنیا از آنان برطرف ساختیم و تا مدت معینی آنان را بهره مند ساختیم». (یونس: ۹۸)

ب) مایه عبرت در تبلیغ

ب) مایه عبرت در تبلیغ

مبلّغ بایـد در تبلیغ دین صـبور و بردبار باشـد و از خشم و غضب دوری کند، به طوری که قرآن می فرماید: «فَاصْبِرْ لِحُکْمِ رَبِّکَ وَ لا تَکُنْ کَصاحِبِ الْحُوتِ إِذْ نادی وَ هُوَ مَکْظُومٌ؛ صبر کن و منتظر فرمان پروردگارت باش، مانند صاحب ماهی

۱- منهج الصادقین، ج ۸، ص ۲۲.

۲- المیزان، ج ۱۷، ص ۱۶۴.

۳- تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۷، ص ۳۱۰.

ص: ۱۶۲

مباش (که در تقاضای مجازات قومش عجله کرد و گرفتار مجازات ترک اولی شـد. در آن زمان که با نهایت انـدوه خدا را خواند». (قلم: ۴۸)

کلمه «مکظوم» از مصـدر کظمِ غیـظ است، به معنای فرو نشانـدن خشم است. مکظوم کسـی است که خشم گلویش را گرفته و نمی توانـد آن را با هیـچ وسـیله ای دفع کنـد. در این آیه خداونـد پیامبر را نهی کرده از اینکه مانند یونس باشد (و در آمدن عذاب برای قومش عجله کند).(۱)

۵. شناسه خانوادگی یونس علیه السلام

۵. شناسه خانوادگی یونس علیه السلام

(۱۳) نَسَب یونس علیه السلام : یونس پسر «متی» است.(۲)

۶. شناسه قومی یونس علیه السلام

۶. شناسه قومی یونس علیه السلام

قوم یونس علیه السلام مردمی بت پرست بودند. خداوند یونس را برای هدایت و راهنمایی آنان فرستاد که حدود ۳۳ سال آنان را به سوی خـدا دعوت کرد، ولی فقط ۲ نفر به او ایمان آوردنـد. یکی از خانـدان علم و نبوت به نام «روبیل» و دیگری عابـد و زاهدی به نـام «تَنُوخـا» که از علم بهره ای نـداشت. لـذا یونس علیه السـلام از قومش نا امیـد شـد و نفرینشان کرد. همین که نشانه های عـذاب نمـودار شـد، قوم ایمـان آوردنـد، و خداونـد عـذاب را از آنـان دور کرد. وقـتی یونس علیه السـلام از میـان قوم بیرون رفت به اراده خداونـد اتفاقی پیش آمـد که یونس چهل روز در شـکم ماهی زنـدانی شـد، تا اینکه خداوند به دلیل تسبیح گویی او (چنان که قبلاً گفتیم) بلا را از او دور کرده و دوباره به میان قوم فرستاد.(۳)

۱- المیزان، ج ۱۹، ص ۳۸۷.

۲- المیزان، ج ۱۴، ص ۳۱۵.

۳- المیزان، ج ۱۴، ص ۳۱۴؛ کامل، ج ۴، ص ۱۴۱.

ص: ۱۶۳

۷. شناسه جغرافیایی یونس علیه السلام

۷. شناسه جغرافیایی یونس علیه السلام

یونس علیه السلام از طرف خداوند بر اهل «نینوا» مبعوث شد.(۱) «نینوا» روبه روی «موصل» است که دجله میان آنها فاصله انداخته است.(۲) این شهر همچنین از بزرگ ترین شهرهای کشور «آشور» است که از «بابل» ۲۵۰ میل و از خلیج فارس تا شمال غربی بابل، ۵۵۰ میل مسافت دارد.

شهر «نینوا» را «آشور» یا «نمرود» بنا نهاد و این شهر در زمان و روزگار «آشور بانیپال» و «سَرِحَدون» در نهایت ترقی و رونق بوده است. بابلی ها آن را محاصره و در سال (۶۰۶ ق.م) آن را فتح کردند.(۳)

مردم «نینوا» از قومی بودند که آنها را «نَبط» یا «سریانی» می نامیدند. نژاد و زبانشان یکی بود. زبان «نبطیان نینوی» با «سریانیان» در چند حرف تفاوت داشت، ولی گفتارشان یکی بود. خرابه های نینوا در مکان مقدسی معروف به «تَل توبه» بود. گویند یونس پیغمبر اهالی نینوا را از فراز آن «تَل» به توبه کردن دعوت می کرد. تَل هایی که قصرهای نینوا را می پوشاند، در کنار «دجله» است. همچنین آنجا مسجدی است و اطراف آن منازلی برای زُوّار که از بناهای «ناصرالدوله حمدانی» است. و در نیم فرسخی آن چشمه معروف به «چشمه یونس» است که آب آن متبرک بوده و برای شفای بیماران به کار می رفته است.(۴)

۱- المیزان، ج ۱۴، ص ۳۱۴.

۲- مروج الذهب، ص ۲۰۹.

۳- فرهنگ قصص قرآن، ص ۴۱۶.

۴- مروج الذهب، ص ۲۱۰.

ص: ۱۶۴

عزیر علیه السلام

اشاره

عزیر علیه السلام

زیر فصل ها

۱. شناسه اسمی عُزیر

۲. شناسه خدماتی

۳. شناسه فکری و عقیدتی عزیر

۴. شناسه تبلیغی عزیر

۵. شناسه خانوادگی عزیر

۶. شناسه حکومتی عزیر

۱. شناسه اسمی عُزیر

اشاره

۱. شناسه اسمی عُزیر

زیر فصل ها

الف) نام عُزیر

ب) مدّت عمر

الف) نام عُزیر

الف) نام عُزیر

نام عُزیر فقط یک بار در قرآن آمـده است. عزیر همان عزرا یا اِسدرارِس اسـت(۱) که در عبری عزرا خوانـده می شود و چون عزیر

سبب احیای تورات شده، یهود به او لقب «ابن الله» داده اند.(۲)

ب) مدّت عمر

ب) مدّت عمر

امام باقر علیه السلام می فرماید:

عزیر در سی سالگی از دنیا رفت و صد سال به مردگان پیوست و سپس زنده شد. بیست سال دیگر با برادرش زندگی کرد و سپس با هم مردند. بنابراین، عزیر پنجاه سال و برادرش عزره ۱۵۰ سال عمر کرد.(۳)

۲. شناسه خدماتی

۲. شناسه خدماتی

یکی از کارهای بارز عزیر این بود که چون بخت النصر تمام تورات ها را سوزاند، او تمام را از حفظ نوشت، از این جهت به او «سوفر (کاتب)»(۴) گویند.(۵)

۱- اعلام القرآن، ص ۴۵۵.

۲- تفسیر نورالثقلین، ج ۲، ص ۲۰۴.

۳- بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۳۷۴.

۴- قصص الانبیاء، ص ۷۴۶.

۵- تاریخ روضه الصفا، ج ۲، ص ۴۸۵.

ص: ۱۶۵

۳. شناسه فکری و عقیدتی عزیر

۳. شناسه فکری و عقیدتی عزیر

وقتی عزیر به قصد سفر از خانه بیرون آمد، به یک آبادی رسید. اهل آنجا در هم ریخته و نابود شده، و استخوان های آنان پوسیده بود. در این هنگام به فکر معاد و زنده شدن مردگان افتاد و با خود گفت: «أَنَّیَ یحْیی هَـٰذِهِ اللّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا؛ چگونه خداوند اینها را پس از مرگ زنده می کند.» (بقره: ۲۵۹) او این سخن را از روی انکار نگفت، بلکه از روی تعجب گفت. ناگهان خداوند جان او را گرفت و جزو مردگان در آمد. پس از صد سال که زنده شد، فرشته ای از او پرسید: چقدر در خواب بودی؟ او گفت یک روز یا کمتر. فرشته گفت: تو صد سال در اینجا بودی، اکنون به غذا و آشامیدنی خود بنگر که چگونه به فرمان خدا در طول این مدت، هیچ آسیبی ندیده، ولی برای اینکه بدانی صد سال از مرگت گذشته، به الاغ سواری خود نگاه کن که چگونه متلاشی و پراکنده شده. اکنون ببین که چگونه اجزای پراکنده آن را جمع و سپس زنده می کنیم، عزیر هنگامی که منظره (زنده شدن الاغ) را دید، گفت: «... أَعْلَمُ أَنَّ اللّهَ عَلَی کُلِّ شَیءٍ قَدِیرٌ؛ می دانم که خداوند بر هر کاری تواناست».(۱) (بقره: ۲۵۹)

۴. شناسه تبلیغی عزیر

اشاره

۴. شناسه تبلیغی عزیر

عزیر یکی از انبیای بنی اسرائیل بوده است(۲) و هنگامی که به چهل سالگی رسید، خداوند او را به نبوت رسانید.(۳)

سیره تبلیغی عزیر

سیره تبلیغی عزیر

عزیر همواره در تمام شئون زندگی، مردم را به احکام شریعت موسی علیه السلام ارشاد و هدایت می کرد و به ویژه در ایجاد فضایل اخلاقی و معاشرت اجتماعی نقش زیادی داشته است.(۴)

۱- کشف الاسرار، ج ۱، ص ۷۰۷؛ کامل، ج ۳، ص ۱۳۴.
۲- المیزان، ج ۲، ص ۳۶۱؛ کشف الاسرار، ج ۱، ص ۷۰۶.
۳- تاریخ حبیب السیر، ج ۱، ص ۱۳۷.
۴- قصص الانبیاء، ص ۷۴۷.

ص: ۱۶۶

۵. شناسه خانوادگی عزیر

۵. شناسه خانوادگی عزیر

نام پدر حضرت عزیر شرحیا(۱) و نام برادر او عَزره است که با عزیر دو قلو بودند.(۲)

۶. شناسه حکومتی عزیر

۶. شناسه حکومتی عزیر

در زمان عزیر، حکومت و زمامداری به دست بخت النصر بوده است.(۳) وقتی عزیر پس از مرگ صدساله به سوی بنی اسرائیل بازگشت، با تورات سوخته شده به دست بخت النصر روبهرو شد.(۴) طبرسی می گوید: بخت النصر همان کسی است که بر پادشاه بابل چیره گشت. وی از بازماندگان سپاه نمرود بوده است. او زنازاده ای بود که بیت المقدس را خراب کرد و تورات را سوزانید و دستور داد مردارها را داخل بیت المقدس اندازند. او به خاطر خون به ناحق ریخته شده یحیی علیه السلام هفتاد هزار نفر را گردن زد. همچنین گفته شده او دانیال پیغمبر را به همراه شیری در چاه انداخته بود و... سپس به دست فرزندخوانده اش که خود او را بزرگ کرده بود، کشته شد. با کشته شدن بخت النصر، آرامش به بنی اسرائیل بازگشت.(۵)

۱- تاریخ روضه الصفا، ج ۲، ص ۴۸۴.

۲- تاریخ روضه الصفا، ج ۲، ص ۴۸۴.

۳- تاریخ طبری، ج ۲، صص ۴۷۳ و ۴۷۴.

۴- مجمع البیان، ج ۱ ۲، ص ۶۴۱.

۵- مجمع البیان، ج ۵ ۶، صص ۶۱۶ ۶۳۹؛ کامل، ج ۳، ص ۱۳۵.

ص: ۱۶۷

حضرت زکریا علیه السلام

اشاره

حضرت زکریا علیه السلام

زیر فصل ها

۱. شناسه اسمی حضرت زکریا علیه السلام

۲. شناسه شغلی و خدماتی زکریا علیه السلام

۳. شناسه رفتاری و روانی زکریا

۴. شناسه فکری و عقیدتی حضرت زکریا علیه السلام

۵. شناسه تبلیغی زکریا علیه السلام

۶. شناسه خانوادگی زکریا علیه السلام:

۷. شناسه قومی زکریا علیه السلام

۱. شناسه اسمی حضرت زکریا علیه السلام

اشاره

۱. شناسه اسمی حضرت زکریا علیه السلام

زیر فصل ها

الف) نام حضرت زکریا علیه السلام

ب) زمان و محل ولادت و وفات

الف) نام حضرت زکریا علیه السلام

الف) نام حضرت زکریا علیه السلام

«زکریا» در زبان عبری به معنای کسی است که خدا از او یاد می کند.(۱)زکریا یکی از پیامبران الهی است، که نامش هفت بار در قرآن آمده است. او از بندگان صالح خدا و بزرگان قومش بود. همچنین عالم به تورات و انجیل و عالم ترین فرد بیت المقدس بوده است. وی چهار هزار قاری تورات تربیت کرد و ریاست راهبان و اَحبار(۲) بنی اسرائیل را در بیت المقدس بر عهده داشت.(۳)

ب) زمان و محل ولادت و وفات

ب) زمان و محل ولادت و وفات

ولادت: ۵۰۷۷ سال بعد از هبوط آدم علیه السلام .(۴)

وفات: بعد از کشته شدن «یحیی علیه السلام »، پدرش (زکریا) از بیم جان به بوستانی گریخت که درختی در آنجا بود. زکریا به اذن خدا در میان آن درخت پنهان شد. مأموران به راهنمایی شیطان که به صورت انسان درآمده بود، به کنار آن

۱- اعلام قرآن، ص ۳۴۹.

۲- احبار جمع حبر، رئیس کهنه و در نزد یهود، پیشوای روحانی عیسوان است (همان).

۳- اعلام قرآن، صص ۳۸۹ و ۳۹۹.

۴- ناسخ التواریخ، ج ۴، ص ۲۶۱.

ص: ۱۶۸

درخت آمدند و آن را به دو نیم کردند و زکریا وسط درخت، به دو نیم شد. محل دفن او در «بیت المقدس» است.(۱)

۲. شناسه شغلی و خدماتی زکریا علیه السلام

۲. شناسه شغلی و خدماتی زکریا علیه السلام

حضرت زکریا علیه السلام به شغل «نجاری» مشغول بوده است.(۲)

۳. شناسه رفتاری و روانی زکریا

اشاره

۳. شناسه رفتاری و روانی زکریا

زیر فصل ها

پیشتازی در انجام کارهای خیر

پیشتازی در انجام کارهای خیر

پیشتازی در انجام کارهای خیر

یکی از فضایل اخلاقی حضرت زکریا علیه السلام ، شتاب در انجام کارهای خیر و نیکو بود که همین امر باعث اجابت دعای او و همسرش شد. قرآن در این باره می فرماید:

فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يحْيى وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ كَانُوا يسَارِعُونَ فِى الْخَيرَاتِ وَيدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ؛ ما هم دعای او را پذیرفتیم و یحیی را بدو بخشیدیم و همسرش را که [نازا] برایش [آماده بارداری] کردیم، چرا که در کارهای خیر به سرعت اقدام می کردند و در حال بیم و امید ما را می خواندند و پیوسته برای ما خاشع بودند. (انبیاء: ۹۰)

«هبه» به معنای عطیه و بخشش بدون عوض و خالی از چشم داشت است.(۳) «وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ»، به معنای رفع عقیمی و نازایی همسر زکریا می باشد.(۴) زکریا علیه السلام و همسرش فرزندی نداشتند و بنا به گفته قرآن همسرش عقیم بود. «...وَامْرَأَتِي عَاقِرٌ...»(۵) (آل عمران: ۴۱) بنابراین ولادت یحیی علیه السلام (از پیرمرد و

۱- کامل، ج ۳، ص ۲۹۱.

۲- اعلام القرآن، ص ۳۹۹؛ مروج الذهب، ج ۱، ص ۵۴.

۳- لسان العرب، ج ۱۵، ص ۴۱۱، ماده «وهب».

۴- الکشاف، ج ۳، ص ۱۳۳.

۵- عاقر به مرد و یا زنی گفته می شود که از او فرزندی به وجود نیاید. (مفردات الالفاظ القرآن، ص ۵۵۷، «عقر»).

ص: ۱۶۹

پیرزن) یک نوع معجزه الهی بوده است گفته شده زکریا علیه السلام ۱۲۰ ساله و همسرش ۹۸ ساله بود که هنوز فرزندی نداشتند.(۱)

۴. شناسه فکری و عقیدتی حضرت زکریا علیه السلام

۴. شناسه فکری و عقیدتی حضرت زکریا علیه السلام

زکریا علیه السلام توجه ویژه به دعا و راز و نیاز با خداوند داشت، طوری که زندگی سعادتمندانه را در گروی نیایش با خداوند می دانست. قرآن در این باره می فرماید: «وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيا؛... و من هرگز در دعای تو از اجابت محروم نبوده ام.» (مریم: ۴) «باء در بِدعائک» به معنای «فی» است، یعنی در دعاهای گذاشته هیچ گاه محروم نشده ام (اجابت شده) و به سبب آنها سعادتمند بودم.(۲)

طبق روایات، حضرت زکریا علیه السلام هر روز هنگام نماز صبح از خانه بیرون می آمد و اذان می گفت و بنی اسرائیل با او نماز می خواندند و حتی هنگامی که مأمور به سکوت بود و نمی توانست با مردم سخن بگوید، هنگام نماز بیرون می آمد و با اشاره، مردم را به سوی نماز و عبادت خداوند راهنمایی می کرد.(۳)

۵. شناسه تبلیغی زکریا علیه السلام

۵. شناسه تبلیغی زکریا علیه السلام

حضرت زکریا علیه السلام از سوی خداوند به پیامبری برگزیده شد و صاحب کتاب آسمانی، حکمت و نبوت بوده است. قرآن می فرماید: «وَزکریا و یحیی... أُوْلَئِكَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمْ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ...؛ و زکریا و یحیی و... آنها کسانی هستند که کتاب و داوری و نبوت بدیشان دادیم...». (انعام: ۸۵ و ۸۹)

منظور از «حکم» قضاوت بین مردم است.(۴)

۱- مجمع البیان، ج ۱ ۲، ص ۴۳۶.
۲- المیزان، ج ۱۴، ص ۸.
۳- حیاه القلوب، ج ۱، ص ۳۸۰.
۴- مجمع البیان، ج ۳ ۴، ص ۵۱۳.

ص: ۱۷۰

۶. شناسه خانوادگی زکریا علیه السلام:

اشاره

۶. شناسه خانوادگی زکریا علیه السلام:

زیر فصل ها

الف) نَسَب زکریا علیه السلام:

ب) نام همسر زکریا علیه السلام

ج) نام فرزند

الف) نَسَب زکریا علیه السلام:

الف) نَسَب زکریا علیه السلام:

زکریا پسر «برخیا»، پسر «شَوا»، پسر «نَحرانیل»، پسر « سَهلُون»، پسر «ارسو»، پسر «شویل»، پسر «نَعُوه»، پسر «موسی علیه السلام »، پسر «عمران علیه السلام » است.(۱)

ب) نام همسر زکریا علیه السلام

ب) نام همسر زکریا علیه السلام

«أَشیاع» یا «حنّانه»(۲) یکی دیگر از زنان یادشده در قرآن است که خداوند او را در کنار دو پیامبر بزرگ حضرت زکریا و یحیی علیه السلام قرار داده و از او به عظمت و بزرگی یاد کرده است.(۳) (انبیاء: ۹۰) قرآن سه ویژگی این بانوی بزرگ را برشمرده است:

۱. «یسارعونَ فی الخیرات»؛ سرعت همراه با پیشی گرفتن در کارهای خیر و استمرار داشتن این حالت.(۴)

۲. «یدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا»؛ دعا به درگاه الهی از روی اشتیاق و ترس، ترسی که با اضطراب و مراقبت همراه بوده است.(۵)

۳. خشوع در برابر خداوند؛ انسان خاشع به عبارت های خود مغرور نمی شود و همواره آن را در برابر خدا کوچک و کم می یابد.

به دلیل برخورداری از این ویژگی ها، خداوند فرزندی همچون یحیی علیه السلام را به او عطا کرد.

ج) نام فرزند

ج) نام فرزند

«یحیی علیه السلام ... وَوَهَبْنَا لَهُ یحْیی...». (انبیاء: ۹۰)

۱- تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۸۲.

۲- بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۲۰۲؛ کامل، ج ۳، ص ۲۷۱.

۳- این آیه در بخش شناسه رفتاری حضرت زکریا ذکر شده است.

۴- التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۵، ص ۱۲۱، ماده «سرع».

۵- التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۴، ص ۲۰۹، ماده «رهب».

ص: ۱۷۱

۷. شناسه قومی زکریا علیه السلام

۷. شناسه قومی زکریا علیه السلام

قوم زکریـا علیه السـلام از نظر عقیـدتی مردمی خـداپرست بودنـد و همواره خـدا را عبادت می کردنـد، به طوری که وقتی حضـرت زکریا از خداونـد نشانه ای برای فرزنـددار شدن تقاضا کرد، خداوند به او فرمود: «...أَلَّا تُکَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَهَ أَیامٍ إِلَّا رَمْزًا...؛ نشانه تو آن است که سه روز جز با اشاره و رمز با مردم سـخن نخواهی گفت (و زبان تو بدون هیچ علت ظاهری برای گفت و گو با مردم از کار می افتد).» (آل عمران: ۴۱) زکریا و همسرش سه روز روزه بودند، و با مردم جز با اشاره و رمز سخن نمی گفتند.(۱)

هنگامی که زکریا نشانه را دید، به شکرانه این موهبت الهی از مردم خواست تا صبح و شام خدا را تسبیح گویند. (مریم: ۱ و ۱۱)

۱- مجمع البیان، ج ۱ ۲، ص ۷۴۵.

ص: ۱۷۲

حضرت یحیی علیه السلام

اشاره

حضرت یحیی علیه السلام

زیر فصل ها

۱. شناسه اسمی یحیی علیه السلام

۲. شناسه جسمی و ظاهری حضرت یحیی علیه السلام

۳. شناسه رفتاری و روانی یحیی علیه السلام

۴. شناسه فکری و عقیدتی

۵. شناسه تبلیغی حضرت یحیی علیه السلام

۶. شناسه خانوادگی یحیی علیه السلام

۷. شناسه قومی حضرت یحیی علیه السلام

۸. شناسه حکومتی حضرت یحیی علیه السلام

۱. شناسه اسمی یحیی علیه السلام

اشاره

۱. شناسه اسمی یحیی علیه السلام

زیر فصل ها

الف) نام حضرت یحیی علیه السلام

ب) زمان و محل ولادت و وفات

الف) نام حضرت یحیی علیه السلام

الف) نام حضرت یحیی علیه السلام

«یحیی»، پسر «زکریا علیه السلام » یکی از پیامبران ستایش شده در قرآن است که نام او پنج بار در قرآن ذکر شده است.

در مورد علت نام گذاری حضرت یحیی علیه السلام گفته شده چون نام پدر به وسیله او زنده شده یا دین با وجود او حیات یافته، «یحیی» نامیده شده است.(۱)

ب) زمان و محل ولادت و وفات

ب) زمان و محل ولادت و وفات

ولادت: او ۵۵۸۵ سال بعد از هبوط آدم علیه السلام بود.(۲) برخی تولد حضرت یحیی علیه السلام را سه ماه و به قولی شش ماه قبل از مسیح علیه السلام می دانند.(۳)

وفات: حضرت یحیی علیه السلام شهید امر به معروف و نهی از منکر شد. او به دستور طاغوت زمانه در «بیت المقدس» کشته شد و سرش را در میان تشت

۱- تاریخ حبیب الیسر، ج ۱، ص ۱۳۹.

۲- ناسخ التواریخ، ج ۴، ص ۲۶۵.

۳- کامل، ج ۳، ص ۲۷۶.

ص: ۱۷۳

طلا به دمشق بردند. جریان شهادت آن حضرت، مانند شهادت امام حسین علیه السلام ، جانسوز بود.(۱) مدت عمر حضرت یحیی علیه السلام ۴۵ سال بوده است.(۲)

۲. شناسه جسمی و ظاهری حضرت یحیی علیه السلام

۲. شناسه جسمی و ظاهری حضرت یحیی علیه السلام

یحیی علیه السلام کودکی زیباروی، کم موی، با انگشتانی کوتاه و ابروانی نزدیک به هم (پیوسته) و دارای صدای دقیق (رسا) بود.(۳)

۳. شناسه رفتاری و روانی یحیی علیه السلام

اشاره

۳. شناسه رفتاری و روانی یحیی علیه السلام

زیر فصل ها

الف) خوش رفتاری

ب) زهد و پارسایی

ج) خوف و ترس شدید از خدا

الف) خوش رفتاری

الف) خوش رفتاری

از جمله خصوصیت رفتاری یحیی علیه السلام ، مهربانی و گشاده رویی با مردم بود، خصوصاً در رفتار با پدر و مادر، همواره نیکی و احسان را رعایت می کرد. قرآن درباره او می فرماید: «وَبَرًّا بِوَالِدَیهِ وَلَمْ یکُنْ جَبَّارًا عَصِیا؛ و با پدر و مادر خود نیکوکار بود و جبار و عصیان گر نبود». (مریم: ۱۴)

ب) زهد و پارسایی

ب) زهد و پارسایی

یحیی علیه السلام از همان خردسالی از پارسایان بود و هرگز به دنیا دلبستگی نداشت و همواره به آخرت می اندیشید، به طوری که در زمان پدرش، وقتی وارد بیت المقدس شد و راهبان را با لباس مویین و کلاه پشمینه و زِبر دید که با وضع دل خراش خود را به دیوار مسجد بسته اند و مشغول عبادت اند؛ از مادرش خواست تا برای او نیز لباس راهبان را تهیه کند تا به مسجد رود و همراه علمای بنی اسرائیل عبادت کند.(۴)

۱- بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۱۷۸؛ اطلس جغرافیایی، ص ۸۷.

۲- تاریخ حبیب الیسر، ج ۱، ص ۱۴۰.

۳- کامل، ج ۳، ص ۲۷۸.

۴- بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۱۶۵.

ص: ۱۷۴

ج) خوف و ترس شدید از خدا

ج) خوف و ترس شدید از خدا

هرگاه حضرت زکریا، بنی اسرائیل را موعظه می کرد و از بهشت و دوزخ سخن می گفت، سعی می کرد «یحیی» در میان مردم نباشد. روزی زکریا علیه السلام وارد مسجد شد و به موعظه پرداخت و از جهنم و وجود کوهی به نام «سَکران» صحبت کرد. یحیی علیه السلام پس از شنیدن این سخنان، از شدت خوف فریادکنان گفت: «وای بر من که از کوه سَکران غافل شدم، سپس از شهر خارج شده و به بیابان رفت».(۱)

همچنین آورده اند یحیی علیه السلام از خوف خدا بسیار گریه می کرد، چنان که از گریه کنندگان تاریخ به شمار می آید.(۲)

۴. شناسه فکری و عقیدتی

اشاره

۴. شناسه فکری و عقیدتی

زیر فصل ها

الف) تصدیق نبوت مسیح علیه السلام

ب) شهادت در راه خدا

الف) تصدیق نبوت مسیح علیه السلام

الف) تصدیق نبوت مسیح علیه السلام

حضرت یحیی علیه السلام در شرایطی که پذیرش پیامبری عیسی علیه السلام نیاز به تصدیق و حمایت توده مردم داشت، به جانب داری از نبوت مسیح برخاست و دعوت او را تصدیق کرد.(۳) به خاطر شهرت در پاکی و زهد، گرایش او به مسیح علیه السلام تأثیر زیادی در توجه مردم به دعوت مسیح داشت.(۴)

ب) شهادت در راه خدا

ب) شهادت در راه خدا

یحیی علیه السلام به دلیل اعتقاد قلبی به خداوند و تسلیم نشدن در برابر قدرت های حاکم، مظلومانه به شهادت رسید. بر این اساس او را می توان اسوه شهادت و جان نثاری در راه امر به معروف و نهی از منکر دانست.(۵)

۱- بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۱۶۶.

۲- معارف و معاریف، ج ۱۰، ص ۵۸۰.

۳- تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۷، ص ۳۲۹؛ تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۴۰۲.

۴- تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۴۰۲.

۵- اسوه های قرآنی، ص ۳۶۴.

ص: ۱۷۵

۵. شناسه تبلیغی حضرت یحیی علیه السلام

۵. شناسه تبلیغی حضرت یحیی علیه السلام

حضرت یحیی علیه السلام در نوجوانی به مقام نبوت نائل شد و مراتب کمال را از همان سال های نوجوانی پیمود. قرآن می فرماید: «یا یحْیی خُذِ الْکِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتَینَاهُ الْحُکْمَ صَبِیا؛ ای یحیی، کتاب [خدا] را به قوت بگیر، و ما فرمان نبوت (و عقل کافی در کودکی به او) دادیم». (مریم: ۱۲)

منظور از «أخذِ کتاب»، عمل به دستورها و احکام آن است و مراد از کتاب، تورات بوده یا سایر کتب انبیا؛ چون در آن روز کتابی غیر از تورات که شامل شریعت باشد، نبوده است. «حکم» به معنی فهم و عقل و نیز به حکمت و به معرفت آداب خدمت و نبوت تفسیر شده است.(۱) برخی گفته اند، منظور از «قوت» نیرویی بدنی نیست، بلکه منظور گرفتن قدرتمندانه کتاب آسمانی با نیروی فکر و دل و عقل و شهود از یک طرف، و قوت و استقامت، در اجرای احکام از سوی دیگر است.(۲)

از دعوت و تبلیغ یحیی علیه السلام در قرآن سخنی گفته نشده، ولی در روایات آمده که آن حضرت مردم را به توحید و پرستش خدا دعوت می کرد، درحالی که لباس مویین می پوشید و هیچ درهم و دیناری نداشت.(۳)

۶. شناسه خانوادگی یحیی علیه السلام

۶. شناسه خانوادگی یحیی علیه السلام

نَسَب حضرت یحیی علیه السلام

یحیی، علیه السلام پسر «زکریا»، پسر «برخیا»، پسر «شُو»، پسر «نَحرائیل»، پسر «سَهلون»، پسر «أَرسو»، پسر «شوبل»، پسر «یعود»، پسر «موسی علیه السلام »، پسر «عمران علیه السلام » است.(۴)

۱- المیزان، ج ۱۴، صص ۱۸ و ۱۹.
۲- تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۷، ص ۳۳.
۳- بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۱۸۹.
۴- تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۸۲.

ص: ۱۷۶

نام مادر: «أَشیاع»(۱) و برخی «ایساع» و حنانه گفته اند.(۲)

۷. شناسه قومی حضرت یحیی علیه السلام

۷. شناسه قومی حضرت یحیی علیه السلام

قوم بنی اسرائیل قبل از حضرت یحیی علیه السلام گرفتار آشوب و بلاهای بسیاری بود، هنگامی که یحیی علیه السلام برای هدایت مردم قیام کرد، به آنان هشدار داد که تمام گرفتاری ها و بلاها، بر اثر گناهانی است که در میان بنی اسرائیل رایج شده و عاقبتِ نیک از آن پرهیزگاران است.(۳)

۸. شناسه حکومتی حضرت یحیی علیه السلام

۸. شناسه حکومتی حضرت یحیی علیه السلام

در «بیت المقدس» پادشاهی هوسباز به نام «هیرودیس» یا «هردوس» حکومت می کرد. برادر این شاه دختری به نام «هیرودیا» داشت. شاه عاشق «هیرودیا» شد و تصمیم گرفت با او ازدواج کند. وقتی این خبر به یحیی علیه السلام رسید، آن حضرت با صراحت اعلام کرد که این ازدواج برخلاف دستورهای تورات، و حرام است. هیرودیا کینه یحیی علیه السلام را به دل گرفت و درصدد انتقام برآمد. زیبایی آن دختر چنان در شاه نفوذ کرده بود که شاه به او گفت: هر آرزویی داری از من بخواه که قطعاً برآورده خواهم کرد. «هیرودیا» گفت من هیچ جز سر بریده «یحیی» را نمی خواهم. برخی گفته اند مادر دختر، دختر را تزیین نمود و به نزد شاه فرستاد و دل او را ربود، آن گاه پادشاه به درخواست دختر جامه عمل پوشانید.(۴)

۱- کامل، ج ۳، ص ۲۶۵.

۲- ناسخ التواریخ، ج ۴، ص ۲۶۵.

۳- بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۱۷۹.

۴- کامل، ج ۳، ص ۲۸؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۵۰۷؛ المیزان، ج ۱۴، صص ۲۷ و ۲۸.

ص: ۱۷۷

حضرت عیسی علیه السلام

اشاره

حضرت عیسی علیه السلام

زیر فصل ها

۱. شناسه اسمی حضرت عیسی علیه السلام

۲. شناسه جسمی و ظاهری حضرت عیسی علیه السلام

۳. شناسه شغلی و خدماتی عیسی علیه السلام

۴. شناسه رفتاری و روانی حضرت عیسی علیه السلام

۵. شناسه فکری و عقیدتی عیسی علیه السلام

۶. شناسه تبلیغی عیسی علیه السلام

۷. شناسه خانوادگی عیسی علیه السلام

۸. شناسه قومی حضرت عیسی علیه السلام

۹. شناسه حکومتی حضرت عیسی علیه السلام

۱۰. شناسه جغرافیایی حضرت عیسی علیه السلام

۱. شناسه اسمی حضرت عیسی علیه السلام

اشاره

۱. شناسه اسمی حضرت عیسی علیه السلام

زیر فصل ها

الف) نام حضرت عیسی علیه السلام

ب) زمان و محل ولادت و صعود عیسی علیه السلام

الف) نام حضرت عیسی علیه السلام

الف) نام حضرت عیسی علیه السلام

حضرت عیسی علیه السلام یکی از پیامبران اولوالعزم است که نامش در قرآن به صورت «عیسی»، ۲۵ بار و به صورت «مسیح»، ۱۱ بار به کار رفته است.

در مورد نام گذاری او گفته شده، لفظ «عیسی» اصلش «یشوع» به معنی «منجی»، یعنی شخص نجات دهنده است. برخی عیسی را به معنای «یعیش» یعنی «زندگی می کند» تفسیر کرده اند. معنای دوم (یعیش) به دلیل نامیده شدن فرزند زکریا علیه السلام به «یحیی» و مشابهت آن دو با یکدیگر مناسب تر است.(۱)

نام دیگر آن حضرت «مسیح» می باشد. «مسیح» به معنای مسح کننده یا مسح شده است. عیسی علیه السلام را از این جهت که با کشیدن دست بر بدن بیماران غیرقابل علاج، آنان را به فرمان خدا شفا می داد، و یا به این دلیل که او از ناپاکی و گناه مسح شده و پاک بود، چنین نامیدند.(۲)

۱- المیزان، ج ۳، ص ۱۹۴.

۲- تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۷۷؛ تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۴۱۴.

ص: ۱۷۸

به جز دو نـام ذکرشـده، آن حضـرت در قرآن، دارای القـاب و اوصـافی دیگر است، از جمله «عبـدالله»،(۱) «غلام زکی»،(۲) «رسول الله»،(۳) «نبی»،(۴) «ابن مریم»، «روح الله» و «کلمه الله».(۵)

ب) زمان و محل ولادت و صعود عیسی علیه السلام

اشاره

ب) زمان و محل ولادت و صعود عیسی علیه السلام

ولادت عیسی علیه السلام ۵۵۸۵ سال بعد از هبوط آدم علیه السلام (۶) در روز سه شـنبه در «بیت اللَّحم» از قریه های فلسطین به دنیا آمد.(۷)

انجیل های چهارگانه، وطن عیسی علیه السلام را شهر «ناصره» در «الجلیل» می دانند.(۸)

قرآن درباره ولادت حضرت عیسی علیه السلام می فرماید:

هنگـامی که حضـرت مریم علیهـا السـلام برای عبادت به محراب رفته بود، جبرائیل را (به صورت جوانی زیبا) به سوی او فرسـتادیم. «مریم» به او گفت: مگر از خداوند نمی ترسـی و پروا نمی کنی؟ جبرائیل گفت: من فرسـتاده پروردگار تو هسـتم، آمده ام تا پسری پـاکیزه به تو ببخشم. مریم تعجب کرد و منکر شـد و گفت: چگونه من دارای فرزنـد می شوم، درحالی که دست هیـچ بشری به من نرسیده و زن بدی هم نبوده ام جبرائیل فرمود: این گونه است، پروردگار تو گفته که این کار بر من آسان است. (مریم:۱۶و۲۱)

۱- مریم: ۳۰.

۲- مریم: ۱۹.

۳- نساء: ۱۷.

۴- مریم: ۳۰.

۵- نساء: ۱۷۱.

۶- ناسخ التواریخ عیسی۷، ج ۱، ص ۲.

۷- تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۸۳.

۸- جان بیناس، تاریخ جامع ادیان، ترجمه: علی اصغر حکمت، ج ۱، ص ۵۳۸.

ص: ۱۷۹

پس جبرائیل در گریبان مریم دمید. او در شب به عیسی علیه السلام حامله شد و صبح او را دنیا آورد. مدت حمل او نُه ساعت بود که خداوند هر ساعت را برای او یک ماه قرار داد.(۱)

زمان صعود حضرت عیسی علیه السلام

زمان صعود حضرت عیسی علیه السلام

این حادثه ۵۶۱۶ سال بعد از هبوط آدم علیه السلام رخ داد، به طوری که قرآن در این باره می فرماید: «...إِذْ قَالَ اللَّهُ یا عِیسَی إِنِّی مُتَوَفِّیکَ وَرَافِعُکَ إِلَی وَمُطَهِّرُکَ مِنْ الَّذِینَ کَفَرُوا؛ (آل عمران: ۵۵) ... (به یاد آورید) هنگامی را که خدا به عیسی فرمود: «من تو را برمی گیرم و به سوی خود بالا می برم و تو را از کسانی که کافر شدند، پاک می سازم».

بنابراین، حضرت عیسی علیه السلام کشته یا به دار آویخته نشد، بلکه فردی به نام «یهودا اسخریوطی» که جزو حواریون بود و به دلیل گرفتن رشوه، مکان حضرت را به دشمن نشان داده بود، به جای او دستگیر و به دار آویخته شد.(۲)

در جای دیگری قرآن می فرماید: «وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَکِنْ شُبِّهَ لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ یقِینًا بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَیهِ؛ نه او را کشتند و نه به دار آویختند، بلکه امر بر آنان مشتبه شد و کسانی که در مورد (قتل) او اختلاف کردند، نسبت به آن شک هستند و علم به آن ندارند و تنها از گمان پیروی می کنند و قطعاً او را نکشتند، بلکه خدا او را به سوی خود بالا برد».(۳) (نساء: ۱۵۷ و ۱۵۸)

بنابراین، حضرت عیسی علیه السلام مجدداً ظهور خواهد کرد و در میان امت خود حاضر خواهد شد.(۴)

۱- تفسیر القمی، ج ۲، ص ۲۳.

۲- ناسخ التواریخ حضرت عیسی۷، ج ۱، ص ۴۶.

۳- اعلام قرآن، ص ۲۶۸ ۲۸۰.

۴- مجمع البیان، ج ۱و ۲، ص ۷۵۹؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۴۶.

ص: ۱۸۰

۲. شناسه جسمی و ظاهری حضرت عیسی علیه السلام

۲. شناسه جسمی و ظاهری حضرت عیسی علیه السلام

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در توصیف حضرت عیسی علیه السلام فرمودند:«عیسی علیه السلام چهره ای سرخ گونه با قد و قامتی معتدل داشته و دارای موهای مجعد(پیچیده) و آراسته بوده است».(۱)

۳. شناسه شغلی و خدماتی عیسی علیه السلام

۳. شناسه شغلی و خدماتی عیسی علیه السلام

شغل عیسی علیه السلام نجاری بود، به همین دلیل نسبت به طبقه متوسط علاقه خاصی داشت. وی مانند یک استاد، در کارهای نجاری خانه های الجلیل به کار اشتغال داشته است؛ خصوصاً اَدوات و آلات کشاورزی می ساخت، مانند: گاوآهن و طوق، برای کشاورزان ناحیه «ناصره».(۲)

۴. شناسه رفتاری و روانی حضرت عیسی علیه السلام

اشاره

۴. شناسه رفتاری و روانی حضرت عیسی علیه السلام

زیر فصل ها

الف) ساده زیستی

ب) تواضع و فروتنی

ج) عطوفت و مهربانی

د) تأیید شدن به وسیله روح القدس

الف) ساده زیستی

الف) ساده زیستی

حضرت عیسی علیه السلام همواره به صورت ساده و دور از تجملات زندگی می کرد علی علیه السلام می فرماید:

اگر بخواهی عیسی بن مریم نیز (برای تو اسوه ای نیکو) است؛ چرا که سر بر سنگ می نهاد و جامه خشن می پوشید و خودش گرسنه بود و چراغ شب افروزش، ماه، سایبان زمستانش شرق و غرب زمین، میوه و خوراکش گیاه بیابان بود، فرزند و همسری هم نداشت، مال و دارایی هم نداشت و مرکبش دو پایش بود. خدمت کارش دو دستش.(۳)

ب) تواضع و فروتنی

ب) تواضع و فروتنی

فضایل زیادی در شخصیت و رفتار عیسی علیه السلام وجود دارد و به سختی می توان یکی از آنها را به عنوان مهم ترین شاخص رفتاری او که در دعوتش نقش

۱- بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۱۱.

۲- تاریخ جامع ادیان، صص ۳۸۸ و ۳۸۹.

۳- نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰، صص ۱۶۲ و ۱۶۹.

ص: ۱۸۱

اساسی داشته باشد، برگزید. اما با بررسی سیره درخشان این پیامبر بزرگ و دقت در آیات مربوط به دعوت او، می توان نرم خویی و فروتنی را وجه برجسته شخصیت او دانست و آن پیامبر را اسوه «تواضع و فروتنی» معرفی کرد.(۱) برای نمونه، از «عیسی» علیه السلام روایت شده که خطاب به «حواریون»(۲) فرمود:

من نزد شما حاجتی دارم، گفتند: درخواست تو برآورده است ای روح الله. سپس [عیسی علیه السلام] برخاست و پاهای یک یک ایشان را شست، و آنان گفتند: ما به این کار شایسته تر بودیم ای روح خدا، عیسی علیه السلام گفت:

شایسته ترین مردم برای خدمت به خلق، دانشمند است. من این گونه فروتنی کردم تا شما نیز پس از من در میان مردم این چنین تواضع داشته باشید. سپس فرمود: حکمت و فرزانگی آدمی با تواضع بارور می گردد، نه با تکبر، چنان که گیاه در دشت می روید و رشد می کند نه در کوه.(۳)

در روایتی دیگر آمده که عیسی علیه السلام برای «حواریون» طعامی ترتیب داد و چون از خوردن آن فارغ شدند، حضرت عیسی علیه السلام دست آنها را شست. گفتند: ای روح الله، بهتر بود ما این کار را انجام می دادیم. فرمود: من این چنین کردم تا شما نیز با دانش آموزان و مخاطبان خویش چنین کنید.(۴)

۱- اسوه های قرآنی، ص ۲۳۰.

۲- حواریون: یاران حضرت عیسی٧ بودند که تعدادشان ۱۲ نفر بود و عیسی٧ تمام حاجات و خواسته هایشان (خوراک و...) را برآورده می کردند. آنان خود را برترین افرادی می دانستند. لذا عیسی٧ به آنان گفت: برتر از شما کسی است که از دست رنج خود نان بخورد. «حواریون» با شنیدن این سخن به کار شست وشوی جامه های مردم پرداختند و از دست مزد آن نان می خوردند. (تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۴۲۷).

۳- تاریخ طبری، ج ۲، ص ۵۲۰؛ بحارالانوار، ج ۱، ص ۳۷؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۳۷.

۴- بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۳۲۹.

ص: ۱۸۲

ج) عطوفت و مهربانی

ج) عطوفت و مهربانی

حضرت عیسی علیه السلام همواره خود را خدمت گزار مردم می دانست و صمیمانه آنان را کمک می کرد. وقتی مردم از او درخواست معجزه کردند، مسیح علیه السلام خواسته آنان را اجابت کرد. مثلاً وقتی حواریون از او درخواست نزول «مائده آسمانی» کردند تا به اطمینان و ایمانشان اضافه شود،(۱) به درخواست آنان پاسخ مثبت داد. قرآن در این باره می فرماید:

اذْ قَالَ الْحَوَارِیونَ یا عِیسَی ابْنَ مَرْیمَ هَلْ یسْتَطِیعُ رَبُّکَ أَنْ ینَزِّلَ عَلَینَا مَائِدَةً مِنْ السَّمَاءِ قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنْ کُنتُمْ مُؤْمِنِینَ، قَالُوا نُرِیدُ أَنْ نَأْکُلَ مِنْهَا وَتَطْمَئِنَّ قُلُوبُنَا وَنَعْلَمَ أَنْ قَدْ صَدَقْتَنَا وَنَکُونَ عَلَیهَا مِنْ الشَّاهِدِینَ. (مائده: ۱۱۲ و ۱۱۳)

در آن هنگام که حواریون گفتند: ای عیسی مریم! آیا پروردگارت می تواند مائده ای از آسمان، بر ما نازل کند؟ او پاسخ گفت: از خدا بپرهیزید، اگر با ایمان هستید. گفتند: (ما نظر بدی نداریم) می خواهیم از آن بخوریم و دل های ما (به رسالت تو مطمئن گردد) و بدانیم که به ما راست گفته ای، و بر آن گواه باشیم.

«مائده»، طبق و خوانی است که در آن طعام باشد.(۲) همچنین گفته شده درخواست حواریون به این دلیل بود که عیسی علیه السلام به بنی اسرائیل گفت: سی روز روزه بگیرید. آن گاه هرچه بخواهید از خدا درخواست کنید تا خداوند به شما بدهد. بعد از سی روز روزه داری آنان گفتند: ما گرسنه شده ایم از خدا بخواه، تا برای ما از آسمان مائده ای نازل کند.(۳) عیسی علیه السلام روز نزول مائده را «عید» قرار داده که این از ابتکارات آن حضرت بود.(۴)

۱- کشف الاسرار، ج ۳، ص ۲۶۵.

۲- مفردات الالفاظ القرآن، ص ۴۷۷.

۳- مجمع البیان، ج ۳ ۴، ص ۴۱۰.

۴- المیزان، ج ۶، ص ۲۳۵.

ص: ۱۸۳

علاوه بر معجزه ذکر شده، حضرت عیسی علیه السلام از پیامبرانی است که از آغاز تا پایان زندگی اش با معجزه همراه بود. از جمله متولد شدن او، بدون داشتن پدر، سخن گفتن در گهواره در دفاع از مادر،(۱) زنده کردن مردگان (سام فرزند نوح علیه السلام را به درخواست اصحاب زنده کرد.)(۲) آفرینش مرغ از گِل به اجازه خدا،(۳) شفا دادن کور مادرزاد و بیماری های دیگر مانند پیسی(۴) و سرانجام صعودش به آسمان به اذن خدا.

د) تأیید شدن به وسیله روح القدس

د) تأیید شدن به وسیله روح القدس

علاوه بر آنها، عیسی علیه السلام مورد تأیید «روح القدس» است.(۵) قرآن در این باره می فرماید: «وَآتَینَا عِیسَی ابْنَ مَرْیمَ الْبَینَاتِ وَأَیدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ؛ و به عیسی بن مریم علیه السلام دلیل روشن دادیم و او را به وسیله «روح القدس» تأیید کردیم». (بقره: ۸۷)

در واقع، «روح القدس» وجود خاصی است که خداوند آن حضرت را به تذکر و قدرشناسی از آن هدایت کرد و خاصیت «روح القدس» پاک و مبّرا بودن از هر نقص و عیبی می باشد که در انسان ها وجود دارد. (بقره: ۲۵۳) ازاین رو، روح قدسی غیر از بیناتی است که همه پیامبران واجد آن بودند؛ یعنی حضرت عیسی علیه السلام دارای خصوصیت ممتازی بود که بسیاری از انبیا نداشتند.(۶) برخی مقصود از «روح القدس» را جبرئیل می دانند.(۷)

۱- مریم: ۱۹، ۳۰ و ۳۳.

۲- بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۲۳۳.

۳- آل عمران: ۳ و ۴۹.

۴- بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۲۳۳.

۵- تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۲۳۷.

۶- تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۷، ص ۳۸۰.

۷- مجمع البیان، ج ۱ ۲، ص ۳۰۷.

ص: ۱۸۴

۵. شناسه فکری و عقیدتی عیسی علیه السلام

اشاره

۵. شناسه فکری و عقیدتی عیسی علیه السلام

زیر فصل ها

الف) ایمان به خدا (توحید)

ب) سجده برای خدا

الف) ایمان به خدا (توحید)

الف) ایمان به خدا (توحید)

حضرت عیسی علیه السلام ، فردی موحد بود و تنها خداوند را شایسته پرستش می دانست. قرآن از زبان او می فرماید: «أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّی وَرَبَّکُمْ (;به آنها گفته ام) خداوندی را بپرستید که خداوند من و شماست». (مائده: ۱۱۷)

علامه طباطبایی می فرماید:

عیسی علیه السلام همواره مردم را به طور صریح و روشن به توحید دعوت می کرد و با گفتن جمله «أن عبدو الله ربی وربکم» خدای خود را توصیف می کرد تا کمترین توهّمی در بندگی او از سوی خدا و اینکه او رسولی است که مردم را به سوی خدای واحد دعوت می کند باقی نماند.(۱) همچنین خود را از شرک قائلان به تثلیث(۲) و مانند آن تبرئه و خداوند را از هرگونه شریک داشتن منزه می کند.(۳)

ب) سجده برای خدا

ب) سجده برای خدا

حضرت عیسی علیه السلام همواره هنگام تلاوت قرآن خاضعانه به سجده می رفت و گریه می کرد قرآن می فرماید: «إِذَا تُتْلَی عَلَیهِمْ آیاتُ الرَّحْمَانِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُکِیا؛ آنها کسانی بودند که وقتی آیات خداوند بر آنان خوانده می شد، درحالی که سجده می کردند گریان بودند». (مریم: ۵۸)

۶. شناسه تبلیغی عیسی علیه السلام

اشاره

۶. شناسه تبلیغی عیسی علیه السلام

حضـرت عیسـی علیه السـلام از جمله پیـامبران «اولوالعزم» است که از سوی خداونـد به پیامبری برگزیـده شـد. قرآن در این باره می فرماید: «وَزَكَرِيا وَيحْيى وَعِيسَى... وَاجْتَبَينَاهُمْ وَهَدَينَاهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ». (انعام: ۸۵ و ۸۷)

۱- المیزان، ج ۶، صص ۲۴۷ و ۲۴۸.

۲- تثلیث: شریک گرفتن برای خداوند و پرستش خدایان دوگانه و سه گانه. برخی عیسی۷ را خدا می دانستند و برخی پسر خدا و برخی خدا (نساء: ۱۷۱).

۳- تفسیر موضوعی، ج ۷، ص ۳۸۳؛ تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۶۹.

ص: ۱۸۵

همچنین آن حضرت در دوران کودکی به نبوت نائل شد. قرآن از زبان او می فرماید: « قَالَ إِنِّی عَبْدُ اللَّهِ آتَانِی الْکِتَابَ وَجَعَلَنِی نَبِیا؛ من بنده خدایم. او کتاب آسمانی به من داده و مرا پیامبر قرار داده است». (مریم: ۳۰)

علامه طباطبایی می فرماید:

عیسی علیه السلام در آن روز نبی بوده و بعدها به رسالت برگزیده شد و صاحب کتاب و نبوت شد. چون رسول به کسی می گویند که مبعوث شـده و مأمور به تبلیغ هم شـده باشـد و «نبی» کسـی است که تنها مبعوث شده باشد، چه مأمور به تبلیغ شده باشد یا نشده باشد.(۱)

الف) کتاب آسمانی حضرت عیسی علیه السلام

الف) کتاب آسمانی حضرت عیسی علیه السلام

عیسی علیه السلام دارای شریعت و کتاب مستقل به نام «انجیل» بود که از سوی خداوند به او وحی شده بود.

قرآن کریم در این باره می فرماید: «...وَقَفَّینَا بِعِیسَـی ابْنِ مَرْیمَ وَآتَینَاهُ الْإِنجِیلَ...؛ و بعد از آن عیسی بن مریم را مبعوث کردیم و به او انجیل عطا کردیم...» (حدید: ۲۷)

بنابراین، انجیل های چهارگانه که بین مسـیحیان متداول است، وحی الهی نیستند. اصلِ «انجیل»، کتاب مقدس مسیح علیه السلام ، از میان رفته و تنها برخی شاگردان عیسـی علیه السلام بخش هایی از آن را در انجیل های خود آورده اند.(۲) تعداد انجیل های نگاشته شده، زیاد است و از میان آنان چهار انجیل رسمت دارد:

۱. انجیل متی؛ «متی» کتابی است که یکی از حواریون عیسـی علیه السـلام آن را نگاشـته و شامل سـیره و مواعظ عیسـی علیه السـلام است؛

۲. انجیـل مرقس؛ «مرقس» پیرو یکی از حواریون عیسـی علیه السـلام است که قـدیمی ترین و کوتـاه ترین کتاب را نوشـته که شامل سیره و مواعظ مسیح است؛

۱- المیزان، ج ۱۴، ص ۴۷.

۲- تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۲۱۳.

ص: ۱۸۶

۳. انجیل لوقا؛ «لوقا» پیرو «پولس» حواری عیسی است که انجیل لوقا را نوشته و شامل سیره و مواعظ مسیح با تکیه بر جزئیات است؛

۴. انجیل یوحنا؛ «یوحنا» از حواریون حضرت عیسی علیه السلام ، آن را نوشته و در واقع آخرین کتاب درباره سیره و مواعظ مسیح علیه السلام است.(۱)

ب) سیره تبلیغی حضرت عیسی علیه السلام

اشاره

ب) سیره تبلیغی حضرت عیسی علیه السلام

زیر فصل ها

۱. آغاز دعوت از گهواره

۲. کمک گرفتن از حواریون در تبلیغ

۳. اعزام مبلغ به انطاکیه

۱. آغاز دعوت از گهواره

۱. آغاز دعوت از گهواره

حضرت عیسی علیه السلام با اراده و قدرت خداوند و با اشاره مادرش از همان کودکی به سخن درآمد و مردم را به سوی خداوند دعوت کرد. قرآن از زبان او می فرماید:

قَالَ إِنِّی عَبْدُ اللَّهِ آتَانِی الْکِتَابَ وَجَعَلَنِی نَبِیا، وَجَعَلَنِی مُبَارَکًا أَینَ مَا کُنتُ وَأَوْصَانِی بِالصَّلَاهِ وَالزَّکَاهِ مَا دُمْتُ حَیا؛ (مریم: ۳۰ و ۳۱) من بنده خدایم، او کتاب آسمانی به من داده و مرا پیامبر قرار داده است و هر جا که باشم مرا وجود پربرکت قرار داده و تا زمانی که زنده ام مرا به نماز و زکات توصیه کرده است.

امام صادق علیه السلام در تفسیر جمله «وَجَعَلَنِی مُبَارَکًا أَینَ مَا کُنتُ» فرموده، منظور این است که هر کجا باشم، دارای فایده و خیر و برکت هستم.(۲) طبق روایات مقصود از زکات در این آیه، زکات فطره است.(۳)

۲. کمک گرفتن از حواریون در تبلیغ

۲. کمک گرفتن از حواریون در تبلیغ

حضـرت عیسـی علیه السـلام برای تمرکز بخشـیدن به نیروهـای خود، از میـان پیروانش، چنـد نفر از بهترین هـا را انتخـاب و با عنوان حواریون، جمع کرد تا در برابر مخالفان نیروی مضاعف داشـته و سـخن و عقیده خود را بهتر بیان کند.(۴) به همین دلیل، خطاب به آنان گفت:

۱- حسین توفیقی، نگاهی به ادیان زنده جهان، صص ۱۱۹ ۱۲۳ (خلاصه شده).

۲- بحارالانوار، ج ۵، ص ۱۱۸؛ البرهان، ج ۳، ص ۷۶۰.

۳- تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۳۳۵.

۴- المیزان، ج ۳، صص ۲۰۲ و ۲۰۳.

ص: ۱۸۷

قال مَنْ أَنصَارِی إِلَی اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِیونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَاشْهَدْ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ؛ گفت: کیست که یاور من به سوی خدا (برای تبلیغ آیین او) باشد. حواریون گفتند: «ما یاوران خداییم به خدا ایمان آوردیم و تو نیز گواه باش که ما اسلام آوردیم [مسلمان شدیم]. (آل عمران: ۵۲)

علامه طباطبایی می فرماید: «حضرت عیسی علیه السلام می خواست گروهی را تشکیل دهد که هوادار رسالت و مبلغ دعوت او باشند».(۱)

۳. اعزام مبلغ به انطاکیه

۳. اعزام مبلغ به انطاکیه

مردم شهر «انطاکیه» در بت پرستی، فساد و گناه غوطه ور بودند. عیسی علیه السلام از جانب خداوند مأمور شد تا دو مبلغ برای هدایت آنان بفرستد، ولی آن دو مبلّغ به دلیل آشنا نبودن با روش های دعوت و لجاجت مردم، مورد توجه قرار نگرفتند و دستگیر و زندانی شدند. بعد از آن حضرت عیسی علیه السلام فردی دیگر به نام «شمعون الصَّفا» را برای هدایت مردم آن شهر فرستاد.(۲) شمعون تصمیم گرفت به صورت ظاهری خدای شاه را پرستش کند و با او هم عقیده شود. همچنین با احتیاط به برقراری ارتباط تبلیغی با مردم پرداخت و با تدابیر کارساز و مناظرات حساب شده، هم باعث آزادی دوستان خود و هم باعث ایمان آوردن پادشاه و مردم شد.(۳)

۷. شناسه خانوادگی عیسی علیه السلام

۷. شناسه خانوادگی عیسی علیه السلام

نَسَب عیسی علیه السلام : پسر حضرت مریم و مریم دختر عمران علیه السلام است.(۴)

۱- المیزان، ج ۳، صص ۲۰۲ و ۲۰۳.

۲- نک: (یس: ۱۳ و ۱۴)؛ تفسیر القمی، ج ۲، صص ۱۸۷ و ۱۸۸ ؛ مجمع البیان، ج ۷ ۸، ص ۶۵۵؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۳۸۱.

۳- تفسیر القمی، همان؛ البرهان، ج ۴، صص ۵۷۰ و ۵۷۱، بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۲۴۰؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۵۶۰.

۴- تاریخ طبری، ج ۲، ص ۵۰۱؛ کامل، ج ۴، ص ۳.

ص: ۱۸۸

۸. شناسه قومی حضرت عیسی علیه السلام

۸. شناسه قومی حضرت عیسی علیه السلام

در محدوده جغرافیایی زندگی عیسی علیه السلام ، اقوام مختلفی زندگی می کردند. از جمله گروهی موسوم به «اسن ها» که با ظلم و ستم رومی ها مخالف بودند. این دسته در «الجلیل» اکثریت را تشکیل می دادند و جمعیت هایی به سبک زاهدان و راهبان را تشکیل داده بودند. خود را درگیر کشمکش های زمان نمی کردند و با صبر و شکیبایی به انتظار ظهور مسیح علیه السلام نشسته بودند. اینان قواعد شدیدی برای خود وضع کرده بودند. از جمله قواعد معمول «یوم سَبت» که به دقت آن را رعایت می کردند و روزهای دیگر در مزرعه اشتغال داشتند و ایام خود را به عبادت، روزه، غسل، مناسک و طهارت می گذراندند.(۱)

گروه دیگر، « فریسیان» بودند که به دلیل احتیاط خود سعی می کردند از جنجال دور باشند. آنان تا حدی که اوضاع اجازه دهد، طبق روایات و اخبار قدیم خود رفتار می کردند و معتقد بودند، تنها راه تسریع در ظهور مسیح و نجات یهود از ظلم و فساد، مراعات رسوم منصبی و دقت در انجام کارهای روزمره براساس احادیث و روایت های دینی است.

گروه دیگر «صدوقیان» بودند که نسبتاً نفوذ کمتری داشتند. اینان از «فریسیان» محافظه کارتر بودند و اعتقاد داشتند که مسائل دینی و آیه های تورات، قابل تغییر و تبدیل نیست. هنگامی که «فریسیان» پس از دقت تمام و بنا به مقتضیات زمان می خواستند در بعضی از عادت ها تغییراتی بدهند، آنان اعتراض کردند. در هر حال این دو فرقه، با هرگونه مسامحه و بدعت به شدت مخالف بودند. آنان سالی یک بار برای زیارت معبد بزرگ، عازم «اورشلیم» می شدند. اگر کسی در انجام مناسک روزمره کوتاهی می کرد یا حلال و حرام را در غذا و شراب رعایت نمی کرد و مراسم تطهیر و تغسیل

۱- تاریخ جامع ادیان، ص ۳۸۶.

ص: ۱۸۹

بـدن و شسـتن دست پیش از غـذا را به عمل نمی آورد و روز شـنبه را تعطیل نمی کرد، نزد «فریسـیان» بی دین و ناپاک شـمرده می شد، در مقابل آنان، ولی مردم عامه، به مسائل دینی چندانی پای بند نبودند و تنها تعداد کمی از یهودیان به طور منظم، برای عبادت به کنیسه می رفتند.(۱)

۹. شناسه حکومتی حضرت عیسی علیه السلام

۹. شناسه حکومتی حضرت عیسی علیه السلام

حضـرت عیسی علیه السلام ۶۵ سال بعد از تسـلط اسـکندر بر سرزمین «بابل» و ۵۱ سال پس از آغاز پادشاهی اشـکانیان به دنیا آمد. حکومت در آن زمان ملوک الطوایفی بود و پادشاه شام، «قیصـر روم» بود. همچنین پادشاه «بیت المقدس» از جانب «قیصر» تعیین می شد. قیصـر شخصـی به نام «هیرووس» یا «هیرودییس» را به پادشاهی انتخاب کرد.(۲) شاه به یاری کاهنان، فلسطین را اداره می کرد. در آن زمان مردم فلسـطین روزگار سـختی را می گذراندند، چون حاکمان اشـغالگر رومی، سعی می کردند مردم را به پرسـتش امپراتور روم وادار کننـد. آنـان همچنین بـا غـارت ثروت مردم و به بردگی گرفتن آنهـا، برای خود کـاخ هـای مجلل می ساختند.(۳)

هنگامی که «هیردوس» از تولـد «مسـیح علیه السـلام » باخبر شد و فهمید او همان پیامبری است که بیماران را شـفا می دهد، درصدد قتل او برآمد. در این میان، یوسف نجار، عیسـی و مادرش را از شام به مصـر برد. آنان دوازده سال در آنجا ماندند. هنگامی که خبر هلاکت «هیردوس» رسید، از آنجا به شام برگشتند.(۴)

بعـد از مرگ «هیردوس»، پسـرش «ارکلاوس» جانشـین او شد و بعد از مرگ او پسـرش «هیردوس» کوچک پادشاه شد و در زمان او بود که می خواستند عیسی علیه السلام را به صلیب بکشند که شخص دیگری به جای او به دار آویخته شد.(۵)

۱- تاریخ جوامع ادیان، صص ۳۸۷ ۳۸۸.

۲- کامل، ج ۴، ص ۳؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۵۰۱.

۳- ناسخ التواریخ عیسی۷، ج ۱، ص ۸.

۴- کامل، ج ۴، صص ۱۶ و ۱۷؛ کشف الاسرار، ج ۳، صص ۴۳۹ و ۴۴۰.

۵- تاریخ طبری، ج ۲، صص ۵۲۴ و ۵۲۵.

ص: ۱۹۰

۱۰. شناسه جغرافیایی حضرت عیسی علیه السلام

۱۰. شناسه جغرافیایی حضرت عیسی علیه السلام

حضرت مسیح علیه السلام در «بیت اللَّحم» واقع در فلسطین اشغالی به دنیا آمد. «بیت اللَّحم» در حدود پانزده کیلومتری «اورشلیم» است. هنوز درخت نخل معروف که حضرت مریم علیه السلام هنگام وضع حمل در سایه آن نشست، در آن محل است. این مکان از زیارت گاه های معتبر و نام باستانی آن «افراته» است و اهالی آن بیشتر مسیحی هستند.(۱)

برخی گفته اند: اصلیت مسیح علیه السلام از ناصره در «الجلیل» شمال فلسطین است. حضرت مسیح علیه السلام به همراه مادرش در ناصره زندگی می کرد، محل اقامت این خانواده در حومه شهر مطریه «درخت عذرا» بود. ملاقات او با یحیی علیه السلام و تعمید دادنش در رودخانه «اردن» در بین ۱۲ تا ۳۰ سالگی آن حضرت روی داده است.(۲)

۱- سید جعفر حیدری، بیت المقدس، ص ۳۴۱.

۲- اطلس جغرافیایی، صص ۹۱ و ۹۲.

ص: ۱۹۱

فصل دوم: پیامبرانی که فقط وصفشان در قرآن آمده است

اشاره

فصل دوم: پیامبرانی که فقط وصفشان در قرآن آمده است

زیر فصل ها

حضرت خضر علیه السلام

حضرت اشموئیل (سموئیل) علیه السلام

حضرت حزقیل علیه السلام

حضرت ارمیا علیه السلام

حضرت خضر علیه السلام

اشاره

حضرت خضر علیه السلام

زیر فصل ها

۱. شناسه اسمی حضرت خضر علیه السلام

۲. شناسه رفتاری و روانی خضر علیه السلام

۳. شناسه فکری و عقیدتی خضر

۴. شناسه تبلیغی خضر علیه السلام

۵. شناسه خانوادگی خضر

۶. شناسه جغرافیایی خضر

۷. شناسه حکومتی (در زمان خضر)

۱. شناسه اسمی حضرت خضر علیه السلام

اشاره

۱. شناسه اسمی حضرت خضر علیه السلام

زیر فصل ها

الف) نام حضرت خضر

ب) زمان و محل ولادت و وفات

الف) نام حضرت خضر

الف) نام حضرت خضر

نام آن حضرت در قرآن نیامده، بلکه با عنوان «عَبْدًا مِّنْ عِبَادِنَا...» (کهف: ۶۵) از او یاد شده است. برخی نام اصلی او را تالیا(۱) و برخی بلیا(۲) ذکر کرده اند. لقب او خضر است؛ چون آن حضرت بر چوب خشک یا زمینی نمی نشست، مگر اینکه سبز و خرم می گشت.(۳) کنیه او نیز «ابوالعباس» است.(۴)

ب) زمان و محل ولادت و وفات

ب) زمان و محل ولادت و وفات

زمان ولادت حضرت خضر علیه السلام ۳۴۸۵ سال بعد از هبوط آدم علیه السلام بوده است.(۵)

وفات: بر اساس برخی روایات، حضرت خضر علیه السلام عمری طولانی داشته و هم اکنون نیز زنده است.(۶) همچنین گفته شده «مسجد سهله» محل ظهور ایشان خواهد بود.(۷)

۱- بحارالانوار، ج ۳، ص ۲۸۶.

۲- تاریخ طبری، ج ۱، ص ۲۷۷؛ ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۲۱۷.

۳- المیزان، ج ۱۳، ص ۳۵۲؛ کامل، ج ۲، ص ۱۶۰؛ حیوه القلوب، ج ۱، ص ۷۴۷.

۴- ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۲۱۷.

۵- ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۲۱۷.

۶- بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۲۹۹.

۷- حیوه القلوب، ج ۱، ص ۷۶۵.

ص: ۱۹۲

۲. شناسه رفتاری و روانی خضر علیه السلام

۲. شناسه رفتاری و روانی خضر علیه السلام

الف) برخورداری از علم و آگاهی فراوان: وقتی حضرت موسی علیه السلام (بعد از نزول تورات) خود را داناترین فرد می دانست، خداوند به جبرئیل گفت: به موسی بگو در «ملتقای بحرین» شخص داناتری هست، پیش او برو و علم آموز. (کهف: ۶۵) حضرت موسی علیه السلام با یوشع بن نون(۱) به راه افتاد و او را در حال نماز خواندن یافتند. حضرت موسی علیه السلام برای بهره گیری از علم و آگاهی او، همراهی او را خواستار شد؛ چرا که پیروی از او را راه رسیدن به دانش می دانست.(۲) خضر به شرطی همراهی با او را پذیرفت که در مورد رفتارهایی که از او سر می زند، نپرسد؛ زیرا آنها ظاهری ناخوشایند داشتند، ولی باطنشان مفید بود. برخی از آن رفتارها عبارت اند از:

ب) سوراخ کردن کشتی برای حفاظت از اموال مستمندان:(۳) چون کشتی ای که خضر علیه السلام بر آن سوار بود، متعلق به گروهی از مستمندان بود و پشت سر آن کشتی دیگری بود که به شاه ستمگر غاصبی تعلق داشت و آن شاه هر کشتی سالمی را به زور می گرفت، به همین دلیل خضر با سوراخ کردن کشتی، می خواست به دست پادشاه نرسد.(۴) (کهف: ۷۱)

ج) کشتن نوجوان برای پیشگیری از تأخیر نوجوان در گرایش والدین خود به کفر(۵) (کهف: ۷۴): از آنجا که ممکن بود آن کودک پدر و مادر خود را اغوا کند و از راه تأثیر روحی، آنان را به طغیان و کفر وادارد و از طرفی چون ایمان پدر و مادرِ فرزند در نزد خدا ارزش داشته است، خداوند امر می کند

۱- یوشع بن نون بن افراهم بن یوسف بن یعقوب، یار موسی بن عمران۷ و وصی اوست که پس از او به مقام نبوت رسید (معارف و معاریف، ج ۱، ص ۶۲۳).

۲- تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۲۷؛ البرهان، ج ۳، ص ۶۴۶؛ بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۲۷۸.

۳- فرهنگ قرآن، ج ۱۲، ص ۵۷۴.

۴- تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۳؛ کامل، ج ۲، ص ۱۶۴.

۵- فرهنگ قرآن، ج ۱۲، ص ۵۷۴.

ص: ۱۹۳

که خضر به دلیل دارا بودن ولایت تکوینی، او را بکشد تا خداوند، فرزند صالح به آنان بدهد.(۱) در واقع، از نظر نظام تکوینی مانعی ندارد خداوند حتی کودک نابالغی را گرفتار حادثه ای کند و در آن حادثه جان بسپارد؛ چون وجودش در آینده ممکن است خطرهای زیادی به بار آورد.(۲) همچنین گفته شده خداوند بعدها به آنان دختری عطا کرد که کانون ایمان و تقوا بود و از نسل او پیامبران زیادی به دنیا آمدند.(۳)

د) حمایت از محرومان و تلاش سرّی در جهت منافع آنان:(۴) می توان به تعمیر دیواری اشاره کرد که در حال خراب شدن بود؛ زیرا گنجی در زیر دیواری وجود داشت که متعلق به دو نوجوان یتیم بود که هنوز به سن بلوغ نرسیده بودند و تعمیر دیوار، موجب شد آن گنج محفوظ بماند و دست بیگانه ای به آن نرسد.(۵) (کهف: ۶۵)

ه) اکرام مستمندان: از دیگر رفتارهای خضر، اکرام مستمندان بوده است. در این باره نصیحت جالبی از خضر و علی علیه السلام آمده که چنین است: روزی خضر علیه السلام به محضر علی علیه السلام آمد، بعد از احوال پرسی، علی علیه السلام به او گفت: سخن حکیمانه ای بگو. خضر گفت: تواضع ثروتمندان به تهی دستان زیباست. علی علیه السلام فرمود: زیباتر از این، بی اعتنایی تهی دستان بر ثروتمندان، به خاطر ایمان به خداست. ازاین رو خضر علیه السلام فرمود: سزاوار است این سخن با طلا نوشته شود.(۶)

۱- المیزان، ج ۱۳، ص ۳۴۸.

۲- تفسیر نمونه، ج ۱۲، صص ۵۰۷ و ۵۰۸.

۳- برخی گفته اند آن دختر با یونس۷ ازدواج کرد (کشف الاسرار، ج ۵، ص ۷۲۵؛ تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۳).

۴- فرهنگ قرآن، ج ۱۲، ص ۵۷۹.

۵- تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۴؛ البرهان، ج ۳، ص ۶۴۶؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۲۸۲.

۶- سفینه البحار، ج ۱، ص ۳۹۰؛ بحارالانوار، ج ۳۹، ص ۱۳۳.

ص: ۱۹۴

۳. شناسه فکری و عقیدتی خضر

۳. شناسه فکری و عقیدتی خضر

عبودیت و بندگی خضـر علیه السـلام به درگاه الهی، موجب برخورداری از رحمت خاص الهی شده است،(۱) به گونه ای که قرآن می فرماید: «فَوَجَدَا عَبْدًا مِّنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِندِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِن لَّدُنَّا عِلْمًا؛ در آنجا بنده ای از بندگان ما را یافتند که رحمت (و موهبت عظیمی) از سوی خود به او آموخته بودیم». (کهف: ۶۵)

علامه طباطبایی می فرماید: «منظور از رحمت، همـان نعمت هـای باطنی است؛ چون ولایت، مخصوص خـداست، ولی نبوت چنین نیست. ازاینرو، منظور از جمله «رحمه من عندنا» همان نبوت است نه ولایت».(۲)

در جای دیگری آورده انـد که حضـرت خضـر علیه السـلام شـیعه علی علیه السـلام بوده چنان که خودش گفته: «أنا الخضـر وَأَنَا مِنْ شیعَهِ عَلی ابن ابی طالب».(۳)

عقیده باطنی خضـر را می توان از دعاهایش به دست آورد. حضـرت علی علیه السـلام می فرماید: روزی مشـغول طواف کعبه بودم، دیدم مردی پرده کعبه را گرفته بود و چنین دعا می کرد:

یا مَنْ لا یشْغُلُهُ سَمْعٌ عَنْ سَمع یا مَنْ لا یغَلِّطُهُ السّائِلُونَ، یا مَنْ لا یبرِمُه اِلحاحُ الْمُلِحّینَ اَذِقْنی بَرْدَ عَفْوِکَ وَحَلاوَهَ مَغْفِرَتکَ.(۴)

ای خدایی که شـنیدنت تو را از شـنیدنی های دیگر غافل نکند، ای خدایی که در دریافت سؤال تقاضاکنندگان اشتباه نمی کنی، ای خدایی که اصرار اصرارکنندگان، تو را آزرده نمی کند، خنکی عفوت و شیرینی آمرزشت را به من بچشان.

و آن مرد، خضر نبی علیه السلام بوده است.

۱- فرهنگ قرآن، ج ۱۲، ص ۵۷۸.

۲- المیزان، ج ۱۳، صص ۳۴۱ و ۳۴۲.

۳- بحارالانوار، ج ۴۲، ص ۹.

۴- بحارالانوار، ج ۳۹، ص ۱۳۲ (خضر۷ فرمود: خوانـدن این دعا بعد از هر نماز، موجب می شود گناهان اگر به اندازه سـتارگان و ریگ ها و خاک های زمین باشد، بخشیده شوند).

ص: ۱۹۵

۴. شناسه تبلیغی خضر علیه السلام

۴. شناسه تبلیغی خضر علیه السلام

برخی حضرت خضر را دانشمند(۱) و برخی او را پیامبر می دانند(۲) و گفته شده حضرت خضر، از پیامبران مرسل بوده که خداوند او را بر قومی برانگیخت تا آنان را به یگانه پرستی و اقرار به پیامبران و کتاب های خدا دعوت کند.(۳)

۵. شناسه خانوادگی خضر

اشاره

۵. شناسه خانوادگی خضر

زیر فصل ها

الف) نسب خضر

ب) همسر

الف) نسب خضر

الف) نسب خضر

نسب ایشان با چند واسطه به نوح می رسد: بلیا، پسر ملکان، پسر قالع، پسر عابر، پسر شالح، پسر ارفخشد، پسر سام، پسر نوح علیه السلام .(۴)

نام پدر حضرت خضر علیه السلام ملکان از پادشاهان بزرگ بوده(۵) و فرزندی جز خضر نداشته است.

ب) همسر

ب) همسر

حضرت خضر ازدواج نکرده و فرزندی هم نداشته است.(۶)

۶. شناسه جغرافیایی خضر

۶. شناسه جغرافیایی خضر

مکان حضـرت خضـر علیه السلام که قرآن از آن یاد می کند، مجمع البحرین بوده است.(۷) برخی مجمع را دو دریـای فارس و روم می دانند.(۸) علامه طباطبایی رحمه الله می فرماید:

۱- حیوه القلوب، ج ۱، ص ۷۴۷.

۲- مجمع البیان، ج ۵ ۶، ص ۷۴۶.

۳- المیزان، ج ۱۳، ص ۳۵۲؛ حیوه القلوب، ج ۱، ص ۷۴۷.

۴- تاریخ طبری، ج ۱، ص ۲۷۷؛ کامل، ج ۲، ص ۱۶۰؛ ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۲۱۷.

۵- ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۲۱۷.

۶- ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۲۱۸.

۷- تاریخ طبری، ج ۱، ص ۲۷۸.

۸- کشف الاسرار، ج ۹، ص ۴۱۱.

ص: ۱۹۶

منتهی الیه دریای روم (مدیترانه) از ناحیه شرق و منتهی الیه خلیج فارس از ناحیه غربی است. بنابراین، مقصود از مجمع البحرین، آن قسمت از زمین است که به یک اعتبار در آخر شرقی مدیترانه و به اعتبار دیگر، در آخر غربی خلیج فارس قرار دارد و به نوعی مجاز، آن را محل اجتماع دو دریا خوانده اند.(۱)

۷. شناسه حکومتی (در زمان خضر)

۷. شناسه حکومتی (در زمان خضر)

حکومت و شاهی در زمان خضر علیه السلام ابتدا به دست منوچهر بود (هم زمان با پیامبری موسی علیه السلام) و بعد از او افریذون به حکومت و شاهی رسید.(۲)

۱- المیزان، ج ۱۳، ص ۳۳۹.

۲- تاریخ طبری، ج ۱، ص ۲۸۷؛ کامل، ج ۲، ص ۱۶۷.

ص: ۱۹۷

حضرت اشموئیل (سموئیل) علیه السلام

اشاره

حضرت اشموئیل (سموئیل) علیه السلام

زیر فصل ها

۱. شناسه اسمی اشموئیل (سموئیل)

۲. شناسه تبلیغی

۳. شناسه خانوادگی اشموئیل

۴. شناسه قومی

۱. شناسه اسمی اشموئیل (سموئیل)

۱. شناسه اسمی اشموئیل (سموئیل)

نام این پیامبر (اشموئیل) در قرآن ذکر نشده، ولی برخی مفسران، آیات ۲۴۶ ۲۴۸ از سوره بقره را مربوط به این پیامبر می دانند(۱) و گفته شده نام او اسماعیل بوده است.(۲)

۲. شناسه تبلیغی

۲. شناسه تبلیغی

پس از آنکه قوم یهود به برکت حضرت موسی علیه السلام از زیر سلطه فرعونیان نجات یافتند و به قدرت رسیدند، مغرور شدند و تن به قانون شکنی دادند. بنابراین، در مقابل فلسطینی ها شکست خوردند و قدرتشان را همراه صندوق عهد از دست دادند و دشمن بر آنان چیره شد و آنان را از کشورشان بیرون کرد و فرزندانشان را به اسارت گرفت. در این زمان خداوند برای نجات و ارشاد و هدایت بنیاسرائیل، پیامبری به نام اشموئیل را فرستاد.(۳) نشانه پیامبری و صدق گفتار وی، خبر دادن از بازگشت «صندوق عهد» بوده است. (بقره: ۲۴۶ ۲۴۸)

۱- مجمع البیان، ج ۱ ۲، ص ۶۱۰؛ اعلام القرآن، ص ۷۰۵.

۲- کشف الاسرار، ج ۱، ص ۶۵۰؛ ابوعلی الفضل بن الحسن طبرسی، جوامع الجامع، ج ۱، ص ۱۳۴.

۳- تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۶۶.

ص: ۱۹۸

۳. شناسه خانوادگی اشموئیل

۳. شناسه خانوادگی اشموئیل

نَسَب: گفته شده نسب سموئیل به لاوی بن یعقوب می رسد.(۱)

نام پدر: بالی.(۲)

نام مادر: حفّه (از نژاد هارونبن عمران).(۳)

۴. شناسه قومی

۴. شناسه قومی

بعد از حضرت موسی علیه السلام ، یوشع بن نون، جانشین او شد و بعد از او زمام امور بنی اسرائیل به دست اشموئیل افتاد. در آن دوران، قوم بنی اسرائیل در ذلت به سر می بردند و کشورشان در اشغال دشمن بود. بنابراین از پیامبرشان اشموئیل تقاضای فرماندهی کردند تا بتوانند به پشتوانه او جهاد کنند. آن حضرت به دستور خداوند، طالوت را به حکمرانی آنان برانگیخت تا بر دشمنان غلبه کند و صندوق عهد را به بنی اسرائیل باز گرداند.(۴)

۱- تاریخ حبیب السیر، ج ۱، ص ؛ اعلام القرآن، ص ۷۰۵.

۲- تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۷۹.

۳- کشف الاسرار، ج ۱، ص ۶۵۰.

۴- تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۷۹.

ص: ۱۹۹

حضرت حزقیل علیه السلام

اشاره

حضرت حزقیل علیه السلام

زیر فصل ها

شناسه اسمی حزقیل

شناسه اسمی حزقیل

شناسه اسمی حزقیل

نام این پیامبر در قرآن ذکر نشده، ولی ذیل آیه ۲۴۳ سوره بقره ضمن بیان شرح حال مردمی که از ترس مرگ، از خانه هایشان فرار کردند و به بیابان رفتند و بعد به امر خداوند دوباره زنده شدند، گفته شده پیامبری که به امر خداوند، آنان را خواند و زنده شدند. حزقیل است که بنابر روایات، وی سومین پیشوای بنی اسرائیل بعد از حضرت موسی علیه السلام بود.(۱)

برخی حزقیل را ابن العجوز می گفتند؛ چون مادر وی پیرزنی نازا بود و از خداوند این فرزند را در پیری درخواست کرده بود.(۲)

در روایتی، امام صادق علیه السلام می فرماید: «آن قوم از ترس طاعون، از خانه های خود خارج شدند و فرار کرده بودند»(۳) و برخی دیگر معتقدند آنان برای فرار از جنگ، از خانه خود بیرون آمده بودند.(۴)

۱- تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۲۱۹؛ کشف الاسرار، ج ۱، ص ۶۵۰ (برخی مؤمن آل فرعون را حزقیل گفته اند که نباید با حزقیل پیامبر اشتباه شود).

۲- کشف الاسرار، ج ۱، ص ۶۵۰.

۳- الکشاف، ج ۱، ص ۲۹۰؛ بحارالانوار، ج ۶، ص ۱۲۰.

۴- مجمع البیان، ج ۱ ۲، ص ۶۰۴؛ تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۵۵.

ص: ۲۰۰

حضرت ارمیا علیه السلام

اشاره

حضرت ارمیا علیه السلام

زیر فصل ها

۱. شناسه اسمی ارمیا

۲. شناسه شغلی و خدماتی

۳. شناسه تبلیغی

۱. شناسه اسمی ارمیا

اشاره

۱. شناسه اسمی ارمیا

زیر فصل ها

الف) نام ارمیا

ب) زمان و محل ولادت ووفات

الف) نام ارمیا

الف) نام ارمیا

ارمیا فرزند حلقیا، از پیامبران بزرگ بنی اسرائیل در قرن ششم و هفتم پیش از میلاد بوده(۱) که نام او در قرآن به طور صریح ذکر نشده، ولی در منابع تفسیری و روایی در ذیل برخی از آیات قرآن از او یاد کرده اند.(۲) اصل نام این پیامبر در زبان عبری، یریم یاهو به معنی «یهوه می بخشد» است. این نام در منابع اسلامی به صورت ارمیاء، اَرمیاء، اُورمیاء و یرمیا آمده است.(۳) برخی او را همان «عزیر» پیامبر دانسته اند که پس از مرگ صد ساله دوباره زنده شد.(۴) در روایتی آورده اند که ارمیا همان پیامبر دوره جالوت بوده که مردم از او خواستند تا برایشان شاه تعیین کند و او نیز طالوت را به فرمان خدا انتخاب کرد.(۵) برخی گفته اند زردشت، شاگرد یا خدمتگزار یکی از شاگردان ارمیا بوده است.(۶)

۱- سید کاظم موسوی بجنوردی، دایرهالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، ص ۷۰۲.

۲- نک: بقره: ۲۴۳، ۲۴۶، ۲۵۹؛ اسراء: ۴ ۷؛ انبیاء: ۱۱.

۳- دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۷، ص ۷۰۲.

۴- مجمع البیان، ج ۱ ۲، ص ۶۳۹؛ جامع البیان، ج ۳، ص ۴۱.

۵- تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۰۸؛ بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۴۳۹ (گرچه طبق روایات مشهور نام او «شموئیل» بوده است (المیزان، ج ۲، صص ۲۹۶ و ۲۹۷).

۶- تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۵۶.

ص: ۲۰۱

ب) زمان و محل ولادت ووفات

ب) زمان و محل ولادت ووفات

ارمیا حدود سال ۶۴۵ ق. م در عنانوت یا غَناثوث واقع در شمال شرقی اورشلیم در خانواده ای روحانی زاده شد. پدر او از خادمان کنیسه عناتوت و روحانی برگزیده زمان داوود علیه السلام بوده است(۱) و در حدود ۵۹۰ ق. م در شهر «دفنه» به نقلی به دست یهودان، شهید شد.(۲)

۲. شناسه شغلی و خدماتی

۲. شناسه شغلی و خدماتی

یکی از خدماتی که ارمیا انجام داده، آبادسازی مصر پس از تخریب به دست بخت النصر است.(۳)

۳. شناسه تبلیغی

۳. شناسه تبلیغی

خداوند، ارمیا را برای ارشاد و هدایت شاه و عموم بنی اسرائیل به سویشان فرستاد. وی ابتدا خود را در انجام دادن این مسئولیت، ناتوان می بیند و از خداوند یاری می خواهد. خداوند از قدرت بی نهایت خود و حمایت و همراهی اش با او در انجام دادن مسئولیت یاد می کند.(۴)

همچنین گفته شده ارمیا، به دلیل فساد اخلاقی مردم و ستمگری و بی سیاستی زمام داران و ضعف سیاسی، از هر زمان و مکان و فرصتی، برای پند و اندرز مردم استفاده می کرده است. همچنین به آنان از هجوم بختالنصر و تخریب اورشلیم خبر می دهد تا جایی که به او تهمت مزدوری بابل و خیانت به میهن زده شد و از سوی کاهنان و پیامبران دروغین آزار و اذیت دید و تا مرز کشته شدن پیش رفت.(۵)

۱- دایرهالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۷، ص ۷۰۳.

۲- معارف و معاریف، ج ۲، ص ۱۱۸.

۳- معجم البلدان، ج ۵، ص ۱۴۰.

۴- معجم البلدان، ج ۲، ص ۴۶۳.

۵- تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۳۷۷.

ص: ۲۰۲

ص: ۲۰۳

بخش دوم: غیرپیامبران

اشاره

بخش دوم: غیرپیامبران

زیر فصل ها

ص: ۲۰۴

ص: ۲۰۵

فصل اول: مردانی که عملکرد مثبت داشته اند

اشاره

فصل اول: مردانی که عملکرد مثبت داشته اند

زیر فصل ها

حضرت لقمان علیه السلام

حضرت طالوت علیه السلام

مؤمن آل فرعون

حضرت لقمان علیه السلام

اشاره

حضرت لقمان علیه السلام

زیر فصل ها

۱. شناسه لقمان

۲. شناسه جسمی و ظاهری لقمان

۳. شناسه شغلی و خدماتی لقمان

۴. شناسه رفتاری و روانی لقمان

۵. شناسه فکری و عقیدتی لقمان

۶. شناسه تبلیغی لقمان

۷. شناسه خانوادگی لقمان

۱. شناسه لقمان

اشاره

۱. شناسه لقمان

زیر فصل ها

الف) نام لقمان

ب) زمان و محل ولادت و وفات

الف) نام لقمان

الف) نام لقمان

لقمان یکی از حکمای صالح و بزرگ تاریخ بود که نام او دو بار در قرآن ذکر شده و سوره سی و یکم به نام او و کنیه او ابوالقاسم است.(۱)

ب) زمان و محل ولادت و وفات

ب) زمان و محل ولادت و وفات

ولادت لقمان ۴۳۷۳ سال بعد از هبوط آدم علیه السلام است.(۲) برخی او را «حبشی الاصل» می دانند.(۳) همچنین گفته شده لقمان در دهمین سال حکومت داوود علیه السلام به دنیا آمد. وی در نقاط مختلف زمین زندگی کرد و تا عصر حضرت یونس علیه السلام زنده بود.(۴)

نقل شده که قبرش در ایله، یکی از بندرهای فلسطین است.(۵)

۱- ناسخ التواریخ، ج ۲، ص ۱۸۲.

۲- ناسخ التواریخ، ج ۲، ص ۱۸۲.

۳- تاریخ حبیب السیر، ج ۱، ص ۱۵۸.

۴- تاریخ حبیب السیر، ج ۱، ص ۱۵۸؛ مروج الذهب، ج ۱، ص ۴۹.

۵- قصه های قرآن، ص ۵۶۵.

ص: ۲۰۶

۲. شناسه جسمی و ظاهری لقمان

۲. شناسه جسمی و ظاهری لقمان

لقمان، بنده ای سیاه چهره و دارای لب های کلفت و درشت بود که دارای قدم های گشاد و بلندی بود.(۱)

۳. شناسه شغلی و خدماتی لقمان

۳. شناسه شغلی و خدماتی لقمان

او ابتدا چوپان و برده فردی به نام قین بن حَسر از ثروتمندان بنی اسرائیل بود که بعدها او را آزاد کرد.(۲)

۴. شناسه رفتاری و روانی لقمان

۴. شناسه رفتاری و روانی لقمان

الف) برخورداری از حکمت: از رفتارهای او همین بس که قرآن بیش از هر صفت او را به فرزانگی ستوده و می فرماید: «وَلَقَدْ آتَینَا لُقْمَانَ الْحِکْمَهَ...؛ ما به لقمان حکمت دادیم...». (لقمان: ۱۲)

حکمت در اینجا به معنای معرفت علمی است، در حدی که نافع و سودمند باشد.(۳) آورده اند که فردی از لقمان پرسید تو که چوپان بودی، چگونه صاحب علم و حکمت شدی؟ لقمان فرمود: این دانش و حکمت، به خواست خدا، ادای امانت، راست گویی و سکوت در امور بیهوده و آنچه مربوط به من نبوده، است.(۴)

امام صادق علیه السلام درباره او فرمود: سوگند به خدا، حکمتی که از جانب خداوند به لقمان داده شده، به خاطر نسب و مال و جمال و جسم نبود، بلکه او فردی بود که:

ب) در انجام دادن فرمان خداوند نیرومند بود و از گناهان و شبهه ها دوری می کرده است؛

۱- تاریخ روضه الصفا، ج ۱، ص ۴۴۸؛ ناسخ التواریخ، ج ۲، ص ۱۸۲.

۲- سفینه البحار، ج ۲، ص ۵۱۵؛ ناسخ التواریخ، ج ۲، ص ۱۸۲.

۳- المیزان، ج ۱۶، ص ۲۱۵.

۴- تاریخ حبیب السیر، ج ۱، ص ۱۵۸؛ روضه الصفا، ج ۱، صص ۴۴۸ و ۴۴۹؛ تفسیر القرطبی، ج ۱۴، ص ۴۱.

ص: ۲۰۷

ج) ساکت و خاموش بود (کنترل زبان و تفکر)؛

د) با دقت به امور می نگریست و بسیار فکر می کرد؛

ه) هشیار و تیزبین بود و هرگز در (آغاز) روز نخوابید؛

و) در مجالس به رسم متکبران تکیه نمی کرد؛

ز) آداب معاشرت را به طور کامل رعایت می کرد و هرگز در حال نامناسبی دیده نشد.(۱)

در جایی دیگر لقمان سه نکته اساسی را درباره آداب معاشرت به فرزندش یادآوری می کند و خطاب به او می فرماید:

یک «وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّکَ لِلنَّاسِ؛]پسرم[با بی اعتنایی از مردم روی برمگردان.» (لقمان: ۱۸) «صعر» به معنای کج بودن گردن و کلمه «تصعیر» به معنای گرداندن گردن، از نظرها از روی تکبر است.(۲)

دو «وَلَا تَمْشِ فِی الْأَرْضِ مَرَحًا؛ مغرورانه]و از روی تکبر[بر زمین راه مرو.» (لقمان: ۱۸) «مَرَح» به معنای شدت خوش حالی و زیاده روی در آن است.(۳)

سه «وَاقْصِدْ فِی مَشْیِکَ وَاغْضُضْ مِن صَوْتِکَ؛]پسرم[در راه رفتن اعتدال را رعایت کن، از صدای خود بکاه (و هرگز فریاد مکن).» (لقمان: ۱۹) کلمه «قصد» به معنای اعتدال در هر چیزی است(۴) و کلمه «غض» آن گونه که راغب گفته، به معنای نقصان در نگاه کردن و صدا کردن است(۵) و منظور از «غض صوت» آهسته و کوتاه کردن است و معنای آیه چنین می شود که در راه رفتنت، میانه روی را پیش گیر و صدایت را آهسته و کوتاه کن.(۶)

۱- مجمع البیان، ج ۷ ۸، ص ۴۹۳.

۲- مفردات الالفاظ القرآن، ص ۴۸۴، ذیل ماده «صعر».

۳- مفردات الالفاظ القرآن، ص ۷۶۴، ذیل ماده «صرح».

۴- مفردات الالفاظ القرآن، ص ۶۷۲، ذیل ماده «قصد».

۵- مفردات الالفاظ القرآن، ص ۶۰۸، ذیل ماده «غضض».

۶- المیزان، ج ۱۶، ص ۲۱۹.

ص: ۲۰۸

نکته دیگر در رفتار او این است که لقمان فرزنـدان را دور خود جمع می کرد و به نصیحت آنان می پرداخت، اگرچه او با جمله «یا بُنی: ای پسر من» نصیحت خود را آغاز می کرد، ولی خطاب او به همه پسران و فرزندان بوده است.(۱)

۵. شناسه فکری و عقیدتی لقمان

۵. شناسه فکری و عقیدتی لقمان

الف) تأکیـد بر دوری از شـرک: از ویژگی های عقیدتی لقمان، اینکه او فردی موحد و خداپرست بوده، به گونه ای که در وصایای اولیه خود، فرزنـدش را از شـریک قائل شـدن بر خداوند، بر حذر می دارد و آن را نهایت سـتمکاری می داند. قرآن در این باره می فرمایـد: «وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ یعِظُهُ یا بُنَی لَا تُشْرِکْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْکَ لَظُلْمٌ عَظِیمٌ؛ هنگامی را که لقمان به فرزنـدش گفت: پسـرم! چیزی را همتای خـدا قرار مده که شـرک، ظلم بزرگی است.» (لقمان: ۱۳) و در جای دیگر قـدرت و علم بی پایان خدا را توصـیف می کند(۲) و خطاب به فرزندش می فرماید:

یا بُنَی إِنَّهَا إِن تَکُ مِثْقَالَ حَبَّهٍ مِّنْ خَرْدَلٍ فَتَکُن فِی صَخْرَهٍ أَوْ فِی السَّمَاوَاتِ أَوْ فِی الْأَرْضِ یأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِیفٌ خَبِیرٌ. (لقمان: ۱۶)

پسـرم! اگر به اندازه سـنگینی دانه خردلی (کار نیک یا بد) باشد و در دل سـنگی یا در (گوشه ای از) آسـمان ها و زمین قرار گیرد، خداوند آن را (در قیامت برای حساب) می آورد؛ خداوند دقیق و آگاه است.

آیه شریفه به نکته مهم دیگری اشاره دارد و آن اینکه خداوند هر گناه یا ثواب کوچک را جزا و پاداش می دهد.(۳)

۱- اعلام القرآن، ص ۷۱۶؛ ناسخ التواریخ، ج ۲، ص ۱۸۵.
۲- المیزان، ج ۱۶، ص ۲۱۸.
۳- مجمع البیان، ج ۷ ۸، ص ۴۹۹.

ص: ۲۰۹

ب) تأکید بر معاد (اصول دین): عقیده لقمان به مبدأ و معاد را می توان از نصایح او به فرزندش متوجه شد، آنجا که خطاب به او می فرماید: «هیچ گاه رضایت مردم را محور قرار نده، بلکه همواره رضایت خدا را محور و هدف کارت قرار بده تا به سعادت و رستگاری دنیا و آخرت نائل شوی».(۱)

ج) تأکید بر نماز و امر به معروف و نهی از منکر (فروع دین): نماز مهم ترین پیوند با خالق هستی است و قلب را بیدار و زندگی را روشن می کند، آثار گناه را از جان می شوید و انسان را از فحشا و منکرات باز می دارد. لقمان همواره فرزندش را به اقامه نماز دعوت می کرد و خطاب به او می فرمود: «یا بُنَی أَقِمِ الصَّلَاهَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنکَرِ...؛ پسرم نماز را بر پا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن...». (لقمان: ۱۷)

د) بهترین و بدترین عضو از نظر لقمان: لقمان بهترین عضو را قلب و زبان و بدترین عضو را هم قلب و زبان می دانست. وقتی علت را از او پرسیدند، گفت این دو عضو برترین عضو هستند، اگر پاک باشند، و بدترین عضو هستند، اگر پلید باشند.(۲)

۶. شناسه تبلیغی لقمان

۶. شناسه تبلیغی لقمان

موضوع مهم در رابطه با این شخصیت قرآنی، این است که آیا او پیامبر بوده یا نه. در این مورد، مفسران، نبوت وی را نفی و او را عبد صالح معرفی کرده اند، چنان که آورده اند: «روزی لقمان در نیمه روز خواب بود، ندا آمد آیا می خواهی خداوند، تو را خلیفه کند تا در زمین قضاوت کنی؟ لقمان گفت: اگر خداوند مرا مخیر کند، عافیت را می خواهم نه بلا- را. وقتی ملائکه علت را پرسیدند، گفت: هیچ تکلیفی دشوارتر از قضاوت و داوری نیست و ظلم آن از هر سو انسان را احاطه می کند؛ چراکه اگر انسان در داوری، راه درست

۱- بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۴۳۳.

۲- مجمع البیان، ج ۷ ۸، ص ۴۹۵.

ص: ۲۱۰

رود، نجات می یابد، ولی اگر خطا رود، راه بهشت را عوضـی رفته و اگر انسان در دنیا ذلیل و بی اسم باشد، ولی در آخرت شریف و آبرومند، بهتر است و کسی که دنیایش را از دست می دهد، به آخرت هم نمی رسد.

روزی در خواب دیـد که داوود به او گفت: خوشـا به حالت که حکمت به تو داده شـده و بلای نبوت از تو دور گشـته است.(۱) در جای دیگر نیز پیامبر در این باره می فرماید:

به حق می گویم که لقمان پیغمبر نبود، ولی بنده ای بود که بسیار فکر می کرد و یقین خوبی داشت، خدایش را دوست می داشت و خدا نیز دوستدار او بوده و به دادن حکمت بر او منت نهاد.(۲)

الف) ارشاد و هدایت مردم: بنابر آنچه گفته شد، لقمان به مقام نبوت نائل نشده بود، اما همواره به ارشاد و هدایت مردم مشغول بود و در مقابل آنان احساس مسئولیت می کرد، چنان که آورده انـد: «لقمان هرگز از دو نفری که نزاع و برخوردی داشـتند، نگـذشت، مگر آنکه بین آن دو را اصلاح کرد و از آن دو عبور نکرد، مگر پس از آنکه دوستدار یکدیگر شدند».(۳)

ب) آموختن حکمت و نکـات مهم در زنـدگی: لقمـان علاوه بر حکمت، پنـدها و نکته هایی که در زنـدگی مردم اثرگـذار بود، به آنان می آموخت. نمونه ای از آنها عبارت اند از:

یـک هنگـامی که نمـاز به جـای آوردی، نمازی بخوان، آن گونه که برای وداع می خوانی و پس از آن هرگز نمازی دیگر نخواهی خواند.

دو برای مردم دوست بدار آنچه را برای خود دوست داری، و برای ایشان ناپسند بدان، آنچه برای خود ناپسند می دانی.

۱- المیزان، ج ۱۶، ص ۲۲۱؛ مجمع البیان، ج ۷ ـ ۸، ص ۴۹۴.
۲- مجمع البیان، ج ۷ ـ ۸، ص ۴۹۳.
۳- المیزان، ج ۱۶، صص ۲۲۲ و ۲۲۳.

ص: ۲۱۱

سه ای پسرم کسی که مالک زبانش نباشد، همواره پشیمان می شود. کسی که بسیار جدال کند، سرزنش شود. کسی که با دوست بد نشیند، از او در امان نباشد و کسی که با دانشمندان هم نشینی کند، سود برد.

ای پسرم به دنیا دل مبند و دلت را به آن مشغول مدار، که خدا مخلوقی از آن خوارتر نیافریده است.(۱)

۷. شناسه خانوادگی لقمان

اشاره

۷. شناسه خانوادگی لقمان

زیر فصل ها

الف) نسب لقمان

ب) فرزند

الف) نسب لقمان

الف) نسب لقمان

لقمان پسر عَنْقی، پسر مزید، پسر صارون(۲) بود. برخی او را پسر خواهر یا خاله زاده ایوب علیه السلام دانسته اند و نسبش را به ناحور پسر تارج (برادرزاده ابراهیم علیه السلام می رسانند.(۳)

همسر لقمان، زنی از بنی اسرائیل بود.(۴)

ب) فرزند

ب) فرزند

وی دارای فرزندان زیادی بوده که بهترین آنان «باران» نام داشته است. آنان را دور خود جمع می کرد و به نصیحت آنان می پرداخت.(۵)

۱- قصص الانبیاء، ثعلبی، ص ۳۶۹.

۲- ناسخ التواریخ، ج ۲، ص ۱۸۲.

۳- ناسخ التواریخ، ج ۲، ص ۱۸۲.

۴- ناسخ التواریخ، ج ۲، ص ۱۸۲؛ اعلام القرآن، ص ۷۱۶.

۵- اعلام القرآن، ص ۷۱۶.

ص: ۲۱۲

حضرت طالوت علیه السلام

اشاره

حضرت طالوت علیه السلام

زیر فصل ها

۱. شناسه اسمی طالوت

۲. شناسه جسمی و ظاهری

۳. شناسه شغلی و خدماتی طالوت

۴. شناسه تبلیغی طالوت

۵. شناسه خانوادگی طالوت

۶. شناسه حکومتی طالوت

۱. شناسه اسمی طالوت

اشاره

۱. شناسه اسمی طالوت

زیر فصل ها

الف) نام طالوت

ب) زمان و محل ولادت و وفات

الف) نام طالوت

الف) نام طالوت

یکی دیگر از شخصیت های قرآنی در زمینه حکومت و فرماندهی طالوت است که قصه او در قرآن بیان شده است.(۱) نام او

«شاؤل» است. شاؤل، نام عبری است و به سریانی سازل و به عربی طالوت گفته می شود.(۲)

ب) زمان و محل ولادت و وفات

ب) زمان و محل ولادت و وفات

حضرت طالوت علیه السلام ۱۲۷۵ سال قبل از میلاد به دنیا آمد، حدود ۵۲ سال عمر کرد و ۱۲۲۳ سال قبل از میلاد فوت کرد. قبر او در رامه و در بیت المقدس است.(۳)

۲. شناسه جسمی و ظاهری

۲. شناسه جسمی و ظاهری

طالوت فردی بلندقامت و تنومند و خوش اندام بود، اعصابی محکم و نیرومند داشت و بسیار زیرک و دانشمند بوده است.(۴)

۱- نک: بقره: ۲۵۲.

۲- ناسخ التواریخ، ج ۲، ص ۱۴۱.

۳- قصص الانبیاء، ص ۵۸۷.

۴- تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۲۳۲؛ حیوه القلوب، ج ۲، ص ۸۸۴.

ص: ۲۱۳

۳. شناسه شغلی و خدماتی طالوت

۳. شناسه شغلی و خدماتی طالوت

طالوت به دلیل فقر، به سقایی یا دباغی روزگار می گذراند.(۱) همچنین قبل از رسیدن به مقام شاهی، پدرش او را برای کمک و همراهی با خود در چرای گوسفندان به صحرا می برد و کشاورزی می کرد.(۲) بعدها از طرف خداوند، شاهی و حکومت را به دست گرفت.(۳)

۴. شناسه تبلیغی طالوت

۴. شناسه تبلیغی طالوت

طالوت از جانب خداوند به شاهی و فرماندهی بنی اسرائیل برگزیده شد و پیامبر زمان او سموئیل (شموئیل) بود.(۴) برخی از عوامل برگزیدگی او عبارت اند از:

الف) برخورداری وی از توانایی علمی؛

ب) قدرت جسمی بیشتر نسب به دیگران.(۵)

از آنجا که ابتدا قوم بنی اسرائیل به خدایی بودن مأموریت طالوت اعتماد نداشتند،(۶) از پیامبرشان (شموئیل) درخواست نشانه ای برای زمام داری کردند، پس پیامبرشان خطاب به آنان گفت:

... إِنَّ آيَهَ مُلْكِهِ أَن يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَهٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَبَقِيَّهٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَى وَآلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلآئِكَهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَهً لَّكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ. (بقره: ۲۴۸)

... نشانه حکومت او این است که با صندوق عهد به سوی شما خواهد آمد. (همان صندوقی که) در آن آرامشی از پروردگار شما و

۱- تاریخ حبیب السیر، ج ۱، ص ۱۱۳.

۲- نک: تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۶۷.

۳- تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۸۲.

۴- نک: بقره: ۲۵۲.

۵- نک: بقره: ۲۴۷؛ فرهنگ قرآن، ج ۱۹، صص ۱۵۶ و ۱۵۷.

۶- چون طالوت از ذریه بنیامین بود و سلطنت در میان فرزندان یوسف۷ قرار داشت، آنان گفتند ما برای سلطنت شایسته تریم (اثبات الوصیه، ص ۱۱۱).

ص: ۲۱۴

یادگارهای خانـدان موسـی و هارون قرار دارد، درحالی که فرشـتگان، آن را حمل می کنند. در این موضوع نشانه ای (روشن) برای شماست، اگر ایمان داشته باشید.

بـا تـوجه به آیـات قرآن، صـندوق عهـد، محتویـاتی داشـته که موجب آرامش بنی اسـرائیل می شـد و نفوذ معنوی و آثـار روانی در پیشامدهای گوناگون داشته است.(۱)

۵. شناسه خانوادگی طالوت

اشاره

۵. شناسه خانوادگی طالوت

زیر فصل ها

الف) نسب طالوت

ب) نام همسر

ج) نام فرزندان

الف) نسب طالوت

الف) نسب طالوت

طالوت پسـر قیس، پسـر ابیان، پسـر ضـرار، پسـر بحرت، پسر افیخ، پسر ایشی، پسر بنیامین، پسر یعقوب علیه السلام ، پسر اسحاق علیه السلام و پسر ابراهیم علیه السلام بود.(۲)

ب) نام همسر

ب) نام همسر

اجینعام دختر احیعاص، نام همسر طالوت علیه السلام بود.(۳)

ج) نام فرزندان

ج) نام فرزندان

شاؤل [طالوت] چهار فرزند پسر به نام های یونائان، یثوی، ملک شیوع و اشباشول و دو دختر به نام های ناذاب و ملکان داشت.(۴)

۶. شناسه حکومتی طالوت

۶. شناسه حکومتی طالوت

در زمان طالوت، حکومت مردم فلسطین به عهده فردی به نام جالوت بود که به او جلیات می گفتند.(۵) او پادشاه نیرومند و گردن کشی بود،(۶)، به گونه ای که کسی توانایی مقابله با او را نداشته است. در مقابل لشکر اندک بنی اسرائیل،

۱- تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۷۴.

۲- ناسخ التواریخ، ج ۲، ص ۱۴۱.

۳- ناسخ التواریخ، ج ۲، ص ۱۴۱.

۴- ناسخ التواریخ، ج ۲، ص ۱۴۸.

۵- ناسخ التواریخ، ج ۲، ص ۱۵۱.

۶- فی ظلال القرآن، ج ۲، ص ۲۷۰.

ص: ۲۱۵

جالوت دارای هشتصد مرد مبارز بود، به همین دلیل لشکر طالوت با دیدن آنها دست به دعا بردند.(۱) (بقره: ۲۵۰)

این گروه انـدك با اراده های محکم و روحیه ای عالی به فرمانـدهی طالوت (فرمانده لایق و باایمان) به دشـمن حمله کردند. در آن هنگـام که داوود به عنوان جوان ناشـناس در میـان بنی اسـرائیل بود، به وسـیله فلاـخنی که در دست داشت، جـالوت را کشت (بقره: ۲۵۱) و با کشته شدن او سپاه فروپاشید و همه فرار کردند.(۲)

به این ترتیب، طالوت با لشـکر انـدك بر دشـمنان پیروز شـد و داوود علیه السـلام دارای موقعیت عظیم در نزد شـموئیل و بنیاسـرائیل گردید و سرانجام به مقام نبوت و حکومت رسید.(۳)

۱- اثبات الوصیه، ص ۱۱۲.

۲- اثبات الوصیه، ص ۱۱۴، تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۲۳۷.

۳- مجمع البیان، ج ۱ ۲، صص ۶۱۲ ۶۱۶، ناسخ التواریخ، ج ۲، صص ۱۵۲ ۱۵۴.

ص: ۲۱۶

مؤمن آل فرعون

اشاره

مؤمن آل فرعون

زیر فصل ها

۱. شناسه اسمی مؤمن آل فرعون

۱. شناسه اسمی مؤمن آل فرعون

مؤمن آل فرعون در عصر موسی علیه السلام و فرعون زندگی می کرده است. (غافر: ۲۸ ۴۴) نام او را برخی حزبیل و برخی هم حزقیل گفته اند.(۱)

برخی او را قبطی و برخی بنی اسرائیلی می دانند.(۲) با توجه به آیات قرآن می توان گفت او از قبطیان بوده؛ چرا که به آل فرعون، «یا قوم» خطاب می کرد و آنان را دارای ملک و حکومت می دانست و می فرمود: «یا قَوْمِ لَکُمُ الْمُلْکُ الْیوْمَ...؛ ای قوم من! امروز حکومت از آن شماست.» (غافر: ۲۹) و در جای دیگر، قرآن به صراحت از او یاد می کند و می فرماید:

«وَقالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ یکْتُمُ إیمانَهُ ....»: (غافر: ۲۸)

از آنجا که «آل» به خویشاوندان گفته می شود، منظور از آل فرعون، خویشاوندان فرعون هستند.(۳) اگرچه در مورد دوستان و اطرافیان هم اطلاق می شود.

۱- کامل، ج ۲، ص ۲۲۱؛ دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ج ۱، ص ۲۱۸۴ (این حزقیل پیامبر نبوده است) نک: تفسیر نمونه، ج ۲،

ص ۲۱۹.

۲- تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۲۱۹.

۳- تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۸۷.

ص: ۲۱۷

۲. شناسه شغلی و خدماتی مؤمن آل فرعون

۲. شناسه شغلی و خدماتی مؤمن آل فرعون

گفته شده که او نجاری می کرده و جعبه هایی می ساخته است. جعبه ای را هم که حضرت موسی علیه السلام را در نوزادی درون آن گذاشتند و به رود نیل انداختند، او ساخته بود.(۱) همچنین برخی او را پسرعموی فرعون به منزله ولی عهد و عهده دار مسئولیت امنیتی دانسته اند.(۲) بعضی هم او را سرپرست خزانه ها و گنجینه های فرعون می دانند.(۳)

۳. شناسه رفتاری و روانی مؤمن آل فرعون

۳. شناسه رفتاری و روانی مؤمن آل فرعون

بارزترین ویژگی اخلاقی مؤمن آل فرعون، راست گویی و صداقت است. چنان که در این باره پیامبر اسلام می فرماید: «صدیقان سه تن بودند: مؤمن آل یاسین، مؤمن آل فرعون (حزقیل) و علی بن ابی طالب علیه السلام که با فضیلت ترین آنهاست.»(۴) «صدیق» به کسی گفته می شود که در گفتار و وعده های خود هرگز دروغ نگوید.(۵)

۴. شناسه فکری و عقیدتی مؤمن آل فرعون

۴. شناسه فکری و عقیدتی مؤمن آل فرعون

وی فردی موحد و خداپرست بوده، ولی چون دارای منصب حکومتی و از نزدیکان فرعون بوده، ایمان خود را کتمان می کرد و هنگامی که جان موسی علیه السلام از سوی فرعون تهدید می شود، فعالیت جدی خود را آغاز می کند. (غافر: ۲۸) به گونه ای که وقتی وی خداپرستی و ایمانش را آشکار کرد، به همراه جادوگران فرعون که ایمان آورده بودند، به دار آویخته شد.(۶) برخی نیز گفته اند به دستور فرعون، بدنش را قطعه قطعه کردند و او را به شهادت رساندند.(۷)

۱- کامل، ج ۲، ص ۲۲۵.

۲- کامل، ج ۲، ص ۲۲۵؛ دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ج ۱، ص ۲۱۸۴.

۳- تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۵۱۸.

۴- البرهان، ج ۴، ص ۷۵۵.

۵- مفردات الالفاظ القرآن، ص ۴۷۹.

۶- کامل، ج ۲، ص ۲۲۵.

۷- تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۵۲۲.

ص: ۲۱۸

دیگر ویژگی عقیدتی او، ناچیز دانستن دنیا و اعتقاد به آخرت بود، همان گونه که خطاب به قوم خود می فرماید: «یا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَیاهُ الدُّنْیا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَهَ هِی دَارُ الْقَرَارِ؛ ای قوم من! این زندگی دنیا، تنها متاع زودگذری است و آخرت سرای همیشگی است». (غافر: ۳۹)

۵. شناسه تبلیغی

اشاره

۵. شناسه تبلیغی

زیر فصل ها

الف) دعوت به توحید

ب) همراهی با مردم

ج) دعوت به کار خیر و دوری از گناه

الف) دعوت به توحید

الف) دعوت به توحید

یکی از سیره های تبلیغی مؤمن آل فرعون، دعوت مردم به سوی خدا و یکتاپرستی بود. او خطاب به قوم خود می فرمود:

وَیـا قَوْمِ مَـا لِی أَدْعُوکُمْ إِلَی النَّجَـاهِ وَتَـدْعُونَنِی إِلَی النَّارِ تَـدْعُونَنِی لِأَکْفُرَ بِاللَّهِ وَأُشْـرِکَ بِهِ مَا لَیسَ لِی بِهِ عِلْمٌ وَأَنَا أَدْعُوکُمْ إِلَی الْعَزِیزِ الْغَفَّارِ. (غافر: ۴۱ و ۴۲)

ای قوم من! شـما را به سوی نجات دعوت می کنم، اما شما مرا به سوی آتش فرا می خوانید مرا دعوت می کنید، که به خدای یگانه کافر شوم و همتایی که به آن علم ندارم برای او قرار دهم، درحالی که من شما را به سوی خداوند عزیز غفّار دعوت می کنم.

طبق این آیات، مؤمن آل فرعون، دعوت به دین خدا را رهایی و در مقابل، عاقبت اعتقاد به شرک را آتش جهنم می دانست و مردم را با تلاش زیاد به سوی هشیاری فرامی خواند، به همین دلیل، خداوند او را حجت و مایه عبرت «آل فرعون» قرار داده است.(۱)

ب) همراهی با مردم

ب) همراهی با مردم

مؤمن آل فرعون با اینکه ایمان واقعی به موسی علیه السلام داشت، به دلیل رعایت حال مردم و همراهی با آنان، در ظاهر خطاب به آنها می گوید: «وَ إِنْ یکُ صادِقًا یصِبْکُمْ بَعْضُ الّذی یعِدُکُمْ؛ اگر دروغ گو باشد، دروغش دامن خودش را

۱- الکشاف، ج ۴، ص ۱۶۹.

ص: ۲۱۹

خواهد گرفت و اگر راست گو باشد، [دست کم] بعضی عذاب هایی را که وعده می دهد، به شما خواهد رسید». (غافر: ۲۸)

وی در مقابل دشمنان موسی علیه السلام و منکران دعوتش، نیاز داشت تا در ظاهر با آنان مدارا و نرمی کند و راه میانه را برود، و از در خیرخواهی درآید، به گونه ای که زمینه را برای قبول آنان فراهم کند تا هنگامی که پیامی از او شنیدند، آن را رد نکنند.(۱)

ج) دعوت به کار خیر و دوری از گناه

ج) دعوت به کار خیر و دوری از گناه

دیگر سیره تبلیغی مؤمن آل فرعون، دعوت و تشویق آنان به انجام دادن کار خیر و پرهیز از گناه بود. وی خطاب به آنان می فرماید:

مَنْ عَمِلَ سَیِئَهً فَلَا یجْزَی إِلَّا مِثْلَهَا وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّن ذَکرٍ أَوْ أُنثَی وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُوْلَئِک یدْخُلُونَ الْجَنَّهَ یرْزَقُونَ فِیهَا بِغَیرِ حِسَابٍ. (غافر: ۴۰)

هر کسی بدی کند، جز به مانند آن کیفر داده نمی شود، ولی هر کسی کار شایسته ای انجام دهد، خواه مرد یا زن، درحالی که مؤمن باشد، آنها وارد بهشت می شوند و در آن، روزی بی حسابی به آنها داده خواهد شد.

۶. شناسه خانوادگی مؤمن فرعون

۶. شناسه خانوادگی مؤمن فرعون

همسر مؤمن، زنی خداپرست بود که ایمان خود را پنهان می کرد. او آرایشگر دختر فرعون بود. هنگامی که نام خدا را به زبان آورد، دختر فرعون متوجه شد و با پدرش در میان گذاشت. فرعون از او پرسید خدای تو کیست. زن گفت: پروردگار من و تو خداست. فرعون دستور داد، تنور را برای شکنجه او و فرزندانش داغ کردند. آن گاه فرعون، پیش چشم او ابتدا فرزندانش را یک یک در تنور ریخت و سپس آن زن (مؤمن آل فرعون) را در تنور افکند.(۲)

۱- الکشاف، ج ۴، ص ۱۶۳.

۲- بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۱۶۳؛ حیوه القلوب، ج ۱، ص ۶۵۸؛ کامل، ج ۲، ص ۲۷۷.

ص: ۲۲۰

فصل دوم: مردانی که عملکرد منفی داشتند

اشاره

فصل دوم: مردانی که عملکرد منفی داشتند

زیر فصل ها

آزر

فرعون

سامری

قارون

هامان

جالوت

ابولهب

آزر

اشاره

آزر

زیر فصل ها

۱. شناسه اسمی آزر

۲. شناسه شغلی و خدماتی آزر

۳. شناسه فکری و عقیدتی آزر

۴. شناسه تبلیغی آزر

۵. شناسه خانوادگی آزر

۶. شناسه قومی آزر

۱. شناسه اسمی آزر

اشاره

۱. شناسه اسمی آزر

زیر فصل ها

الف) نام آزر

ب) مدت عمر و محل وفات

الف) نام آزر

الف) نام آزر

واژه آزر یک بار در قرآن آمده: «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِیمُ لأَبِیهِ آزَرَ» (انعام: ۷۴) و به صورت «لأبیه» دوازده بار به کار رفته است.(۱)

واژه «آزر» معرّب «آزور» به معنای همواره مشغول خدمت بودن، مشابه کلمه وزیر است و چون او وزیر مورد اعتماد و گرداننده امور نمرود بوده، آزر نامیده شده است.(۲)

ب) مدت عمر و محل وفات

ب) مدت عمر و محل وفات

آزر در ۲۵۰ یا ۲۶۰ سالگی در حرّان، یکی از شهرهای عراق، درگذشت.(۳)

۲. شناسه شغلی و خدماتی آزر

۲. شناسه شغلی و خدماتی آزر

طبق روایتی از امام صادق علیه السلام ، آزر، وزیر و گرداننده دربار نمرود بوده و همچنین او سرپرستی امور بت خانه را از سوی نمرود به عهده داشت.(۴)

۱- نک: انبیاء: ۵۲؛ شعرا: ۷۱؛ صافات: ۸۵؛ مریم: ۴۲.

۲- التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص ۷۶.

۳- بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۴۲؛ کامل، ج ۲، ص ۲۱.

۴- البرهان، ج ۲، ص ۴۳۷.

ص: ۲۲۱

۳. شناسه فکری و عقیدتی آزر

اشاره

۳. شناسه فکری و عقیدتی آزر

زیر فصل ها

الف) مشرك و بت پرست

ب) اطاعت و پیروی از شیطان

الف) مشرک و بت پرست

الف) مشرك و بت پرست

بنابر آیات قرآن، آزر از نظر اعتقادی، فردی گمراه و بت پرست بود و بت هایی را که دارای نقش و نگار بودند، پرستش می کرد،(۱) تا جایی که حضرت ابراهیم علیه السلام خطاب به آذر و قوم خود می فرماید: «مَا هَـٰذِهِ التَّمَاثِیلُ الَّتِی أَنْتُمْ لَهَا عَاکِفُونَ؛ این مجسمه های بی روح چیست که شما آن را پرستش می کنید». (انبیاء: ۵۲)

همچنین موجودات بی جان را که بدون هرگونه توانایی بودند، عبادت می کرد. ازاین رو، ابراهیم علیه السلام خطاب به او می فرماید: «لِمَ تَعْبُدُ ما لا یسْمَعُ وَلا یبْصِرُ وَلا یغْنی عَنْکَ شَیئًا؛ چرا چیزی را می پرستی که نه می شنود و نه می بیند و نه هیچ مشکلی را از تو حل می کند؟» (مریم: ۴۲)

او به اعتکاف و عبادت در کنار بت ها نیز می پرداخت. (شعراء: ۷۱)

ب) اطاعت و پیروی از شیطان

ب) اطاعت و پیروی از شیطان

از دیگر رفتارهای آزر، پیروی از شیطان بوده است. ابراهیم علیه السلام خطاب به او می فرماید: «یا أَبَتِ لا تَعْبُدِ الشّیطانَ إِنّ الشّیطانَ کانَ لِلرّحْمنِ عَصِیا؛ ای پدر! شیطان را پرستش مکن که شیطان نسبت به خداوند رحمان، عصیان گر بود». (مریم: ۴۴)

همچنین آزر تا آخر عمرش ایمان نیاورد و کافر از دنیا رفت.(۲)

۴. شناسه تبلیغی آزر

۴. شناسه تبلیغی آزر

آزر از مبلّغان و مـدافعان سرسـخت آیین بت پرستی بود که در جامعه مشـرک آن روز نفوذ و اعتبار فراوانی داشـته است.(۳) ابراهیم علیه السـلام نیز خطاب به آزر می فرمایـد: «... تَتّخِذُ أَصْـِناماً آلِهَهً إِنّی أراکَ وَقَوْمَکَ فی ضَـلالٍ مُبینٍ؛ آیا بت هایی را معبودان خود انتخاب می کنی؟! من، تو و قوم تو را در گمراهی آشکار می بینم». (انعام:۷۴)

۱- فرهنگ قرآن، ج ۱، ص ۳۰۴.

۲- کامل، ج ۲، ص ۲۱.

۳- فرهنگ قرآن، ج ۱، ص ۳۰۴.

ص: ۲۲۲

۵. شناسه خانوادگی آزر

۵. شناسه خانوادگی آزر

الف) نسب آزر: آزر پسر باعِز پسر تاحُور، پسر اَرغو، پسر فالغ، پسر سالخ، پسر ارفخشد، پسر سام، پسر نوح علیه السلام است.(۱)

ب) فرزندان: برخی ابراهیم علیه السلام را فرزند آزر می دانند و دلیل آن را واژه «أب» در قرآن می گویند. (انعام: ۷۴) علامه طباطبایی، میان واژه «والد» و «أب» فرق گذاشته است و می گوید:

«والد» فقط به پدر صلبی گفته می شود، ولی «أب» بر جد و عمو و جز آن گفته شده و در قرآن هم به کار رفته است. از جمله: « وَاتَّبَعْتُ مِلَّهَ آبَائِی إِبْرَاهِیمَ وَإِسْحَقَ وَیعْقُوبَ؛ آیین پدرانم، ابراهیم و اسحاق و یعقوب را پیروی کردم». (یوسف: ۳۸)

پس با اینکه اسحاق علیه السلام ، جد یوسف و ابراهیم علیه السلام ، جد پدر او به شمار می رود، برای هر یک از این دو، «أب» به کار رفته است. بنابراین می توان گفت: آزر طبق آیات قرآن، پدر حقیقی ابراهیم علیه السلام نبوده، بلکه دارای صفاتی بود که کلمه «أب» درباره او به کار برده شده است. در لغت نیز واژه «أب» برای جد، عمو، شوهر مادر و یا هر صاحب اختیار و بزرگی که از او پیروی می شود، استفاده شده است. (۲)

بیشتر مفسران(۳) و تاریخ نویسان،(۴) نام پدر ابراهیم را تارخ یا تارح خوانده اند. همچنین آنان در اینکه آزر مشرک، پدر ابراهیم نیست، اتفاق نظر دارند و او را پدرِ مادر یا عموی ابراهیم علیه السلام دانسته اند.(۵)

۱- کشف الاسرار، ج ۸، ص ۲۸۵.

۲- المیزان، ج ۷، صص ۱۶۲ ۱۶۵.

۳- مجمع البیان، ج ۴۰۳، ص ۴۹۷.

۴- تاریخ طبری، ج ۲، ص ۱۷۲؛ کامل، ج ۱، ص ۲۷۹.

۵- التبیان، ج ۴، ص ۱۷۵.

ص: ۲۲۳

۶. شناسه قومی آزر

۶. شناسه قومی آزر

قوم آزر، هماننـد خود او مردمی گمراه و مشـرک بودنـد و همواره به عبادت بت ها می پرداختنـد، به گونه ای که بت پرستی آزر و قومش موجب بیزاری ابراهیم از آنان شده بود.(۱)

۱- نک: شعراء:۷۱؛ انعام: ۷۴؛ زخرف: ۴۳.

ص: ۲۲۴

فرعون

اشاره

فرعون

زیر فصل ها

۱. شناسه اسمی فرعون

۲. شناسه جسمی و ظاهری

۳. شناسه شغلی و خدماتی

۴. شناسه رفتاری و روانی فرعون

۵. شناسه فکری و عقیدتی فرعون

۱. شناسه اسمی فرعون

اشاره

۱. شناسه اسمی فرعون

زیر فصل ها

نام فرعون

نام فرعون

نام فرعون

نام فرعون ۶۸ بار در قرآن آمده که در همه موارد، به فرعون زمان موسی علیه السلام توجه دارد. فرعون، نامی اعجمی است(۱) که لقب شاهان قدیم مصر بود.(۲) نام فرعون دوران حضرت موسی علیه السلام ، ولید بن مصعب است که ۱۴۹۱ سال پیش از میلاد مسیح می زیسته است.(۳)

۲. شناسه جسمی و ظاهری

۲. شناسه جسمی و ظاهری

فرعون، کوتاه قامت و چاق بود.(۴)

۳. شناسه شغلی و خدماتی

۳. شناسه شغلی و خدماتی

فرعون، حکومت و شاهی مصر را در زمان حضرت موسی علیه السلام بر عهده داشته. چنان که قرآن می فرماید: «کَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ... فِرْعَوْنُ ذُو ٱلْأَوْتادِ؛ بیش از آنان قوم نوح و عاد و فرعون صاحب قدرت]پیامبران ما را[تکذیب کردند». (ص: ۱۲)

۱- مفردات الالفاظ القرآن، ص ۶۳۲.

۲- دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ج ۲، ۱۵۵۷.

۳- دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ج ۲، ۱۵۵۷.

۴- دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ج ۲، ۱۵۵۷.

ص: ۲۲۵

منظور از «اوتاد» این است که فرعون دارای سپاه فراوانی بوده که به وسیله آنان، پادشاهی خود را مستحکم کرده بود.(۱) برخی نیز گفته انـد: علت اینکه فرعون را «ذوالاوتاد» خوانـده اند، این است که هرگاه خشـمگین می شد و می خواست افراد را مجازات کند، آنان را روی زمین می خواباند، چهار میخ به دست و پاهای آنان می کوبید و آنان را به حال خود رها می کرد تا بمیرند.(۲)

۴. شناسه رفتاری و روانی فرعون

۴. شناسه رفتاری و روانی فرعون

الف) شکنجه گری و نسل کشی: فرعون زمان موسـی علیه السـلام از نظر رفتاری، خشن تر و سنگدل تر و بدرفتارتر از فرعون های قبلی بود. به ویژه زمانی که در خواب دید آتشـی از بیت المقدس آمد و خانه های مصر و قبطیان را سوزاند و خانه های بنی اسرائیل باقی مانـد. در نتیجه، ساحران و کاهنان را دعوت کرد تا خواب او را تعبیر کننـد. آنان گفتند: از بیت المقدس مردی خواهد آمد که نابودی مصر به دست اوست.(۳) به دنبال این خواب، فرعون دسـتور داد زنان را شکنجه کنند و فرزندان پسر را سر برید و دختران را زنده گذارد. (۴)

ب) استکبار: خودبزرگ بینی و استکبار فرعون در برابر حضرت موسی علیه السلام و آیات الهی، از دیگر رفتارهای ناپسند اوست. قرآن نیز از زبان فرعون می فرماید: «فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى؛ و گفت: من پروردگار برتر شما هستم». (نازعات: ۲۴)

در جای دیگر، خداوند علت تکبرورزی وی را «قدرت» و «سلطنت» او می داند. (زخرف:۵۱ و۵۲)

ج) استهزا و خوار شـمردن: دیگر ویژگی رفتاری فرعون، اسـتهزا و تحقیر موسـی علیه السـلام است، چنان که قرآن می فرماید: «فَلَمَّا جَاءهُم بِآيَاتِنَا إِذَا هُم مِّنْهَا يضْحَكونَ؛ ولی هنگامی که او آیات ما را برای آنها آورد، به آن می خندیدند». (زخرف: ۴۷)

۱- مجمع البیان، ج ۷ و۸، ص ۷۲۹.

۲- علل الشرایع، ص ۷۰.

۳- تاریخ طبری، ج ۱، ص ۲۹۷.

۴- نک: بقره: ۴۹؛ اعراف:۱۴۱؛ ابراهیم: ۶.

ص: ۲۲۶

د) رفاه طلبی: فرعون بـا سـاختن کـاخ و خوشنشـینی، همواره به دنبال رفاهطلبی بود. قرآن می فرمایـد: «وَدَمَّرْنَا مَا كانَ يصْـنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كانُواْ يعْرِشُونَ؛ و آنچه از فرعون و فرعونیان (از کاخ های مجلل) می ساختند و آنچه از باغ های داربست دار فراهم ساخته بودند، در هم کوبیدیم!» (اعراف: ۱۳۷)

ه) پیمان شکنی: او یکی از حاکمان پیمان شکن بوده است،(۱) چنان که قرآن می فرماید: «فَلَمّا كَشَفْنا عَنْهُمُ الْعَذابَ إِذا هُمْ ينْكُثُونَ؛ اما هنگامی که عذاب را از آنها برطرف می ساختیم، پیمان خود را می شکستند». (زخرف: ۵۰)

۵. شناسه فکری و عقیدتی فرعون

۵. شناسه فکری و عقیدتی فرعون

الف) مبـارزه بـا توحیـد: پنهـان نگه داشـتن ایمـان از سوی مؤمن آل فرعون و تصـمیم به قتل موسـی از سوی فرعونیان، نشان دهنـده مبارزه آنان با عقاید توحیدی بود، به گونه ای که قرآن می فرماید:

وَقَالَ رَجُلٌ مُّؤْمِنٌ مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أن يقُولَ رَبِّی اللَّهُ. (غافر: ۲۸)

و مرد مؤمنی از آل فرعون که ایمـان خود را پنهـان می داشت، گفت: آیـا می خواهیـد مردی را بکشـید، به خـاطر اینکه می گویـد: پروردگار من «الله» است.

ب) منکر رسـالت پیـامبران: فرعـون، منکر رسـالت موسـی علیـه السـلام و معجزات او بـوده است، به گـونه ای که قرآن می فرمایـد: «كـذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَـادٌ وَفِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَـادِ؛ پیش از آنـان قوم نوح و عـاد و فرعون صـاحب قـدرت، [پیـامبران مـا را] تکـذیب کردند».(۲) (ص: ۱۲)

۱- فرهنگ قرآن، ج ۲۲، ص ۱۶۰.

۲- نک: طه: ۵۶ و ۵۷؛ ق: ۱۳ و۱۴؛ مؤمنون: ۴۵ و ۴۸.

ص: ۲۲۷

سامری

اشاره

سامری

زیر فصل ها

۱. شناسه اسمی سامری

۲. شناسه شغلی و خدماتی

۳. شناسه اخلاقی و رفتاری سامری

۴. شناسه فکری و عقیدتی سامری

۵. شناسه تبلیغی سامری

۶. شناسه جغرافیایی

۱. شناسه اسمی سامری

۱. شناسه اسمی سامری

یکی دیگر از شخصیت های منفی ای که در قرآن از آن نام برده شده، عالم منافقی به نام سامری است. نام اصلی او موس بن ظفر بود.(۱) او شخصیتی عالم و به ظاهر مؤمن به موسی علیه السلام بوده، اما منافق و در پی فرصت بود تا در زمان مناسب، مقاصد خود را اجرا کند. همچنین گفته اند سامری منسوب به «سامر» یا «سامره» است و سامره محلی در فلسطین یا نام قوم و طایفه ای در آن زمان بوده است. سامری از بنی اسرائیل و اصحاب موسی علیه السلام بود که پس از سفر موسی علیه السلام به میقات، به فکر ساختن گوساله زرین افتاد و بنیاسرائیل را به پرستش آن فراخواند.(۲)

۲. شناسه شغلی و خدماتی

۲. شناسه شغلی و خدماتی

سامری با صنعت زرگری آشنا بوده است. ازاین رو، توانسته بود گوساله زرین بسازد. (طه: ۹۵ و ۹۶) همچنین سامری به مجسمه سازی هم آگاهی داشته است.(۳)

برخی نیز او را فال گیر و منجم می داننـد؛ چون در علم نجوم دیـده بود که بنیاسـرائیل دریا را قطع خواهنـد کرد. ازاین رو، او داخل قوم بنی اسرائیل

۱- تاریخ طبری، ج ۱، ص ۳۳۷.

۲- التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۵، صص ۲۰۵و۲۰۶؛ اعلام القرآن، صص ۴۲۹ و ۴۳۰.

۳- المیزان، ج ۱۴، ص ۱۹۷.

ص: ۲۲۸

شد، ولی در اصل از آنان نبود، بلکه اهل قریه ای از موصل بود که گاو را پرستش می کردند.(۱)

۳. شناسه اخلاقی و رفتاری سامری

۳. شناسه اخلاقی و رفتاری سامری

مهم ترین ویژگی اخلاقی سامری، نفاق و فرصت طلبی است. وقتی موسی علیه السلام برای گرفتن احکام تورات به کوه «طور» رفته بود تا حقایق وحی برای او روشن شود و در زمان مقرّر سی روز نیامد، سامری فرصت را مناسب دید و به گمراه کردن مردم پرداخت. از مردم زر و زیورها را جمع کرد و سپس یک مشت خاک (که از سم اسب جبرئیل گرفته بود) روی زر و زیورها ریخت و از آنها گوساله ای ساخت که صدای نعره می زد.(۲) سامری بعد از ساختن گوساله، به مردم گفت: این خدای شما، خدای موسی است. پس بنی اسرائیل اطراف او را گرفتند و به پرستش او پرداختند.(۳) هنگامی که موسی علیه السلام برگشت و گوساله پرستی قوم را دید، لوح را بر زمین انداخت و برادرش «هارون» را مؤاخذه کرد. سپس پیش سامری رفته و گوساله را برداشت و سوزانید، موسی علیه السلام تصمیم گرفته بود سامری را بکشد، ولی به دستور خداوند او را رها و نفرین کرد.(۴) ازاین رو «سامری» به مرضی مبتلا شد که با نزدیک شدن افراد به خود احساس وحشت می کرد و می گفت «لامساس» به من نزدیک نشوید.(۵)

۴. شناسه فکری و عقیدتی سامری

۴. شناسه فکری و عقیدتی سامری

یکی از ویژگی های عقیدتی سامری، این است که او مشرک بود؛ چون گوساله ای را که خود ساخته بود، در کنار خداوند عبادت می کرد، به گونه ای که موسی علیه السلام خطاب به سامری گفت:

۱- اثبات الوصیه، ص ۹۷.

۲- کشف الاسرار، ج ۲، صص ۱۹۸ ۲۴۰؛ المیزان، ج ۱۴، ص ۲۰۱.

۳- کامل، ج ۲، صص ۱۹۸و ۲۴۰.

۴- المیزان، ج ۱۴، ص ۲۰۳؛ کشف الاسرار، ج ۳، ص ۷۴۴؛ کامل، ج ۲، ص ۲۴۴.

۵- المیزان، ج ۱۴، ص ۱۹۷.

ص: ۲۲۹

وَانظُرْ إِلَی إِلَهِک الَّذِی ظَلْتَ عَلَیهِ عَاکفًا لَّنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنسِفَنَّهُ فِی الْیمِّ نَسْفًا (طه: ۹۷)

اکنون بنگر به این معبودت که پیوسته آن را پرستش می کردی، و ببین ما آن را نخست می سوزانیم، سپس ذرات آن را به دریا می پاشیم.

۵. شناسه تبلیغی سامری

۵. شناسه تبلیغی سامری

از آنجا که سامری از موقعیت و جایگاه ممتازی در میان بنی اسرائیل برخوردار بود، در تبلیغات (منفی) نقش مهمی داشته که نمونه برجسته آن، تشویق مردم به گوساله پرستی بوده است.(۱)

۶. شناسه جغرافیایی

۶. شناسه جغرافیایی

سامری در سرزمین مصر زندگی می کرد و جزو بنی اسرائیل شده بود.(۲)

۱- نک: طه:۸۸؛ بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۲۴۶.

۲- تاریخ طبری، ج ۱، ص ۳۳۷.

ص: ۲۳۰

قارون

اشاره

قارون

زیر فصل ها

۱. شناسه اسمی قارون

۲. شناسه شغلی و خدماتی

۳. شناسه رفتاری و روانی قارون

۴. شناسه فکری و عقیدتی قارون

۱. شناسه اسمی قارون

اشاره

۱. شناسه اسمی قارون

زیر فصل ها

الف) نام قارون

ب) زمان وفات

الف) نام قارون

الف) نام قارون

قارون یکی از شخصیت های منفی قرآن است. قارون(۱) را در عبری «قاروج» یا «قُورَح» می گفتند و چون قارون دارای حسن صوری بود و به زیبایی معروف بوده است، او را «منور» می خواندند.(۲)

او پسرعمو یا پسرخاله موسی علیه السلام بوده است. قارون در ابتدا از مال دنیا هیچ بهره ای نداشته، ولی بعدها صاحب مال و منال و

مالک خزانه ها و گنجینه های فراوان شد. ثروت عظیمی از طلا ونقره داشت که حمل کلیدهای آن برای عده ای نیرومند سخت بود و کمر آنان را خم می کرده است.(۳)

ب) زمان وفات

ب) زمان وفات

زمان خسف (به زمین فرو رفتن) قارون، ۳۸۳۲ سال بعد از هبوط آدم علیه السلام است(۴) که به دلیل نفرین حضرت موسی علیه السلام به زمین فرو رفت.

۱- تاریخ حبیب السیر، ج ۱، ص ۹۵.

۲- ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۴۳۴.

۳- منهج الصادقین، ج ۷، ص ۱۲۵.

۴- ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۴۳۴.

ص: ۲۳۱

۲. شناسه شغلی و خدماتی

۲. شناسه شغلی و خدماتی

در قصص قرآن آمده چون قارون از علم و حکمت بهره فراوان داشته، حضرت موسی علیه السلام عهده دار قضاوت در یک بخش و قارون، دادستان بخش دیگر شده بود.(۱) همچنین او علم «کیمیا» می دانسته(۲) و قاری تورات بوده است.(۳) گفته اند که وی به دلیل برخورداری از ثروت فراوان، دستور داده بود تا تختی از زرّ ناب ساخته و آن را بر خیمه خود گذاشته بودند و در آنجا مشغول میهمان نوازی بوده و بیشتر روزگارش را به شوخی و خوش گذرانی می گذرانده است.(۴)

۳. شناسه رفتاری و روانی قارون

۳. شناسه رفتاری و روانی قارون

قارون که دارای ثروت فراوانی شده بود، همواره به خود مغرور بود، چنان که می گفت: «إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَى عِلْمٍ عِندِي؛ این ثروت را به وسیله دانشی که نزد من است، به دست آورده ام». (قصص: ۷۸)

همچنین می گفت چون من راه جمع آوری مال و ثروت را بلدم و در مالکیت و تصرف آن استقلال دارم، می توانم عمرم را در به دست آوردن مقام و ثروت و هر آرزویی، صرف کنم و کسی حق مداخله در کارم را ندارد.(۵) در جای دیگر نیز می گوید چون علم من به تورات بیشتر است مستحق هستم که از نظر جاه و مقام و مال، بر مردم پیشی بگیرم و چون من بیشتر می دانم، به سبب آن اموال زیادی نزد من جمع شده است و یا اینکه چون دانا به گنج یوسف صدیقم، آن را برداشته ام.(۶)

۱- قصه های قرآنی، ص ۲۷۱.

۲- تاریخ حبیب السیر، ج ۱، ص ۹۵؛ حیوه القلوب، ج ۱، ص ۷۱۶؛ منهج الصادقین، ج ۷، ص ۱۲۵.

۳- منهج الصادقین، ج ۷، ص ۱۲۵.

۴- ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۴۳۵؛ کامل، ج ۲، ص ۲۷۶.

۵- المیزان، ج ۱۶، ص ۷۷.

۶- منهجالصادقین، ج ۷، ص ۱۲۵.

ص: ۲۳۲

۴. شناسه فکری و عقیدتی قارون

۴. شناسه فکری و عقیدتی قارون

قارون ابتدا به فضل و تقوا معروف بوده و غیر از حضرت موسی علیه السلام کسی با او برابری نمی کرد، به گونه ای که همواره خدا را عبادت می کرد و توارت را قرائت می کرد. همچنین او جزو هفتاد تن نیکوکاری بود که موسی علیه السلام از میان بنی اسرائیل انتخاب کرده بود تا به «طور سینا» برود و صدای خدا را بشنود، ولی بعدها که صاحب مال و ثروت فراوان شد، به خود مغرور گشت و در مقابل موسی علیه السلام قرار گرفت و با او مخالفت کرد.(۱)

هنگامی هم که حضرت موسی علیه السلام دستور پرداخت زکات را داد، در ابتدا سکوت کرد، ولی بعد از حساب کردن، متوجه شد که در این صورت باید مقدار زیادی زکات دهد. پس به نظرش زیاد آمد و در نتیجه با او به مخالفت برخاست و مردم را علیه او تحریک کرد و گفت: موسی علیه السلام می خواهد مال هایتان را بگیرد. به همین دلیل، قرار گذاشتند به زنی زناکار رشوه دهند و حضرت موسی علیه السلام را به تهمت زناکاری رسوا کنند. ولی آن زن فاسقه نتوانست دروغ بگوید و نقشه آنان را فاش کرد.(۲) در نتیجه، حضرت موسی علیه السلام در حق او نفرین کرد. پس زمین، او و ثروتش را در خود فروبرد.(۳)

۱- کامل، ج ۱، ص ۲۴۵.
۲- تاریخ طبری، ج ۱، صص ۳۵۸ و۳۵۹؛ تاریخ حبیب السیر، ج ۱، ص ۹۵.
۳- تاریخ طبری، ج ۱، صص ۳۵۸ و۳۵۹؛ کامل، ج ۲، ص ۲۷۸.

ص: ۲۳۳

هامان

اشاره

هامان

زیر فصل ها

۱. شناسه اسمی هامان

۱. شناسه اسمی هامان

نام هامان شش بار در قرآن به صورت صریح ذکر شده که چهار بار در کنار فرعون قرار گرفته و به تبه کاری او در زمین و هلاک و غرق شدن او اشاره کرده است.(۱)

۲. شناسه شغلی و خدماتی

۲. شناسه شغلی و خدماتی

هامان، وزیر و مشاور فرعون بوده (غافر: ۳۶) و همواره پیشاپیش سپاه فرعون خدمت می کرده است، به گونه ای که وقتی موسی علیه السلام و یارانش از مصر بیرون می رفتند و فرعون و لشکریان در تعقیب آنان بودند، هامان پیش روی لشکر بود.(۲)

۳. شناسه رفتاری و روانی هامان

۳. شناسه رفتاری و روانی هامان

وقتی فرعون دستور ساختن برج بزرگ را برای اطلاع از خدای موسی داد، هامان به منظور این کار، استادان ماهر و ابزار و وسایلی مانند سنگ و آجر را جمع کرد تا برج بلندی ساخته شود. وقتی فرعون بالای قصر رفت، تیری به

۱- اعلام القرآن، ص ۶۵۹.

۲- کامل، ج ۲، ص ۲۳۴.

ص: ۲۳۴

سوی آسـمان انداخت و گفت: خدای موسی را کشتم. جبرئیل نیز به فرمان خدا قصر را سه پاره کرد و موجب شد هر استاد مزدوری که در ساختن قصر تلاش کرده بود، بر اثر آن هلاک شود.(۱)

۴. شناسه فکری و عقیدتی هامان

۴. شناسه فکری و عقیدتی هامان

هامـان فردی مشـرک و هم عقیـده فرعون بود و او را خـدای خود می دانست، چنان که وقتی موسـی علیه السـلام از جانب خـداوند مأمور به دعوت فرعون شـد (طه: ۴۴)، فرعون گفت بایـد با هامان مشورت کنم. وقتی هامان آمـد، رأی او را زد و گفت: آیا پس از عمری خدایی، اکنون می خواهی بردگی کنی و خدایی را بپرستی که دیدنی نیست؟!(۲)

۱- تاریخ روضه الصفا، ج ۱، صص ۳۱۱ و۳۱۲؛ کامل، ج ۲، ص ۲۲۹.

۲- کامل، ج ۲، ص ۲۲۹.

ص: ۲۳۵

جالوت

اشاره

جالوت

زیر فصل ها

۱. شناسه اسمی جالوت

اشاره

۱. شناسه اسمی جالوت

زیر فصل ها

الف) نام جالوت

الف) نام جالوت

این نام به صورت صریح در قرآن آمده (بقره: ۲۵۱) و داستان نبرد او با داوود علیه السلام در همان سوره ذکر شده است. (بقره:

(۲۵۲ ۲۴۷

نام اصلی جالوت، جلیاث بوده و از اولاد عوج است.(۱)

ب) زمان وفات

ب) زمان وفات

زمان قتل جالوت، ۴۳۶۱ سال بعد از هبوط آدم علیه السلام بوده(۲) که به دست داود علیه السلام کشته شده است.(۳)

۲. شناسه جسمی و ظاهری

۲. شناسه جسمی و ظاهری

او دارای پیکری آراسته و قامتی بسیار بلند بوده است.(۴)

۳. شناسه شغلی و خدماتی

۳. شناسه شغلی و خدماتی

جالوت، شاه «عمالقه» بوده که بر بنی اسرائیل تسلط یافته بود و از آنان جزیه می گرفت و همچنین تورات آنان را گرفته است.(۵)

۱- ناسخ التواریخ، ج ۲، ص ۱۵۱.

۲- ناسخ التواریخ، ج ۲، ص ۱۵۱.

۳- تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۴۸.

۴- اعلام القرآن، ص ۲۷۴.

۵- تاریخ طبری، ج ۲، صص ۳۷۹ و ۳۸۰.

ص: ۲۳۶

۴. شناسه رفتاری و روانی

۴. شناسه رفتاری و روانی

الف) ظلم و ستم: جالوت، حاکمی ستمگر و ظالم بوده، به گونه ای که بر بنی اسرائیل حمله کرده، مردان آنان را کشته و بقیه را از سرزمینی بیرون کرد و زنانشان را به بردگی گرفت.(۱)

ب) فسادگری: از دیگر ویژگی رفتاری جالوت اینکه وجود او در زمین موجب فساد دانسته شده است(۲) و قرآن هم به آن اشاره می کند و می فرماید: «... وَلَوْ لا دَفْعُ اللّهِ النّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ...؛ و اگر خداوند بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نمی کرد، زمین را فساد فرا می گرفت...». (بقره: ۲۵۱)

۵. شناسه فکری و عقیدتی جالوت

۵. شناسه فکری و عقیدتی جالوت

جالوت و سپاهیانش از نظر عقیدتی کافر بودند، چنان که وقتی سپاهیان داود در مقابل سپاهیان (جالوت) قرار گرفتند، گفتند: «... قَالُواْ رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكافِرِينَ؛ پروردگارا! پیمانه شکیبایی و استقامت را بر ما بریز و قدم های مارا ثابت بدار و ما را بر جمعیت کافران، پیروز گردان». (بقره: ۲۵۰)

۶. شناسه جغرافیایی

۶. شناسه جغرافیایی

محل شاهی جالوت، مکانی میان مصر و فلسطین بود که بر بنی اسرائیل حکومت می کرده است.(۳)

۱- حیوه القلوب، ج ۲، ص ۸۸۳.

۲- فرهنگ قرآن، ج ۹، ص ۲۳۸.

۳- کامل، ج ۳، ص ۸.

ص: ۲۳۷

ابولهب

اشاره

ابولهب

زیر فصل ها

۱. شناسه اسمی ابولهب

۲. شناسه جسمی و ظاهری ابی لهب

۳. شناسه رفتاری و روانی

۴. شناسه فکری و عقیدتی ابولهب

۵. شناسه خانوادگی ابولهب

۶. شناسه قومی ابولهب

۷. شناسه حکومتی (زمان ابولهب)

۱. شناسه اسمی ابولهب

اشاره

۱. شناسه اسمی ابولهب

زیر فصل ها

نام ابولهب

نام ابولهب

نام ابولهب

این واژه یک بار در قرآن آمـده است. درباره علت نام گـذاری او گفته اند پدرش او را به سـبب زیبایی و گلگونی چهره، ابی لهب

خوانده است.(۱) به گفته برخی نیز چون عـاقبت او با آتش است، چنین نامیـده شـده است.(۲) اگرچه در میـان مردم، بیشتر «اباعتبه» خطاب می شده است.(۳)

۲. شناسه جسمی و ظاهری ابی لهب

۲. شناسه جسمی و ظاهری ابی لهب

او دارای چهره ای زیبا و دل فریب بوده و گونه های سرخ و برافروخته مانند شعله آتش داشته است.(۴)

۳. شناسه رفتاری و روانی

۳. شناسه رفتاری و روانی

الف) آزار و اذیت پیـامبر: ابولهب به روش هـای گوناگون به آزار و اذیت پیامبر می پرداخت. برای نمونه، ریختن خار و خاشاک بر سر پیامبر، که این کار موجب می شد بنی هاشم خشمگین شوند.(۵)

۱- مجمع البیان، ج ۹ ۱۰، ص ۸۵۲؛ الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۹۳.

۲- الکشاف، ج ۴، ص ۸۱۴.

۳- اعلام القرآن، ص ۵۶.

۴- مجمع البیان، ج ۹ ۱۰، ص ۸۵۲؛ الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۹۳.

۵- تاریخ طبری، ج ۳، ص ۸۶۴.

ص: ۲۳۸

ب) نفرین و دشنام به پیامبر: هنگام دعوت عمومی وقتی پیامبر بالای کوه های صفا و مروه رفت و از مردم خواست تا خدای واحد را پرستش کنند، ابولهب با شنیدن دعوت پیامبر، با واکنش تند و کینه توزی گفت: مرگ و نابودی بر تو باد، آیا به خاطر این سخن ما را در این کوه گردآوردی؟ در همین زمان بود که خداوند در پاسخ او سوره «مسد» را نازل کرد.(۱)

ج) همکاری و همراهی نکردن با مسلمانان: ابولهب در پیمان «صحیفه» بر ضد پیامبر و مسلمانان شرکت کرد و تنها فرد از «بنی عبدالمطلب» بود که در «شعب ابوطالب» نبود. همچنین در جنگ «بدر» که همه اشراف مکه حضور داشتند، شرکت نکرد و به اصرار دیگران، فردی را که چهار درهم از او طلب داشت، (با بخشش پول) به جای خود فرستاد.(۲)

د) متهم کردن پیامبر به جادوگری و دروغ گویی: دشمنی ابولهب با پیامبر به گونه ای بود که از هر فرصتی برای تبلیغ برضد پیامبر استفاده می کرد. وقتی حضرت در «یوم الانذار»، خویشان خود را جمع کرد تا پیام الهی را تبلیغ کند (دعوت خصوصی)، ابولهب با دیدن کرامت های پیامبر که با غذای اندک و شربت آماده به کمک علی علیه السلام همه را سیراب کرد، قبل از اینکه پیامبر شروع به صحبت کند، به او تهمت جادوگری زد و از این طریق مانع انذار حضرت شد.(۳) در جای دیگر نیز برای جلوگیری از نفوذ کلام پیامبر (در دعوت از مردم)، به دنبال او می رفت و دروغ گو خطابش می کرد و او را ساحر می خواند تا مردم را از گرویدن به اسلام بازدارد.(۴)

۱- مجمع البیان، ج ۹ ۱۰، ص ۸۵۱؛ تاریخ طبری، ج ۳، ص ۸۶۴؛ تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۳۸۴.

۲- المغازی، ج ۱، ص ۳۳.

۳- تاریخ طبری، ج ۳، ص ۸۶۶.

۴- مجمع البیان، ج ۷ ۸، ص ۳۲۲.

ص: ۲۳۹

۴. شناسه فکری و عقیدتی ابولهب

۴. شناسه فکری و عقیدتی ابولهب

ابولهب، بت پرست بود و به سیره و سنت خاندان خویش عمل نکرد و از در دشمنی با پیامبر درآمد و جزو دشمنان سرسخت آن حضرت قرار گرفت. او به شیوه های گوناگون به اذیت و آزار پیامبر پرداخت تا آنجا که قرآن از دوزخی شدن ابولهب و مردن او در حال کفر خبر می دهد(۱) و می فرماید: «تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ؛ بریده باد دو دست ابولهب (و مرگ بر او باد)». (مسد: ۱)

۵. شناسه خانوادگی ابولهب

اشاره

۵. شناسه خانوادگی ابولهب

زیر فصل ها

الف) نسب ابولهب

ب) پدر، مادر، برادران و خواهر ابولهب

ج) همسر ابولهب

د) فرزندان ابولهب

الف) نسب ابولهب

الف) نسب ابولهب

ابولهب پسر عبدالمطلب، پسر هاشم، پسر عبدمناف، پسر قصی، پسر کلاب و خود معروف به «اباعتبه» است.(۲)

ب) پدر، مادر، برادران و خواهر ابولهب

ب) پدر، مادر، برادران و خواهر ابولهب

پدر: عبدالمطلب، پدربزرگ پیامبر؛(۳)

مادر: لبنی، دختر هاجر بن عبدمناف، از قبیله «بنی خزاعه»؛(۴)

برادران: حارث، حمزه، عبدالله، عباس، ابوطالب، زبیر، حَجل (که او را غَیداق می گفتند)، مقوم و ضرار؛(۵)

خواهر: عاتکه. صفیه.

ج) همسر ابولهب

ج) همسر ابولهب

همسر ابولهب، اَروی مشهور به «اُم جمیل»، دختر حرب بن امیه و خواهر ابوسفیان بود.(۶)

۱- السیره النبویه، ج ۲، صص ۴۱۵ و۴۱۶.

۲- المعارف، ص ۱۲۵.

۳- مجمع البیان، ج ۹ و۱۰، ص ۸۵۲.

۴- زندگانی حضرت محمد۹، ص ۹.

۵- تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۳۶۴.

۶- مجمع البیان، ج ۹ و۱۰، ص ۸۵۲.

ص: ۲۴۰

د) فرزندان ابولهب

د) فرزندان ابولهب

عَتبه و مَعتَب، دو پسر ابولهب بودند که با دو دختر پیامبر به نام رقیه و ام کلثوم ازدواج کردند. پسران ابولهب در فتح مکه مسلمان شدند و در حُنین از ثابت قدمان بودند.(۱)

۶. شناسه قومی ابولهب

۶. شناسه قومی ابولهب

قوم و قبیله قریش از با نفوذترین قبایل در میان عرب بوده و پس از اسلام تا قرن ها بر جهان اسلام حکومت کرده است. این قبیله که پیامبر هم از میان آنان برخاست، از مشهورترین و با شرافت ترین قبایل عرب شناخته می شد. در میان قریش، طوایف مختلفی بودند که بنی هاشم به پشتوانه هاشم و عبدالمطلب، از برترین طوایف قریش به شمار می رفتند. بالاتر از آن، خاندان عبدمناف که بنی هاشم در شمار آنان بود، موقعیت ممتاز داشتند.(۲) در میان قریش، زندگی به صورت «قبیله ای» بود. هر فردی که قبایل به او تجاوز می کرد، افراد قبیله از او دفاع می کردند.

وقتی اسلام آمد، افرادی که مسلمان شده بودند، در پناه قبیله در امان بودند. چنان که پیامبر از حمایت کامل بنی هاشم (جز ابولهب)، به ویژه ابوطالب، برخوردار بوده است.(۳)

در میان اعراب چون الگوی مردم رئیس قبیله بود، بیشتر رؤسای قبایل نگاهشان به قریش بود و تا وقتی قریش در برابر اسلام مقاومت می کردند، آنها نیز تسلیم نمی شدند.(۴)

۱- تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۲۴.

۲- سیره رسول خدا، ص ۳۱۱.

۳- تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۸۸.

۴- سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله، ص ۳۱۲.

ص: ۲۴۱

۷. شناسه حکومتی (زمان ابولهب)

۷. شناسه حکومتی (زمان ابولهب)

در زمان ابولهب در جزیره العرب هیچ گونه حکومت سیاسی نبوده، بلکه هر قبیله برای خود، حکومت مستقلی داشت. حکومت آنان را می توان «ملوک الطوایفی» دانست. ازاین رو، قدرت آنان پراکنده و بدون رهبری واحد بود. این وضعیت موجب می شد تا قدرتی به نام «امپراتور»، «شاه» یا «قدرت مرکزی» وجود نداشته باشد.

قبایل مختلف، حاکمیت های مستقل از هم داشتند و در میان آنان، درگیری ها و رقابت هایی برای گرفتن امتیاز جریان داشت. نکته دیگر، نبود سلطه خارجی در جزیره العرب بود. چنان که بخش های اصلی آن برخلاف مناطقی چون یمن و عراق و شام که زیر نفوذ یکی از دو قدرت ایران و روم قرار داشت، به اصطلاح منطقه آزاد خوانده می شد.(۱)

۱- سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله، صص ۳۰۹ و ۳۱۰.

ص: ۲۴۲

فصل سوم: زنانی که عملکرد مثبت داشتند

اشاره

فصل سوم: زنانی که عملکرد مثبت داشتند

زیر فصل ها

مریم علیها السلام

اشاره

مریم علیها السلام

زیر فصل ها

۱. شناسه اسمی مریم علیها السلام

۱. شناسه اسمی مریم علیها السلام

مریم، تنها زنی است که نامش به صورت صریح(۱) و ۳۴ بار در قرآن آمده است. او یکی از زنان ممتاز و نمونه تاریخ است که داستان زندگی او در سوره نوزدهم قرآن، به نام خودش بیان شده است. در بیشتر موارد از او به عنوان مادر عیسی علیه السلام یاد

می شود.

مریم، یعنی زن عابد خدمتکار.(۲) علت این نام گذاری نیز چنین است که چون مادر مریم نذر کرده بود اگر فرزندش پسر باشد، او را خدمتکار بیت المقدس کند و هنگامی که دید فرزندش دختر است، ابتدا ناراحت شد و گفت: آنچه من وضع حمل کرده ام، دختر است و نمی توانم نذرم را ادا کنم. خداوند در جواب او گفت: خدا داناتر است از آنچه او زاییده است. بنابراین، مادر مریم متوجه می شود با اینکه نوزادش دختر است، نذر او به درگاه خداوند پذیرفته شده است. (آل عمران: ۳۶) به همین دلیل، نام او را مریم، یعنی خدمتکار گذاشت.

۱- المیزان، ج ۱۳، ص ۱۷۳.

۲- المیزان، ج ۱۳، ص ۱۷۳؛ تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۳۹۶.

ص: ۲۴۳

۲. شناسه رفتاری و روانی

۲. شناسه رفتاری و روانی

الف) مریم مظهر عفاف و پاک دامنی: از برجسته ترین ویژگی های اخلاقی حضرت مریم علیها السلام ، عفت و پاک دامنی اوست، چنان که خداوند در قرآن به این صفت او اشاره می کند و می فرماید: «وَمَرْیمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِی أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِیهِ مِن...؛ و همچنین به مریم، دختر عمران که دامان خود را پاک نگه داشت و ما از روح خود در او دمیدیم...». (تحریم: ۱۲)

همچنین هنگامی که مریم علیها السلام مشغول عبادت بود، فرشته وحی بر او نازل شد. مریم مضطرب و ناراحت، درصدد پوشانیدن خود شد تا مبادا نامحرم به او نظر کند. جوان را موعظه و امر به معروف و نهی از منکر کرد و به او گفت: اگر با تقوایی، دست به این کار نزن. من که دستم بسته است، تو هم دستت را ببند.(۱) عفت و پاکدامنی این بانو به قدری بوده که گفته شده احدی از مردان او را ندیده بود.(۲)

ب) محدثه بودن: از دیگر ویژگی های رفتاری مریم علیها السلام این بود که دارای چنان مقام و منزلتی بود که می توانست فرشته ها را ببیند و با آنان سخن بگوید و سخنان آنان را بشنود.(۳) بنابر آیات، جبرئیل بر مریم نازل می شود و به صورت بشری، با او تکلم می کند و به او مژده می دهد که صاحب پسری خواهد شد، که در گهواره با مردم سخن خواهد گفت و از بندگان شایسته خدا خواهد بود و... .

امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

فاطمه علیها السلام تنها به این علت «محدثه» شد که ملائکه از آسمان فرود می آمدند و همانند مریم، دختر عمران، او را خطاب قرار می دادند و می گفتند: «ای فاطمه، خداوند تو را برگزید و پاک گردانید و بر همه زنان عالم برگزیده است...».(۴)

۱- عبدالله جوادی آملی، زن در آیینه جلال و جمال، ص ۱۲۷.

۲- تفسیر القمی، ج ۳، ص ۲۲۶.

۳- نک: مریم: ۱۷ ۲۱؛ آل عمران: ۴۲ ۴۷.

۴- بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۲۰۶.

ص: ۲۴۴

علامه طباطبایی می فرماید: «لازمه محدثه بودن، دیدن فرشته نیست، اما مریم علیها السلام طبق آیات صریح قرآن، روح را به صورت بشری تمام عیار مشاهده کرده و در حین گفت وگو او را می دیده است».(۱)

ج) مریم از برگزیدگان: دیگر ویژگی مریم علیها السلام ، برگزیده شدن او از جانب خداوند بود، به گونه ای که قرآن در این باره می فرماید:

«...یا مَرْیمُ إِنَّ اللّهَ اصْطَفَاك وَطَهَّرَك وَاصْطَفَاك عَلَى نِسَاء الْعَالَمِینَ ؛ ای مریم! خدا تو را برگزیده و پاک ساخته و بر تمام زنان جهان برتری داده است». (آل عمران: ۴۲)

در این آیه به دو ویژگی اشاره شده است: اول، اصطفا؛ دوم، تطهیر.

«اصطفا» به معنی برگزیدن خالص شیء است، واژه های اصطفا، اختیار و اجتبا به معنای انتخاب یک شیء برگزیده و خوب هستند.(۲)

از دیگر ویژگی های مریم تطهیر است. «طهرک» در این آیه دلالت بر عصمت و پاکی مریم از زشتی ها و گناهان می کند.(۳)

روایتی از امام باقر علیه السلام در این زمینه نقل شده که خطاب به مریم می فرماید: «خداوند، تو را از ذریه انبیا برگزیده و از هر عمل نامشروع، پاک کرده و تو را برای زادن عیسی علیه السلام بدون شوهر انتخاب کرده است».(۴)

۳. شناسه فکری و عقیدتی مریم علیها السلام

۳. شناسه فکری و عقیدتی مریم علیها السلام

الف) تصدیق آیات الهی: قرآن کریم حضرت مریم علیها السلام را به دلیل ایمان و تصدیق کلمات و آیات الهی، جزو صدیقین قرار می دهد و می فرماید: «...وَصَدَّقَتْ بِکلِمَاتِ رَبِّهَا وَکتُبِهِ...؛ او کلمات پروردگار و کتاب هایش را تصدیق کرد». (تحریم: ۱۲)

۱- المیزان، ج ۳، ص ۲۲۱.

۲- لسان العرب، ج ۱۴، ص ۱۳۰.

۳- المیزان، ج ۳، ص ۱۸۸.

۴- تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۳۳۲.

ص: ۲۴۵

و علت اینکه مریم، «صدیقه» است، به خاطر آن نیست که اخبار عادی را تصدیق می کند و آنچه دیگران می پذیرند، او هم می پذیرد، بلکه او چیزی را تصدیق کرد که دیگران باور نداشته اند و دور از ذهن می شمردند و در این زمینه نشانه ای هم نخواست.(۱)

ب) جزو قانتین بودن: دیگر ویژگی مریم علیها السلام که عقیده و تفکر او را نشان می دهد، عبادت و قنوت دائم بود، تا جایی که از نظر ایمان و عشق به خدا، در مرتبه اعلیٰ قرار داشته و این عشق و محبت او به خدا، او را به عبادت می کشاند. به همین دلیل نیز خداوند از او با وصف «قانت» (عبادت و قنوت دائم) یاد می کند و می فرماید: «وَمَرْیمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ... وَکانَتْ مِنَ الْقَانِتِینَ؛ و مریم بنت عمران... از مطیعان فرمان خدا بود». (تحریم: ۱۲)

«قنوت» به معنای خضوع همراه با عبادت است.(۲) به عقیده علامه طباطبایی مریم در زمره مردمی قرار داشت که مطیع وخاضع خداوند بودند، و اگر مریم را جزو «قانتین» آورده، به این جهت بوده است که بیشتر «قانتین»، مردان هستند. بنابراین مریم علیها السلام مطیع امر خدا بوده و در این اطاعت خصوع و تواضع داشته است.

۴. شناسه خانوادگی مریم

اشاره

۴. شناسه خانوادگی مریم

زیر فصل ها

الف) نسب مریم

ب) نام فرزند

الف) نسب مریم

الف) نسب مریم

برخی ایشان را به عمران بن ماشان نسبت می دهند و معتقدند: «بنوماشان، از ملوک بنی اسرائیل و از نسل داوود علیه السلام است».(۳) امام باقر علیه السلام فرمود: «عمران، پیامبر بوده و به سوی قومش و حنه همسر عمران و... فرستاده شده بوده».(۴)

۱- زن در آیینه جلال و جمال، ص ۱۴۶.

۲- التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۹، ص ۳۲۳.

۳- المیزان، ج ۱۹، ص ۳۴۵.

۴- تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۳۵.

ص: ۲۴۶

نام مادر مریم، حنّه بود.(۱) حنّه هشت سال پس از ولادت فرزندش مریم، از دنیا رفت.(۲)

ب) نام فرزند

ب) نام فرزند

نام فرزند حضرت علیها السلام مریم عیسی علیه السلام بوده است.(۳)

نـام خاله مریم: حنانه،(۴) همسـر حضـرت زکریـاست که خداونـد از حنـانه در قرآن به بزرگی یاد کرده و نام او را در کنار زکریا و یحیی آورده است. (انبیاء: ۹۰)

۱- بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۲۲؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۳۴.
۲- تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۳۴؛ بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۲۰۲.
۳- اعلام القرآن، ص ۳۲۷.
۴- بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۲۰۲.

ص: ۲۴۷

ساره

اشاره

ساره

زیر فصل ها

۱. شناسه اسمی ساره

اشاره

۱. شناسه اسمی ساره

زیر فصل ها

الف) نام ساره

الف) نام ساره

ساره، همسر حضرت ابراهیم علیه السلام و مادر اسحاق علیه السلام ،(۱) از زنان عارف به خداست که از او به نیکویی یاد می شود.(۲) گرچه نام او به صورت صریح در قرآن نیامده، با واژه های «إمرَأته» و «اهله» از او یاد شده است.(۳)

ب) زمان و محل وفات

ب) زمان و محل وفات

وفات او، ۳۴۶۳ سال بعد از هبوط آدم علیه السلام بود.(۴) ساره ۱۲۷ سال عمر کرده و محل فوت او در حبرون فلسطین بوده که امروزه به «الخلیل» معروف است. او را در مزرعه ای که ابراهیم علیه السلام خریده بود و بعدها مرقد ابراهیم علیه السلام و اسحاق علیه السلام شد، به خاک سپرده اند.(۵)

۱- مجمع البیان، ج ۷ ۸، ص ۵۵۵.

۲- مجمع البیان، ج ۵ ۶، ص ۲۷۳.

۳- نک: هود: ۷۱؛ ذاریات: ۲۴ ۲۶.

۴- ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۲۲۵.

۵- تاریخ طبری، ج ۱، صص ۲۲۹ و ۲۳۰.

ص: ۲۴۸

۲. شناسه شکلی و ظاهری

۲. شناسه شکلی و ظاهری

از نظر شکلی او از زیباترین زنان در حسن و جمال بوده، چنان که امام صادق علیه السلام فرموده: خداوند ۱۰ چیز را به ۱۰ زن داده و جمال را به ساره زن ابراهیم علیه السلام داده است.(۱)

۳. شناسه رفتاری و روانی

۳. شناسه رفتاری و روانی

الف) محدثه بودن: همان گونه که حضرت ابراهیم علیه السلام با فرشته ها سخن می گوید و بشارت ملائکه را دریافت می کند، همسر او نیز سخن فرشته ها را می شنود و بشارت ملائکه را دریافت می کند.(۲) (هود: ۷۱)

ب) مهاجرت در راه خدا: ساره نخستین زن مهاجری بود که برای حفظ دین و گسترش آیین حنیف به همراه شوهر، شهر بابل را به مقصد شام و فلسطین ترک کرد. از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام روایت شده است: «ساره از ابتدا با ابراهیم علیه السلام در این سفر همراه بوده است».(۳)

۴. شناسه فکری و عقیدتی

۴. شناسه فکری و عقیدتی

ساره اولین کسی بود که به حضرت ابراهیم علیه السلام ایمان آورد و نبوت و رسالت او را تصدیق کرد.(۴)

۱- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۳۴.

۲- زن در آیینه جلال و جمال، ص ۱۵۲.

۳- مجمع البیان، ج ۷ ۸، ص ۴۴۰؛ الکافی، ج ۸، صص ۳۷۰ و ۳۷۱.

۴- مروج الذهب، ج ۱، ص ۳۸.

ص: ۲۴۹

هاجر

اشاره

هاجر

زیر فصل ها

۱. شناسه اسمی هاجر

۲. شناسه جسمی و ظاهری

۳. شناسه فکری و عقیدتی

۱. شناسه اسمی هاجر

اشاره

۱. شناسه اسمی هاجر

زیر فصل ها

الف) نام هاجر

ب) زمان وفات و محل دفن

الف) نام هاجر

الف) نام هاجر

هاجر، دومین همسر حضرت ابراهیم علیه السلام است که در هجرت به فلسطین، فرعون آن زمان، او را به ساره بخشید.(۱)

ب) زمان وفات و محل دفن

ب) زمان وفات و محل دفن

هاجر ۳۴۳۳ سال بعد از هبوط آدم علیه السلام ، در نود سالگی از دنیا رفت و پسرش اسماعیل، جنازه او را در کنار کعبه، در محلی که به حجر اسماعیل معروف است، به خاک سپرد.(۲) برخی گفته اند هاجر قبل از ساره فوت کرده است.(۳)

۲. شناسه جسمی و ظاهری

۲. شناسه جسمی و ظاهری

هاجر کنیزی نکوصورت بود، به گونه ای که ساره او را به ابراهیم علیه السلام بخشید و گفت: زنی زیباست، او را بگیر، شاید خداوند تو را از او فرزندی دهد.(۴)

۱- بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۱۵۵؛ تاریخ طبری، ج ۱، ص ۱۸۴.

۲- ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۲۱۲.

۳- کامل، ج ۲، ص ۷۴.

۴- تاریخ طبری، ج ۱، ص ۱۸۵؛ کامل، ج ۲، ص ۲۵.

ص: ۲۵۰

۳. شناسه فکری و عقیدتی

۳. شناسه فکری و عقیدتی

الف) اعتماد و توکل به خدا: وقتی حضرت ابراهیم علیه السلام ، او و فرزندش را به دستور خدا در سرزمین بی آب و علف تنها گذاشت، هنگام بازگشت، هاجر پرسید: ما را به که می سپاری؟ ابراهیم علیه السلام فرمود: به خدا. هاجر گفت: اگر ما را به خدا می سپاری، او نگهدار ما خواهد بود و هرگز ما را رها و فراموش نمی کند.(۱)

ب) تسلیم در برابر خدا: هنگامی که ابراهیم علیه السلام مأمور به قربانی کردن فرزندش اسماعیل شد، شیطان ابتدا نزد پدر و پسر رفت و مأیوس شد. بنابراین، نزد هاجر آمد و گفت: ابراهیم علیه السلام می خواهد فرزندش را قربانی کند. هاجر گفت: برو، سخن بیهوده نگو. او فرزندش را دوست می دارد و با او مهربان است. شیطان گفت: ابراهیم می پندارد که خدا به او فرمان داد. هاجر گفت: اگر خدا به او فرمان داده، باید تسلیم فرمان وی بود.(۲)

۱- تاریخ طبری، ج ۱، ص ۱۹۳؛ کامل، ج ۲، ص ۱۲۸.

۲- تفسیر نمونه، ۱۹، ص ۱۲۳؛ تاریخ طبری، ج ۱، ص ۲۰۷؛ کامل، ج ۲، صص ۵۰ و ۵۱.

ص: ۲۵۱

آسیه (امرأه فرعون)

اشاره

آسیه (امرأه فرعون)

زیر فصل ها

۱. شناسه اسمی آسیه (إمراه فرعون)

۱. شناسه اسمی آسیه (إمراه فرعون)

یکی از زنان نمونه در قرآن، آسیه است. نام او به صورت صریح نیامده، اما با عنوان «امرأه فرعون» دو بار به کار رفته است.(۱)

۲. شناسه رفتاری و روانی

۲. شناسه رفتاری و روانی

آسیه زنی باهوش و زیرک و دارای شخصیت اثرگذار در میان خانواده فرعون بوده است،(۲) چنان که وقتی موسی علیه السلام را از آب گرفتند و پیش او آوردند، به فرعون گفت: او نور چشم من و توست. او را نکشید. اصرار آسیه در نگهِ داشتن کودک، موجب شد فرعون نگه داری موسی علیه السلام را به آسیه واگذار کند و گفت: می ترسم این کودک از بنی‌اسرائیل و همان کسی باشد که نابودی ما به دست او خواهد بود.(۳) بنابر روایات، آسیه پیش از ایمان آوردن به موسی علیه السلام نیز زنی نیکوکار بوده است.(۴)

۱- نک: تحریم: ۱۱؛ قصص: ۹.

۲- فرهنگ قرآن، ج ۱، ص ۳۶۰.

۳- کامل، ج ۲، صص ۱۹۳و۱۹۴.

۴- تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۱۱۴.

ص: ۲۵۲

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آسیه را در کنار مریم، خدیجه، و فاطمه علیها السلام یکی از چهار زن کامل و برتر عالم و نیز از برترین زنان اهل بهشت شمرده است.(۱)

در جای دیگری، پیامبر، آسیه را به همراه مریم و خدیجه و فاطمه علیها السلام از زنانی می شمرد که به نهایت مراتب کمال رسیده اند.(۲)

همچنین نقل شده که آسیه به همراه حوا، مریم و مادر موسی علیه السلام برای کمک به وضع حمل فاطمه بنت اسد، داخل کعبه شدند و آسیه، علی علیه السلام را بعد از تولد در پارچه ای پیچید.(۳)

۳. شناسه فکری و عقیدتی

۳. شناسه فکری و عقیدتی

الف) ایمان آسیه به خداوند: خداوند آسیه را در کنار مریم و مقدّم بر او، الگوی مؤمنان معرفی می کند و می فرماید: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا اِمْرَأَهَ فِرْعَوْنَ...؛ و برای کسانی که ایمان آورده اند، خدا همسر فرعون را مَثَل آورده...». (تحریم: ۱۱)

آسیه با مشاهده معجزه عصای موسی علیه السلام و غلبه وی بر ساحران، به او ایمان آورد،(۴) ولی ایمان خود را اظهار نمی کرد، تا زمانی که همسر حزقیل آرایشگر دختر فرعون به سبب ایمانش به دست فرعون کشته شد. آن گاه با اعتراض به فرعون و سرزنش وی، ایمان خود را آشکار ساخت.(۵)

ب) استقامت در راه خدا: هنگامی که فرعون از ایمان آسیه باخبر شد، از سران دربار نظرخواهی کرد و گفت: آیا او خدایی جز مرا عبادت می کند؟ همگی فرعون را ستودند و قتل آسیه را پیشنهاد کردند.(۶) فرعون دستور داد

۱- بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲.

۲- مجمع البیان، ج ۹ ۱۰، ص ۴۸۰.

۳- بحارالانوار، ج ۳۵، ص ۱۵.

۴- مجمع البیان، ج ۹ ۱۰، ص ۴۷۹.

۵- کشف الاسرار، ج ۱۰، ص ۴۸۶.

۶- کامل، ج ۲، صص ۲۲۷ و ۲۲۸.

ص: ۲۵۳

آسیه را به زمین میخ کوب کنند و سنگ بزرگی بالای سرش بیاویزند. اگر از ایمانش دست برداشت، به قصر فرعون بازگردد، وگرنه سنگ را بر او افکنند تا بمیرد.(۱) آسیه از ایمان خویش دست برنداشت و از همه جاذبه های زندگی دنیا گذشت و جوار رحمت خداوند را به زندگی در قصر فرعون ترجیح داد و در دعای خود، قرب خداوند و بهشت را طلبید(۲) و گفت: پروردگارا! خانه ای برای من نزد خودت در بهشت بساز، و مرا از فرعون و کاخ او نجات ده و مرا از گروه ستمکاران رهایی بخش. (تحریم: ۱۱)

بانویی که این قدر می فهمد و تقاضای تبرّی و تولّی دارد، فقط نمونه زنان نیست، بلکه نمونه مردم جامعه است(۳) و علت اصلی نمونه و الگو بودن او، آن است که ایمان خود را در کنار فرعون حفظ کرد.(۴)

۴. شناسه خانوادگی

اشاره

۴. شناسه خانوادگی

زیر فصل ها

نسب آسیه

نسب آسیه

نسب آسیه

آسیه، دختر مراحم، پسر عبید، پسر ریان، پسر ولید قبطی، که فرعون زمان یوسف علیه السلام بوده، است.(۵) برخی آسیه را از قبطیان دانسته و گفته اند از قبطیان فقط سه نفر به موسی علیه السلام ایمان آوردند که یکی از آنان آسیه بوده است.(۶) برخی دیگر او را از بهترین زنان بنیاسرائیل، پیامبرزاده و مادر و مددکار مؤمنان معرفی کرده اند.(۷)

۱- جامع البیان، ج ۱۲، ص ۱۱۰.

۲- المیزان، ج ۱۹، صص ۳۴۴ و ۳۴۵.

۳- زن در آیینه جلال و جمال، ص ۱۳۶.

۴- تفسیر القرطبی، ج ۱۸، ص ۱۳۲.

۵- تاریخ طبری، ج ۱، ص ۲۳۱؛ کامل، ج ۲، ص ۱۸۷.

۶- بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۵۱.

۷- مجمع البیان، ج ۷ ۸، ص ۳۷۸.

ص: ۲۵۴

فصل چهارم: زنانی که عملکرد منفی داشتند

اشاره

فصل چهارم: زنانی که عملکرد منفی داشتند

زیر فصل ها

همسر نوح

همسر لوط

همسر ابولهب

همسر نوح

اشاره

همسر نوح

زیر فصل ها

۱. شناسه اسمی همسر نوح

۲. شناسه رفتاری و روانی همسر نوح علیه السلام

۳. شناسه فکری و عقیدتی

۱. شناسه اسمی همسر نوح

۱. شناسه اسمی همسر نوح

نام او به صورت صریح در قرآن نیامده، ولی با عبارت «إمرأه نوح» (تحریم: ۱۰) از او یاد شده است.(۱) نام همسر نوح علیه السلام والهه یا والعه بوده است.

۲. شناسه رفتاری و روانی همسر نوح علیه السلام

۲. شناسه رفتاری و روانی همسر نوح علیه السلام

نمونه بارز رفتار همسر نوح علیه السلام ، خیانت به همسر بوده البته خیانت او هرگز انحراف از جاده عفت نبوده؛ زیرا هرگز همسر هیچ پیامبری آلوده به بی عفتی نبوده است،(۲) بلکه منظور از خیانت، نپذیرفتن مکتب نوح علیه السلام و افشای وحی الهی پیش مشرکان بوده است.(۳)

۳. شناسه فکری و عقیدتی

۳. شناسه فکری و عقیدتی

کفر ورزیدن به خدا و نپذیرفتن توحید، مهم ترین ویژگی عقیدتی همسر نوح علیه السلام بوده است. (تحریم: ۱۰)

۱- تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۳۰۱.

۲- تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۳۰۱.

۳- مجمع البیان، ج ۹ و ۱۰، ص ۴۷۹.

ص: ۲۵۵

همسر لوط

اشاره

همسر لوط

زیر فصل ها

۱. شناسه اسمی همسر لوط

۲. شناسه رفتاری و روانی همسر لوط علیه السلام

۳. شناسه فکری و عقیدتی

۱. شناسه اسمی همسر لوط

۱. شناسه اسمی همسر لوط

نـام او به صورت صـریح در قرآن نیامـده، بلکه با عبارت إمرأه لوط (تحریم: ۱۰) از او یاد شـده است. نام همسـر لوط والهه یا واهله بوده است.(۱)

۲. شناسه رفتاری و روانی همسر لوط علیه السلام

۲. شناسه رفتاری و روانی همسر لوط علیه السلام

الف) خیانت: یکی از رفتارهای همسـر لوط علیه السـلام این است که راه خیانت و نفاق را پیش گرفته بود، چنان که قرآن نه تنها از او به بدی یاد کرده، بلکه او را ضرب المثل و نمونه انسان خیانتکار معرفی کرده است. (تحریم: ۱۰)

در اینجـا منظـور از خیـانت، خیـانت مکتـبی و ایـدئولوژی و فرهنگـی اسـت، بـه همین دلیـل خیـانت کردن به پیـامبر، یعنی بـا دین او بـدرفتاری کردن، و به خـدا خیـانت کردن، یعنی به ایمـان او بـدرفتاری کردن. پس در این آیه منظور از خیانت زن نوح و لوط علیه السلام ، نپذیرفتن مکتبشان است نه خیانت بی عفتی.(۲)

ب) فاش کردن اسـرار خانه: اگر بر حضـرت لوط علیه السـلام وحی می شد یا کسی به او ایمان می آورد، فوری آن را نزد قوم فاش می کرد و اسباب اذیت و آزار پیامبر را فراهم می آورد.(۳)

۱- تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۳۰۱.

۲- زن در آیینه جلال و جمال، صص ۱۳۳ و ۱۳۴.

۳- تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۳۰۱.

ص: ۲۵۶

ج) همکاری با قوم منحرف: دیگر ویژگی رفتاری همسر لوط علیه السلام ، همکاری با قوم منحرف بود، به گونه ای که اگر مهمانی بر لوط علیه السلام وارد می شد، برای باخبر کردن قوم، اگر روز بود، در بالای بام دود می کرد و اگر شب بود، با روشن کردن آتش، اهالی را باخبر می کرد تا با میهمانان عمل زشت (لواط) را انجام دهند.(۱) (هود: ۷۸)

۳. شناسه فکری و عقیدتی

۳. شناسه فکری و عقیدتی

ایمان نداشتن به خداوند و نپذیرفتن مکتب لوط علیه السلام ، از نوع تفکر و عقیده او خبر می داد. قرآن در این باره می فرماید: «فَأَخْرَجْنا مَنْ کانَ فیها مِنَ الْمُؤْمِنینَ؛ ما مؤمنانی را که در شهرها]ی قوم لوط[زندگی می کردند، (قبل از نزول عذاب) خارج کردیم». (ذاریات: ۳۵)

با توجه به این آیه، زن لوط به خدا ایمان نداشته و جزو مؤمنان نبوده، به همین دلیل در شب حادثه، هلاک شده است.

۱- مجمع البیان، ج ۹ ۱۰، ص ۴۷۹.

ص: ۲۵۷

همسر ابولهب

اشاره

همسر ابولهب

زیر فصل ها

۱. شناسه همسر ابولهب

۲. شناسه رفتاری و روانی

۳. شناسه فکری و عقیدتی

۱. شناسه همسر ابولهب

۱. شناسه همسر ابولهب

نام وی به صورت صریح در قرآن نیامده، ولی به صورت إمرأه (مسد: ۴ و ۵) از او یاد شده است. اسم همسر ابولهب، اَروی و کنیه او ام جمیل است. او دختر حُرب بن امیه و خواهر ابوسفیان است.(۱)

۲. شناسه رفتاری و روانی

۲. شناسه رفتاری و روانی

الف) آزار و اذیت پیامبر: یکی از رفتارهای همسر ابولهب، اینکه برای بازداشتن پیامبر از رفتن به نماز، خار و خاشاک را شبانه جمع می کرد و بر سر راه پیامبر می ریخت.(۲) به همین دلیل، قرآن او را حمالهالحطب خوانده است.(۳)

۱- مجمع البیان، ج ۹ ۱۰، ص ۸۵۲؛ التحریر و التنویر، ج ۳، ص ۶۰۵.

۲- نمونه، ج ۲۷، ص ۴۲۱.

۳- السیره النبویه، ج ۱، ص ۳۵۵.

ص: ۲۵۸

ب) سخن چینی: دیگر رفتار همسر ابولهب این است که فردی سخن چین و آتش افروز بوده و برخی گفته اند منظور از حمالهالحطب، سخن چینی کردن است.(۱)

۳. شناسه فکری و عقیدتی

۳. شناسه فکری و عقیدتی

الف) دشمنی با خدا و پیامبر: مهم ترین ویژگی عقیدتی همسر ابولهب، دشمنی با خدا و پیامبر بود؛ چرا که او پیرو ابولهب و دشمن کینه توز و سرسخت پیامبر بوده است.

ب) مشمول نکوهش خدا شدن: خداوند در قرآن، ام جمیل را با دادن صفت هیزم کشی و داشتن گردنبندی از لیف خرما، نکوهش و مذمت کرده است.(۲) (مسد: ۱ ۵) همچنین گفته اند ام جمیل مانند همسرش گرفتار عذاب الهی شد و با همان ریسمان که همواره بر گردن می آویخت، به هلاکت رسید.(۳)

۱- مجمع البیان، ج ۹ ۱۰، ص ۸۵۲.

۲- مجمع البیان، ج ۹ ۱۰، ص ۸۵۲.

۳- تفسیر قرطبی، ج ۲، صص ۱۶۴ و ۱۶۵.

ص: ۲۵۹

فصل پنجم: شخصیت های گروهی

اشاره

فصل پنجم: شخصیت های گروهی

زیر فصل ها

مفهوم شناسی «آل»

الف) گروه ها با عملکرد مثبت

ب) گروه ها با عملکرد منفی

مفهوم شناسی «آل»

مفهوم شناسی «آل»

برای «آل» در قرآن معانی مختلفی به کار رفته است؛ اهل و خانواده، پیروان، شخص و نزدیکان.(۱)

۱. آل به معنای اهل خانواده: (قمر: ۳۴) و (نمل: ۵۶)؛

۲. آل به معنای پیروان بیش از دیگر معانی در قرآن استفاده شده است:(۲) (غافر: ۴۶)؛

۳. آل به معنای شخص: دلیل اینکه از شخص به آل تعبیر می کنند، توجه دادن دیگران به مقام اوست.(۳) مقصود از آل در آیه ۳۳ آل عمران شخص موسی علیه السلام ، هارون علیه السلام ، ابراهیم علیه السلام و عِمران است؛(۴)

۴. آل به معنای نزدیکان خاص: کسانی که از طریق خویشاوندی رابطه خاصی با انسان دارند.(۵) (آل عمران: ۳۳)

۱- التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص ۱۷۶، ذیل واژه «آل».

۲- التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص ۱۷۶، ذیل واژه «آل».

۳- مجمع البیان، ج ۱ ۲، ص ۷۳۴.

۴- مجمع البیان، ج ۱ ۲، صص ۶۱۴ و ۶۱۵، ۷۳۴.

۵- مفردات الالفاظ القرآن، ص ۹۸، ذیل واژه «آل».

ص: ۲۶۰

الف) گروه ها با عملکرد مثبت

اشاره

الف) گروه ها با عملکرد مثبت

زیر فصل ها

آل ابراهیم علیه السلام

آل داوود

آل عمران

آل لوط

آل موسی

آل یعقوب

اصحاب الکهف

آل ابراهیم علیه السلام

اشاره

آل ابراهیم علیه السلام

زیر فصل ها

۱. شناسه اسمی آل ابراهیم علیه السلام

۲. شناسه فکری و عقیدتی آل ابراهیم

۳. شناسه قومی آل ابراهیم

۱. شناسه اسمی آل ابراهیم علیه السلام

۱. شناسه اسمی آل ابراهیم علیه السلام

واژه آل ابراهیم دو بـار در قرآن به کـار رفته است: (آل عمران: ۳۳) و (نساء: ۵۴). علامـه طباطبایی منظور از آل ابراهیم را نزدیکان خاص ابراهیم علیه السلام و کسانی را که به آنها ملحق می شوند، می داند.(۱)

۲. شناسه فکری و عقیدتی آل ابراهیم

۲. شناسه فکری و عقیدتی آل ابراهیم

الف) خداپرستی: آل ابراهیم همواره خدای یکتا را پرسـتش می کردند و در برابر او تسلیم بودند. چنان که وقتی یعقوب علیه السلام هنگام مرگ، از فرزندان خود پرسـید: پس از من چه را می پرستید؟ همگی گفتند: معبود تو و پدرانت، ابراهیم، اسماعیل و اسحاق، معبود یگانه را می پرستیم و در برابر او تسلیم هستیم. (بقره: ۱۳۳)

ب) دوری از بت پرستی: از دیگر عقاید آل ابراهیم، دوری از بت و بت پرستی بوده است. ابراهیم علیه السـلام نیز همواره از خداوند می خواست تا آنان را از پرستش بت ها دور نگه دارد. (ابراهیم: ۳۵)

۱- المیزان، ج ۳، ص ۱۶۵.

ص: ۲۶۱

ج) اهمیت به نماز: آل ابراهیم به خواندن و برپا داشتن نماز اهمیت می دادند و ابراهیم علیه السلام از خداوند خواست که او و فرزندانش را جزو نمازگزاران قرار دهد. (ابراهیم: ۴۰)

۳. شناسه قومی آل ابراهیم

۳. شناسه قومی آل ابراهیم

برخی از ذرّیه ابراهیم علیه السلام نیکوکار و برخی ستمکار بودند. (صافات: ۱۱۳) همچنین بنابر آیات قرآن، برخی هدایت یافته و تعدادی هم فاسق بودند. (حدید: ۲۶)

ص: ۲۶۲

آل داوود

اشاره

آل داوود

زیر فصل ها

شناسه اسمی آل داوود

شناسه اسمی آل داوود

شناسه اسمی آل داوود

واژه آل داوود یک بار در قرآن به کار رفته است. (سبأ: ۱۳) منظور از آل داوود، هشتاد مرد و هفتاد زن بودند که در محراب به عبادت و نماز می ایستادند.(۱)

۱- بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۷۱؛ تفسیر جامع، ج ۵، ص ۴۰۳.

ص: ۲۶۳

آل عمران

اشاره

آل عمران

زیر فصل ها

۱. شناسه اسمی آل عمران

۲. شناسه رفتاری و روانی آل عمران

۳. شناسه فامیلی آل عمران

۱. شناسه اسمی آل عمران

۱. شناسه اسمی آل عمران

واژه آل عمران یک بار در قرآن آمده است. (آل عمران: ۳۳)

اما درباره اینکه منظور از آل عمران چه کسانی هستند، دو دیدگاه وجود دارد:

الف) برخی منظور از آل عمران را دو شخصیت برجسته حضرت مریم علیها السلام و عیسی علیه السلام می دانند.

ب) برخی دیگر، منظور از آل عمران را خود شخص عمران می داننـد. چنان که از شـخص موسـی و هارون به آل تعبیر شده اسـت (بقره: ۲۴۸) که قول اول مشهورتر به نظر می رسد، یعنی منظور از آل عمران، عیسی علیه السلام و مریم است.(۱)

۲. شناسه رفتاری و روانی آل عمران

۲. شناسه رفتاری و روانی آل عمران

«برگزیـدگی» آل عمران، بـارزترین شـناسه رفتـاری آنـان است، چنان که علامه طباطبایی در این باره می فرمایـد: «چون خداونـد از گفتارهـا و نیت هـای قلبی آل عمران آگـاه بود، آنـان را برگزیـد؛ چرا که آنان در گفتار، صادق و در نیت، پاک و خالص بودنـد». (آل عمران: ۳۴)

۱- مجمع البیان، ج ۱ ۲، ص ۷۳۵.

ص: ۲۶۴

۳. شناسه فامیلی آل عمران

۳. شناسه فامیلی آل عمران

برخی مفسران، عمران را پدر موسی و هارون می دانند و برخی دیگر پدر مریم می دانند.

علامه طباطبایی به دلایل زیر، عمران را پدر مریم می داند:

الف) در ادامه سوره آل عمران، سخن از پدر و مادر و فرزند مریم و نیز زکریا، متکفل وی است. پس منظور از عمران باید پدر مریم باشد و اگر مقصود پدر موسی باشد، با آیات این سوره تناسبی ندارد.

ب) در مواردی، از پدر مریم با نام عمران، یاد شده، ولی در هیچ جای قرآن، از پدر موسی به عمران تعبیر نشده است.

ج) این آیه با دیگر آیات که درباره مریم و عیسی علیه السلام است، هماهنگی زیادی دارد.(۱) (انبیاء: ۹۱)

۱- المیزان، ج ۳، ص ۱۶۷.

ص: ۲۶۵

آل لوط

اشاره

آل لوط

زیر فصل ها

۱. شناسه اسمی آل لوط

۲. شناسه فکری و عقیدتی آل لوط

۳. شناسه قومی آل لوط

۱. شناسه اسمی آل لوط

۱. شناسه اسمی آل لوط

این واژه چهار بار در قرآن آمده است.(۱) برخی منظور از آل لوط را خویشاوندان ویژه و عشیره لوط می دانند(۲) و برخی منظور از آل لوط را شخص لوط و دختران او می دانند.(۳) همچنین گفته شده منظور از آل لوط، دو دختر و همسر مؤمن لوط (نه همسر کافر) است.(۴)

۲. شناسه فکری و عقیدتی آل لوط

اشاره

۲. شناسه فکری و عقیدتی آل لوط

زیر فصل ها

الف) ایمان به خداوند و اعتقاد به اسلام

ب) شکرگزاری

ج) پاک دامنی

الف) ایمان به خداوند و اعتقاد به اسلام

الف) ایمان به خداوند و اعتقاد به اسلام

این مسئله تنها عامل نجات آل لوط از عذاب الهی بود، همان گونه که قرآن می فرماید: «فَأَخْرَجْنا مَنْ کانَ فیها مِنَ الْمُؤْمِنینَ؛ ما مؤمنانی را که در شهرها (ی قوم لوط) زندگی می کردند، (قبل از نزول عذاب) خارج کردیم». (ذاریات: ۳۵)

۱- نک: حجر: ۵۹ ۶۱؛ نمل: ۵۶؛ قمر: ۳۴ و ۳۵.

۲- مجمع البیان، ج ۵ ۶، ص ۵۲۴.

۳- المیزان، ج ۸، ص ۱۸۴.

۴- کشف الاسرار، ج ۵، ص ۳۲۳.

ص: ۲۶۶

ب) شکرگزاری

ب) شکرگزاری

شکرگزاری آل لوط به درگاه خدا، موجب شد آنان از عذاب نازل شده بر قومش رهایی یابند: «نِعْمَةً مِنْ عِنْدِنا کَذلِکَ نَجْزی مَنْ شَکَر؛ این نعمتی بود از ناحیه ما. این گونه هر کسی را که شکر کند، پاداش می دهیم». (قمر: ۳۵)

ج) پاک دامنی

ج) پاک دامنی

آل لوط انسان هایی پاک و وارسته بودند، چنان که قرآن می فرماید: «... اِنّهُمْ أُناسٌ یتَطَهّرُونَ؛ اینها مردمی هستند که پاک دامنی را می طلبند». (اعراف: ۸۲)

یعنی آنان مردمی هستند که از گناهان زشت و پلید دوری می جویند.(۱)

۳. شناسه قومی آل لوط

۳. شناسه قومی آل لوط

مبارزه لوط با برنامه های ضد اخلاقی قوم خود، سبب اخراج وی و همراهانش از دیارشان شده بود(۲) و این مسئله، یکی از شیوه های رایج میان قوم لوط بوده است، به گونه ای که آنان خطاب به حضرت لوط علیه السلام گفتند: «لَئِنْ لَمْ تَنْتَهِ یا لُوطُ لَتَکُونَنّ مِنَ الْمُخْرَجینَ؛ ای لوط! اگر (از این سخنان) دست برنداری، به یقین از اخراج شدگان خواهی بود». (شعراء: ۱۶۷)

تعبیر «من المخرجین» می رساند که پیش از لوط علیه السلام ، افرادی دیگر تبعید و از شهر اخراج شده بودند(۳) این واژه در جای دیگر قرآن هم آمده است: «أَخْرِجُوا آلَ لُوطٍ مِّن قَرْیتِکُمْ؛ آل لوط را از قریه خود بیرون کنید». (نمل: ۵۶)

۱- جوامع الجامع، ج ۱، ص ۴۵.

۲- نک: اعراف: ۸۰ ۸۲؛ نمل: ۵۴ و ۵۶.

۳- المیزان، ج ۱۵، ص ۳۱۰.

ص: ۲۶۷

آل موسی

اشاره

آل موسی

زیر فصل ها

۱. شناسه اسمی آل موسی

۱. شناسه اسمی آل موسی

واژه آل موسی یک بار در قرآن به کار رفته است. (بقره: ۲۴۸)

البته مراد از آل موسی، خود موسی علیه السلام است که برای احترام، با چنین تعبیری از او یاد می شود.(۱) برخی دیگر، منظور از آل موسی را خود موسی علیه السلام و خواص خاندان او می دانند.(۲)

۲. شناسه رفتاری و روانی آل موسی

۲. شناسه رفتاری و روانی آل موسی

یکی از فضایل آل موسی، برگزیدگی آنان برای نبوت است:(۳) «وَاجْتَبَيْنَاهُمْ وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ؛ برگزیدیم و آنان را به راه راست هدایت کردیم». (انعام: ۸۷)

۱- مجمع البیان، ج ۱و۲، ص ۶۱۴.

۲- المیزان، ج ۲، ص ۲۹۱.

۳- مجمع البیان، ج ۳ ۴، ص ۵۱۳.

ص: ۲۶۸

آل یعقوب

اشاره

آل یعقوب

زیر فصل ها

۱. شناسه اسمی آل یعقوب

۲. شناسه فکری و عقیدتی آل یعقوب

۱. شناسه اسمی آل یعقوب

۱. شناسه اسمی آل یعقوب

عبارت آل یعقوب، دو بار در قرآن آمده است.(۱) برخی منظور از آل یعقوب را برادران یوسف می دانند.(۲) علامه طباطبایی، افزون بر برادران یوسف، آل یعقوب را شامل یعقوب و همسرش نیز دانسته است.(۳) برخی دیگر منظور از آل یعقوب را تمام خانواده یعقوب علیه السلام اعم از فرزندان و غیر فرزندان، دانسته اند.(۴)

۲. شناسه فکری و عقیدتی آل یعقوب

۲. شناسه فکری و عقیدتی آل یعقوب

آل یعقوب انسان های یکتاپرست بودند. حضرت یعقوب علیه السلام همواره به فرزندان خود پیروی از آیین توحیدی را سفارش می کرد و بعد از مرگ خود نیز به فکر عقاید و باورهای دینی فرزندانش بوده است، یعنی فرزندان یعقوب پس از وی نیز بر دین حنیف ابراهیم علیه السلام باقی ماندند. (بقره: ۱۳۲ و ۱۳۳)

۱- نک: یوسف: ۶؛ مریم:۶.

۲- مجمع البیان، ج ۵ ۶، ص ۳۲۱؛ کشف الاسرار، ج ۵، ص ۸.

۳- المیزان، ج ۱۱، ص ۸۲.

۴- مجمع البیان، ج ۱ ۲، ص ۴۰۰.

ص: ۲۶۹

اصحاب الکهف

اشاره

اصحاب الکهف

زیر فصل ها

۱. شناسه اسمی اصحاب الکهف

۲. شناسه فکری و عقیدتی اصحاب کهف

۳. سیره تبلیغی

۴. شناسه حکومتی اصحاب کهف

۱. شناسه اسمی اصحاب الکهف

اشاره

۱. شناسه اسمی اصحاب الکهف

این واژه به صورت صریح در قرآن آمده و سوره هجدهم نیز به نام «کهف» نامگذاری شده است. ماجرای اصحاب کهف، در آیات ۹ تا ۲۷ سوره کهف آمده است.

اصحاب کهف، جوانان مؤمنی بودند که از آیین بت پرستی دوران خویش بیزاری جستند و با پناه بردن به غار، از خداوند درخواست هدایت کردند، پس خداوند، آنان را به مدت طولانی به خواب عمیقی مانند مرگ فروبرد.(۱)

الف) نام دیگر اصحاب کهف

الف) نام دیگر اصحاب کهف

اصحاب «رقیم» نام دیگر اصحاب کهف است.(۲) (کهف: ۹) در برخی از روایات شیعی نیز اصحاب کهف و رقیم، گروه واحدی معرفی شده اند که نام و سرگذشت آنان، در لوحی نوشته شده است.(۳) «رقیم» در لغت به معنای خط و نوشته برجسته است.(۴)

۱- بحارالانوار، ج ۱۴، صص ۴۱۴ و ۴۱۵.

۲- برای دیدن قول های مختلفی در این زمینه نقل شده است، رجوع شود به: مجمع البیان، ج ۶ ۵، ص ۶۹۷.

۳- تفسیر القمی، ج ۲، ص ۳۱؛ بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۴۲۶.

۴- مفردات الالفاظ القرآن، ص ۳۶۲، ذیل واژه «رقم».

ص: ۲۷۰

ب) زمان و محل حادثه

ب) زمان و محل حادثه

برخی ماجرای اصحاب کهف را مربوط به زمان پس از بعثت حضرت عیسی علیه السلام می دانند که ایشان بر شریعت او بودند.(۱) علامه طباطبایی می فرماید: «طبق آیه نخست داستان اصحاب کهف (آیه ۹) این ماجرا پیش از نزول آیات در بین مردم مطرح بوده و آن را از عجایب می شمردند».(۲)

غار کهف، نزدیک پایتخت اردن، یعنی شهر امان و در نزدیکی روستای رجیب قرار دارد. بر بالای این غار، صومعه ای دیده می شود که مربوط به قرن پنجم میلادی است. پس از آنکه مسلمانان آن را فتح کردند، به مسجد تبدیل شد. اطراف این غار از دو سمت شرقی و غربی باز است و آفتاب بر آن می تابد. ورودی غار در سمت جنوب قرار دارد و در داخل آن هفت یا هشت قبر هست.(۳) برخی نیز محل وقوع حادثه را شهر افسوس می دانند و می گویند غار در همان جا قرار دارد. افسوس از شهرهای معروف آسیای صغیر، ترکیه کنونی است.(۴)

علامه طباطبایی بنا بر آیه قرآن (کهف: ۱۷)، نظر اول را صحیح می داند؛ چراکه نور خورشید هنگام طلوع، بر سمت راست غار و هنگام غروب، بر سمت چپ آن می تابید. بنابراین باید ورودی غار در سمت جنوب باشد، درحالی که درِ ورودی در شهر اِفسوس، به سمت شمال شرقی بوده است.(۵)

ج) زمان خواب

ج) زمان خواب

مدت زمان خواب اصحاب کهف، سیصد و یا ۳۰۹ سال است.(۶) (کهف: ۲۵) علامه می فرماید:

۱- تاریخ طبری، ج ۲، ص ۵۴۸.

۲- المیزان، ج ۱۳، ص ۲۴۴.

۳- المیزان، ج ۱۳، ص ۲۴۴؛ نمونه، ج ۱۲، ص ۴۰۱.

۴- تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۴۰۰.

۵- المیزان، ج ۱۳، صص ۲۹۶ و ۲۹۷.

۶- به ترتیب، بر حسب سال شمسی و قمری ذکر شده است (بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۴۳۱).

ص: ۲۷۱

آنان بلافاصله بعد از ورود به غار، در خواب فرو رفتند و خداوند آنان را طوری قرار داده بود که هر کسی به آنان نگاه می کرد، آنان را بیدار می دید، درحالی که خواب بودند، یعنی چشمان اصحاب کهف هنگام خواب باز بوده است و منظره رعب انگیزی داشته است.(۱) (کهف: ۱۸)

۲. شناسه فکری و عقیدتی اصحاب کهف

۲. شناسه فکری و عقیدتی اصحاب کهف

الف) ایمان به خدا: اصحاب کهف، افراد موحد و مؤمنی بودند که بر یکتاپرستی و خداجویی تأکید کردند و گفتند: «... رَبّنا رَبّ السّماواتِ وَ الْأَرْضِ لَنْ نَدْعُوَا مِنْ دُونِهِ إِلهًا لَقَدْ قُلْنا إِذًا شَطَطًا؛ پروردگار ما، پروردگار آسمان و زمین است. هرگز غیر او معبودی را نمی خواهیم که اگر چنین کنیم، سخنی به گزاف گفته ایم». (کهف: ۱۴)

علامه طباطبایی می فرماید:

اینان در ابتدا محلی داشتند که دستور عبادت و پرستش بت ها از آنجا صادر می شد و اعضای آنجا ایشان را مجبور به بت پرستی نموده و از عبادت خدا بازمی داشتند و حتی خداپرستان را شکنجه می کردند. در این شرایط، اصحاب کهف برخاسته و علناً مخالفت خود را با این کار اعلام کرده و از مجلس بیرون می روند.(۲)

ب) دوری از شرک و بت پرستی: آنان به دلیل بت پرستی قوم خود و عبادت کورکورانه شان در برابر بت ها، اندوهگین شدند و خطاب به آنان گفتند: «هؤُلاءِ قَوْمُنَا اتّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَهً لَوْ لا یأْتُونَ عَلَیهِمْ بِسُلْطانٍ بَینٍ...؛ این قوم ما هستند که معبودهایی جز خدا انتخاب کرده اند، چرا دلیل آشکاری بر این کار نمی آورند». (کهف: ۱۵)

۱- المیزان، ج ۱۳، صص ۲۵۵و۲۵۶.

۲- المیزان، ج ۱۳، صص ۲۵۵و۲۵۶.

ص: ۲۷۲

ج) امید به رحمت الهی: اصحاب کهف بـا اینکه تعدادشان کم بود و هیچ حامی و پشتیبانی نداشتند، با ایمان و اعتقاد و توکل به خدا پیش رفتند و همواره از یاد خدا و امید به رحمت او غافل نبودند، چنان که هنگام پناه بردن به غار، می گفتند: «... رَبّنا آتِنا مِنْ لَدُنْکَ رَحْمَهً وَ هَیی لَنا مِنْ أَمْرِنا رَشَدًا؛ پروردگارا! ما را از سوی خودت رحمتی عطا کن، و راه نجاتی برای ما فراهم ساز». (کهف: ۱۰)

۳. سیره تبلیغی

اشاره

۳. سیره تبلیغی

زیر فصل ها

الف) قیام بر علیه پادشاه زمانه

ب) هجرت

الف) قیام بر علیه پادشاه زمانه

الف) قیام بر علیه پادشاه زمانه

اصحاب کهف در جامعه ای رشد کرده بودند که پر از ظلم و ستم بود. ازاین رو قاطعانه تصمیم به مقابله گرفتند و قیام خود را آغاز کردند و بر همان چیزی پا فشردند که شاه از آن می هراسید و درصدد محو آن بود. آنان بدون ترس بر یکتاپرستی و نفی شرک قیام کردند، درحالیکه جانشان در خطر بود، به گونه ای که قرآن می فرماید: «وَرَبَطْنَا عَلَی قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا...؛ و دل هایشان را محکم ساختیم، در آن موقع که قیام کردند». (کهف: ۱۴)

ب) هجرت

ب) هجرت

اصحاب کهف هنگامی که خود را در فشار و خفقان حکومت گرفتار دیدند، هجرت را برگزیدند. قرآن نیز خطاب به آنان می فرماید:

وَإِذِ اعْتَزَلْتُمُوهُمْ وَمَا یعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأْوُوا إِلَی الْکَهْفِ ینشُرْ لَکُمْ رَبُّکُم مِّن رَّحمته ویهَیئْ لَکُم مِّنْ أَمْرِکُم مِّرْفَقًا. (کهف: ۱۶)

هنگامی که از آنان و آنچه جز خدا می پرستید کناره گیری کردید، به غار پناه برید که پروردگارتان (سایه) رحمتش را بر شما می گستراند و در این امر، آرامش برای شما فراهم می سازد.

ص: ۲۷۳

شاه، مأمورانی را بر دروازه شهر گذاشته بود تا هر کس هنگام بیرون رفتن از شهر، نخست به بت ها سجده کند، ولی این گروه به عنوان شکارچی از شهر خارج شدند.(۱)

۴. شناسه حکومتی اصحاب کهف

۴. شناسه حکومتی اصحاب کهف

در زمان اصحاب کهف، طاغوتی به نام دقیانوس (دقیوس) به عنوان امپراتور، در کشور پهناور روم حکومت می کرد. او فردی مغرور و جاه طلب بود و خود را خدای مردم می دانست و آنان را به بت پرستی و پرستش خود دعوت می کرد و هر کس نمی پذیرفت، او را اعدام می کرد. او شش وزیر داشت؛ سه نفر در جانب راست او به نام های تملیخا، مکسملینا و میشیلنیا و سه نفر در جانب چپ او به نام های مرنوس، دیرنوس و شاذریوس که دقیانوس در امور کشور با آنان مشورت می کرد.(۲)

در واقع، مردم در زمان دقیانوس، آزادی دینی نداشتند.(۳) به همین دلیل، قرآن به این نکته اشاره می کند که اگر آنان از وضع شما آگاهی یابند، دین داران را سنگ سار یا مجبور به بازگشت از آیین خود می کنند. (کهف: ۲۰)

۱- المیزان، ج ۱۳، ص ۲۵۳.

۲- بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۴۱۴؛ ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۳۶۱.

۳- فرهنگ قرآن، ج ۳، ص ۴۵۲.

ص: ۲۷۴

ب) گروه ها با عملکرد منفی

اشاره

ب) گروه ها با عملکرد منفی

زیر فصل ها

آل فرعون

اصحاب الرّس

اصحاب السَبت

اصحاب الأیکه

اصحاب الجنه (صاحبان باغ سوخته)

اصحاب القریه

اصحاب اخدود

اصحاب الفیل

آل فرعون

اشاره

آل فرعون

زیر فصل ها

۱. شناسه اسمی آل فرعون

۲. شناسه رفتاری و روانی آل فرعون

۳. شناسه فکری و عقیدتی آل فرعون

۴. شناسه قومی آل فرعون

۱. شناسه اسمی آل فرعون

۱. شناسه اسمی آل فرعون

واژه آل فرعون سیزده بار در قرآن آمده است. مقصود از آل فرعون، قوم، هم کیشان، هم فکران و پیروان فرعون هستند.(۱) چنان که قارون از بنیاسرائیل و قوم موسی علیه السلام بوده، ولی در ردیف فرعون و هامان و آل فرعون قرار گرفته است. (غافر: ۲۴)

۲. شناسه رفتاری و روانی آل فرعون

اشاره

۲. شناسه رفتاری و روانی آل فرعون

زیر فصل ها

الف) خودپسندی

ب) کوشش آل فرعون برای استضعاف مردم

ج) استهزاء

د) شکنجه گری و نسل کشی آل فرعون

ه) دنیاپرستی آل فرعون

و) لجاجت

الف) خودپسندی

الف) خودپسندی

یکی از رفتارهای زشت آل فرعون، خودپسندی بوده و قرآن نیز در این باره چنین گفته است:

فَإِذَا جَاءتْهُمُ الْحَسَنَةُ قَالُواْ لَنَا هَذِهِ وَإِن تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يطَّيَّرُواْ بِمُوسَى وَمَن مَّعَهُ ؛ (اعراف: ۱۳۱)

هنگامی که نیکی (و نعمت) به آنها می رسید، می گفتند: به خاطر خود ماست، ولی موقعی که بدی و بلا به آنها می رسید، می گفتند: از شومی موسی و کسان اوست... .

خداونـد در جواب آنان می فرمایـد: «شومی و برکت را خـدا می آورد و اگر گرفتار شومی می شوند، به دلیل عِقابی است که انجام داده اند».(۲)

۱- جامع البیان، ج ۱، ص ۳۸۵.

۲- مجمع البیان، ج ۴، ص ۷۱۹.

ص: ۲۷۵

ب) کوشش آل فرعون برای استضعاف مردم

ب) کوشش آل فرعون برای استضعاف مردم

آل فرعون، بنیاسرائیل را آزار می دادند و مملوک خویش می کردند. همچنین با تقسیم آنان به گروه های مختلف، هر گروه را به کاری برای خود مجبور می ساختند. افراد ضعیف و ناتوان را نیز به پرداخت جزیه وادار می کردند.(۱) (اعراف: ۱۳۷)

ج) استهزاء

ج) استهزاء

از دیگر رفتارهای آل فرعون، استهزاء و تمسخر بوده است، به گونه ای که وقتی موسی علیه السلام با معجزه نزد آنان آمد، به مسخره خندیدند (زخرف: ۴۷) و گفتند: هر معجزه و نشانه ای بیاوری، باز ما به تو ایمان نمی آوریم. (اعراف: ۱۳۲)

خنده آنان به منظور مسخره کردن و خوار شمردن آیات الهی بوده است.(۲)

د) شکنجه گری و نسل کشی آل فرعون

د) شکنجه گری و نسل کشی آل فرعون

آل فرعون همواره بنیاسرائیل را با شکنجه های سخت و طاقت فرسا آزار و اذیت می کردند (بقره: ۴۹)، پسرانشان را سر می بریدند و زنانشان را زنده نگه می داشتند.(۳)

ه) دنیاپرستی آل فرعون

ه) دنیاپرستی آل فرعون

آل فرعون با تکیه بر مال و اولاد، احساس بی نیازی از خدا را داشتند.(۴) (آل عمران: ۱۰ و ۱۱)

و) لجاجت

و) لجاجت

آل فرعون هنگام نزول عذاب های پنج گانه،(۵) از موسی علیه السلام می خواستند که دست به دعا بردارد تا عذاب از آنان برطرف شود. چون عذاب برداشته می شد، اعمال تباه خود را از سر می گرفتند.(۶) (اعراف: ۱۳۴)

۱- جامع البیان، ج ۱، ص ۳۸۷.

۲- المیزان، ج ۱۸، ص ۱۰۹.

۳- نک: اعراف: ۱۴۱؛ ابراهیم: ۶.

۴- فرهنگ قرآن، ج ۱، ص ۳۸۰.

۵- عذاب های پنج گانه شامل توفان، ملخ، کنه ریز، قورباغه و خول (اعراف: ۱۳۳).

۶- المیزان، ج ۸، ص ۲۲۷.

ص: ۲۷۶

علامه طباطبایی در این باره می فرماید: «نزول پی در پی عذاب ها، الهی بودن و اتفاقی نبودن آنها، به بنیاسرائیل می رساند که آن را تصادفی نپندارند، بلکه هشدارهایی جدی از سوی خداوند بشمارند و از لجاجت و انکار دست بردارند».(۱)

۳. شناسه فکری و عقیدتی آل فرعون

۳. شناسه فکری و عقیدتی آل فرعون

با اینکه آل فرعون به حقانیت دین موسی یقین داشتند، ولی به دلیل تکبر، نشانه ها و معجزه های الهی را سحر می پنداشتند و آن را نمی پذیرفتند. (نمل: ۱۳ و ۱۴)

۴. شناسه قومی آل فرعون

۴. شناسه قومی آل فرعون

قرآن از کسانی که هم فکر و هم رأی با فرعون بودند، با تعابیر «قوم» ۲۷ بار یاد کرده است. برای مثال، آیاتی مانند: «یقْدُمُ قَوْمَهُ یوْمَ الْقِیامَهِ...» (هود: ۹۸) و آیه «وَ أَغْرَقْنا آلَ فِرْعَوْنَ...» (بقره: ۵۰) بیان می کند که منظور از آل فرعون، همان قوم فرعون است، همان گونه که قرآن کشتن پسران بنی اسرائیل و ستم به آنان را گاهی به فرعون، (قصص: ۴) گاهی به آل فرعون (بقره: ۴۹) و گاه به قوم فرعون (اعراف: ۱۲۷) نسبت داده است.

دلیل اهمیت دادن قرآن به سرگذشت قوم فرعون، از این جهت است که بسیاری از سنت هایی که خداوند در قرآن به صورت کلی بیان کرده، در داستان آل فرعون آشکارا و جزئی بیان شده است. در واقع، قرآن آنان را برای آیندگان عبرت قرار می دهد(۲) و می فرماید: «فَجَعَلْناهُمْ سَلَفًا وَ مَثَلًا لِلْآخِرِینَ؛ و آنها را پیشگامان (در عذاب) و عبرتی برای آیندگان قرار دادیم». (زخرف: ۵۶)

۱- المیزان، ج ۸، ص ۲۲۷.

۲- المیزان، ج ۱۸، ص ۱۱۱.

ص: ۲۷۷

اصحاب الرّس

اشاره

اصحاب الرّس

زیر فصل ها

۱. شناسه اسمی اصحاب الرّس

۲. شناسه رفتاری اصحابالرّس

۳. شناسه قومی اصحابالرّس

۱. شناسه اسمی اصحاب الرّس

اشاره

۱. شناسه اسمی اصحاب الرّس

قرآن دو بار از اصحابالرّس، تنها به عنوان قومی که در پی تکذیب پیامبر خویش، با عذاب الهی نابود شدند، یاد کرده است،(۱) ولی در مورد زمان و مکان زندگی آنان گزارشی نداده است.

رس در لغت به معنی دفن کردن مرده یا چاه کهنه است.(۲) به نشانه و اثر جزئی که از چیزی باقی مانده باشد نیز رس گفته می شود.(۳) برخی آن را به معنای استوار کردن به کار برده اند.(۴)

زمان زندگی اصحاب الرّس

زمان زندگی اصحاب الرّس

برخی معتقدند اصحابالرّس، از نظر تاریخی نزدیک به زمان قوم عاد و ثمود زیسته اند.(۵) (فرقان: ۳۸)

۱- نک: فرقان: ۲۵ و ۳۸؛ ق: ۱۲ و ۵۰.

۲- لسان العرب، ج ۵، ص ۲۱۰.

۳- مفردات الالفاظ القرآن، ص ۳۵۲، ذیل واژه «رس».

۴- التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۴، ص ۱۰۹، ذیل واژه «رس».

۵- التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۴، ص ۱۱۰؛ المیزان، ج ۱۵، ص ۲۱۸.

ص: ۲۷۸

۲. شناسه رفتاری اصحاب‌الرّس

۲. شناسه رفتاری اصحاب‌الرّس

اصحاب‌الرّس، از نظر رفتاری فاسد بودند، چنان که هم جنس گرایی و هم جنس بازی در میان زنانشان رواج داشته است.(۱)

۳. شناسه قومی اصحاب‌الرّس

۳. شناسه قومی اصحاب‌الرّس

اصحاب‌الرّس قومی بودند که کنار چشمه ای به نام روشن آب سکونت داشتند و درخت صنوبری را که یافث بن نوح کاشته بود و به آن شاهدرخت می گفتند، می پرستیدند. آن قوم دوازده شهر به نام ماه های سال شمسی داشتند و این شهرها در کنار نهری به نام رس قرار داشت. آنان پیامبرانشان را می کشتند و چون کفر آنان طولانی گشت، خداوند بار دیگر پیامبری از بنی اسرائیل را فرستاد تا آنان را به یکتاپرستی دعوت کند، ولی با او مخالفت کردند و سرانجام او را در داخل چاه عمیقی در باغ انداختند و به شهادت رساندند.(۲)

برخی نیز اصحاب‌الرّس را گروهی می دانند که به سبب افکندن پیامبر خویش در چاه، به این نام معروف شده اند و نام این پیامبر را حنظله بن صفوان ذکر کرده اند.(۳)

اصحاب‌الرّس به دلیل بی توجهی به هشدارها، دچار هلاکت و نابودی شدند، به گونه ای که قرآن درباره آنان می فرماید: «وَکُلًّا ضَرَبْنَا لَهُ الْأَمْثَالَ وَکُلًّا تَبَّرْنَا تَتْبِیرًا؛ و برای آنها (عاد و ثمود و اصحاب الرّس) مثل ها زدیم و (چون سودی نداد) همه را نابود کردیم.» (فرقان: ۳۹) «تَبر» به معنای شکستن و هلاک کردن است.(۴)

۱- البرهان، ج ۵، ص ۱۲۹.

۲- المیزان، ج ۱۵، ص ۲۱۹؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۱۶.

۳- کشف الاسرار، ج ۷، ص ۳۳؛ مجمع البیان، ج ۷ ۸، ص ۲۶۶.

۴- مفردات الالفاظ القرآن، ص ۱۶۲، ذیل واژه «تبر».

ص: ۲۷۹

اصحاب السَبت

اشاره

اصحاب السَبت

زیر فصل ها

۱. شناسه اسمی اصحاب السبت

۲. شناسه رفتاری و روانی اصحاب سبت

۳. شناسه جغرافیایی

۱. شناسه اسمی اصحاب السبت

اشاره

۱. شناسه اسمی اصحاب السبت

این واژه به صورت اصحاب السبت، یک بار در قرآن به کار رفته (نساء: ۴۷)، ولی در آیات دیگری داستان این قوم و سرانجام آنان بیان شده است.(۱)

سبت در لغت به معنای قطع است.(۲) همچنین به معنای پایان کار و یکی از روزهای هفته نیز به کار می رود.(۳) اصحاب سبت، گروهی از قوم بنی اسرائیل هستند. علامه طباطبایی اصحاب سبت را بخشی از قوم ثمود می داند که بر اثر هم جواری با بنی‌اسرائیل، به دین یهود روی آورده بودند و در کنار دریا سکونت داشته اند.(۴)

الف) زمان حادثه

الف) زمان حادثه

زمان زندگی اصحاب سبت، در عصر پیامبری حضرت داوود علیه السلام بوده است. (مائده: ۷۸)

۱- لسان العرب، ج ۶، ص ۱۴۱.

۲- مفردات الالفاظ القرآن، ص ۳۹۲، ذیل واژه «سبت».

۳- لسان العرب، ج ۶، ص ۱۴۱.

۴- المیزان، ج ۸، ص ۳۰۲؛ مجمع البیان، ج ۳ ۴، ص ۷۵۶.

ص: ۲۸۰

ب) دلیل پرهیز اصحاب سبت از صید ماهی در شنبه

ب) دلیل پرهیز اصحاب سبت از صید ماهی در شنبه

خداوند یهود را به خودداری از کار در روز جمعه فرمان داده بود،(۱) اما آنان از پذیرفتن روزی جز شنبه سر باز زدند. بنابراین بدین ترتیب گرچه ماهی های فراوانی در روز شنبه بر روی آب آشکار می شد، آنها ممنوع از کار و صید بودند.(۲)

۲. شناسه رفتاری و روانی اصحاب سبت

اشاره

۲. شناسه رفتاری و روانی اصحاب سبت

زیر فصل ها

الف) مخالفت با دستورات الهی

ب) سرکشی و اصرار بر گناه

ج) پندناپذیری

د) ترک نهی از منکر

الف) مخالفت با دستورات الهی

الف) مخالفت با دستورات الهی

یهودیان که در روز شنبه با انبوه ماهی روبهرو شدند، نتوانستند جلوی خواسته های نفسانی خود را بگیرند و از طرفی هم نمی خواستند از فرمان خدا سرپیچی کنند، در شب شنبه تورهای ماهی گیری را می انداختند و چون ماهی زیادی در تورها جمع می شد، یک شنبه تورها را جمع می کردند و از این راه اموال زیادی به دست می آوردند.(۳)

ب) سرکشی و اصرار بر گناه

ب) سرکشی و اصرار بر گناه

اصرار اصحاب سبت بر گناه و صید ماهی در شنبه، موجب مسخ و تبدیل شدن آنان به بوزینه شد،(۴) همان گونه که قرآن می فرماید: «فَلَمّا عَتَوْا عَنْ ما نُهُوا عَنْهُ قُلْنا لَهُمْ کُونُوا قِرَدَةً خاسِئِینَ؛ هنگامی که در برابر آنچه از آن نهی شده بودند، سرکشی کردند، به آنها گفتیم به شکل میمون های مسخ شده درآیید». (اعراف: ۱۶۶)

«عتو» به معنای زیاده روی در معصیت است.(۵)

ج) پندناپذیری

ج) پندناپذیری

۱- تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۸۷.

۲- المیزان، ج ۸، ص ۲۹۴.

۳- مجمع البیان، ج ۳ ۴، ص ۷۵۶؛ تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۴۲۳.

۴- فرهنگ قرآن، ج ۳، ص ۴۲۲.

۵- المیزان، ج ۸، ص ۲۹۶.

ص: ۲۸۱

غفلت و بی توجهی اصحاب سبت به پندها و دستورهای الهی، دیگر ویژگی رفتاری آنان بوده که عامل عذابشان شد،(۱) چنان که قرآن در این باره می فرماید:

فَلَمَّا نَسُواْ مَا ذُكِّرُواْ بِهِ أَنجَينَا الَّذِينَ ينْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُواْ بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُواْ يفْسُقُونَ. (اعراف: ۱۶۵)

هنگامی که تـذکراتی به آنها داده شده بود فراموش کردند و نهی کنندگان از بدی را رهایی بخشیدیم و کسانی را که ستم کردند به خاطر نافرمانی هایشان، به عذاب شدیدی گرفتار کردیم.

د) ترک نهی از منکر

د) ترک نهی از منکر

از دیگر ویژگی های عقیدتی آنان اینکه هرگاه دچار اشتباه می شدند یا کار زشتی انجام می دادند، همدیگر را نهی نمی کردند و این موجب شده بود حضرت داوود علیه السلام آنان را لعن و نفرین کند.(۲) در قرآن درباره آنان آمده است: «كانُوا لا يتَناهَوْنَ عَنْ مُنكَرٍ فَعَلُوهُ...؛ آنها از اعمال زشتی که انجام می دادند یکدیگر را نهی نمی کردند». (مائده: ۷۹)

«اگرچه برخی از ایشان نهی از منکر می کردند، به علت تعداد اندک به چشم نمی آمدند».(۳) (اعراف: ۱۶۴)

۳. شناسه جغرافیایی

۳. شناسه جغرافیایی

اصحاب سبت در شهری ساحلی به نام اَیله، میان مصر و مدین یا طبریه زندگی می کرده اند.(۴)

۱- فرهنگ قرآن، ج ۳، ص ۴۲۱.

۲- فرهنگ قرآن، ج ۳، ص ۴۲۲.

۳- المیزان، ج ۸، صص ۲۹۴و۲۹۵.

۴- المیزان، ج ۸، ص ۳۰۲؛ مجمع البیان، ج ۴، ص ۷۵۶؛ بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۶۰.

ص: ۲۸۲

اصحاب الأیکه

اشاره

اصحاب الأیکه

زیر فصل ها

۱. شناسه اسمی اصحاب الأیکه

۲. شناسه رفتاری و روانی اصحاب أیکه

۳. شناسه فکری و عقیدتی اصحاب الأیکه

۴. شناسه جغرافیایی اصحاب أیکه

۱. شناسه اسمی اصحاب الأیکه

۱. شناسه اسمی اصحاب الأیکه

این واژه چهار بار در قرآن بـه کـار رفته است.(۱) «أیکه» به معنای درخت و جمع آن «أیک» به معنای انبوه درختان است.(۲) همچنین «أیک» در اصل به معنای درختان به هم پیچیـده است و به نیزاری گفته می شود که درختانی چون سـدر در آن می رویـد. اصحاب أیك در چنین جاهایی زندگی می کردند.(۳) این محل نزدیك مدین بود و حضرت شعیب علیه السلام هم برای آنان و هم برای قوم خود در مدین برانگیخته شده بود. در واقع، اصحاب أیکه جدا از اصحاب مدین است.(۴) (شعراء: ۱۷۶)

۲. شناسه رفتاری و روانی اصحاب أیکه

اشاره

۲. شناسه رفتاری و روانی اصحاب أیکه

زیر فصل ها

الف) کم فروشی

ب) ظالم و ستمگر

الف) کم فروشی

الف) کم فروشی

بزرگ ترین انحراف رفتاری اصحاب أیکه، کم فروشی بود. به همین دلیل حضرت شعیب علیه السلام ضمن دعوت آنان به کامل دادن پیمانه، ایشان را از

۱- نک: حجر: ۷۸؛ شعراء: ۱۷۶؛ ص: ۱۳؛ ق: ۱۴.

۲- لسان العرب، ج ۱، ص ۲۸۹، ذیل واژه «أیک»؛ احمدبن فارس بن زکریا ابوالحسن، مقائیس اللغه، ج ۱، ص ۱۶۵.

۳- مفردات الالفاظ القرآن، ص ۹۸، ذیل واژه «أیک».

۴- مجمع البیان، ج ۵ ۶، ص ۵۲۸.

ص: ۲۸۳

کم فروشی نهی می کند و می فرماید: «أَوْفُوا الْکَیلَ وَلَا تَکُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِینَ؛ حق پیمانه را ادا کنید و دیگران را به خسارت نیفکنید». (شعراء: ۱۸۱)

حضرت شعیب علیه السلام از آنان می خواست با ترازوی درست و کفه های برابر وزن کنند و از ارزش اموال مردم نکاهند؛ زیرا چنین کاری فساد است و آنان نباید با کم فروشی در زمین فساد کنند.(۱) (شعراء: ۱۸۲ و ۱۸۳)

ب) ظالم و ستمگر

ب) ظالم و ستمگر

دیگر ویژگی رفتاری اصحاب أیکه، ستم ورزی بوده،(۲) چنان که قرآن درباره آنان می فرماید: «وَإِن کَانَ أَصْحَابُ الأَیکَهِ لَظَالِمِینَ.» (حجر: ۷۸)

۳. شناسه فکری و عقیدتی اصحاب الأیکه

اشاره

۳. شناسه فکری و عقیدتی اصحاب الأیکه

زیر فصل ها

الف) کفرورزی

ب) تکذیب و اتهام به پیامبر

ج) تردید در معاد

الف) کفرورزی

الف) کفرورزی

یکی از ویژگی های اعتقادی آنان این است که بیشتر اصحاب أیکه افرادی کافر بودند. (شعراء: ۱۹۰)

ب) تکذیب و اتهام به پیامبر

ب) تکذیب و اتهام به پیامبر

اصحاب أیکه در برابر دعوت شعیب علیه السلام ایستادگی کردند و او را جادو شده خواندند و با برابر دانستن شعیب با خودشان، او

را در ادعای رسالتش از جانب خداوند دروغ گو شمردند (شعراء: ۱۸۵ و ۱۸۶) و با ناباوری و استهزا از او می خواستند(۳) اگر در ادعایش صادق است، سنگ های آسمان بر سر آنان فرود آورد. (شعراء: ۱۸۷)

ج) تردید در معاد

ج) تردید در معاد

از دیگر افکار و عقاید اصحاب أیکه، تردید در امکان آفرینش دوباره انسان پس از مرگ است.(۴) قرآن در این باره می فرماید: «اَفَعَیینا بِالْخَلْقِ الْأَوّلِ بَلْ هُمْ

۱- المیزان، ج ۱۵، ص ۳۰۲.
۲- فرهنگ قرآن، ج ۳، ص ۴۰۹.
۳- کشف الاسرار، ج ۷، ص ۱۴۸.
۴- فرهنگ قرآن، ج ۳، ص ۴۰۶.

ص: ۲۸۴

فی لَبْسٍ مِنْ خَلْقٍ جَدیدٍ؛ آیا ما از آفرینش نخستین عاجز ماندیم که قادر به آفرینش رستاخیز نباشیم، ولی آنها باز در آفرینش جدید تردید دارند». (ق: ۱۵)

۴. شناسه جغرافیایی اصحاب أیکه

۴. شناسه جغرافیایی اصحاب أیکه

در مورد محل زندگی اصحاب أیکه، برخی آن را نزدیک مدین می دانند.(۱) برخی گفته اند أیکه همان مدین، مجاور تبوک بوده است؛ جایی که آخرین غزوه پیامبر آنجا بود.(۲)

۱- المیزان، ج ۱۵، ص ۳۱۲.

۲- معجم البلدان، ج ۱، ص ۲۹۱.

ص: ۲۸۵

اصحاب الجنه (صاحبان باغ سوخته)

اشاره

اصحاب الجنه (صاحبان باغ سوخته)

زیر فصل ها

۱. شناسه اسمی اصحاب الجنه

۲. شناسه رفتاری و روانی اصحاب الجنه

۳. شناسه فکری و عقیدتی اصحاب الجنه

۱. شناسه اسمی اصحاب الجنه

اشاره

۱. شناسه اسمی اصحاب الجنه

داستان زندگی اصحاب الجنه، در سوره قلم، از آیه ۱۷ تا ۳۳ آمده، ولی نامی از اشخاص آن برده نشده است. اصحاب الجنه، صاحبان باغی بسیار سرسبز معروف به رضوان بودند.(۱) صاحب باغ که پیرمرد مؤمن و نیکوکاری بود، هر سال هنگام برداشت محصول، مقدار مورد نیاز خود را برمی داشت و بقیه را به مستمندان می داد،(۲) ولی بعد از مرگ او که فرزندانش صاحب باغ شدند، به خاطر نپرداختن حقوق مستمندان، خداوند باغ ایشان را نابود کرد. (قلم: ۲۶ و ۲۷)

زمان حادثه

زمان حادثه

برخی این حادثه را مربوط به کمی بعد از عروج عیسی علیه السلام و پیش از انتشار مسیحیت دانسته اند.(۳)

۲. شناسه رفتاری و روانی اصحاب الجنه

اشاره

۲. شناسه رفتاری و روانی اصحاب الجنه

زیر فصل ها

الف) بخل ورزی

ب) سرکشی و طغیان گری

ج) ظلم و ستمگری

الف) بخل ورزی

الف) بخل ورزی

صاحبان باغ هنگامی که با محصول فراوان روبه رو شدند، به دلیل بخل و طمع فراوان، گفتند ما به محصولات باغ نیازمندیم و می توانیم با برداشت محصول

۱- تفسیر القمی، ج ۲، ص ۴۰۱.

۲- نمونه، ج ۲۴، ص ۳۹۴؛ مجمع البیان، ج ۹ ۱۰، ص ۵۰۵.

۳- تفسیر القرطبی، ج ۱۸، ص ۱۵۶.

ص: ۲۸۶

فراوان، هر سال ثروت خود را زیاد کنیم. در واقع، آنان با این تفکر، از پرداخت حقوق نیازمندان خودداری کردند،(۱) همان گونه که در قرآن نیز آمده است: «اَنْ لا یدْخُلَنّهَا الْیوْمَ عَلَیکُمْ مِسْکینٌ؛ وَغَدَوْا عَلَی حَرْدٍ قَادِرِینَ؛ آنها حرکت کردند، درحالی که آهسته با هم می گفتند: مواظب باشید امروز حتی یک فقیر بر شما وارد نشود». (قلم: ۲۵ و ۲۴)

ب) سرکشی و طغیان گری

ب) سرکشی و طغیان گری

دیگر ویژگی رفتاری اصحاب الجنه، سرکشی وطغیان گری بوده است.(۲) آنان وقتی با باغ سوخته روبه رو شدند، با خود گفتند: «قَالُوا یا وَیلَنَا إِنَّا کُنَّا طَاغِینَ؛ وای بر ما که طغیان گر بودیم». (قلم: ۳۱)

ج) ظلم و ستمگری

ج) ظلم و ستمگری

صاحبان باغ به دلیل محروم کردن نیازمندان از حقوقشان، وقتی با باغ سوخته روبه رو شدند، خطاب به یکدیگر گفتند: «قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنَّا کُنَّا ظَالِمِینَ؛ منزه است پروردگار ما، به یقین ما ظالم بودیم». (قلم: ۲۹)

البته در میان صاحبان باغ، فرد عاقلی بوده که قرآن درباره او می فرماید: «قالَ أَوْسَطُهُمْ أ لَمْ أَقُلْ لَکُمْ لَوْ لا تُسَبِّحُونَ؛ یکی از آنها که از همه عاقل تر بود، گفت: آیا به شما نگفتم چرا تسبیح خدا نمی گویید.» (قلم: ۲۸) منظور از «أوسطهم»، عاقل ترین و عادل ترین فرد است.(۳)

۳. شناسه فکری و عقیدتی اصحاب الجنه

اشاره

۳. شناسه فکری و عقیدتی اصحاب الجنه

زیر فصل ها

الف) غفلت از یاد خدا

ب) نادیده گرفتن قدرت خداوند

ج) توبه صاحبان باغ

د) کیفر اصحاب الجنه

الف) غفلت از یاد خدا

الف) غفلت از یاد خدا

صاحبان باغ از ذکر و یاد خداوند غافل بودند و فقط یکی از آنها که عاقل تر بود، گفت: «آیا به شما نگفتم به یاد خدا باشید و طلب آمرزش کنید و با محروم کردن مستمندان، کفران نعمت نکنید». (۴) (قلم: ۲۸)

۱- تفسیر القمی، ج ۲، صص ۳۹۹ و ۴۰۰؛ مجمع البیان، ج ۹ و ۱۰، ص ۵۰۵.

۲- فرهنگ قرآن، ج ۱۳، ص ۴۱۲.

۳- مجمع البیان، ج ۹ ۱۰، ص ۵۰۵.

۴- کشف الاسرار، ج ۱۰، ص ۱۹۳؛ المیزان، ج ۱۹، ص ۳۷۴؛ مجمع البیان، ج ۹ ۱۰، ص ۵۰۶.

ص: ۲۸۷

ب) نادیده گرفتن قدرت خداوند

ب) نادیده گرفتن قدرت خداوند

اصحاب‌الجنه به عوامل مادی توجه داشتند، ولی به قدرت و مشیت خداوند اعتقادی نداشتند. بنابراین، تصمیم گرفتند تمام میوه های باغ را بچینند، ولی «ان شاءالله» نگفتند که برخی مفسران، این کار ایشان را نشانه بی توجهی یا بی اعتقادی به قدرت و مشیت الهی می دانند.(۱)

ج) توبه صاحبان باغ

ج) توبه صاحبان باغ

وقتی صاحبان باغ وارد باغ سوخته شدند، به گناه خود اعتراف کردند و گفتند: «عَسی رَبّنا أنْ یبْدِلَنا خَیرًا مِنْها إنّا إلی رَبِّنا راغِبُونَ؛ امیدواریم پروردگارمان (ما را ببخشد و) بهتر از آن به جای آن به ما بدهد، چرا که ما به او علاقه مندیم». (قلم: ۳۲)

بنابر روایتی، خداوند توبه آنان را پذیرفت و باغی بهتر از آن را به آنان داد.(۲)

د) کیفر اصحاب الجنه

د) کیفر اصحاب الجنه

خداوند عذاب فراگیری که شامل آتش و صاعقه بود، شبهنگام از آسمان فرو فرستاد که موجب شد میوه ها و تمام درختان در آتش بسوزد و سیاه شود، چنان که از آن باغ سرسبز، جز مشتی زغال و خاکستر چیزی بر جای نماند.(۳)

۱- مجمع البیان، ج ۹ ۱۰، ص ۵۰۵.
۲- مجمع البیان، ج ۹ ۱۰، ص ۵۰۷.
۳- مجمع البیان، ج ۹ ۱۰، ص۵۰۵؛ تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۳۹۹.

ص: ۲۸۸

اصحاب القریه

اشاره

اصحاب القریه

زیر فصل ها

۱. شناسه اسمی اصحاب القریه

۱. شناسه اسمی اصحاب القریه

این واژه یک بار در قرآن در آیه ۱۳ از سوره یس آمده است. منظور از «قریه»، انطاکیه از شهرهای روم است و ساکنان آن شهر را اصحاب‌القریه می نامند.(۱) منظور از فرستادگان نیز در این آیه، فرستادگان خداوند(۲) یا فرستادگان حضرت عیسی علیه السلام هستند.(۳)

خداوند، دو رسول برای هدایت مردم شهر انطاکیه فرستاد. آنان قبل از ورود به شهر، فردی را که نامش حبیب نجار بود، به پرستش خدا دعوت کردند.(۴) هنگامی که مردم را به عبادت خدا دعوت می کردند. شاه، آنان را زندانی کرد. خداوند، سومین رسول را برای هدایت مردم فرستاد که نام او را برخی شمعون گفته اند. او ابتدا کوشید خود را به شاه نزدیک کند، سپس با زنده کردن فرزند شاه به اذن خداوند، موجب شد دو زندانی آزاد شوند و مردم آنجا و شاه به خداوند ایمان آورند.(۵)

۱- تاریخ طبری، ج ۲، ص ۵۵۹.

۲- تفسیر القمی، ج ۲، ص ۲۱۴.

۳- مجمع البیان، ج ۷ ۸، ص ۶۵۴.

۴- مجمع البیان، ج ۷ ۸، ص ۶۵۴.

۵- تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۸۷؛ مجمع البیان، ج ۸، ص ۶۵۵.

ص: ۲۸۹

۲. شناسه رفتاری اصحاب القریه

اشاره

۲. شناسه رفتاری اصحاب القریه

زیر فصل ها

الف) اسراف کاری

ب) استهزا

الف) اسراف کاری

الف) اسراف کاری

مردم انطاکیه چون در تکذیب پیامبر و گناه افراط کرده بودند،(۱) قرآن آنان را قوم اسراف کار خواند و فرمود: «بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُسْرِفُونَ؛ شما گروهی اسرافکارید». (یس: ۱۹)

اسراف در این آیه، به معنی تجاوز از حد است، نه اسراف متعارف به معنای زیاده روی در مصرف.(۲)

ب) استهزا

ب) استهزا

دیگر ویژگی رفتای مردم انطاکیه، این است که فرستادگان الهی را مسخره می کردند، همان گونه که قرآن درباره آنان می فرماید: «... ما يأْتيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلّا كانُوا بِهِ يسْتَهْزِؤُنَ؛ هیچ پیامبری برای هدایت آنان نیامد، مگر اینکه او را استهزا می کردند». (یس:۳۰)

۳. شناسه فکری و عقیدتی

۳. شناسه فکری و عقیدتی

اصحاب‌القریه منکر نزول وحی بر پیامبرانی شدند که به سوی آنان فرستاده شده بودند، چنان که وقتی فرستادگان الهی به سوی آنان آمدند، اصحاب‌القریه گفتند: «... ما أَنْتُمْ إِلّا بَشَرٌ مِثْلُنا وَ ما أَنْزَلَ الرّحْمنُ مِنْ شَی ءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلّا تَكْذِبُونَ؛ شما جز بشری همانند ما نیستید، و خداوند رحمان چیزی نازل نکرده، شما فقط دروغ می گویید». (یس: ۱۵)

۱- مجمع البیان، ج ۷ ۸، ص ۶۵۵.

۲- مجمع البیان، ج ۷ ۸، ص ۶۵۵.

ص: ۲۹۰

اصحاب اخدود

اشاره

اصحاب اخدود

زیر فصل ها

۱. شناسه اسمی اصحاب اخدود

۲. شناسه رفتاری و روانی اصحاب اُخدود

۳. شناسه فکری و عقیدتی اصحاب اخدود

۴. شناسه فرهنگی اصحاب اخدود

۱. شناسه اسمی اصحاب اخدود

۱. شناسه اسمی اصحاب اخدود

اُخدود به معنای گودال و شکافی مستطیل شکل در زمین(۱) یا به معنای ایجاد شکاف در زمین است.(۲) برخی نیز گفته اند اخدود به مفهوم مستطیلی بودن است، چه این شکاف در زمین باشد یا در گوشت، پوست، چهره و غیر آن.(۳)

اصحاب اخدود کافرانی بوده اند که مؤمنان را در گودال آتش می افکندند و می سوزاندند.(۴)

برخی معتقدند خداوند با قبض روح مؤمنان، آنها را پیش از سوختن، نجات داد و شعله های آتش که بر اثر باد، زبانه کشیده بود، کافران اطراف گودال را سوزاند.(۵)

تاریخ نویسان، ذوانوس را که نام او یوسف بن شرحیل بود، صاحب اخدود معرفی کرده و گفته اند:

۱- مفردات الالفاظ القرآن، صص ۲۷۵ و۲۷۶، ذیل واژه «خدد»

۲- لسان العرب، ج ۴، ص ۳۳.

۳- التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۳، صص ۲۴ و ۲۵.

۴- المیزان، ج ۲۰، ص ۲۵۱؛ مجمع البیان، ج ۹ ۱۰، صص ۷۰۶ و ۷۰۷.

۵- مجمع البیان، ج ۹ ۱۰، ص ۷۰۹.

ص: ۲۹۱

او علاوه بر سوزاندن اناجیل و کلیساها، مردم را میان پذیرش آیین یهود و کشته شدن و سوزانده شدن مخیر کرد.(۱)

۲. شناسه رفتاری و روانی اصحاب اُخدود

اشاره

۲. شناسه رفتاری و روانی اصحاب اُخدود

زیر فصل ها

الف) آتش افروزی

ب) شکنجه گری

ج) قساوت و سنگ دلی

الف) آتش افروزی

الف) آتش افروزی

آنان برای سوزاندن مؤمنان، آتش هایی را که در گودال های کوچک و بزرگ برافروختند، تا جایی که قرآن آنان را چنین لعن و نفرین کرد:(۲) «قُتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ». (بروج: ۴)

ب) شکنجه گری

ب) شکنجه گری

دیگر ویژگی رفتاری اصحاب اُخدود، شکنجه کردن مؤمنان بوده که عذاب اخروی کافران را موجب می شود. قرآن درباره این کار آنان می فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ. (بروج: ۱۰)

کسانی که مردان و زنان باایمان را شکنجه دادند و سپس توبه نکردند، برای آنها عذاب دوزخ و عذاب آتش سوزان است.

مراد از «الذین»، همه کافران شکنجه گر، شامل اصحاب اخدود، مشرکان قریش و نیز شکنجه گرانی است که مسلمانان را آزار می دادند تا از دین پیامبر دست بردارند.(۳) برخی هم «الذین» را اصحاب اخدود و «فتنوا» را اشاره به سوزاندن دانسته اند.(۴)

ج) قساوت و سنگ دلی

ج) قساوت و سنگ دلی

دیگر ویژگی روانی اصحاب اخدود، این است که آنان هیچ گونه عواطف انسانی نداشتند، چنان که با کمال خون سردی و بی رحمی، سوزاندن مؤمنان

۱- تاریخ طبری، ج ۲، ص ۶۷۳؛ کامل، ج ۵، ص ۲۶.

۲- مجمع البیان، ج ۹ ۱۰، ص ۷۰۹.

۳- المیزان، ج ۲۰، ص ۲۵۲.

۴- مجمع البیان، ج ۹ ۱۰، ص ۷۱۰.

ص: ۲۹۲

را تماشا می کردند.(۱) قرآن در این باره می فرماید: «وَ هُمْ عَلی ما یفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنینَ شُهُودٌ؛ و آنچه را به مؤمنان انجام می دادند، (با خونسردی و قساوت) تماشا می کردند». (بروج: ۸۵، ۷)

۳. شناسه فکری و عقیدتی اصحاب اخدود

۳. شناسه فکری و عقیدتی اصحاب اخدود

اصحاب اخدود از نظر عقیدتی، مردمی بی ایمان و کافر بودند، به گونه ای که قرآن درباره آنان می فرماید: «وَ ما نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلاّ أَنْ یؤْمِنُوا بِاللّهِ الْعَزیزِ الْحَمیدِ؛ آنها هیچ ایرادی بر مؤمنان نداشتند جز اینکه به خداوند عزیز و حمید ایمان آورده بودند.» (بروج: ۸)

در این آیه، ضمن بیان غیرمستقیم حادثه، عقیده کافران و اقداماتشان را سرکوب و ایمان مؤمنان و پایداری آنان را تأیید می کند.(۲)

۴. شناسه فرهنگی اصحاب اخدود

۴. شناسه فرهنگی اصحاب اخدود

حادثه اخدود، در جامعه ای رخ داد که استبداد بر آنجا حاکم بوده، چنان که هیچ کس در بیان عقاید توحیدی آزادی نداشته و باورها و ارزش های کفرآلود و شرک آمیز در جامعه حاکم بوده است. همچنین مؤمنان را به شدیدترین مشکل شکنجه و آزار می دادند و کمترین ترحمی به آنان نمی کردند. بدین ترتیب قرآن به شکل غیرمستقیم، فرهنگ آنان و برخورد کافران را سرکوب می کند.(۳) (بروج: ۸ و ۹)

۱- فرهنگ قرآن، ج ۳، ص ۴۰۰.

۲- المیزان، ج ۲۰، ص ۲۵۱.

۳- المیزان، ج ۲۰، ص ۲۵۱؛ الکشاف، ج ۴، ص ۷۳۲.

ص: ۲۹۳

اصحاب الفیل

اشاره

اصحاب الفیل

زیر فصل ها

۱. شناسه اسمی اصحاب الفیل

اشاره

۱. شناسه اسمی اصحاب الفیل

این واژه یک بار به صورت صریح در قرآن به کار رفته و سوره ۱۰۵ قرآن به نام «فیل» نام گذاری شده است. داستان اصحاب فیل، در میان مردم حجاز چنان مشهور بود که سال وقوع این رخداد، یعنی «عامالفیل» را مبدئی برای تاریخ قرار داده اند.(۱)

منظور از سپاهیان «فیل»، سپاهیان ابرهه، پادشاه یمن است که برای ویران کردن کعبه لشکرکشی کرده بود، ولی پیش از رسیدن به آن، هلاک شدند.(۲)

زمان حادثه

زمان حادثه

این حادثه در زمان عبدالمطلب، جد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اندکی بیش از تولد آن حضرت (پیامبر اسلام) بوده است. برخی نیز زمان عذاب اصحاب فیل را چهل سال پیش از بعثت و در سال تولد پیامبر می دانند.(۳)

۱- مجمع البیان، ج ۹ ۱۰، ص ۸۲۶؛ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۶۱.

۲- مجمع البیان، صص ۸۲۱ و ۸۲۲.

۳- مجمع البیان، ص ۸۲۲ ۸۲۵.

ص: ۲۹۴

۲. شناسه اسمی ابرهه

۲. شناسه اسمی ابرهه

ابرهه، فرزنـد صـبّاح، اهـل حبشه و از فرمانروایـان یمن بود و بر اثر زخمی که در جنگ ها بر صورت او وارد شـد، به «أشـرَم» ملقب گشت. کنیه او «أَبویکسُوم» است.(۱)

۳. شناسه رفتاری ابرهه (فرمانده اصحاب فیل)

اشاره

۳. شناسه رفتاری ابرهه (فرمانده اصحاب فیل)

زیر فصل ها

الف) تخریب کعبه

ب) ساختن کلیسا برای جلب توجه مردم

ج) تاراج و غارت اموال مردم

الف) تخریب کعبه

الف) تخریب کعبه

ابرهه از اینکه کعبه کانون توجه مردم بود و زیارت آن موجب عظمت و قـدرت مکه می شد، ناخشـنود بود، بنابراین تصـمیم گرفت مردم را به جای کعبه، متوجه یمن کند.

ب) ساختن کلیسا برای جلب توجه مردم

ب) ساختن کلیسا برای جلب توجه مردم

ابرهه کلیسای باشـکوهی به نام قلّیس در صنعا بنا کرد و از مردم خواست تا به جای کعبه، آن را زیارت کنند. عرب ها از شنیدن این خبر ناراحت شدنـد، چنانکه یکی از آنان خود را به قلّیس رساند و آنجا را آلوده کرد.(۲) یکی از فرستادگان ابرهه به نام محمد بن خزاعی را نیز که برای دعوت مردم به زیـارت قلیس رفته بود، کشـتند.(۳) این عوامـل زمینه نـاراحتی ابرهه را فراهم ساخت و متوجه شد که با وجود کعبه، نمی تواند به اهداف خود برسد، ازاین رو تصمیم گرفت به کعبه حمله کند.(۴)

از دیگر رفتارهـای ابرهـه اینکه سپاهی مجهز فراهم کرد و بـا فیـل هـای جنگی به سـوی مکه روانه شـد.(۵) تعداد سپاهیان ابرهه را شصت هزار نفر و تعداد فیل ها را یک، هشت و دوازده رأس نوشته اند.(۶)

۱- مجمع البیان، ص ۸۲۲.

۲- تاریخ طبری، ج ۲، ص ۶۷۹.

۳- تاریخ طبری، ج ۲، صص ۶۷۹ و ۶۸۰.

۴- مجمع البیان، ج ۹ ۱۰، ص ۸۲۲.

۵- مجمع البیان، ج ۹ ۱۰، ص ۸۲۴.

۶- مجمع البیان، ج ۹ ۱۰، ص ۸۲۴.

ص: ۲۹۵

ج) تاراج و غارت اموال مردم

ج) تاراج و غارت اموال مردم

ابرهه هنگامی که نزدیک مکه رسید، فرماندهی را برای تاراج و غارت اموال مردم به مکه فرستاد که در این میان، حدود دویست شتر از عبدالمطلب را به غارت بردند. همچنین توسط فردی به عبدالمطلب، پیام داد که من قصد جنگ با شما را ندارم، بلکه هدفم ویران کردن خانه کعبه است.(۱) وقتی ابرهه از عبدالمطلب پرسید چه خواسته ای داری؟ او گفت: دویست شتر مرا سپاهیانت ربوده اند، بگو بازگردانند. ابرهه تعجب کرد و گفت: فکر کردم از من بخواهی خانه کعبه را خراب نکنم! عبدالمطلب در جواب گفت: من صاحب شترانم هستم و خانه، خود صاحبی دارد و از آن دفاع خواهد کرد. سپس عبدالمطلب از مردم خواست تا شهر را ترک کنند و خود، در کعبه را گرفت و از خداوند کمک خواست.(۲)

۴. کیفر اصحاب الفیل

۴. کیفر اصحاب الفیل

وقتی ابرهه تصمیم به تخریب خانه خدا گرفت، خداوند دسته ای از پرندگان را با سنگ هایی از گِل به سوی آنان فرستاد تا اصحاب فیل را نابود کنند. در قرآن نیز آمده است:

وَ أَرْسَلَ عَلَيهِمْ طَيرًا أَبابيلَ تَرْميهِمْ بِحِجارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ. (فیل:۳ ۵)

و بر سر آنان پرندگان را گروه گروه فرستاد که با سنگ های کوچکی آنها را هدف قرار می دادند. سرانجام، آنها را همچون کاهِ خردشده (و متلاشی) قرار داد.

منظور از «کَعَصفٍ مَأکول»، این است که مانند زراعتی شده که چهارپایان خورده و آن را لگدمال کرده یا مثل برگ پوسیده درخت یا کاه خردشده

۱- السیره النبویه، ج ۱، ص ۴۸.

۲- السیره النبویه، ج ۱، صص ۵۰ و ۵۱.

ص: ۲۹۶

باشد.(۱) همچنین آورده اند در منقار و پاهای هر یک از مرغان ابابیل، سه سنگ ریزه بوده و هر سنگ ریزه، بر سر و پیکر یک نفر فرود می آمده و وی را نابود می کرده است.

عاقبت ابرهه چنین بود که هنگام فرار، یکی از سنگ ها به او اصابت کرد و دست و پایش جدا شد و هنگام رسیدن به یمن، سینه و قلبش شکافته و شکمش پاره شده بود.(۲)

۱- مجمع البیان، ج ۹ ۱۰، ص ۸۲۵.

۲- مجمع البیان، ج ۹ ۱۰، ص ۸۴۲.

ص: ۲۹۷

کتاب نامه

کتاب نامه

 قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی.

 نهج البلاغه، ترجمه: سید جعفر شهیدی، تهران، شرکت افست، چاپ پنجم، ۱۳۷۳.

ابن اثیر، عزالدین علی، کامل (تاریخ بزرگ اسلام و ایران)، ترجمه: عباس خلیلی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علی اکبر علمی، بی تا.

ابن سعد، الطبقات الکبری، به کوشش: محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ دوم، ۱۴۱۸ ه.ق.

ابن منظور، لسان العرب، به کوشش: علی شیری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۰۸ ه.ق.

ابن هشام، السیره النبویه، به کوشش: مصطفی السقاء و دیگران، بیروت، مکتبه العلمیه، بی تا.

ابوالحسن، احمد بن فارس بن زکریا، مقائیس اللغه، به کوشش: عبدالسلام محمد هارون، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴ ه.ق.

اصفهانی، راغب، المفردات الالفاظ القرآن، به کوشش: صفوان عدنان داوودی، دمشق، دارالقلم، چاپ اول، ۱۴۱۲ ه.ق.

اصفهانی، عمادالدین حسین (معروف به عمادزاده)، قصص الانبیاء از آدم تا خاتم، کتاب خانه اسلام، چاپ بیست و ششم، ۱۳۶۳.

ص: ۲۹۸

البحرانی، سید هاشم حسین، البرهان فی تفسیر القرآن، مؤسسه بعثت، چاپ اول، ۱۴۱۵ ه.ق.

بلاغی، صدرالدین، فرهنگ قصص قرآن، تهران، امیرکبیر، چاپ هفتم، ۱۳۴۹.

بی آزار شیرازی، عبدالکریم، باستان شناسی و جغرافیای تاریخی قصص قرآن، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۸۴.

بی ناس، جان، تاریخ جامع ادیان، ترجمه: علی اصغر حکمت، انتشارات پیروز، چاپ سوم، ۱۳۷۹.

توفیقی، حسین، نگاهی به ادیان زنده جهان، قم، مدیریت حوزه علمیه خواهران، چاپ اول، ۱۳۷۷.

الثعلبی، ابواسحاق احمدبن نیشابوری، قصص الانبیاء عرائس المجالس، بیروت، لبنان، بی تا.

جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم (سیره پیامبران)، قم، اسراء، چاپ اول، ۱۳۷۶.

، ______________زن در آیینه جلال و جمال، قم، مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ چهارم، ۱۳۷۴.

حسینی دشتی، سید مصطفی، معارف و معاریف (دائره المعارف جامع اسلامی)، تهران، مؤسسه فرهنگی آرایه، چاپ سوم، ۱۳۷۹.

حمیدی، سید جعفر، تاریخ اورشلیم (بیت المقدس)، تهران، امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۶۴.

خرمشاهی، بهاءالدین، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، تهران، دوستان ناهید، ۱۳۷۷.

، ______________دایره المعارف تشیع، با کوشش: احمد صدر حاج سید جوادی و کامران فانی، نشر شهید سعید محبی، چاپ سوم، ۱۳۷۵.

خزائلی، محمد، اعلام قرآن، تهران، امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۳۷۱.

ص: ۲۹۹

خواندامیر، غیاث الدین بن همام الدین الحسینی (معروف به خواندمیر)، تاریخ حبیب السیر، به کوشش: محمد دبیرساقی، خیام، چاپ سوم، ۱۳۶۲.

دورانت، ویل، تاریخ تمدن، ترجمه: احمد آرام و دیگران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ ششم، ۱۳۷۸.

دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷.

رازی، ابوالفتوح، روض الجنان و روح الجنان، به کوشش: یاحقی و ناصح، مشهد، آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۵.

رشید رضا، محمد، تفسیر المنار، قاهره، دارالمنار، چاپ چهارم، ۱۳۷۳.

زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف، قم، بلاغت، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ه..ق.

زیدان، جرجی، مؤلفات جرجی زیدان الکامله، بیروت، دارالجیل، چاپ اول، ۱۴۰۲ ه..ق.

سپهر، لسان الملک میرزا محمدتقی، ناسخ التواریخ (هبوط، ج ۱و۲، عیسی ۱)، قم، ساری امجدی، ۱۳۷۷.

شایان مهر، علی رضا، دائره المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، تهران، سازمان انتشارات کیهان، چاپ اول، ۱۳۷۷.

شبستری، عبدالحسین، اعلام القرآن، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۹.

شوقی، ابوخلیل، اطلس جغرافیایی، به کوشش: فاطمه وثوقی، ترجمه: زینت فتحی، مشهد، پاپلی، ۱۳۸۶.

طالقانی، سید محمود، پرتویی از قرآن، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۳ ه.ق.

طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ هشتم، ۱۴۲۵ ه..ق.

طبرسی، ابن علی الفضل ابن الحسن، جوامع الجامع، بیروت، دارالاضواء، چاپ اول، ۱۴۰۵ ه..ق.

ص: ۳۰۰

طبرسی، ابی علی الفضل ابن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، لبنان، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۱۲ ه.ق / ۱۹۹۱ م.

طبری، ابن جریر، تاریخ الرسل و الملوک (تاریخ طبری)، به کوشش و ترجمه: ابوالقاسم پاینده، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۲.

طبری، ابن جریر، جامع البیان عن تأویل القرآن، به کوشش: صدقی جمیل العطار، بیروت، دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۱۵ ه..ق.

طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، به کوشش: احمد حبیب العاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.

عباسی مقدّم، مصطفی، اسوه های قرآنی و شیوه های تبلیغی آنان، قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۷۹.

عبدالباقی، محمدفؤاد، المعجم المفهرس الالفاظ القرآن الکریم، قاهره، دارالکتب المصریه، ۱۳۶۴ ه..ق.

فیض کاشانی، محسن، تفسیر الصافی، به کوشش: حسین اعلمی، بیروت، مؤسسه اعلمی، چاپ دوم، ۱۴۰۲ ه..ق.

قرطبی، ابی عبدالله محمد بن احمد الانصاری، الجامع الاحکام القرآن (تفسیر قرطبی)، بیروت، لبنان، دارالکتاب العلمیه، بی تا.

قریشی، علی اکبر، قاموس القرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم، ۱۳۷۱.

قطب، سید، فی ظلال القرآن، بیروت، دارالشروق، ۱۴۰۸ ه..ق.

قمی، شیخ عباس، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، نجف، مطبعه العلمیه، بی تا.

قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، به کوشش: موسوی جزایری، لبنان، دارالسرور، چاپ اول، ۱۴۱۱ ه..ق.

قمی، محمد بن بابویه (شیخ صدوق)، علل الشرایع، بیروت، دار احیاءالتراث العربی، ۱۳۸۵ ه..ق.

ص: ۳۰۱

، ــــــــــــــــــعیون الاخبار الرضا، به کوشش و ترجمه: مستفید غفاری، تهران، صدوق، چاپ اول، ۱۳۷۲.

کاشانی، مولا فتح الله، منهج الصادقین، به کوشش: مرتضوی غفاری، تهران، انتشارات علمیه اسلامیه، چاپ اول، ۱۳۸۵ ه..ق.

کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه: سید جواد مصطفوی، تهران، بی نا، بی تا.

مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۳ ه..ق.

، ــــــــــــــــــحیوه القلوب (تاریخ پیامبران ج ۱ و۲)، به کوشش: سید علی امامیان، قم، اسوه، چاپ اول، ۱۳۷۵.

محلاتی، شیخ ذبیح الله، ریاحین الشریعه (دانشمندان بانوان شیعه)، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی تا.

محمدی اشتهاردی، محمد، قصه های قرآن، مهدی یار، چاپ هفتم، ۱۳۸۳.

مرتضی، شریف، تنزیه الانبیاء، قم، شریف رضی، چاپ اول، ۱۳۷۶.

مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، اثبات الوصیه لعلی بن ابی طالب، به کوشش: محمدجواد نجفی، تهران، اسلامیه، ۱۳۴۳.

، مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم، ۱۳۶۵.

مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد، چاپ اول، ۱۳۷۴.

مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، قم، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهاردهم، ۱۳۷۲.

موسوی بجنوردی، سید کاظم، دائره المعارف بزرگ اسلامی، تهران، مرکز دائره المعارف بزرگ، چاپ اول، ۱۳۷۲.

ص: ۳۰۲

میبدی، ابوالفضل رشیدالدین، تفسیر کشف الاسرار و عده الابرار (معروف به تفسیر خواجه نصیرالدین انصاری)، به کوشش: علی اصغر حکمت، تهران، امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۳۳۹ / ۱۳۸۰ ه..ق.

میرخواند، محمد بن خاوندشاه، تاریخ روضه الصفا (فی سیره الانبیاء و الملوک و الخلفاء)، به کوشش: جمشید کیان فر، تهران، اساطیر، چاپ اول، ۱۳۸۰.

نیشابوری، حاکم، المستدرک علی الصحیحین، به کوشش: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.

هاشمی رفسنجانی، اکبر، فرهنگ قرآن (به کمک محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن)، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، بی تا.

الحویزی، ابن الجمعه العروسی، تفسیر نورالثقلین، قم، اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۳۷۳ / ۱۴۱۵ ه..ق.

یاقوت حموی، ابوعبدالله، المعجم البلدان، بیروت، دار صادر، چاپ اول، ۱۹۹۵ ه..ق.

یعقوبی، احمد بن وهب بن واضح، تاریخ یعقوبی، ترجمه: محمدابراهیم آیتی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هشتم، ۱۳۷۸.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
اصفهان
مرکز تحقیقات رایانه ای
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹